

أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُرَدِّي

بحران آفرینی ابر قدرت‌ها در کردستان عراق

تألیف :

صالح ملا عمر عیسی

تقدیم: به روان ابر مرد کرد ملامصطفی بارزانی
و فرزند دلیرش ادریس و پدر بزرگوارم
و همه کسانی که در راه آزادی فدا شدند.

بحران آفرینی قدرتهای بزرگ در کردستان عراق

تألیف
صالح ملا عمر عیسی

ملا عمر عیسی، صالح
بحران آفرینی قدرتهای بزرگ در کردستان عراق/
نگارش صالح ملا عمر عیسی. — تهران: توکلی، ۱۳۷۹.
۲۵۵ ص.: مصور، عکس.

ISBN 964-5821-09-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۲۲۱] - ۲۳۹.
۱. کردستان (عراق) -- تاریخ. ۲. کردان -- عراق
-- تاریخ. ۳. ملی‌گرایی -- کردستان. ۴. عراق --
تاریخ -- قرن ۲۰. الف. عنوان.

۹۵۶/۷۰۰۴۹۱۵۹۷

DSY۰/۸/ک۷م

م۷۹-۲۰۷۸۴

کتابخانه ملی ایران

بحران آفرینی قدرتهای بزرگ در کردستان عراق

تألیف : صالح ملا عمر عیسی

لیتوگرافی : نقره‌آبی

چاپ : شرکت گلبدان چاپ

نوبت چاپ: اول

سال چاپ : ۱۳۸۰

تیراژ : ۲۲۰۰

قطع : رقعی

حروفچینی : مؤسسه بروجردی

ناشر : انتشارات توکلی

تلفن پخش : ۶۴۱۱۲۷۶-۰۲۱- تهران

ISBN : 964-5821-09-6

شابک: ۹۶۴-۵۸۲۱-۰۹-۶

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مقدمه	۹

فصل اول: سیر تحولات تاریخی کردستان عراق

۱- سیر تحولات تاریخی کرد و کردستان در خاورمیانه.....	۱۷
الف - کردها قبل از میلاد مسیح (ع).....	۱۷
ب - کردها بعد از اسلام	۲۰
ج - وضعیت کردها از قرن ۱۵ تا اواخر قرن نوزدهم	۲۲
۲- پراکندگی جمعیت کردها	۲۴
الف - کردهای ترکیه	۲۵
ب - کردهای عراق	۲۶
ج - کردهای ایران	۲۷
د - کردهای سوریه	۲۸
هـ - کردهای جمهوریهای شوروی سابق	۲۹
و - مهاجرت کردها به کشورهای دیگر	۲۹
۳- موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی کردستان عراق.....	۳۰
۴- وضعیت اجتماعی کردها.....	۳۳
الف - خانواده	۳۳

- ب - عشیره یا ایل ۳۴
- ج - دیانت: ۳۷
- ۵- ناسیونالیسم کرد ۴۰
- ۶- چگونگی تشکیل دولت عراق ۴۷
- ۷- تقسیم کردستان پس از سقوط امپراطوری عثمانی ۵۰
- ۸- نقش رهبری کاریزماتیک ملامصطفی بارزانی بر جنبش ملی کردهای عراق ۵۶
- الف - بینش سیاسی ۵۷
- ب - توان نظامی ۵۹
- نتیجه گیری فصل اول ۶۵
- فصل دوم: قدرتهای بزرگ و تحولات کردستان در قرن بیستم**

- ۱- بریتانیا و کردستان عراق ۶۹
- الف - بریتانیا و شورش شیخ محمود برزنجی ۷۰
- ب - بریتانیا و شورش بارزان ۷۴
- ۲- روسیه (شوروی سابق) ۷۸
- الف - روسیه تزاری و کردستان ۷۹
- ب - روسیه بعد از انقلاب اکتبر و کردستان عراق ۸۱
- ۳- آمریکا و کردستان عراق ۸۷
- الف - سیاستهای آمریکا در دهه ۷۰ در کردستان عراق ۸۹
- ب - سیاستهای آمریکا بعد از جنگ دوم خلیج فارس در کردستان عراق ۹۴
- نتیجه گیری فصل دوم ۹۹

فصل سوم: سیاست بین الملل و کشمکش قدرتهای بزرگ بر سر قدرت و منافع ملی: بحث نظری

- واقع گرایی یا رئالیسم در روابط بین الملل ۱۰۳
- الف - هانس جی مورگنتا ۱۰۶

- ب - هنری کیسینجر ۱۱۰
- ج - کنت والتز ۱۱۲
- نتیجه گیری فصل سوم ۱۱۵
- فصل چهارم: انگیزه های قدرتهای بزرگ و منطقه ای در بحرانیای
کردستان عراق در قرن بیستم**
- ۱- انگیزه های قدرتهای بزرگ در کردستان عراق در دوره سلطه انگلستان
(۱۹۴۰-۱۹۰۰) ۱۱۹
- الف) کشمکش قدرتهای بزرگ در کردستان جهت کسب منافع
اقتصادی، سیاسی و استراتژیک قبل از شروع جنگ جهانی اول .. ۱۱۹
- ب- قراردادها و پیمانهای قدرتهای بزرگ و کردستان بعد از
شروع جنگ جهانی اول ۱۲۵
- ج- پیمان لوزان و انگیزه های قدرتهای بزرگ در کردستان جنوبی .. ۱۳۱
- د) پیمان سعد آباد ۱۳۷
- ۲- قدرتهای بزرگ و مسأله کردستان عراق در دوران جنگ سرد (۱۹۴۰-۱۹۸۹) ۱۴۲
- الف- جمهوری مهاباد: ۱۴۲
- ب- پیمان بغداد ۱۴۶
- ج- سیاستهای شوروی در دوران جنگ سرد و کردستان عراق .. ۱۵۱
- د- سیاستهای آمریکا و دکترین کیسینجر در دوران جنگ سرد
و کردستان عراق ۱۶۰
- ه) تأثیر بحرانهای کردستان عراق بر منطقه خلیج فارس ۱۷۳
- ۳- سیاست بین الملل و اوج گیری بحران کردستان در دوران پس از جنگ سرد .. ۱۸۲
- الف- نظام بین الملل و کردستان عراق ۱۸۲
- ب- سیاستهای احزاب گُرد در کردستان عراق ۱۹۱
- ج- سیاستهای آمریکا بعد از جنگ سرد در کردستان عراق ۱۹۸

۱۹۹	۱- منطقه امن در مدار ۳۶ درجه برای کردهای عراق
۲۰۲	۲- رقابت آمریکا با ایران در کردستان عراق
۲۰۷	نتیجه گیری فصل چهارم
	نتیجه گیری و نگاهی به آینده
۲۱۳	نتیجه گیری و نگاهی به آینده
۲۲۱	فهرست منابع به زبان فارسی
۲۳۱	فهرست مقالات به زبان فارسی
۲۳۳	فهرست منابع به زبان کردی
۲۳۵	فهرست مقالات به زبان کردی
۲۳۷	فهرست منابع به زبان عربی
۲۳۹	فهرست مقالات به زبان عربی
۲۴۱	اعلام

پیشگفتار

صاحب نظران و کارشناسان زیادی مسائل مطروحه در خاورمیانه را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. در این میان تنها مساله‌ای که علیرغم اهمیت زیادش در تأثیرگذاری بر مسائل منطقه کمتر مورد کنکاش واقع شده بحران کردستان عراق است. در این پژوهش با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه گردیدم. یکی از مشکلات اصلی پژوهش، محرمانه بودن مسائل کردها است در این زمینه احزاب کرد و دولت عراق اطلاعات چندانی را بروز نمی‌دهند و آنچه توسط دولت عراق منتشر می‌گردد نیز به نوعی در راستای اهداف سیاسی رژیم حاکم بر بغداد است. دومین مشکل این است که تحقیقات انجام شده توسط نمایندگان قدرت‌های بزرگ با توجه به مواضع و مصالح کشورهای مذکور بوده است و این سبب می‌شود که در تحقیقات آنها به جای حقایق، خواسته‌ها و تبلیغات خویش را منعکس نمایند. سومین مشکل این است که کتاب‌های که توسط کردها نوشته شده بیشتر در زمینه مسائل داخلی و جنگ‌های آنان با حکومت مرکزی است و کمتر به نقش و انگیزه‌های قدرت‌های بزرگ پرداخته شده است. اما با توجه به علاقه‌ای که نسبت به موضع پژوهش

داشتم سعی نمودم تا تحقیقات خود را به پایان برسانم. این کتاب با دیدگاه تجزیه و تحلیل سیاسی مهمترین مسائل مطروحه در این زمینه را مورد بررسی قرار داده است. هدف اصلی بر طرف نمودن نقص منابع و اطلاعات موجود در این زمینه است. در جمع آوری و تألیف این کتاب خود را مدیون کمک های ارزنده برخی اساتید و دوستانم می دانم و از همکاری جناب آقای نیچیروان بارزانی نهایت تشکر و قدردانی را می نمایم. همچنین از راهنمایی های ارزنده اساتید گرامی جناب آقای دکتر حمید احمدی، دکتر ابوالقاسم طاهری، دکتر جلیل روشندل و سرکار خانم دکتر پریچهر شاهسوند نهایت تشکر و قدردانی را می نمایم که بدون شک نقش تعیین کننده در راهنمایی اینجانب برای نگارش داشته اند. همچنین از همکاری برخی اساتید محترم دانشگاه صلاح الدین در شهر اربیل و بعضی از دوستان دانشجوی آن دانشگاه، آقایان کامران احمد دانشجوی فوق لیسانس تاریخ و قادر نجم الدین دانشجوی رشته زبان و ادبیات کردی نهایت تشکر و قدردانی را می نمایم که بدون شک نقشی تعیین کننده در جمع آوری مطالب داشتند. از همکاری دوست عزیزم آقای رسول افضل و جناب آقای اسلامیان که زحمت ویراستاری این کتاب را بر عهده داشتند بسیار سپاسگزارم و همچنین از مدیریت محترم انتشارات توکلی جناب آقای توکلی که در چاپ و نشر کتاب نهایت همکاری را داشتند تشکر می کنم.

تهران - پاییز ۱۳۷۹

صالح ملاعمر عیسی

دانشجوی دوره دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

خاورمیانه و به ویژه منطقه خلیج فارس در سالهای اخیر یکی از کانون‌های عمده بحران در جهان بوده است. علاوه بر نزاع اعراب و اسرائیل و نزاع برخی از دولت‌های عرب، بحران کردستان عراق نیز چالش‌های اساسی در پیش روی سیاست‌های منطقه قرار داده است. متأسفانه نقطه ثقل توجه صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل خاورمیانه پیرامون مساله اعراب و اسرائیل بوده و در مورد کردستان عراق کمتر قلمفرسایی کرده‌اند.

بحران کنونی کردستان از بدو تشکیل دولت عراق شروع شده است. در واقع از این زمان به بعد بود که کردها به عنوان یک اقلیت تحت فشارهای سیاسی دولت‌های حاکم بر عراق قرار گرفتند. قبل از این تاریخ یعنی زمانی که کردستان عراق جزء سرزمین‌های امپراطوری عثمانی محسوب می‌شد، فشارهای زیادی از جانب این کشور بر آنها وارد می‌شد. پس از شکست عثمانی در جنگ جهانی اول، کردها نیز مانند تمام ملت‌های زیر سلطه این امپراطوری خواستار کسب حقوق خود و تشکیل کشور مستقل کردستان شدند. نقش قدرت‌ای بزرگ در منطقه خلیج فارس و به ویژه انگلیس مانع از این شد که خواسته آنها برآورده شود. بر همین

اساس با توجه به طرحهای استعماری این کشور قسمتی از کردستان با تشکیل مرزهای مصنوعی به عراق ملحق شد. از آن زمان به بعد نیز مبارزات کردها برای کسب حقوق خویش همواره ادامه یافت. در دهه ۱۹۹۰ پس از اشغال کویت توسط عراق و آوارگی شمار زیادی از کردها به کشورهای همسایه، شورای امنیت سازمان ملل منطقه امنی را در مدار ۳۶ درجه برای کردها در نظر گرفت که تقریباً به آن حالت فدرالی داده است. مسائل کردستان عراق در حال حاضر یکی از مسائل مهم سیاسی در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود و بحرانهای آن تأثیر زیادی به منطقه دارد. نکته‌ای که مورد اتفاق نظر کارشناسان و صاحب نظران این موضوع می‌باشد این است که دخالت قدرت‌های بزرگ به عنوان یک عامل تعیین کننده نقش مهمی در بحران آفرینی این منطقه داشته است. در طول دوره قرن بیستم دخالت ابرقدرت‌ها در این منطقه کاملاً آشکار بود. انگلیس، فرانسه، روسیه و آمریکا به عنوان قدرت‌های تعیین کننده آن دوره تأثیرات زیادی به سیاست‌گذاری‌های کلان این منطقه داشتند. این دخالت‌ها امروزه نیز ادامه دارد.

بر این اساس نگارنده در پی پاسخگویی به یک سؤال اساسی است: انگیزه قدرت‌های بزرگ از دخالت در مسائل کردستان عراق چه می‌تواند باشد؟ علاوه بر این برای پاسخگویی به برخی از سئوالات ریزتر می‌تواند ما را در طرح اصلی فرضیه‌مان یاری کند. اینکه چرا از اوایل قرن بیستم تاکنون همواره و به طور مداوم درگیری‌هایی میان کردها و دولت‌های حاکم بر عراق وجود داشته است، خود مساله مهمی است که پرداختن به آن اهمیت دارد. علاوه به این پرداختن به مسائلی نظیر اینکه آیا بعد از رفع تحریمهای سازمان ملل به روی کشور عراق، منطقه امن جهت محافظت کردها همچنان ادامه خواهد یافت و سرنوشت کردها با

رژیم عراق به چه طریقی خواهد بود؟

آیا این امر مجدداً موجب نزاع و خونریزی بین رژیم بعث و کردها خواهد شد؟

اگر رژیم بعث سرنگون گردد و رژیم دیگری بر سر کار آید آیا حالت فدرالی کردها همچنان باقی خواهد ماند یا اینکه اوضاع تغییر کرده و قتل عام مجدداً شروع خواهد شد؟

در پاسخ به سوال اصلی این فرضیه را مطرح می‌کنیم که هدف قدرت‌های بزرگ از دخالت در بحرانهای کردستان عراق پیشبرد منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژیک خود بوده است. از بدو تشکیل دولت عراق تا انقلاب سال ۱۹۵۸ توسط عبدالکریم قاسم این کشور تحت سلطه بریتانیا قرار داشت. در این زمان کردها همواره خواستار کسب حقوق خویش بودند. انگلستان برای حمایت از رژیمهای دست‌نشانده خویش به قتل عام کردها دست می‌زد و در رسانه‌های تبلیغاتی خود قتل عام زنان و کودکان کرد را به عنوان قتل عام کودکان افلیج توجیه می‌نمود تا منافع خویش را در کشور عراق تأمین کند.

مسئله کردها همواره پاشنه آشیل کشور عراق بوده است. ابر قدرت‌ها در زمان جنگ سرد برای اعمال فشار علیه عراق سعی کردند از کردها حمایت کنند تا عراق در راستای اهداف آنها قرار گیرد. با این وجود آنها پس از جنگ سرد در نظم نوین جهانی آمریکا با هدف تضعیف صدام حسین و برای اینکه رژیم عراق تحت کنترل آن کشور قرار گیرد اقدام به همکاری با کردهای عراق نموده است. نکته جالب توجه این است که مسئله کردها ذهن تمام رژیم‌های حاکم بر بغداد را همواره به خود مشغول و آنان سعی نموده‌اند تا به عوض حل قضیه کردها و احترام به حقوق آنان از طریق دیپلماسی و مذاکره از راه درگیری‌های نظامی و

نابودی کردها مسئله را حل نمایند، که این امر به جنگ و خونریزی گسترده‌ای میان کردها و دولت‌های حاکم بر عراق انجامیده است. در حال حاضر رژیم بعث به کردهای عراق اجازه نمی‌دهد که در شهرهای موصل و کرکوک برای خویش زمین و یا خانه خریداری نمایند، شخصی که زمین می‌خواهد بخرد باید در شناسنامه خویش قید نماید که عرب است یا با شناسنامه یک شخص عرب باید زمین را خریداری نماید. بر این اساس دولت عراق سیاستهای گسترده‌ای را جهت عربی کردن مناطق کردنشین اعمال کرده است و ساکنان اصلی شهر کرکوک را که کردها می‌باشند از شهر اخراج نموده است. تنها در فاصله سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹ میلادی ۱۸۰ هزار نفر از کردها را بازداشت نمود که تقریباً سرنوشت اکثریت آنها تاکنون (سال ۲۰۰۰) مشخص نیست اکثر آنها با روشهای مختلفی که رژیم بعث در نابودی انسان‌ها مهارت دارد، کشته شده‌اند و در گورهای دسته‌جمعی دفن گردیده‌اند. علاوه بر این بیش از $\frac{3}{4}$ روستاهای کردستان را ویران کرده و ساکنین آن را در اردوگاه‌های خاصی که ساخته بودند اقامت دادند. با این عمل در واقع آنها تحت کنترل خاصی قرار می‌گرفتند. رژیم بغداد برای حل مسئله کردها سعی نموده که صورت مسئله را پاک نماید، یعنی کردها را نابود نماید در این مورد می‌توان به بمباران شیمیایی شهر حلبچه اشاره نمود، که چگونه هوای طبیعی شهر حلبچه را بمبهای شیمیایی که با پول نفت کرکوک خریداری شده بود، مسموم نمود تا زنان و کودکان کرد را به طرز فجیعی به شهادت برساند و شهری را که ۷۰ هزار نفر جمعیت داشت به یک ویرانه تبدیل نماید.

نگارنده مسائل کردستان عراق را در سیاست بین‌الملل در سه دوره مورد بررسی قرار می‌دهد.

دوره اول: از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰ به عنوان دوره سلطه انگلستان.

دوره دوم: از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۹ به عنوان دوران جنگ سرد و رقابت بین آمریکا و شوروی برای سلطه بر جهان.

دوره سوم: از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به عنوان نظم نوین جهانی که در آن قدرت نظامی آمریکا بر جهان حاکم است و بر کل نظام بین الملل سلطه دارد.

در این پژوهش بیشتر سعی نگارنده بر آن بوده که کمتر به بحث در مورد تاریخ کردستان پرداخته شود، بلکه در عوض تاریخ کردستان عراق با توجه به انگیزه و مداخلات قدرت های بزرگ در ایجاد مرزهای مصنوعی برای کردستان بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی و درگیر شدن انگلیس، فرانسه، روسیه (شوروی) و آمریکا تاکنون (سال ۲۰۰۰) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این کتاب در واقع سعی در برطرف نمودن وجود اطلاعات ناقص در زمینه مسائل کردها و به طور خاص کردهای عراق دارد. با توجه به محدودیت های اساسی که در زمینه جمع آوری منابع و اسناد و مدارک وجود داشته، تمام سعی نگارنده بر این بوده است تا به طریقی این ضعف را برطرف نماید. جنبه عملی این کار پژوهشی این است که راه حل های پیشنهادی برای حل بحران مذکور ارائه داده است.

فصل اول

سیر تحولات تاریخی کردستان عراق

۱- سیر تحولات تاریخی کرد و کردستان در خاورمیانه

الف - کردها قبل از میلاد مسیح (ع)

مبحث کردها قبل از میلاد به ریشه و نژاد کردهای پردازد. موضوع نژاد از لحاظ جامعه شناسی و از خلال تصورات جمعی واجد بُعد سیاسی است. تمایز نژادها عامل مهمی در ایجاد تضاد سیاسی هستند. البته باید در نظر داشت که تضاد، ناشی از طبیعت فیزیولوژیک نژادها نیست، بلکه از تصورات ذهنی جامعه در باب نژادها نشأت می‌گیرد. این تصورات ذهنی جمعی خود از موقعیتهای اجتماعی و روانی به وجود می‌آیند.^(۱) تعریفی که انسانها از نژادهای بشری پیدا کرده‌اند این است که «نژاد عبارتست از دسته یا گروههای انسانی که دارای خصوصیات جسمانی مشترک باشند که بنا به اصل توارث به آنها رسیده است، هر چند این گروهها از نظر آداب و رسوم، یا ملیت همانند نباشند.» البته در مورد نژاد کردها نظریات گوناگونی از طرف دانشمندان ارائه گردیده است.^(۲)

۱- موریس، دو ورژه، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، (تهران، فرانکلین، ۱۳۴۹) ص ۲۳ و ۲۴

۲- فرانسوا، دوفونت، نژادگرایی (راسیسم)، ترجمه حسین شهید زاده، (تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹) ص ۶

قدیمی ترین طائفه ای که در زاگرس می زیسته «گوتی» بوده اند. که در قدیم از شمال عیلام تا آطنه منطقه وسیعی را اشغال نموده بودند و حتی زمانی سومر عیلام و در اوایل قرن بیست و ششم پیش از میلاد آکاد و سومر و عیلام را اشغال و ۱۲۵ سال در بابل سلطنت نموده اند.^(۱) سلطنت نژاد آریا در ایران و در شمال غرب و سوریه از گوتی ها شروع شده است.^(۲)

تفکیک نامهای گوتی، کورتی و کوسی از هم مشکل است. ممالکی که وطن گوتیها بوده، در آنجا کورتی و کوسی ها نیز وجود داشته اند و در ناحیه ای که مسکن کوسیها شده بود مانند انزان و لرستان، گوتی و کورتی ها نیز بوده اند و در بلادی که در آن کاردو و کورتی ها سکونت داشتند گوتی و کوسی ها را هم می بینیم. برخی بر این عقیده اند که هر سه نام یا اسم یک ملت بوده و یا کورتی و کوسی به بزرگترین طوایف گوتی اطلاق می شده که اینها با هم مخلوط و زندگی می کرده اند که در مجموع نام گرد به خود گرفته اند.^(۳)

البته بر اساس برخی از نظریات قدیمی ترین اثری که در آن از کرد سخن به میان آمده کتیبه و ارادتر مربوط به ۲۲۷۲ سال قبل از میلاد است. دکتر سپایزر سابقه این امر را تا شش هزار سال قبل از میلاد در کوههای زاگرس تشخیص داده و می گوید «تاریخ، ملتی کهن تر از کرد را در این سرزمین نشان نمی دهد.»^(۴)

به طور کلی کردوخی های که گزنفون در شرح عقب نشینی ده هزار

۱- احسان، نوری، تاریخ ریشه نژادی کرد (مهاباد، سیدیان، ۱۳۶۱) ص ۶۶

۲- همان کتاب، ص ۲۹

۳- همان کتاب، ۲۷

۴- حسن، ارفع، کردها و یک بررسی تاریخی و سیاسی،... ص ۸۵

نفری مشهور خود (۴۰۱-۴۰۰ سال پیش از میلاد) از ورای خاک کردستان فعلی تا دریای سیاه به آن اشاره کرده است نیز مانند کردهای فعلی کوه نشین بوده و در همان سرزمین سکونت داشته‌اند. به گفته وی آنها شجاع بوده و نام‌هایی شبیه به اسامی کردهای امروزی داشته‌اند. برخی از شرق شناسان مانند ثودر^(۱) نولد که در این زمینه مطالعات فراوانی داشته‌اند و همچنین هارتمان^(۲) و ویسباخ^(۳) ثابت کرده‌اند که به دلایل زبان شناسی، واژه‌های «کرد و» و کرد نباید مترادف هم گرفته شوند. به عکس معتقدند که کورتی‌های مورد اشاره مورخان باستان از جمله استرابون (جغرافی دان معروف) همان کردهای باشند.^(۴) و بنابه گفته‌های محققین و مورخین نظیر دمرگان و مادیسون مادها شاخه ای از نواده‌های گوتی و کوسی‌های باشند.^(۵)

بابا مردوخ نیز بیان می‌کند که قوم ماد متشکل از چندین طایفه بوده که دیاکو نخستین فرمانروای ماد آنها را متحد ساخت و دولت ماد را بوجود آورد و این نخستین دولت آریایی است که در سال ۷۰۱ یا ۷۰۸ قبل از میلاد مسیح (ع) تأسیس شد به عقیده بابا مردوخ مادها همان کردهای امروزی هستند. بسیاری از شرق شناسان اروپایی از جمله پرفسور سایش معتقدند^(۶) که قوم ماد همان مردم کرد بوده‌اند. همچنین گروه کثیری از مورخین ایرانی مانند مشیرالدوله بر این عقیده‌اند که ریشه قوم

1- teoderNoldeke

2- Hartmann

3- Weissbach

۴- واسیلی، نیکین، کرد و کرستان، ترجمه محمد قاضی (تهران، نیلوفر، ۱۳۶۶) ص ۳۴ و

۳۵

۵- نوری، پیشین، ص ۶۶

6- SAYCE

کرد امروزی مادها هستند.^(۱)

مادها اقوام هم کیش خود یعنی پارس ها را که در جنوب غربی ایران سکنی گزیده بودند تابع خود ساختند و شهر اکباتان یا همدان را بنا نهادند و پایتخت خود قرار دادند.

پرفسور سایس می گوید: مادها عشایر کرد بودند که در شرق آشور زندگی می کردند و سرزمینشان تا جنوب دریای خزر ادامه داشت. برخی از مستشرقین و متخصصین معتقدند که زبان مادی همان زبان کردی امروزی است.^(۲)

ب - کردها بعد از اسلام

کردها نقش مهمی در ارتش خلفای اموی و عباسی داشتند. بعضی از خانواده ها نظیر شدادیان نیز بر برخی از امارت های کردستان حکومت کرده اند.^(۳) در سال ۳۴۰ هجری قمری (۹۵۱ م) سلسله شدادیان توسط محمد بن کرتو از عشیرت ره وه دی تاسیس یافت. این شاهزادگان بر توده ای سلطنت می کردند که بیشترشان ارمنی بودند. و بناهای تاریخی جالبی از آثار آنها بر جا مانده است از جمله دو مسجد به سبک معماری محلی در آنجا که به شهر هزار و یک کلیسا معروف است. تاریخ سلسله شدادیان بر از مبارزه برای تبلیغات اسلامی است این سلسله توسط

۱- مردوخ روحانی (شیوا)، بابا، تاریخ مشاهیر کرد، ویراستار ماجد مردوخ روحانی، (تهران، سروش، ۱۳۷۱) ج ۳، ب ۲، ج ۳، ص ۱ و ۲

۲- محمد امین، زکی، تحقیقی تاریخی درباره کرد و کردستان ترجمه، حبیب الله تابانی، ویراستار لطفعلی حسین زاده (تهران، آیدین، ۱۳۷۷) ص ۶۸.

۳- عه لا نه دین، سه جادی، میژووی را په رینی کورد، (سه قز، محه ممه دی، ۱۳۷۵) ج ۲،

سلجوقیان منقرض گردید.^(۱)

فرمانرواهای دیگری نظیر حسنوایی (حه‌سه ناوایی) در سال ۳۴۸ هـ ق (۹۵۹ م) در جنوب کوه بیستون حکومت کرده‌اند. ولی ایشان نیز توسط سلجوقیان منقرض گردیدند.

سلسله مروانی که توسط ابوعلی بن مروان تاسیس شد از سال ۳۸۰ هـ ق (۹۹۰ م) تا ۴۸۹ هـ ق (۱۰۹۶ م) دوام یافت. مستملکات آن شامل ولایت دیاربکر و بعضی از شهرهای ارمنستان و نیز برای مدتی شهر اورفه بود. اصل و نسب رؤسای آنان کرد بوده است که سلجوقیان به حکومت ایشان پایان دادند.^(۲)

سلسله ایوبیان (۱۱۶۹ م - ۱۲۵۰ م) که کرد بودند، در سال ۵۶۹ هـ ق در مصر با قدرت تمام برقرار گردید و قلمرو خود را بسیار گسترش داد. در تمام فتوحات و جنگ‌های سلطان صلاح الدین ایوبی عده زیادی از عشایر و امرای کرد شرکت داشتند. عشایر حکاری، مهرانی، حمیدی و زوزای از جمله آن عشایر بودند. سرزمینهای مصر، سوریه، جزیره، و ارمنستان نیز به متصرفات سلطان صلاح الدین افزوده شد. اوج عظمت حکومت ایوبی، زمان سلطان صلاح الدین ایوبی بود.

سلطان صلاح الدین موجبات رشد و قدرت فوق العاده اسلام و مسلمانان را فراهم آورد.^(۳) او قهرمانی بود که از میان کردها برخاست و به آخرین تلاش صلیبی‌ها برای تصرف بیت المقدس پایان داد. و آنها را به بدترین وضعی از سرزمینهای اسلامی دور ساخت. وی ریچارد شیر دل را نیز شکست داد و به همین خاطر در تاریخ جنگهای صلیبی نام صلاح

۱- نیکتین، ص ۳۸۶ و ۳۸۷

۲- سه جادی، پیشین، ص ۱۴

۳- زکی، پیشین، ص ۱۱۷

الدین ایوبی و شجاعت او ماندگار است. او به اصلاح فساد و خرابکاریهایی که در بین مسلمانان وجود داشت، پرداخته و دوران اقتدار و عظمت از بین رفته را به اسلام بازگردانید و چون گذشته طراوت، نیرو و متانت نصیب اسلام و مسلمانان گردید.^(۱) اگر در جنگهای صلیبی شخصی چون صلاح الدین ایوبی پا به میدان نمی گذاشت دفع فتنه مزبور هرگز از کس دیگری ساخته نبود. صلاح صاوی ادیب و شاعر نامی مصر هرگاه با کردی برخورد می کرد به او احترام می گذاشت. وقتی از وی سبب را پرسیدند در جواب می گفت: «به خاطر صلاح الدین ما مسلمانان برای همیشه مدیون مردانگی و همت سلطان صلاح الدین هستیم»^(۲)

ج - وضعیت کردها از قرن ۱۵ تا اواخر قرن نوزدهم

کردها در قرن پانزدهم سال ۱۴۰۰ م با تیمور لنگ جنگیدند و موفق شدند که در مناطق «آمیدی» برای خود امارتهایی را تشکیل دهند.^(۳) اما در قرن شانزدهم نیروهای ایران و امپراطوری عثمانی در روز ۲۳ اوت ۱۵۱۴ در دشت چالدران واقع در شمال غربی دریاچه ارومیه با هم روبرو شدند. در این جنگ که به چالدران معروف گردید شاه اسماعیل از سلطان سلیم عثمانی شکست خورد و دیاربکر و قسمت بزرگی ($\frac{2}{3}$) خاک کردستان را از خاک کردستان به تصرف خود درآوردند. و اولین تقسیم کردستان در اینجا صورت گرفت چرا که این منطقه تقریباً در تمام ادوار

۱- محمد، محمود صواف، نقشه های استعمار در راه مبارزه با اسلام، ترجمه سید جواد

هشترودی (تهران، موسسه مطبوعاتی فراهانی، ۱۳۴۶)، ص ۱۵

۲- عبدالقادر، ابن رستم بابانی، سیرالاکراد (تهران، محمد رئوف توکلی، ۱۳۶۶)، ص ۶ و ۷

۳- مینورسکی، کورد، تبیینی و وردبونه و ه، وه رگیر حمه سعید حمه کریم (اربیل، زانکوی

صلاح الدین، ۱۹۸۴) ص ۵۰

بعدی بطور کلی در تصرف دولت عثمانی قرار داشت.^(۱) سلطان عثمانی نیمه استقلالی را به امارت‌های کرد داد و کردها نیز همکاری خویش را با سلطان عثمانی اعلام کردند و بدین ترتیب پیمانی بین سلطان عثمانی و ۲۳ امارت کرد به امضاء رسید. این پیمان که در سال ۱۵۱۴ به امضاء رسید، ۱۵۰ سال دوام یافت. کردها در تمام جنگ‌هایی که امپراطوری عثمانی انجام می داد به کمک آنها می رفتند. این جنگ‌ها منجر به کشته شدن هزاران تن از جوانان کرد شد. اما در سال ۱۶۸۳ ترک‌ها خودشان را به این پیمان ملتزم ندانستند. ترک‌ها به فکر حیلۀ علیه امارت‌های کردها بودند و این موجب کینه بین ترک‌ها و کردها گردید.

سلطان سلیم حاکمی برای تمام امارت‌های کردستان انتخاب کرد که مرکز آن در شهر دیاربکر بود. بعد از مدتی سلطان سلیم به کردستان حمله برد و قدرت کردها را بسیار محدود کرد و یک نوع خود مختاری^(۲) محدود به آنها داد.^(۳) بالاخره در قرن نوزدهم سلطان محمود دوم بر آن شد که آن خود مختاری محدود را نیز از کردها گرفته و کردستان را به اشغال کامل خود در آورد. در سال ۱۸۳۴ محمد رشید پاشا به کردها حمله کرد و امارت‌های کردها را از میان برد و بدین ترتیب باعث شد که کردها در سال‌های ۱۸۴۶-۱۸۴۳ به رهبری بدرخان پاشا، اولین حرکت ملی خود را بر ضد حکومت ترکیه انجام دهند. متأسفانه این قیام به شکست انجامید، چون ارتش ترک نیروهای زیادی را برای سرکوب کردها اعزام

۱- منوچهر پارسادوست، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق (تهران، شرکت های انتشار، ۱۳۷۰) ج ۵ ص ۳۳ و ۳۴

۲- رجوع کنید به: ولید، حمدی «کورد و کوردستان له به گله نامه کانی بریتانیا (۱)» و رگری، محمدمهد نوری توفیق. په یقین، ژماره ۱، سلیمانیه (ته موزی ۱۹۹۷)

۳- همان مقاله

کرده بود.

آنها بدرخان را دستگیر و به جزیره کرید تبعید کردند.^(۱) علاوه بر شورش بدرخان شورش یزدان شیر در سال ۱۸۵۵ و شورش‌هایی نیز در سالهای ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۹، ۱۸۸۴، ۱۸۸۹، توسط ملت کرد علیه امپراطوری عثمانی صورت گرفت. متأسفانه شورش‌های فوق بطرز فجیعی توسط امپراطوری عثمانی سرکوب گردیدند.

در ایران نیز خاندان زند که از عشیره «لک کرد» بودند. کریم خان زند در سال ۱۱۶۳ هـ.ق (قرن هجدهم میلادی) در ایران به سلطنت رسید و به مدت سی سال و هشت ماه و دوازده روز فرمانروایی کرد. کریم خان از پادشاهان خوب و نیک سیرت ایران بود. و کمتر به فکر تشریفات، تکلفات و تجملات سلطنتی بود و خود را وکیل الرعایا می‌خواند.

وی در تاریخ ۱۳ صفر ۱۱۹۳ هـ.ق (۱۷۷۹ هـ.ق) در شیراز در سن هشتاد سالگی درگذشت. بعد از مرگ او ابوالفتح خان زند پسر کریم خان زند جانشین او شد^(۲) افراد دیگری که از این سلسله به سلطنت رسیدند عبارتند از صادق خان، علی مردان خان زند، جعفر خان زند، سید خان زند و لطفعلی خان زند که تا سال ۱۲۰۹ هـ.ق بر ایران حکومت کردند.^(۳)

۲- پراکندگی جمعیت کردها

روابط بین الملل قبل از هر چیز به مناسبات بین دولتهای ملی می‌پردازد، شناخت ترکیب قومی و نژادی در این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که دریابیم تجانس جمعیت‌های مستقر در دوسوی

۱- مینورسکی، پیشین، ص ۵۴ و ص ۵۵

۲- مردوخ روحانی، پیشین، ص ۵۰۹ تا ۵۱۲

۳- امین زکی، پیشین، ص ۴۱۵ تا ۴۳۰

مرزهای سیاسی یک کشور از لحاظ قومی، فرهنگی و سایر ویژگیهای اجتماعی چگونه است و این ویژگیها تا چه اندازه در تابعیت و همبستگی سیاسی آنها در کشورهای متبوعشان تاثیر می‌گذارد.^(۱) وجود کردها در اطراف مرزهای ایران، عراق، ترکیه، سوریه و جمهوریهای شوروی سابق موجب طرح یک سلسله ملاحظات سیاسی در روابط همجواری و همسایگی می‌گردد. که بدون تردید از اهمیت خاصی برخوردار است.

الف - کردهای ترکیه

سرشماری که در سال ۱۹۷۰ انجام گرفت نشان می‌دهد که جمعیت کرد زبان ترکیه ۲۳/۸٪ کل جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند که در آن زمان ۳۵/۷۰۰/۰۰۰ سی و پنج میلیون و هفتصد هزار نفر بودند، این سرشماری به احتمال زیاد چندان دقیق نیست. برآوردهای مختلفی که در آن زمان درباره جمعیت ملت کرد صورت گرفته بود چیزی بین ۸ تا ۱۲ میلیون نفر را نشان می‌داد.^(۲) مقامات ترکیه ترجیح می‌دهند که جمعیت کردها را کمتر از واقع جلوه دهند. این نکته را نیز باید در نظر داشت که شمار قابل ملاحظه‌ای از کردها هنوز متاثر از خشونت‌ها و سرکوبی‌های نیم قرن پیش در اعلام گرد بودن خود بسیار محتاطند.

رشد جمعیت در کردستان ۲/۸۸٪ و در کل کشور ۲/۶۵٪ می‌باشد. کم شدن مرگ و میر کودکان باعث افزایش شدید رشد سالانه جمعیت گردیده که بطور متوسط به ۳/۲۷٪ رسیده است. در هر کیلومتر مربع در

۱- علی اصغر کاظمی، زنجیرهٔ تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل (تهران،

قوس، ۱۳۷۰) ص ۳۱

۲- کنдал، شریف وانی و مصطفی نازدار، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران، روزبهان،

۱۳۷۲) ج، ص ۸۹

کردستان ترکیه ۳۳ نفر زندگی می کنند.

در حالی که در کل کشور در هر کیلومتر مربع ۴۳/۹ نفر زندگی می کنند.^(۱) بطور کلی در حال حاضر به احتمال زیاد جمعیت کردهای ترکیه $\frac{۱}{۴}$ کل جمعیت ترکیه را تشکیل می دهند.

ب - کردهای عراق

بر اساس سرشماری که در سال ۱۹۵۷ در عراق صورت گرفت جمعیت عراق حدود شش و نیم میلیون نفر بود. جمعیت عربها ۵/۰۱۸/۹۲۶ نفر کردها ۱/۰۴۲/۷۷۴ نفر و جمیت اقلیتهای دیگر ۲۳۶/۷۷۴ نفر اعلام گردید. در سرشماری ۱۹۵۷ جمعیت کردها ۲۷/۲٪ کل جمعیت را تشکیل داد.^(۲)

در سال ۱۹۷۵ جمعیت عراق به ۱۱/۱۲۴۰۰۰ نفر افزایش یافته بود، جمعیت کردها نیز ۲/۸۰۰/۰۰۰ نفر اعلام گردید. که در این سرشماری جمعیت کردها ۷/۲۶٪ کل جمعیت کشور عراق را تشکیل داد.^(۳) اما با توجه به زادو ولد و رشد جمعیتی که در کردستان وجود دارد، جمعیت کردها نسبت به کل کشور نه تنها کاهش نیافته، بلکه می توان گفت که افزایش چشمگیری نیز داشته است. به طوری که در حال حاضر جمعیت کردهای عراق حدود $\frac{۱}{۳}$ جمعیت کل کشور عراق را تشکیل می دهند.

۱- همان کتاب

۲- مسعود، بارزانی، بارزانی و بزورته وهی رزگار یخوازی کورد ۱۹۵۸-۱۹۶۱ وه رگیر سه

عید ناکام (دهوک، خه بات، ۱۹۹۸)، ص ۳۴ و ص ۳۵

۳- کندال، وانلی و مصطفی نازدار، پیشین، ص ۱۷۷

ج - کردهای ایران

در کشور ایران کردها در سراسر کشور پراکنده‌اند. در زمان شاه اسماعیل (۱۵۰۲م - ۱۵۲۴م)، شاه عباس (۱۶۲۹م - ۱۵۸۷م) و نادرشاه (۱۷۳۶م - ۱۷۷۴م) کردها در همه مناطق ایران پراکنده شدند. در هر مقطع از زمان پراکندگی کردها دارای اهداف خاصی بوده است. برای نمونه شاه عباس اول بیش از ۱۵۰/۰۰۰ کرد را به خراسان نقل مکان داد، تا در مقابل تجاوز بیگانگان از مرزهای ایران دفاع نمایند و علت آن نیز این بود که در جنگیدن با دشمنان متجاوز از شجاعت خاصی برخوردارند.^(۱)

ایل جلالوند در استانهای قزوین، گیلان و کرمانشاه، ایل مافی و ایل کاکاوند در استانهای قزوین و کرمانشاه، ایل چکینی در استانهای قزوین، خراسان و فارس، ایل دلفان در کلاردشت و مازندران، ایل خواجه‌وند در کلارستاق و کجور، ایل رشوند در بخش رودبار و الموت استان قزوین، ایل صوفی در استان گیلان و کرمانشاه، ایل کلهر در قزوین و کرمانشاه و ایل بهتویی در استان قزوین به طور پراکنده زندگی می‌کنند.^(۲)

در سیستان و بلوچستان نیز کردها زندگی می‌کنند. آنها در گذشته به علل مختلفی به آنجا مهاجرت کرده‌اند. در بلوچستان عشایر بر اخوی کرد هستند که شهر ایخ حدود شمالی (که تنّا) مرکز این طایفه است.

بر اخوی اساساً به دو شاخه و پنج فرقه تقسیم می‌شوند. سروان یا براجوی سفلی و فرقه‌های آن عبارتند از کامبرانی، مروانی، گورکناری

۱- رجوع کنید به: کلیم الله، توحیدی، حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران (منهد، ۱۳۶۶) ج ۱، ج ۲، ج ۳

۲- برای اطلاعات بیشتر در مورد پراکندگی کردها در ایران می‌توانید رجوع کنید به: حیدر، بهتویی، کُرد و پراکندگی او در گسترده ایران زمین، (تهران، مؤلف، ۱۳۷۷)

شومالانی و قلندرانی.^(۱)

در استانهای قزوین، مازندران و گیلان نیز کردها زندگی می‌کنند. مهاجرت کردها به آنجا به علل مختلف و به طور دسته جمعی صورت گرفته است.

هم اکنون در تهران نیز تعداد زیادی از کردها را می‌توان دید علت مهاجرت کردها به تهران امکانات بهتر این شهر نسبت به استانهای کرد نشین است.

با توجه به پراکندگی کردها در سراسر ایران، بدست آوردن آمار و ارقام جمعیت کردها در ایران بسیار مشکل است.

د - کردهای سوریه

کشور سوریه نیز سعی بر تبعید کردها به منطقه عرب نشین داشته و یک کمربند خضرأ را ایجاد کرده است تا مناطق کردستان را از کردستان عراق و ترکیه جدا کند. به همین جهت بر آن است تا مناطق کردنشین را عربی کند.

در سرشماری سال ۱۹۷۶ که در آن جمعیت کشور سوریه ۷/۵ میلیون نفر اعلام گردید، جمعیت کردهای سوریه نیز ۸۲۵/۰۰۰ نفر بود. در این سرشماری جمعیت کردها ۱۱ درصد جمعیت کشور سوریه را تشکیل می‌داد.^(۲)

در سال ۱۹۹۰ جمعیت کردها در سوریه ۱/۲۵۰/۰۰۰ نفر بود.^(۳)

۱- زکی، پیشین، ص ۳۹ و ۴۰

۲- کندال، وانلی و مصطفی نازدار، پیشین، ۲۵۳

۳- همان کتاب، ص ۲۶۸

هـ - کردهای جمهوریهای شوروی سابق

سرشماری‌هایی که در شوروی سابق در مورد کردها صورت می‌گرفت، ناقص بود. زیرا بسیاری از کردها از افشای هویت اصلی خود خودداری می‌کردند. خصوصاً کردهای یزیدی که خود را یزیدی معرفی می‌کردند و بعضی دیگر از کردها نیز بنا به مسائلی از ابراز هویت اصلی خود امتناع می‌کردند. به هر حال با توجه به آمارگیری سال ۱۹۷۰ که در شوروی سابق انجام گرفت آمار کردها در جمهوری‌های شوروی سابق به شرح زیر است:

۱- ارمنستان ۳۷/۴۸۶

۲- آذربایجان ۱۵۰/۰۰۰

۳- گرجستان ۲۰/۶۹۰

۴- قزاقستان ۱۲/۳۱۳

۵- قرقیزستان ۷/۹۷۴

۶- ترکمنستان ۵۰/۰۰۰

بنا به آمار در سال ۱۹۷۵ در ارمنستان ۴۸۰۰۰ کرد در گرجستان ۳۵۰۰۰ کرد زندگی می‌کردند.^(۱)

و - مهاجرت کردها به کشورهای دیگر

کردها بیش از گذشته برای کسب آموزش، مسائل سیاسی و مشکلات اقتصادی به خارج سفر می‌کنند. میلیون‌ها نفر در کشورهای مختلف اروپایی مشغول به کارند. به طور مثال بیش از پانصد هزار کرد فقط در کشور آلمان زندگی می‌کنند.

حدود ۶۰ هزار نفر نیز در کشور سوئد ساکنند تعداد زیادی از کردها نیز در کشورهای آمریکا، هلند، دانمارک، بلژیک، سوئیس، ایتالیا، فرانسه، انگلستان، کانادا، استرالیا، نیوزلند، اتریش، یونان، روسیه و غیره زندگی می‌کنند.

اکنون در سوئد کردها فرزندان خود را به مدرسی می‌فرستند که برای آنها به زبان کردی تدریس می‌شود. در حالی که در کشورهایی که دارای تعداد زیادی از مردم کرد می‌باشند، کودکان آنان نمی‌توانند به زبان مادری خود درس بخوانند همین امر یکی از عوامل موثر بر اوجگیری پویائی ملی‌گرایی کردها نیز محسوب می‌شود.

۳- موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی کردستان عراق

کردستان عراق در آسیای غربی در منطقه خاورمیانه که تقریباً $\frac{۲}{۳}$ منابع حیاتی نفت جهان را دارا است قرار دارد و یکی از مناطق استراتژیک جهان می‌باشد.

کردها تنها نژادی هستند که از نظر جغرافیای سیاسی جهانی در چهار منطقه جداگانه قرار گرفته‌اند. در جهان عرب در سوریه و عراق، در ناتو در کشور ترکیه، در مرکز آسیای جنوبی در ایران، در اتحاد شوروی سابق و آسیای میانه در قفقاز، ارمنستان، آذربایجان و گرجستان قرار دارند. از این لحاظ مساله کردها در سطح بین‌الملل از پیچیدگی خاصی برخوردار است.^(۱)

کردستان عراق نیز به عنوان یک حلقه پیوندی میان کردستان ترکیه و کردستان ایران قرار گرفته و با کردستان سوریه نیز هم‌مرز است. این

بخش از کردستان سرزمینی است غنی و کوهستانی که بخش‌هایی از آن پوشیده از جنگل است از سلسله جبال زاگرس واقع در کردستان ایران به سوی کوهستان‌های ترکیه امتداد می‌یابد. بلندترین قله آن به نام حصار رست^(۱) در رشته کوه هل گورد، به راه سوق الجیشی هامپتن^(۲) واقع در نزدیک مرز ایران مشرف است و ۳۷۲۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

کوهها به سوی جنوب و جنوب غربی شیب می‌یابند و به دشت‌های حاصلخیز اربیل و حریر و شاره زور منتهی می‌شوند. رشته کوههای کم ارتفاع و بی دار و درختی به نام جبل حمرین دشت‌های فوق را از دشت‌های بین النهرین سفلی جدا می‌کند و مرز طبیعی سرزمین‌های کرد و عرب را تشکیل می‌دهد.

چندین رود از این منطقه می‌گذرند که عبارتند از دجله، زاب بزرگ، زاب کوچک و دیاله که کردها آن را سیروان می‌خوانند.^(۳)

محصولات کشاورزی آن عبارتند از: توتون، گندم، برنج، پیه رشه، ذرت، ارزن، نخود، عدس، لوبیا، ماش، سیب زمینی، چغندر، پیاز، سیر و بعضی از محصولات دیگری که در کردستان عراق کشت شوند.

میوه‌جات کردستان عراق عبارتند از: انگور، گردو، سیب، به، انجیر، انار، گلابی، زردآلو، هلو، بادام، توت، زیتون، فندق، آلو، کشمش، آلبالو، خرما، لیمو و نارنج.

حیواناتی که در کردستان عراق نگهداری می‌شوند عبارتند از: اسب، قاطر، گاو، گاو میش، گوسفند، بز و غیره.^(۴)

1- Hessar Rast

2- Hamilton

۳- کندال، وانلی و مصطفی نازدار، پیشین، ص ۱۷۴

۴- سه جادی، پیشین، ص ۱۰

منابع طبیعی که در کردستان عراق وجود دارند عبارتند از: نفت که میزان زیادی از ذخایر نفتی جهان را شامل می‌شوند و سنگ آهن و کروم فراوان و منابع دیگری که عبارتند از: مس، آلومینیم، بوکسیت، طلا، گوگرد، فولاد، سیمان و گچ.^(۱)

از نظر وسعت نیز مساحت کل کردستان عراق به شرح زیر است.

استان	مساحت کل بر حسب کیلومتر مربع مناطق خاک کردستان بر حسب کیلومتر مربع
سلیمانیه	۱۱۹۹۳
ارییل	۱۵۳۱۵
دهوک	۹۷۵۴
کرکوک	۱۹۵۴۳
نینوا	۳۸۰۷۰
دیاله	۱۵۷۴۲
واسط	۱۴۸۱۴
	<u>۸۹۵</u>

۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع

مهم ترین شهر کردستان عراق کرکوک است که در مرکز حوزه‌های نفتی قرار دارد. دولت عراق برای کاستن از جمعیت کردهای این شهر سعی بر آن داشته که جمعیت عرب را در این منطقه افزایش دهد.^(۲) سیاست عربی کردن منطقه از آن جهت است که این کشور بتواند در آینده ادعای عربی بودن این منطقه را بنماید. این امر ناشی از آن است که دولت عراق نیز خود اعتقاد ندارد که بتواند در طولانی مدت بر کردستان

۱- همان کتاب

۲- کندال، وائلی و مصطفی نازدار، پیشین، ص ۱۷۸ و ۱۷۹

حکومت کند.

اریل و سلیمانیه و دهوک نیز از شهرهای مهم کردستان عراق هستند که از لحاظ فرهنگ ملی مهمترین مراکز کردستان به شمار می آیند اریل قدیمی ترین شهر منطقه نیز پایتخت کردستان عراق است.

۴- وضعیت اجتماعی کردها

برای بحث در مورد وضعیت اجتماعی کردها به آداب و رسوم زندگی ایشان در زمینه الف- خانواده ب- عشیره یا ایل ج- دین می پردازیم.

الف- خانواده

از گذشته تاکنون خانواده نقش اساسی را در جامعه پذیری سیاسی انسان ایفا کرده است و اولین کانون پرورش دهنده شخص محسوب می شود. به طوری که اریکسون می گوید: «والدین در این دوره از تربیت کودک با سلوک و رفتار خویش به طور منظم و ناخودآگاه قواعد مبنایی الگوهای فرهنگی خود را در نظام عصبی کودک جای می دهند.» فروید با کاوش در وجدان ناآگاه انسان آثار گذشته را در خلق و خوی وی مؤثر می داند و از این طریق هم تاثیر خانواده بر کودک اهمیت دارد.^(۱) در بین کردها نیز خانواده از ثبات و استحکام زیادی برخوردار است و اهمیت فوق العاده ای دارد. در خانواده کردها پدر نقش اول را بر عهده دارد و تامین معاش از وظایف پدر خانواده است. با وجود برتری مشخص مرد در امر تصمیم گیری، مقام زن به عنوان عضو محترم یا ناموس تثبیت شده

۱- باقر، ساروخانی، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، (تهران، سروش، ۱۳۷۵) ج ۲، ص

است. به نظر مینورسکی «از حیث شخصیت و خصوصیات اخلاقی زنان کرد بر سایر زنان مسلمان برتری دارند. زنان کرد از نظر آداب و رسوم اجتماعی از آزادی بیشتری نسبت به زنان مسلمان دیگر برخوردارند.»^(۱) پاکدامنی و اخلاق نیکو از خصوصیات بارز زنان کرد است. تربیت و پرورش فرزندان و انجام کارهای خانه بر عهده زنان می باشد.

اکثریت خانواده های کرد دارای فرزندان زیادی هستند. بارداری های پی در پی و مراقبت مستمر کودکان، آنان را برای تامین معیشت به مردان وابسته می کند.

از نظر حقوقی و قانونی خانواده در بین کردها مورد حمایت جدی مردم قرار می گیرد و از نظر اجتماعی و مذهبی نیز مشروعیت فوق العاده ای به خانواده داده می شود چراکه پیامبر اسلام در مورد تشکیل خانواده فرموده است «هیچ بنائی در اسلام محبوبتر از بنای ازدواج در پیشگاه خداوند نیست.»^(۲) حقانیت تشکیل خانواده در بین کردها در شمار نوامیس اجتماعی است. انسانهای سازگار با مذهب، فرهنگ، ارزشهای اجتماعی و سیاسی کردها در همین کانون ها تربیت می شوند.

ب - عشیره یا ایل

منظور از ایل و عشیره این نیست که افراد زندگی خود را از طریق گله داری بگذرانند، بلکه امروزه بیشتر به ساختار طایفه ها و قبیله های که هم پیوندهای نزدیکی داشته باشند عشیره یا ایل تلقی می گردد و افراد یک عشیره یا ایل به کارهای گوناگون اقتصادی مشغول اند.

۱- رجوع کنید به: نیکتین، پیشین، ص ۲۲۳

۲- رجوع کنید به: احمد، صافی، خانواده متعادل (تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴) ج ۲، ص ۸

«در هر جا که جمعیت عشایری وجود داشته باشد. به طور بالقوه و بالفعل قوای فعالی هم هست که مستعد حرکت‌های نظامی و سیاسی سریع باشد.»^(۱) یکی از ساختارهای اجتماعی کردها همان عشیره یا ایل است که می‌توان گفت این ساختار تقریباً میان تمام کردها وجود دارد. عشیره‌های زیادی در بین کردها هستند. قدرت اصلی در بین عشیره‌ها در دست رئیس عشیره است و هر چه او بگوید باید انجام شود. و در واقع تمام اعضای عشیره گوش به فرمان او می‌باشند.

تصمیم اعلام جنگ، صلح و دوستی با عشیره‌های دیگر توسط رئیس عشیره اتخاذ می‌شود. رهبری عشیره‌ها توسط آغاها و در بعضی عشیره‌ها توسط بگ‌ها و شیخ‌ها صورت می‌گیرد. ریاست در خانواده موروثی است. عشیره‌های زیادی در کردستان عراق وجود دارند که عبارتند از:

عشیره هرکی، عشیره سندی، عشیره برادوستی، عشیره زیباری، عشیره دوسکی، عشیره گردی، عشیره گورانی، عشیره سورچی و عشیره بارزانی، البته عشیره‌های دیگری نیز وجود دارند که بحث در مورد تمام آنها خارج از حوصله تحقیق می‌باشد. در اینجا در مورد عشیره بارزانی بحث می‌شود.

عشیره بارزان در منطقه بارزان، میرگه‌سور، شیروان و اطراف آن زندگی می‌کنند. این عشیره زمانی تشکیل گردید که طریقت نقشبندی در بسیاری از مناطق تحت کنترل امپراطور عثمانی رشد چشمگیری پیدا کرده بود.

در منطقه بارزان شخصی به نام تاج الدین که یکی از عالمان طریقت نقشبندی بود. مریدان زیادی پیدا کرد. که در اصطلاح کردی به آن «تابع

بارزان « (پرو بارزان) می گفتند. تابع ها گفته های شیخ را بدون چون و چرا اطاعت می کردند. خصوصیات این شیخ بارزان موجب گردید که انسجامی میان عشیره های همسایه بوجود آید، و از پنج عشیره به روژی، نزاری، شیروانی، مزوری و دوله مری یک عشیره بارزانی تشکیل شود. علت دوام و انسجام این عشیره مشترک عدالت نیکو صفتی، مردمی بودن و مهربانی فرزندان تاج الدین بود که بعد از وفات پدر توانستند همانند پدر طریقت نقشبندی را ارائه دهند.

بر اساس تفکرات ماکس وبر اگر شخص کاریزما از بین برود و دیگر کسی نتواند صفاتی مانند وی را در بین مردم داشته باشد، قدرت کاریزمای خویش را از دست خواهند داد. از آنجا که بعد از وفات تاج الدین فرزندان او توانستند صفات کاریزمای خود را حفظ کنند همچنان و با قدرت به هدایت پنج عشیره پرداختند و عشیره واحد بارزانی نهادینه شد.

ملا مصطفی بارزانی موفق گردید قدرت کاریزمای مذهبی را به قدرت کاریزمای ملی مبدل سازد که نه تنها در بین عشیره بارزانی بلکه در میان تمام کردها مشروعیت پیدا کرد. در حال حاضر با توجه به پدیده مدرنیزاسیون، برخورد با فرهنگ غرب، سفر به کشورهای اروپایی، تلویزیون و رسانه های گروهی و گسترش ارتباطات اینترنت در سراسر جهان، قدرت کاریزمای مذهبی در بین عشیره های کرد تا اندازه ای مشروعیت خود را از دست داده است. هم اینک قدرت در دست مسعود بارزانی پسر ملا مصطفی بارزانی است و قدرت او نیز کاریزمای ملی است.

این عشیره به عنوان کانون مبارزه علیه رژیم مرکزی عراق در آمده است. آنها خواستار حقوق ملی کردها هستند این امر تحولات زیادی را در جنبش ملی کردها بوجود آورده است. مسعود بارزانی رهبر حزب

دمکرات کردستان عراق است. یکی از نکات برتری این حزب بر احزاب دیگر این است که هسته اصلی این حزب بر پایه‌های ساختار اجتماعی انسجام یافته استوار است. در یک بررسی تاریخی می‌توان مشاهده کرد که حکومت مرکزی هرگز موفق نشده این حزب را از میان بردارد. در آینده نیز تا زمانی که رهبر این حزب تسلط خویش را بر این ساختار اجتماعی بتواند حفظ کند دشمنان آن کمتر خواهند توانست بر این حزب غلبه یابند. چرا که این عشیره بارزانی در شرایط فوق العاده و بحرانی برای حزب به عنوان ستون اصلی عمل کرده و هزاران نیروی جوان و پیر را برای جانفشانی آماده می‌سازد. البته نیروهای ملی گرای عشیره‌های دیگر نیز در کنار آنها فداکاریهای زیادی انجام داده‌اند.

ج - دیانت:

انسان پیوسته اعمال خود را با قوانینی که به دلخواه وضع کرده یا از دیگران پذیرفته تطبیق می‌دهد و روش معینی را در زندگی اتخاذ می‌نماید. برای تهیه وسایل زندگی تلاش می‌کند و هر چه را برای بقاء سعادت‌مندان خویش لازم می‌داند انجام می‌دهد.

درک این مسیر تابع یک سلسله اصولی است که برای استحکام کار به آن تکیه می‌کند و جهان هستی را که خود جزئی از آن است بنحوی تفسیر می‌نماید. مجموع اعتقادات و مقررات متناسب با آن که در مسیر زندگی مورد عمل و اجرا قرار می‌گیرد دین نامیده می‌شود.^(۱)

در جوامع سنتی معمولاً دین نقش اساسی را در زندگی اجتماعی ایفا می‌کند و تاثیر فراوانی بر فرهنگ اجتماعی، مادی و سیاسی انسانها

۱- جلال‌الدین، مدنی، مبانی و کلیات علوم سیاسی (تهران، علامه طباطبائی، ۱۳۷۴) ج ۲،

می‌گذارد.^(۱)

دین اکثریت مردم کرد اسلام و اکثریت مردم مسلمان سنی مذهب و پیرو امام شافعی هستند. حدود ۲/۱ میلیون نفر شیعه مذهبند که در مناطق کرمانشاه، ایلام، همدان، خاقلین و بطور پراکنده در سایر نقاط زندگی می‌کنند.

تعدادی از کردها پیرو تصوف هستند که گروهی از آنها به نام بکتاشیان در شمال شرقی، قادری‌ها و نقشبندی‌ها در مرکز و غرب و نوربخش‌ها در جنوب کردستان زندگی می‌کنند. کردهای علوی، یهودی، بهایی و مسیحی نیز بطور پراکنده وجود دارند، بیشتر کردهای یهودی به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند. هویت فرهنگی و دینی کردهای مسیحی با آشوریان اختلاط یافته است.

تعدادی از کردها یزیدی هستند. این دین همانند دین زرتشت از ادیان قدیمی است و سازمان طبقاتی منظمی دارد، که عبارتند از:

- ۱- طبقه اول شیخ‌ها که طبقه برتر آنها می‌باشند.
- ۲- طبقه دوم پیرها (پیرخدر) که طبقه متوسط محسوب می‌گردند.
- ۳- سومین طبقه که افراد عادی را شامل می‌شود و جزو طبقه پایین جامعه محسوب می‌گردد.

رئیس یزیدی‌ها را میر می‌نامند که از قدرت فوق‌العاده زیادی برخوردار است. میربودن موروثی است. میر باید از طبقه اول یعنی از شیخ‌ها باشد. کسی از طبقات دیگر نمی‌تواند میر شود.

یزیدی‌ها آداب و رسوم خاص خود را دارند، در واقع می‌توان یزیدی‌ها را مظهر‌گرد واقعی بدون تأثیر پذیرفتن از اعراب و مسلمانان،

۱- آنتونی، گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری (تهران، نی، ۱۳۷۴) ج ۲، ص ۴۸۷

مسیحیان، یهودیان و مذاهب دیگر دانست که عقاید باستانی خود را حفظ کرده‌اند.

علی رغم تصور عامه یزیدی‌ها شیطان پرست نیستند. و در مذهب آنها نیز یکتاپرستی خاصی وجود دارد ایشان از مسائل طبیعت پی به حقیقت الهی (یکتاپرستی) می‌برند به احتمال زیاد این دین یکی از ادیان باستانی تعداد زیادی از کردها می‌باشد.

در کل مذهب و دیانت تاثیر زیادی بر زندگی اجتماعی و سیاسی کردها گذارده است. به طوری که اگر جنبش‌های کردها را از یک دید تاریخی بررسی نمائیم در می‌یابیم که اکثر جنبشها توسط شیخ‌ها سامان داده شده‌اند. برای نمونه می‌توان به شورش و قیام شیخ عبیدالله نه‌ری، شیخ عبدالسلام بارزانی، شیخ محمود بر زنجی، شیخ احمد بارزانی، اشاره کرد. علت آن نیز این است که رهبران مذهبی علاوه بر اینکه میان مردم کرد از احترام خاصی برخوردار بودند و از نظر اقتصادی نیز به طور مستقل عمل کردند، چون مردم به عوض پرداختن مالیات به حکومت مالیات و زکات خود را به آنها پرداخت می‌کردند که این خود موجب استقلال اقتصادی آنها می‌گردید. از این جهت ایشان از نفوذ فوق العاده کاریزمای برخوردار بوده و با یک فرمان به راحتی می‌توانستند جوانان زیادی را برای انجام هر کاری بسیج نمایند.

با توجه به ظلمی که در گذشته امپراطوری عثمانی و رژیم شاهنشاهی علیه کردها روا می‌داشتند، آنان نیز به دفاع از حقوق ملت کرد پرداختند و رهبری جنبش ملی کردها را همین رهبران مذهبی در گذشته بر عهده داشته‌اند. در حال حاضر نیز مذهب در جامعه کردی از ارزش فوق العاده بالایی برخوردار است.

۵- ناسیونالیسم کرد

برخی متفکرین سیاسی از قبیل ماکیاول وژان بدن به تعریف و تدوین مفاهیم جدیدی از سیاست پرداختند و برای اولین بار واژه ملت که عبارت بود از مجموعه ای از انسان‌ها که زبان نژاد، تاریخ، و... مشترک دارند را به جای کلمه اشتراک مذهبی امت بکار گرفتند. بدین ترتیب مفاهیمی نظیر جامعه سیاسی و جنگ‌های مذهبی به جنگ‌های ملی مبدل گشت.^(۱) برای نمونه له‌ها ارامنه مقدونی‌ها دارای ناسیونالیسمی به این شکل بودند. ملت له دولت لهستان و مردم ارمنی نژاد نیز ارمنستان را تشکیل دادند و مقدونی‌ها نیز موفق شدند در این اواخر دولت مقدونیه را تشکیل دهند. امروزه ملت کرد تنها ملتی است در جهان که به صورت دولت در نیامده است.^(۲)

ناسیونالیسم نیز به نظر اکثر دانشمندان تعریف خاصی ندارد. به نظر دکتر هوشنگ مقتدر «ناسیونالیسم کاملاً منطقی است و نباید ریشه‌های آنرا در دنیای غیر منطقی، عاطفی و خیال انگیز وجدان ناخودآگاه بشر جستجو کرد. به گمان وی ناسیونالیسم واکنش روانی انسان در برابر تهدید و احساس عدم امنیت باشد».^(۳)

در اواخر قرن بیستم ناسیونالیسم عرب، ترک و ارمنی در امپراطوری عثمانی به اوج خود رسیده بودند و همگی برای کسب هویت خویش تلاش می نمودند. تاریخ نشان می دهد که کشورهای استعمارگر غرب نیز

۱- محمد، طباطبائی، روابط بین الملل و نظم نوین جهانی (تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳) ص ۱۵

۲- دره، میر حیدر، مبانی جغرافیایی سیاسی (تهران، سمت، ۱۳۷۱) ص ۱۱

۳- هوشنگ، مقتدر، سیاست بین الملل و سیاست خارجی (تهران، مفهرس، ۱۳۷۰) ص ۵۸

از ناسیونالیسم عرب، ترک و ارمنی حمایت‌های جدی به عمل می‌آوردند. اما همانطور که بعداً بحث خواهد گردید وقتی شیخ عبیدالله نه‌ری رهبری ناسیونالیسم کرد را بر عهده گرفت و با مخالفت و برخورد نیروهای استعمارگر مواجه شد.

در قرن بیستم با انحطاط امپراطوری عثمانی ملل مسلمان یکی پس از دیگری به مقام و منزلت ملیت دست یافتند اما به سبکی جدید، یعنی بر اساس تفکرات ناسیونالیستی و میهن پرستی و نه تفکرات مذهبی.^(۱)

ناسیونالیسم افراطی (شوینستی) ترک با ملت کرد برخورد شدید داشت که موجب کشتار زیادی در بین کردها گردید، به طوری که این شدت عمل فجایع بسیار اسف باری را از کشتار ارمنی‌ها و کردها در سالهای ۱۹۲۵، ۱۹۳۰، ۱۹۳۵ به بار آورد. منطقه کردستان نیز به صورت یک منطقه نظامی درآمد. ملت کرد را به عنوان ترکان کوهی خواندند و اجازه صحبت کردن به زبان مادری به کردها داده نشد. آنها با فرهنگ و رسوم ملت کرد شدیداً برخورد می‌کردند.

ناسیونالیسم افراطی (شوینستی) عرب نیز در رفتار خود با ملت کرد در کردستان عراق همواره تلاش کرده است که کردها را سرکوب و حتی نابود کند و برای رسیدن به اهداف خود روستاهای کردنشین را بطور عجیبی ویران کرده است و سعی داشته است که مناطق پر درآمد کردنشین را با سیاستهای غیر انسانی به مناطق عربی تبدیل کند. در این راه عربها از کمکهای فراوان کشور استعمارگر انگلیس برخوردار شده‌اند. بخصوص این کمک‌ها برای سرکوبی قیام شیخ محمود برزن‌جی و بارزانیان بوده

۱- حمید، عنایت، اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهالدین خرمشاهی

(تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲) چ ۳، ص ۱۹۹

است. اصولاً یک نوع آپارتاید^(۱) گریه نسبت به کردها داشته‌اند. ما همواره شاهد کشمکش بین ناسیونالیسم پان ترکیسم و عریسم با کردها بوده‌ایم. که این امر کینه و نفرت فراوانی را علیه دولتهای ترکیه و عراق باعث شده است، در زیر به مختصری از آن اشاره می‌کنیم.

سرکوب و نابودی امیر نشین‌های نیمه مستقل کرد توسط سلطان محمود دوم (۱۸۰۸-۱۸۳۹) موجب شورش امیر بدرخان در دهه ۱۸۴۰ علیه نیروهای امپراطوری عثمانی شد. اگر چه امیر بدرخان در درگیری‌های زیادی شکست خورد^(۲) اما راه را برای ظهور اولین جنبش ملی کرد به شیوه جدید توسط شیخ عبیدالله نه‌ری هموار کرد. شیخ عبیدالله «مجمع اتفاق مردم کرد» را تأسیس کرد که اولین اتحادیه کردها به سبک جدید بود.^(۳) شیخ عبیدالله با مشکلات فراوانی روبرو بود چرا که دشمن او تنها امپراطوری عثمانی نبود، بلکه همانطور که در معاهده برلن در ۱۳ ژانویه ۱۸۷۸ که در پایان جنگهای روس و عثمانی به امضاء رسید،^(۴) آمده کلیه قدرتهای اروپایی مخالف جنبشهای استقلال طلبانه کردها بودند. علاوه بر این که بریتانیا و روسیه در مخالفت با این جنبشها دلایل خاص خود را داشتند.^(۵)

در سال ۱۹۰۸ سازمانهای مختلف ناسیونالیستی کرد از قبیل تعالی و ترقی کردستان و جمعیت نشر معارف کرد در استانبول تأسیس شده و

۱- کلمه آپارتاید عبارت است از یک نوع سیاست تبعیض نژادی تأسیس از روی کارآمدن حزب ملی آفریقای جنوبی در سال ۱۹۴۸ نسبت به سیاهپوستان اعمال گردید.

۲- در مورد شورش بدرخان نگاه کنید به: علاء‌الدین، سه جادی، پیشین، ص ۳۱ تا ص ۳۳

۳- رابرت، اوکسن، قیام شیخ سعید پیران، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: نگاه، ۱۳۷۷)، ص

سازمانهای کرد دیگری نیز در بتلیس، موش و موصل در حال ظهور بودند. روزنامه‌های کردی ویژه‌ای نیز در این زمان منتشر می‌شدند. اما هنگامی که در سال ۱۹۰۹ ترک‌های جوان تسلط خود را بر امپراطوری عثمانی افزایش می‌دادند، در مورد سازمانهای فوق‌الذکر کردها به سرعت واکنش نشان داده و به اذیت و آزار کردها پرداختند. تا اواخر سال اتحادیه‌ها و انتشارات غیر ترک تعطیل شده و بسیاری از چهره‌های برجسته اعدام شدند.^(۱)

شیخ عبدالسلام بارزانی^(۲) که مبارزات زیادی را علیه امپراطوری عثمانی انجام داده بود، در دهه اول قرن بیستم زمانی که ترکهای جوان قدرت را در کشور بدست گرفتند، درخواستی را به دولت تسلیم کرد، که از این درخواست می‌توان تفکرات ناسیونالیستی را به شیوه جدید آن استنباط کرد، متن درخواست حاوی هفت مورد زیر بود:

- ۱- اتخاذ دستگاه اداری کرد در پنج «قضا» در کردستان
- ۲- پذیرش زبان کردی به عنوان زبان آموزش در نواحی کردنشین
- ۳- انتصاب قائم مقام‌ها و مدیران و سایر مقامات کرد زبان
- ۴- اجرای قانون و عدالت بر طبق احکام شریعت اسلامی
- ۵- انتصاب قاضی و مفتی از پیروان مذهب شافعی
- ۶- اخذ مالیات بر طبق احکام شریعت
- ۷- مالیات که برای معافیت از کار بدنی اخذ می‌شود همچنان اخذ

۱- جاوید، انصاری «کردستان میراث امپریالیستی هنوز وجود دارد» قسمت ۱، Arabia، انگلستان ۱۹۹۵/۲/۱ برگرفته شده از بانک اطلاعات و نشریات خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲- شیخ عبدالسلام بارزانی از سال ۱۸۸۰ همزمان با شیخ عبیدالله نه‌ری علیه امپراطوری عثمانی دست به مبارزه زد که سرانجام در سال ۱۹۱۴ توسط عثمانیها اعدام گردید.

شود به شرطی که آن بودجه به تعمیر و نگه داری راهها در پنج قضای مذکور اختصاص یابد.^(۱)

از متن این درخواست می توان به تفکرات ناسیونالیستی، مذهبی و ظرافت و باریک بینی شیخ عبدالسلام پی برد. به طوری که از ردیفهای ۱ و ۲ و ۳ و ۷ نظریات ناسیونالیستی و بندهای ۴ و ۵ و ۶ منعکس کننده نظریات مذهبی است. اما بند ۵ ظرافت و باریک بینی شیخ را نشان می دهد که خواستار انتخاب قاضی و مفتی از پیروان شافعی مذهب است. زیرا ترکها حنفی مذهب بودند. برخورد ترکهای جوان که تفکری به شیوه شوونیستی داشتند، با این تفکر موجب تنش میان ناسیونالیسم ترک و کرد گردید. که در نهایت به کشتار کردها و اعدام رهبران نهضت از جمله شیخ عبدالسلام انجامید.^(۲)

در سال ۱۹۲۷ تمام سازمانهای ناسیونالیست کرد در یک سازمان بنام خوی بون ادغام شدند. سازمان خوی بون در جنگ جهانی اول توسط عده ای از کردهای روشنفکر بنیانگذاری شد و هدف آن اعلام استقلال مناطقی بود که اکثر ساکنین آن را کردها تشکیل می دادند. اولین کنگره خوی بون در لبنان تشکیل گردید. این سازمان با کردهای ساکن ترکیه در ارتباط بود و بر آنان نفوذ داشت.^(۳)

شیخ محمود برزنجی نیز بعد از جنگ جهانی اول و هنگامی که امپراطوری عثمانی تقسیم شد. تلاش زیادی برای استقلال کردستان به عمل آورد و مدتی نیز به عنوان اولین پادشاه کردستان حکومت کرد. اما متأسفانه کشور استعمارگر انگلستان با شیخ محمود وارد جنگ شد و بعد

۱- رابرت، اولسن، پیشین، ص ۴۰ و ۴۱

۲- همان کتاب

۳- ادگار، اوبالاس، جنبش کردها، ترجمه اسماعیل فتاح قاضی (تهران، نگاه، ۱۳۷۷) ص ۲۶

از درگیری‌های طولانی و چندین بار شکست نیروهای بریتانیا، سرانجام در ۹ ژوئن ۱۹۱۹ شیخ محمود مجروح و اسیر گردید. وی برای محاکمه به بغداد برده شد و در ۲۵ ژوئن در دادگاه نظامی ارتش بریتانیا محاکمه شد.^(۱) شیخ محمود صلاحیت دادگاه را نپذیرفت. وکیل اختیار نکرد و تنها در پاسخ کیفر خواست اظهار داشت که: «به درخواست ملت و برای کسب آزادی با شما پیمان بستم و با این شرط که شما ضامن این آزادی باشید اجازه دادم که وارد خاکمان شوید. شما دروغ گفتید و نیت دیگری در سر داشتید و من که به انتخاب مردم حکمدار شده بودم مسئولیت داشتم که مانع سوء استفاده شما شوم... کار را به جایی رساندید که راهی جز جنگ برای ما باقی نماند. اکنون من اسیر شما هستم و از دشمن خودم و دشمن ملت انتظار خیر ندارم و برای مرگ در راه ملت آماده‌ام.»^(۲)

مقاومت و شورش شیخ محمود در برابر قوای انگلیس که برای کسب حقوق ملت کرد بود می‌تواند دلایل تاریخی دال بر رسوایی سیاستهای انگلستان در منطقه خاورمیانه باشد.^(۳) اینکه چگونه با شیخ محمود برخورد شد و اینکه سعی داشتند که برای تضعیف شیخ محمود در میان مردم تفرقه ایجاد کنند در مقایسه با اینکه چگونه فیصل را ملک عراق کردند و با چه نیرنگهایی برای مقابله با مردم مسلمان دست اتحاد به ملک فیصل دادند همگی نشان دهنده سیاست دوگانه بریتانیا در

۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد شیخ محمود می‌توانید رجوع کنید به: رفیق، حلیمی، یادداشت، کردستان عراق و شورش کانی شیخ محمود (بغداد، مطبعة، مه عاریف، ۱۹۵۶) به شی ۱.

۲- مردوخ روحانی، پیشین، ص ۶۸

۳- برای اطلاعات بیشتر در مورد تبعید و برگشت شیخ محمود و شورش مجدد او می‌توانید رجوع کنید به: رفیق حلیمی، یادداشت کوردستانی عراق و شورش کانی شیخ محمود (بغداد، مطبعة مه عاریف، ۱۹۵۷) بی‌شی ۲

کشتار و سرکوب مردم بی گناه برای نیل به منافع این کشور بود. شیخ سعید پیران و ژنرال احسان نوری نیز در کردستان ترکیه مبارزات گسترده ای را علیه رژیم شوونیستی ترکیه به انجام رساندند. اما آنان نیز متأسفانه با بی رحمی زیاد سرکوب شدند. این درگیریها موجب کشته شدن تعداد زیادی از زنان و کودکان کرد گردید.

شیخ احمد بارزانی بعد از اعدام برادر بزرگترش شیخ عبدالسلام بارزانی در سال ۱۹۱۴ جانشین او گردید وی با رژیم بریتانیا و عراق به مبارزه پرداخت و تا دهه ۴۰ نیز همچنان نقش موثری را در مبارزه علیه رژیم بریتانیا و دولت دست نشاندۀ عراق ادامه داد. بطوریکه بیشتر عمر خویش را در زندانهای عثمانیها، بریتانیا و عراق گذراند. همچنین ملامصطفی بارزانی تأثیر فوق العاده ای بر ناسیونالیسم کرد و جهانی شدن آن ایفا کرد وی حدود ۵۰ سال با حکومت مرکزی عراق به مبارزه پرداخت.

بطور کلی کشورهای همسایه بر آن شدند تا از این اقلیت به عنوان عامل فشار علیه همسایگان خود بهره گیرند. اما جملگی در عقیم نمودن هر گونه اقدامی که به ایجاد ملیت کرد و یا به گسترش نفوذ کامل عناصر کرد در بخشهای چهارگانه کردستان می انجامد هم داستانی و اشتراک نظر دارند.^(۱)

اما در مورد کردستان عراق می توان گفت: که ناسیونالیسم عرب در برخورد با ناسیونالیسم کرد ناکام بوده است. حکومت های عرب در بغداد همواره تلاش کرده اند که آنرا سرکوب و حتی نابود کنند.^(۲)

۱- پی پرز، زر، ژئوپلیتیک اقلیتها، ترجمه سیروس سهامی (مشهد، واقفی، ۱۳۷۴) ص ۱۲۶
 ۲- تی هدر، لیون، باتلاق آمریکا در خاورمیانه، ترجمه رضاحائز (تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۷۳) ص ۲۰۹

۶- چگونگی تشکیل دولت عراق

در ۱۱ مارس ۱۹۱۷ بغداد به تصرف ژنرال مود انگلیسی در آمد و پس از آن در اول اکتبر ۱۹۱۸ نیروهای انگلیسی به کمک اعراب سوریه را نیز به تصرف خود درآوردند و به این ترتیب مناطق عربی عثمانی از حاکمیت امپراطوری خارج شده و اداره عراق اشغال شده تا اکتبر ۱۹۲۰ در حیطه مسئولیت رئیس ستاد کل نیروهای بریتانیایی بود که از طریق مادنش مامور عالی رتبه کشوری اعمال می شد.^(۱)

سرانجام در ماه مه ۱۹۲۰ قیامی از جانب مردم مسلمان که عمدتاً شیعه بودند علیه نیروهای استعمارگر انگلستان آغاز گردید خسارات جانی نیروهای بریتانیایی در این قیام مردمی ۴۲۶ کشته، ۱۱۲۸ مجروح و ۶۱۵ نفر مفقود الاثر بود و خسارات مالی نیز حدود ۴۰ میلیون لیره استرلینگ برآورد گردید. تعداد شهدای عراق نیز حدود ۸ هزار نفر تخمین زده شده بدین ترتیب موقعیت بریتانیا در منطقه به شدت در معرض خطر قرار گرفت.^(۲)

از آنجا که منافع بریتانیا در منطقه به خطر افتاده بود، آنان به این فکر افتادند که برای پست نخست وزیری موقت فردی را که از مشروعیتی نیز در بین مردم برخوردار بود، برگزینند تا از آن طریق بتوانند هم با مردم انقلابی مسلمان و ناسیونالیسم مقابله کنند و هم بریتانیا بتواند همچنان نفوذ خود را در منطقه حفظ نماید.

۱- استیون ممزلی، لانگریک، عراق ۱۹۵۰-۱۹۰۰ تاریخ سیاسی اجتماعی و اقتصادی، ترجمه علی درویش ویراستار اسدالله توکلی طبی (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶) ص ۲۰۰

۲- بنجامین، شوادران، خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان (تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲) ص ۲۱۳ و ۲۱۴

در ابتدا نظر کوکس به طالب‌التقیب بود ولی بعدها نظر خود را تغییر داد و به رئیس اشرف بغداد عبدالرحمن گیلانی که عمرش در آن زمان ۷۸ سال بود مایل گشت. عبدالرحمن فردی مذهبی بود که در بین مردم نیز مشروعیت زیادی داشت. هدف کوکس از انتخاب عبدالرحمن این بود که از آن طریق بتواند نظر توده مردم را جلب کند. اشرف عبدالرحمن بر این تصور بود که قبول پست‌هایی در سایه نظام بریتانیا، موجب تضعیف جایگاه دینی اش در نزد پیروانش خواهد شد. مس بیل در گزارش خود می‌گوید: «اشرف می‌گوید: من رئیس سیاسی دولت شوم، این برخلاف شدیدترین اصول اعتقادی من است. موافقت نخواهم کرد و آنرا انجام نخواهم داد.» در روز ۲۳ اکتبر ۱۹۲۰ کوکس تصمیم گرفت که شانسش را امتحان کند، خودش به طرف رئیس اشرف رفت و پست نخست وزیری را به او پیشنهاد کرد. مس بیل همچنان می‌گوید: هنگامیکه در آن روز با فیلی در اداره نشسته بودیم سرپرسی کوکس وارد شد در حالیکه نفس نفس می‌زد از هیجان زیاد فریاد زد: «بله نخست وزیری را قبول کرد.» مس بیل درباره آن می‌گوید که قانع کردن رئیس اشرف به شرکت در امور عمومی، چیزی نزدیک به معجزه بود. نیم ساعت ماندیم از خوشحالی پر می‌زدیم و از رئیس اشرف تمجید می‌کردیم همانطوری که از نماینده والا تمجید می‌کردیم.^(۱) با این استراتژی کشور بریتانیایی توانست با مسلمانان و ناسیونالیست‌ها به مقابله پردازد و همچنان منافع خویش را در خاورمیانه تثبیت نماید. اما بعدها که کشمکشها در عراق خاتمه نیافت، چرچیل بخش خاورمیانه را از وزارت امور خارجه تحویل گرفت و در ۱۲ مارس ۱۹۲۱ کنفرانسی در قاهره برای هماهنگ سازی سیاست کلی انگلیس در

۱- علی، الوردی، لمحات اجتماعية من تاريخ العراق و الجدید (بغداد، مطبعة العمارف،

آن منطقه تشکیل داد. در کنگره قاهره موارد زیر مورد بحث قرار گرفت:

۱- ارتباط و همکاری میان دولت جدید عراق و بریتانیا.

۲- تعیین حاکم برای دولت عراق

۳- نحوه حمایت از دولت جدید به نحوی که این کشور بعد از این در دفاع از خویش مسئولیت بیشتری را بر عهده گیرد.^(۱)

۴- وضعیت کردستان عراق و چگونگی ارتباط آنها با عراق.

سرپرسی کوکس می‌گوید راحت‌ترین مورد تعیین و انتخاب حاکم جدید عراق بود. نامزدهای عراقی و غیر عراقی فراوانی بودند که سرانجام امیر ملک فیصل یکی از فرزندان حسین شریف پادشاه حجاز برای پادشاهی عراق انتخاب گردید. ملک فیصل قبلاً پادشاه سوریه بود. فرانسویها با انتخاب او مخالفت کردند زیرا او را مهره شناخته شده انگلیسها می‌دانستند.^(۲)

در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۱ امیر فیصل وارد بصره گردید^(۳) و در ۲۳ اگوست ۱۹۲۱ پادشاه عراق شد.^(۴)

بعدها یک رأی‌گیری در مورد انتخاب ملک فیصل صورت گرفت تا به انتخاب او حالت دموکراسی و مشروعیت بخشند. اما مناطق کردنشین در سلیمانیه و کرکوک در این رأی‌گیری فرمایشی که هدف آن مشروعیت

۱- عبدالرزاق، الحسینی، تاریخ الوزارات العراقية (بغداد، دارالشؤون الثقافية العامة، ۱۹۸۸) جزء ۱، ط ۷، ص ۳۵ تا ۳۷
۲- همان کتاب

۳- السربرسی، کوکس و سرهنری دویس، صفحة من تاریخ العراق من سنة ۱۹۱۴ الى ۱۹۲۶ تکوین الحکم الوطنی فی العراق تعریب بشیر فرجو (موصل، مطبعة الاتحاد الحدید بالموصل، ۱۹۵۱) طبع ۱، ص ۵۰

۴- عبدالرزاق، الحسینی تاریخ العراقیه السیاسی الحدیث (لبنان، مطبعة العرفان، ۱۹۴۸) جزء ۱ ص ۳۲

بخشیدن به اعمال انگلیسها بود شرکت نکردند.^(۱) بریتانیا ارتش عراق را متشکل ساخت.^(۲) در سال ۱۹۲۱ تعداد ارتشیان عراقی ۱۳۰۰ نفر بود. اما رفته رفته تعداد آنها افزایش یافت به طوری که تا سال ۱۹۲۵ به ۷۵۰۰ نفر رسید^(۳) و رفته رفته تعداد نیروهای بریتانیا را کمتر می کرد و بیشتر از طریق هوا و به کمک هواپیما و افسران عالی رتبه برای فرماندهی ارتش عراق، عراقیها را در نبرد علیه کردها یاری می داد. بدین ترتیب تلفات ارتش انگلیس به حداقل می رسید. بریتانیا در ژوئیه ۱۹۲۱ برای کشور عراق یک دانشکده نظامی تأسیس نمود.^(۴)

بدین ترتیب کشور جدید عراق تشکیل شد و تحت قیمومیت بریتانیا قرار گرفت و تا انقلاب ۱۹۵۸ که توسط ژنرال عبدالکریم قاسم صورت گرفت. عراق همچنان در اختیار انگلستان بود و منافع زیادی را نصیب بریتانیا کرد.

۷- تقسیم کردستان پس از سقوط امپراطوری عثمانی

در مورد تقسیم کردستان، همانطور که قبلاً گفته شد بعد از شکست شاه اسماعیل از امپراطور عثمانی سلطان سلیم در جنگ چالدران قسمت بزرگی از کردستان در کنترل امپراطوری عثمانی قرار گرفت. اولین بار کردستان به این صورت میان امپراطوری عثمانی و ایران تقسیم گردید.

۱- کوکس و دوبتی، پیشین، ص ۵۱ و ۵۲

۲- لانگریک، پیشین، ص ۲۳۸

۳- سامی، شورش «الحاضر و المستقبل - العراق و کردستان العراق الحیات، انگلستان» ۱۹۹۴/۱۱/۷.

۴- لانگریک، پیشین، ص ۲۳۸ و ۲۳۹

پس از شروع جنگ جهانی اول مسئله آینده امپراطوری عثمانی موضوع گفتگوهای مهمی میان اعضای سه جانبه پیمان نظامی منعقد شده میان بریتانیا، فرانسه و روسیه بود. به نحوی که هر یک از سه کشور کوشیدند تا جاه طلبیهای گذشته و همچنین موقعیت آینده خود را تضمین نمایند.^(۱) به همین دلیل در سال ۱۹۱۶ قراردادی میان انگلستان و فرانسه منعقد گردید، که به موجب آن پس از پایان جنگ جهانی اول، سواحل سوریه در شمال بندر صور به فرانسه، عراق و بخشی از فلسطین به انگلستان و سرانجام، بغاز، ارزروم، ترابوزان، وان و بدلیس به روسیه واگذار می شد.^(۲)

در ۲۶ آوریل زازائف وزیر امور خارجه شوروی از پیمان سایکس - پیکو حمایت نمود زیرا به موجب آن بخشی از سرزمین کردستان به قلمرو آنان افزوده می شد. این پیمان کاملاً محرمانه بود تا این که بعد از انقلاب اکتبر روسیه از طریق روسیه فاش گردید^(۳) و سروصدای آن در سراسر جهان پیچید.

تقسیم سرزمینها، دولت ها و امپراطوریهای شکست خورده در جنگ به شمال و جنوب و شرق و غرب نیز نموداری از همین ملاحظات و مصلحت های قراردادی است که در تاریخ شاهد آن بوده هستیم. برخی قومیت ها نیز به علت محو سرزمین و موطن خود در اثر رویدادهای تأسف بار تاریخی در اطراف و اکناف دنیا پراکنده شده اند، ولی این پراگندگی از دلبستگی و وابستگی ایشان به نژاد و قوم خویش نکاسته است. سرزمین ملت کرد نیز بعد از شکست امپراطوری عثمانی در بین

۱- شوادران، پیشین، ص ۱۸۱

۲- عنایت، پیشین، ص ۲۴۲

۳- همان کتاب

کشورها تقسیم گردید. اما از داخل همین اقوام و گروه‌های فاقد سرزمین و دولت افراد و دسته‌هایی در قالب بازیگران فعال صحنه بین‌الملل به پا خاستند. و به احیای هویت از دست رفته پرداختند.

در اکتبر ۱۹۱۸ فرانسه و بریتانیا به عنوان ترک مخاصمه با کشور ترکیه پیمان دیگری به نام پیمان مودروس را به امضاء رساندند. کشور بریتانیا و فرانسه قبلاً در مورد تقسیم کردستان نیز به شیوه جدیدی به توافق رسیده بودند. به طوری که بعد از امضای این قرارداد در سال ۱۹۱۸ میلادی، بریتانیا ولایت موصل را اشغال کرد.^(۱)

در سال ۱۹۱۸ فرانسه و بریتانیا اعلامیه مشترکی در دفاع از حقوق اقلیت‌های امپراطوری عثمانی منتشر کردند. ویلسون رئیس جمهور آمریکا نیز در اعلامیه‌ای ۱۴ بند را برای صلح جهانی ارائه کرد که در بند ۱۲ از آزادی و حقوق ملتها و اقلیت‌های عثمانی سخن به میان آمده بود مبنی بر اینکه ملتها باید خود سرنوشت خویش را بدست گیرند و خود مختاری کامل داشته باشند.^(۲) بعد از جنگ جهانی اول که موجب تقسیم سرزمین‌های امپراطوری عثمانی در بین قدرتهای برتر جنگ شد، در سال ۱۹۱۹ درکنگره صلح پاریس بیشتر مواردی که مطرح گردید. تقسیم امپراطوری عثمانی به نام حقوق ملی ملتها بود.^(۳) یک هیئت نیز به رهبری شریف پاشا درکنگره صلح پاریس برای بحث پیرامون حقوق ملت کرد شرکت داشت یادداشتی که شریف پاشا درکنگره صلح پاریس ارائه نمود

۱- عزیز، الحاج، القضية فی العشرينان (بغداد، مطبعة الانتصار، ۱۹۸۵) طبع ۲، ص ۳۲۲

۲- کمال، مظهر احمد، کردستان، فی سنوات الحرب العالمية الاولى، ترجمة محمد الملا عبد الكريم (بغداد، مطبعة المجمع العلمي الکردی، ۱۹۸۴) طبع ۲، ص ۳۲۲

۳- ماجد، عبدالرضا، المسألة الكردية فی العراق ۱۹۴۸ (بغداد، مطبعة دارالحیات، ۱۹۷۰)

نتایج مهمی را برای کردها به بار آورد که موجب شد در پیمان سور ۳ بند از مواد آن به حقوق کردها اختصاص یابد.^(۱)

در سال ۱۹۲۰ پیمان سور که به امضای بریتانیا، ایتالیا، فرانسه، یونان، رومانی، یوگسلاوی، چکسلواکی، بلژیک، ژاپن، لهستان از یک طرف و حجاز، ارمنستان و مقامات امپراطوری عثمانی از طرف دیگر رسید، مواد ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ این پیمان به مسئله کردها اختصاص داشت این مواد عبارت بودند از:

ماده ۶۲:

کمیسیونی که مقر آن استانبول و مرکب از سه نماینده دول بریتانیا، فرانسه و ایتالیا بود موظف شد که ظرف شش ماه از تاریخ اجرای پیمان مقدمات تاسیس حکومت کردستان در مناطق کردنشین یعنی از شرق فرات تا جنوب مرزهای آتی کشور ارمنستان، شمال مرز ترکیه، سوریه و بین النهرین را به صورتیکه در ماده ۲۷ بخش دوم (۳ و ۲) مقرر شده است فراهم سازد. چنانچه در مورد مسئله ای اتفاق آراء حاصل نشود اعضای کمیسیون مسئله را به دولتهای متبوع خود ارجاع خواهند داد. این برنامه باید در بردارنده تضمینهای کامل برای حمایت از آشوریان و کلدانیان و سایر گروههای قومی و مذهبی ساکن ناحیه باشد. برای این منظور لازم است که کمیسیونی از نمایندگان بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، ایران و کردستان تشکیل شود. کمیسیون موظف است تا از مناطق کردنشین برای تحقیقات و تغییرات لازم در مرز ترکیه در آنجا که با ایران هم مرز است به نحوی که در مقررات این پیمان منطبق گشته است اقدام نماید.

ماده ۶۳:

دولت عثمانی موظف است تصمیمات کمیسیون مزبور و دو کمیسیون پیش بینی شده در ماده ۶۲ را ظرف سه ماه بعد از تاریخ اعلام تصمیمات، پذیرفته و اجرا کند.

ماده: ۶۴

هرگاه مردم کرد مناطق کردنشین که در ماده ۶۲ مطرح گردیده پس از گذشت یک سال از اجرای این پیمان به شورای جامعه ملل مراجعه و ثابت کنند که ساکنین این مناطق خواستار استقلال می باشند، چنانچه شورا تشخیص دهد که شایستگی چنین استقلالی را دارند، در این صورت ترکیه از هم اکنون موافقت کند که توصیه شورا را بپذیرد و از هر گونه ادعایی نسبت به آن مناطق چشم پوشی کند. جزئیات موارد مربوط به این چشم پوشی، موضوع پیمان خاص بین ترکیه و قدرتهای عمده متفق خواهد بود.

چنانچه کردهای ساکن آن بخشی از کردستان که اکنون جزو ولایت موصل هستند بخواهند جزو اتباع این کشور مستقل و تازه تاسیس کرد باشند، قدرتهای عمده متفق مانع آن نخواهند شد.

در حالی که این پیمان از استقلال کردها می گوید، شاهدیم که بریتانیا در همان تاریخ در جنوب کردستان به شدت دست به سرکوب کردها می زند.

در آن زمان که شیخ محمود می گوید: تمام ملت ها می توانند و باید در سرنوشت خویش دخالت نمایند می بینیم که انگلیس ها بی توجه به این گفته به سرکوب قیام شیخ محمود برزنجی می پردازند. قیام شیخ محمود که از اعتبار تاریخی فوق العاده ای برخوردار است سندی است تاریخی برای رسوایی بریتانیا که با تظاهر به آزادی حقوق اقلیت ها در پی آن بوده که به اهداف پلید خویش دست یابد.

در کنگره قاهره در سال ۱۹۲۱، در مورد کردستان جنوبی بحث و تصویب شد که کردستان جنوبی باید به عراق ملحق گردد. انگلستان اولین کشوری بود که خود به پیمان سوراقتنایی نکرد و حقوق ملت کرد را پایمال کرد.^(۱)

همانطور که قبلاً گفته شد دو کشور بریتانیا و فرانسه در مورد تقسیم سرزمین کردها به توافق رسیده بودند. قرارداد سایکس - پیکو در سال ۱۹۱۶، قرارداد مودروس در سال ۱۹۱۸، پیمان سان رمون در ۲۰ آوریل ۱۹۲۰، کنگره قاهره در سال ۱۹۲۱ و سرانجام پیمان فرانسه و ترکیه در سال ۱۹۲۱ در لندن سه ناحیه کردنشین جزیره، کرد داغ و عرب پینار را به سوریه افزود.^(۲) به همین سبب همه پرسى از کردها هرگز انجام نشد و در معاهده ۱۹۲۳ لوزان کلیه این ترتیبات ارضی بر هم خورد و حقوق ملت کرد بطور کلی نادیده گرفته شد. در این پیمان بزرگترین مشکل بر سر اشغال سرزمین کردستان بود.

اختلاف ترکیه و بریتانیا بر سر استان موصل بود که هر دو کشور خواستار اشغال آن بودند.^(۳) در ماده ۳ قرارداد لوزان آمده است که اگر دو حکومت ترک و بریتانیا برای بازگشت به ولایت موصل ظرف مدت ۹ ماه بعد از امضاء این قرارداد به راه حلی نرسیدند، مشکل موصل باید برای یافتن یک راه حل منطقی به جامعه ملل ارجاع گردد. همین امر موجب طرح آن در جامعه ملل گردید. و در ۳۰ آوریل ۱۹۲۴ کمیسیونی از

۱- عبدالرضا، پیشین، ص ۵۲

۲- کندال، وانلی و مصطفی نازدار، پیشین، ص ۳۹

۳- آلاسدایر در یسیدال جرج بلنک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه

دره میرحیدر (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۷۳)، ج ۳، ص ۸۷

کشورهای جامعه ملل تشکیل گردید.^(۱) این کمیسیون به این نتیجه رسید که اگر ملاحظات قومی را پایه و اساس قرار دهد بهترین راه حل تأسیس یک کشور مستقل کرد خواهد بود. زیرا کردها اکثر جمعیت آن منطقه را تشکیل می‌دهند. با این همه برای حفظ بقای عراق از لحاظ اقتصادی و توجه به پافشاری و حمایت بریتانیا از ملحق شدن آن به عراق، کمیسیون پیشنهاد کرد که ولایت مزبور با پیش شرطی به کشور عراق ملحق شود.^(۲) ناخر سندی کشور ترکیه از نتایج کمیسیون جامعه ملل موجب شد که در سال ۱۹۲۶ قراردادی بین سه کشور ترکیه، عراق و بریتانیا منعقد گردد.^(۳) بدین ترتیب کردستان میان کشورهای ترکیه، ایران، عراق، سوریه و در بین جمهوری‌های وابسته به شوروی سابق تقسیم گردید و استقلال کردستان در سیاست بین‌الملل محو و نابود شد.

۸- نقش رهبری کاریزماتیک ملامصطفی بارزانی بر جنبش ملی کردهای عراق:

نقش رهبری در تاریخ سیاسی جامعه انسانی از دیر باز مورد توجه بوده است. افلاطون در کتاب جمهوری ضمن تعریف از عدالت، رهبری فیلسوفشاه را توجیهی روان شناختی، جامعه شناختی می‌کند. در این تحلیل آنها به عنوان مینیاتوری از کشور محسوب می‌شوند که فضیلت‌های روحی - روانیشان مستعد جوابگویی به نیازهای جامعه

۱- عبدالرزاق، الحسنى، تاريخ الوزارت العراقية (بغداد، دارالشؤون العامة، ۱۹۸۸) جزء ۱، ط ۷، ص ۲۷۲ و ۲۷۳

۲- کندال، وانلی و مصطفی نازدار، پیشین، ص ۱۸۴

۳- عبدالرزاق، الحسنى، تاريخ الوزارت العراقية (بغداد، دارالشؤون الثقافية العامة، ۱۹۸۸) جزء ۶ طبع ۷

می باشد.

درباره رهبری، وبر اظهار می دارد که زمانی رهبری مصداق پیدا می کند که فرمانبری پیروان از رهبران بدون اجبار، از روی میل و رغبت و نه از روی عادات باشد. به نظرهارولد لازل ویژگی های رهبر آن است که درخواستش تمامی وجود اعم از عقل و احساس را در بر گیرد. هر چه قدرت رهبری بالاتر باشد میزان نفوذ درخواست وی بیشتر است. رهبر کار یزما مستقیماً و با اتکا به خود از تعداد بسیاری از اتباع و پیروان خود درخواست اقدام می نماید. در حالی که رهبر غیر کاریزما مجبور است بار بسیاری از مشکلات خود را به دوش مشاورین و معاونینش بیندازد. شخصیت رهبری کاریزمایی تنها سرمایه نافذی است که در کنترل کامل رهبری قرار دارد.^(۱)

ملا مصطفی بارزانی نیز یکی از رهبران کاریزمایی ملی کرد محسوب می شود که تاثیر فوق العاده ای بر جنبش ملی کرد گذاشته است، از دو طریق می توان تاثیر ملا مصطفی بارزانی بر جنبش ملی کرد به بحث گذاشت:

الف - بینش سیاسی

ب - توان نظامی

الف - بینش سیاسی:

ملا مصطفی بارزانی عضو یک خانواده مذهبی اهل طریقت نقشبندی و رئیس عشیره بارزانی بود.

از نظر سیاسی ملا مصطفی با نظریه های کمونیستی آشنایی داشت.

۱- حسین، سیف زاده، نظریه های مختلف درباره راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی (تهران، قومس، ۱۳۷۳) ج ۲، ص ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۹

چرا که یازده سال به روسیه پناهنده شده و در آن ایام دوره‌های آموزشی تحصیلی را نیز در آنجا گذرانده بود اما هرگز تحت تاثیر تفکرات کمونیستی قرار نگرفت. او همچنین شخصی مومن و مسلمان بود.

در مدتی که ایشان در شوروی پناهنده و از حزب دمکرات کردستان عراق دور بودند، تفکرات کمونیستی به شدت در حزب رایج بود. اشخاصی نظیر ابراهیم احمد و جلال طالبانی که طرفدار نظریات مارکسیستی بودند. پس از بازگشت ملامصطفی از شوروی اصرار داشتند که تفکرات مارکسیستی همچنان برحزب حاکم باشد. آنها از نظر ایدئولوژی با ملامصطفی بارزانی اختلاف نظر داشتند. تفکرات ملامصطفی، تلاش برای کسب حقوق ملت کرد با تکیه بر مذهب سنت و آداب و رسوم جامعه کردی بود، بدون اینکه از الگوهای اروپایی همچون کمونیسم یا لیبرالیسم تقلید کند. این خود موجب شد تا پاسخهایی که از طرف ملامصطفی بارزانی در قبال مشکلات جامعه کردی داده می‌شد، بیشتر مورد قبول جامعه کرد واقع گردد. از آن جهت که نشأت گرفته از آداب و رسوم جامعه کردی بود این امر موجب برتری ملامصطفی بارزانی در بین احزاب و شخصیت‌های سیاسی دیگر کرد گردید. وی از یک نوع قدرت کاریزمایی در بین ملت کرد بر خوردار گشت بطوری که با یک دستور وی هزاران نفر کرد برای انجام هر گونه اقدامی مهیا می‌شدند. محبوبیت ایشان در بین تمام ملت کرد به قدری بود که حتی بعد از مرگش همچنان به عنوان سمبل مبارزه ملت کرد محسوب می‌گردد.

علت استقبال مردم کردستان از انتخاب تفکر کمونیستی توسط بعضی از اشخاص حزب، آن بود که در آن زمان لیبرالها و غربی‌ها، بریتانیا و فرانسه به ملت کرد خیانت کردند و باعث شدند تا سرزمین کردستان بین کشورهای منطقه تقسیم گردد. چیزی که کردها از آن نفرت زیادی

داشتند. خود ایشان نیز هیچ تفکر خاصی از خود در قبال لیبرالها یا غربیها نداشتند در نتیجه به سوی کمونیسم یا شرق گرایش پیدا کردند. کمونیسم یک سازمان وابسته به ایدئولوژی اروپایی و بیگانه از واقعیت جامعه کردها بود و نمی توانست جوابگوی مشکلات جامعه کردی باشد. به همین خاطر تلاش آنها برای رواج این طرز تفکر در جامعه کردی بی نتیجه ماند. به اینصورت تفکرات آنها در مقابل تفکرات ملامصطفی بارزانی شکست خورد و قدرت بینش سیاسی ملامصطفی بارزانی نمایان گشت و تاثیر زیادی بر جنبش ملی کردها گذاشت. به طوریکه بعد از مرگ وی نیز ایدئولوژی سیاسی وی همچنان به عنوان برترین ایدئولوژی سیاسی کردها محسوب می گردد.

ب - توان نظامی

در زمان کودکی ملامصطفی بارزانی، برادر بزرگ وی شیخ عبدالسلام جهت کسب حقوق ملت کرد علیه امپراطوری عثمانی مبارزه کرد. بطوریکه موجب زندانی شدن ملامصطفی بارزانی در سن کودکی همراه با خانواده اش توسط امپراطوری عثمانی گردیده بعد از مدتی برادر بزرگ ملامصطفی توسط عثمانیها اعدام گردید.

برادر دیگر او شیخ احمد بارزانی، همچنان که قبلاً نیز گفته شد مبارزه را علیه نیروهای بریتانیا و عراق ادامه داد این مسئله چنان تاثیری بر شخصیت ملامصطفی گذاشت، که توانست تا بیش از نیم قرن به عنوان یک مبارز قوی و فسادناپذیر از حقوق ملت کرد در کردستان عراق دفاع نماید.

همانطور که گفته شد در سال ۱۹۱۹ شیخ احمد بارزانی در جریان نهضت با دینان شرکت کرد که موجب کشته شدن دو نفر از انگلیسها نیز

گشت این مسئله موجب تیرگی روابط بریتانیا و بارزانی‌ها گردید. در سال ۱۹۲۷ م. یک ستون نظامی از ارتش عراق زیر نظر جمعی از افسران انگلیسی به حرکت در آمدند تا کار شیخ احمد بارزانی را یکسره نمایند اما نیروهایی از طرف بارزانی‌ها به فرماندهی ملامصطفی بارزانی آماده گردید. این دو در میانه راه با هم درگیر شدند و نبرد سختی میان آنها در گرفت. این ستون در چند کیلومتری بارزان متوقف شد و از پیشروی بازماند.^(۱) در سال ۱۹۳۰ ملامصطفی بارزانی حرکت‌هایی را علیه بغداد و نیروهای بریتانیا پایه ریزی کرد که بیش از نیم قرن ادامه داشت. در طول این مدت وی تنها شخصیت ملی کرد بود که علیه نیروهای بریتانیا و عراق در دفاع از حقوق کردها مبارزه می‌کرد. علی رغم شکست او در جنگ داخلی و سالهای طولانی تبعید وی همچنان به مبارزات خود علیه رژیم بغداد ادامه می‌داد. او در اکثر مواقع نیز شکست سنگینی را می‌پذیرفت بازوی نظامی وی را پیشمرگه‌ها^(۲) تشکیل می‌دادند.^(۳) ارتش عراق بارها تا حدود ۸۰ درصد نیروهای خود را علیه شورش او بکاربرد و هر بار خسارت زیادی را متحمل شد.

همانطور که قبلاً نیز گفته شد در سال ۱۹۳۱ جنگی میان رژیم بغداد، نیروهای بریتانیا و قبیله‌های مزدور از یک طرف و بارزانیها از طرف دیگر در گرفت. بعد از چندین بار شکست نیروهای دولتی، سرانجام در سال ۱۹۳۳ نیروهای بارزانی شکست خوردند و به ترکیه پناهنده شدند. در سال ۱۹۳۵ ترکیه آنها را دست بسته تحویل عراق داد که مدتی در حله

۱- مردوخ روحانی، پیشین، ص ۵۳۴

۲- پیشمرگه به افرادی از کردها گفته می‌شود که علیه حکومت مرکزی جهت کسب حقوق کردها می‌جنگند.

۳- دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی کردستان (۱)، تهران، ش ۳۱، ص ۸۳

زندانی و سپس در سلیمانیه به حالت تبعید بسر می بردند.^(۱) سرانجام در سال ۱۹۴۳ ملامصطفی از زندان سلیمانیه گریخت و رزمندگان را در بارزان گرد هم آورد. پایگاههای پلیس را مورد حمله قرار داد و ستون اعزامی ارتش را در هم شکست و نخست وزیرنوری سعید را وادار کرد که با خواسته هایش موافقت کند.

بعد از مدتی دولت نوری سعید سقوط کرد و دولت جدید حاضر به قبول خواسته های بارزانی نبود و موافقتنامه را نادیده گرفت. به علت نادیده گرفتن پیمان از طرف دولت مرکزی آتش جنگ بار دیگر شعله ور شد و جنگ در تمام طول تابستان ادامه داشت.

سرانجام عملیات ارتش و نیروهای هوایی بریتانیا و قبایل مزدور حکومت پس از چندین بار شکست به نتیجه رسید و نیروهای بارزانی توان مقاومت خود را از دست دادند و^(۲) در سال ۱۹۴۵ بعد از چهار سال جنگ با قوای عراق وارد ایران شدند. در آن هنگام قاضی محمد کتترل بعضی از مناطق کردنشین ایران را در اختیار داشت. حمایت ملامصطفی از قاضی محمد را نمی توان به حساب دوستی او با شوروی گذاشت. بلکه ناشی از حس ملی گرایی او بود.^(۳) این امر موجب درگیری نیروهای محمدرضا شاه و ملامصطفی بارزانی گردید. بعد از درگیری سختی که ملامصطفی با نیروهای عراقی داشت و پس از اینکه در مرز عراق نیز درگیری سختی با نیروهای ترکیه پیدا کرده بود نیروهای هر سه کشور ایران، ترکیه و عراق در مرزهای خویش برای نبرد با ملامصطفی به حال

۱-مردوخ روحانی، پیشین، ص ۵۳۶و۵۳۵

۲- درک، کینان، کردها و کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران، نگاه، ۱۳۷۲) ص ۱۰۵ و

۱۰۶

۳-ریچارد، کانم، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدوین (تهران، نگاه، ۱۳۷۱) ص ۱۰۵

آماده باش درآمدند. قوای ملامصطفی پس از گذشتن از مرز عراق و درگیری سختی با نیروهای ایرانی و ترک و شکستن محاصره آنها سرانجام پس از پشت سرگذراندن پانصد کیلومتر راه پر پیچ و خم کوهستانی و جنگ و گریز فراوان در خرداد ۱۳۲۶ هـ ش با عبور از رود ارس وارد خاک شوروی گردیدند.^(۱) زمانی که وارد خاک شوروی شدند با قراف، بارزانی را به میهمانی خود دعوت کرد اما وی در آنجا از خوردن غذا امتناع کرد و گفت: «من نمی نوشم و چیزی هم نخواهم خورد! وقتی ۵۰۰ کرد (یعنی همراهان او) از گرسنگی هلاک می شوند چگونه می خواهید چیزی بخورم»

پس از آنکه عبدالکریم قاسم کودتا کرد و رژیم سلطنتی سرنگون شد در سال ۱۹۵۸ ملامصطفی بارزانی و یارانش بعد از ۱۱ سال پناهندگی به کشور بازگشتند و همچون رئیس یک کشور از سوی جمعیتی عظیم و هیجان زده مورد استقبال قرار گرفتند.^(۲) اما کم کم قاسم نسبت به ملامصطفی بارزانی احساس خطر کرد و شروع به حمایت از دشمنان سستی ملامصطفی کرد و روابط بین عبدالکریم قاسم و ملامصطفی بارزانی تیره شد. سرانجام در سال ۱۹۶۱ بین قاسم و ملامصطفی بارزانی جنگ در گرفت^(۳). در ۲۴ سپتامبر قاسم اقرار کرد که عشایر کرد با شورش خود توانستند تا ۱/۴ خاک عراق را تحت نفوذ خود درآوردند. در آن سال ملامصطفی بارزانی مظهر اتحاد بین کردها گردید. اتحادی که بطور سستی

۱- مرتضی، زربخت، از کردستان عراق تا آنسوی رود ارس، راهپیمایی تاریخی ملامصطفی بارزانی ۱۳۲۶ (تهران، شیراز، ۱۳۷۷) ج ۲، ص ۳ و ص ۵

۲- کریس، کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران، نگاه، ۱۳۷۷) ج ۲، ص ۲۴۲

۳- طالب، عبدالجبار حیدر، المسألة الكردية في الوثائق العراقية، رسالة الماجستير العلوم السياسية، جامعة بغداد، ۱۹۸۲ ص ۲۲۰

در بین کردها وجود نداشت.

رژیم عراق برای سرکوبی کردها حملات گسترده‌ای را بر علیه آنان سامان داده در تمام جنگهایی که صورت گرفت نیروهای دولتی شکست خوردند. این مسئله موجب سقوط پی در پی دولتها و رژیمهای عراق می‌شد. برای نمونه اشاره‌ای به یکی از جنگها خواهیم داشت.

در سال ۱۹۶۶ دولت وسیع‌ترین و متمرکزترین حمله خود علیه شورشیان کرد را آغاز کرد. هدف از این حمله مسدود کردن راههای ارتباطی و تدارکاتی متصل به مرز ایران بود. کردها از طریق این خطوط و از طریق مرز ایران تدارکات و آذوقه خود را وارد می‌کردند. ملامصطفی بارزانی در برابر چهل هزار سرباز که دو هزار نفر آنان را جاشها^(۱) تشکیل می‌دادند و با بیش از ۱۰۰ فروند هواپیما حمایت می‌شدند، ایستاد. وی با سرعت ۳۵۰۰ نفر پیشمرگه و پارتیزان را تحت فرمان خود گرفت. ۹ تیپ عراقی در این تهاجم شرکت داشتند. جنگ اصلی در نواحی شمالی اتفاق افتاد. نیروهای دولتی بر آن بودند که از طریق رواندوز به طرف شرق و مرز ایران پیشروی کنند. ملامصطفی در ۱۱ و ۱۲ ماه مه کلیه پیشمرگان مستقر در منطقه را به زیر فرمان خود گرفت. یک تیپ عراقی را به دام انداخت. تلفات سنگینی به آن وارد و آنان را تار و مار کرد. در این نبرد نیروهای دولتی ۲۰۰۰ کشته از خود بر جای گذاشتند. این نبرد برای ارتش عراق مصیبت بار بود و ارتش را تکان داد و روحیه اتحاد آنان را از بین برد. به طوری که تا دو سال حکومت عراق نتوانست دست به حمله دیگری علیه

۱- اصطلاح جاشها در زبان کردی به کردهایی گفته می‌شود که همراه با نیروهای دولتی علیه پیشمرگه‌های (نیروی مخالف حکومت مرکزی) می‌جنگند و از دولت در قبال جنگیدن با پیشمرگه‌ها حقوق دریافت می‌کنند.

کردها بزند.^(۱)

این یک نمونه از جنگهای ملامصطفی بارزانی با نیروهای عراقی بود. وی در تمام طول عمر خود علیه رژیم بغداد به مبارزه پرداخت. همین امر موجب محبوبیت او در میان کردها گردید و قدرت کاریزمایی فوق العاده‌ای یافت، به طوری که تاثیر زیادی بر جنبش ملی کرد گذاشت و جنبش ملی کرد را به یکی از مسائل مهم در سطح بین‌المللی مبدل ساخت.^(۲)

۱- ابوالاس، پیشین، ص ۱۰۲

۲- به خاطر محدودیت‌های تحقیق نمی‌توان زیاد در مورد جنگهای ملامصطفی بارزانی از جهت کسب حقوق کردها با حکومت مرکزی بحث گردد به همین خاطر به یک نمونه اشاره گردیده است.

نتیجه‌گیری فصل اول

در فصلی که گذشت خصوصیات تاریخی، نژاد و وضعیت کردها مورد بررسی قرار گرفت و به این نتیجه رسیدیم که کردها از نظر نژادی آریایی و از سلسله مادها بوده و از این جهت با عربهای سامی نژاد تفاوت دارند. با توجه به مطالعه پراکندگی جمعیت کردها، در می‌یابیم که کردها نه تنها در کردستان عراق بلکه در کشورهای همسایه عراق نیز زندگی می‌کنند. از نظر موقعیت جغرافیائی، کردستان عراق با ترکیه، سوریه و ایران ارتباط مرزی دارد. از لحاظ منابع طبیعی نیز سرشار از منابع نفتی و منابع معدنی مختلف می‌باشد.

از نظر وضعیت اجتماعی کردها با عربها اختلاف زیادی دارند و وضعیت اجتماعی کردهای عراق تاثیر زیادی بر مبارزه علیه حکومت مرکزی داشته است.

با توجه به آنچه در این فصل بررسی کردیم استبداد امپراطوری عثمانی موجب بروز ناسیونالیسم کرد در اواخر قرن نوزدهم گردید. بعد از شروع قرن بیستم کشتار گسترده کردها توسط شوونیستهای ترک و عرب، موجب رشد و گسترش ناسیونالیسم کرد گردید.

در این فصل همچنین سعی شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که

چرا کشور انگلستان از تشکیل کشور عراق حمایت ولی از تشکیل کشور کردستان جلوگیری نمود؟

انگلستان برای تامین منافع خویش کشور عراق را تشکیل داد و کردستان را میان خود و فرانسه تقسیم نمود تا مناطق نفتخیز ولایت موصل را به عراق که تحت قیمومیت او بود واگذار کند. برای رضایت فرانسه نیز قسمتی از کردستان را به سوریه افزود چون سوریه نیز تحت قیمومیت فرانسه قرار داشت. قسمتی را هم به کمال آتاتورک داد تا در اثر فشار زیاد به شوروی متمایل نگردد. با توجه به این سیاست انگلستان، زمینه برای بحران کردستان علی الخصوص بحران کردستان عراق مهیاشد.

با توجه به پایداری شدن حقوق کردها توسط انگلستان، ملامصطفی بارزانی برای کسب حقوق کردها با کشور استعمارگر انگلیس مبارزه نمود و بیش از ۵۰ سال با رژیمهای دیکتاتوری حاکم بر بغداد نیز مبارزه کرد و اجازه نداد رژیمهای دیکتاتوری حاکم بر بغداد به راحتی بر مناطق کردستان حکومت کنند وی موجب سرنگونی بسیاری از رژیمها و دولتهای عراقی شد. در کل ملامصطفی تاثیر زیادی بر جنبش ملی کردهای عراق داشت. در فصل بعدی در یک بررسی تاریخی نقش و عملکرد قدرتهای بزرگ انگلستان، روسیه (شوروی سابق) و آمریکا در شکلگیری بحرانهای کردستان عراق در قرن بیستم مورد بحث قرار خواهد گرفت.

فصل دوم

**قدرتهای بزرگ و تحولات کردستان در
قرن بیستم**

۱- بریتانیا و کردستان عراق

ماکیاول و هابز معتقدند انسانها گرگ یکدیگرند. آنها بر این باورند که هر کسی که قدرت بیشتری دارد، می‌تواند ضعفا را تحت سلطه خود درآورد. از نظرگاه ماکیا و لیستی هیچ معیاری برای قضاوت حاکم وجود ندارد مگر موافقت‌های سیاسی و ازدیاد قدرت وی، از این نظر کشور انگلستان توسل به هر عملی اعم از حيله، ریا، خیانت و تقلب را برای نیل به اهداف خود مجاز می‌داند.^(۱)

بریتانیا برای کردستان اهمیت زیادی قائل بود به طوری که در اوایل قرن بیستم چندین نفر را برای جاسوسی روانه کردستان کرد. یکی از این افراد میجر سون بود که به زبان کردی آشنایی کامل داشت وی بعد از جنگ جهانی اول مسئول چندین روزنامه کردی در شهر سلیمانیه بود. از جمله می‌توان از روزنامه تیگه‌یشتنی راستی نام برد.^(۲) آنان قبل از جنگ جهانی اول و در زمان جنگ نیز سعی کردند که از مسیحیان برای رسیدن به منافع خویش در کردستان استفاده کنند. به همین خاطر مراکز آموزش

۱- علیرضا، ازغندی و جلیل روشندل، مسائل نظامی و استراتژی معاصر، ویراستار محسن

مدیر شانه‌چی (تهران، سمت، ۱۳۷۴) ص ۵۵

۲- کمال مظهر احمد، پیشین، ص ۳۶ و ۳۷

مذهبی مسیحی را تاسیس کردند، در روستای قوجانس در منطقه حکاری این مراکز آموزشی زیر نظر کنسولگری بریتانیا در شهر وان اداره می‌گردید.^(۱)

کشور استعمارگر انگلستان در اوایل قرن بیستم تا پایان نیمه اول این قرن برای کسب منافع استعماری خویش دست به اقدامات گسترده‌ای زد که برای بررسی آن، نقش بریتانیا را در دو قالب زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- نقش بریتانیا در قبال شورش شیخ محمود برزنجی

۲- نقش بریتانیا در قبال شورش بارزان

الف - بریتانیا و شورش شیخ محمود برزنجی

سیاست بریتانیا در اوایل قرن بیستم ایجاد یک یا چند لوای نیمه خود مختار کرد بود که پیوندی نه چندان استوار داشته و از درگیری در مناطق کوهستانی دوری کنند. از اشغال کفری به این طرف صاحب منصبان سیاسی با شخصیت‌های کرد لواهای کرکوک و سلیمانیه در تماس مداوم بودند. به خصوص با شخصی به نام شیخ محمود برزنجی که رئیس مهم‌ترین خاندان سادات کردستان جنوبی بود و به محض فراهم شدن مقدمات سرگرد ای. دایلو^(۲) نوئیل برای اجرای این سیاست و ایجاد یک نظام اداری موقت که بریتانیا امیدوار بود مورد قبول مردم باشد، به سلیمانیه فرستاده شد.^(۳) وی در سال ۱۹۱۸ در یک گردهمایی که در آن

۱- همان کتاب، ص ۳۹

2- E.W.Noel

۳- ادموندز، سیسل جی، کردها، ترکها، عربها، ترجمه ابراهیم یونی، (تهران، روزبهان

علما، طبقه اشراف، بازرگانان، خاندان سادات، رؤسای قبایل و اکثر گروهها شرکت داشتند مقاله‌ای را قرائت کرد و در آن شیخ محمود را به عنوان حکمدار کردستان معرفی کرد.^(۱) خود وی نیز به عنوان حاکم کردستان انتخاب شده بود. از سوی دولت بریتانیا به شیخ محمود اطلاع داده شد هر یک از جماعات یا قبایل کرد بین سیروان و زاب بزرگ که مایل به قبول رهبری او می‌باشند، در پیروی از آراء خود آزاد خواهند بود. بدین ترتیب بریتانیا می‌خواست که از نفوذ ترکها در منطقه جلوگیری کند.

صاحب منصبان سیاسی نیز به عنوان مشاور و جانشین آنها انتخاب شدند. برای شهرستانهای چمچمال و حلبچه و رانیه نیز تعداد دیگری از افسران انتخاب گردیدند. ایشان به بسیج و تربیت نیروهای نظامی که بعدها به نیروی سلیمانیه موسوم گردیدند، پرداختند.^(۲)

در سال ۱۹۱۸ بریتانیا در ولایت موصل پول و امکانات در اختیار برخی از رؤسای عشیره‌ها گذاشت و به کشاورزی مردم کمک کرد، به برقراری و ایجاد نظم و امنیت پرداخت و بخصوص یک تشکیلات اداری نیز در منطقه سلیمانیه ایجاد کرد.^(۳) اما بعد از آنکه بریتانیا نفوذ خود در منطقه را افزایش داد موفق گردید که در بین روسای سایر قبایل طرفدارانی پیدا کند. قدرت شیخ محمود نیز روز به روز افزایش می‌یافت. بریتانیا سعی کرد که از قدرت شیخ محمود بکاهد و رئیس عشیره‌ها را تبدیل به دشمنان او کند و بدین ترتیب شیخ را محدود نماید.^(۴) چون سیاست بریتانیا بر این بود که کردستان جنوبی را به عراق ملحق سازد.

۱- رفیق، حلیمی. یادداشت، به‌شی دوهم، ص ۶۰ تا ۶۲

۲- سیسل جی، پیشین، ص ۳۹

۳- الحاج، پیشین، ص ۹۵

۴- عبدالرزاق، الحسنی، تاریخ الوزارت العراقیة، جزء ۱، طبع ۷

بعد از آنکه انگلیس موفق شد که جای پایی در منطقه پیدا کند، دست به مخالفت با شیخ محمود زد.^(۱) سرانجام در اواخر ماه مه ۱۹۱۹ بین شیخ محمود و بریتانیا جنگ در گرفت.

شیخ محمود سلیمانیه را از نیروهای بریتانیا پاک و افسران بریتانیایی را در سلیمانیه اسیر کرد. ای بی سوئین^(۲) یک روز قبل از آغاز جنگ چون احتمال وقوع آن را می داد به بهانه‌هایی آنجا را ترک کرد.

نیروهای کمکی متشکل از سربازان هندی و زره پوشها بی درنگ از کرکوک اعزام شدند، اما بعد از شکست سنگینی که متحمل شدند و پس از کشته شدن تعداد زیادی از آنها سرانجام نیروهای بریتانیایی در گذرگاه تا سلوج مجبور به عقب نشینی شدند.^(۳) بعد از مدتی در ژوئیه ۱۹۱۹ جنگ سختی در دریند با زبان، در نزدیکی سلیمانیه در گرفت و با وجود ایستادگی قهرمانانه کردها در ۲۵ ژوئیه ۱۹۱۹ شیخ محمود زخمی و اسیر شد و در یک دادگاه بریتانیایی به مرگ محکوم شد. اما به علت وحشتی که بریتانیا از اعدام شیخ محمود داشت، از اعدام وی صرف نظر، و وی را به حبس ابد محکوم و سپس به هندوستان تبعید شد.

بعد از تبعید شیخ محمود شورش مردم کرد در سراسر کردستان علیه نیروهای بریتانیا به اوج خود رسید^(۴) و چند تن از نیروهای انگلیسی کشته شدند و نیروهای ترک بر آن شدند که از این احساس ضد انگلیسی کردها نهایت بهره را ببرند.

ادموندز سیسل جی می گوید که ما برای تامین پیوستگی احساسات

۱- خصباک، پیشین، ص ۳۷

2- E.B. Soane

۳- همان کتاب

۴- عبدالرحمان، قاسملو، کوردستان و کورد، ص ۷۴

ملی کرد و به عنوان تنها راه چاره تصمیم گرفتیم که شیخ را از تبعید بازگردانیم. اگر می‌خواستیم سیاستمان نتیجه داده و به بار بنشیند می‌بایست عواقب منطقی آن را نیز می‌پذیرفتیم و همهٔ خواسته‌های او را که در واقع همان خواسته‌های کردهای هر سه لوا بود اجابت می‌کردیم.^(۱)

قبل از ورود شیخ محمود ای. بی. سوئین به بغداد فراخوانده و به جای او گلداسمیت با ظاهری متفاوت به سلیمانیه فرستاده شد. در روز ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۲۲ شیخ محمود به سلیمانیه بازگشت^(۲) و بلافاصله حکومت کردستان را تشکیل داد وی به عنوان پادشاه کردستان انتخاب گردید که مورد قبول انگلیسها واقع شد.^(۳) البته فقط در منطقه سلیمانیه اما شیخ محمود به این امر راضی نشد. او می‌خواست که کل منطقه کردستان را از نفوذ بیگانگان پاک نماید. بخصوص شهر کرکوک که شهری نفت خیز بود. اما انگلیس‌ها با این خواست شیخ محمود مخالفت کردند. در ۴ مارس ۱۹۲۳ بعد از چند حمله نظامی سخت و تهاجم هوایی نیروهای سلطنتی بریتانیا کار به جایی رسید که شیخ محمود ناچار شد سلیمانیه را ترک کند. در ۱۱ ژوئیه ۱۹۲۳ شیخ دوباره سلیمانیه را از اشغال نیروهای اشغالگر بریتانیا آزاد کرد و در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ پیمان لوزان مطرح گردید و در این پیمان تمام ماده‌های پیمان سور به کلی نادیده گرفته شد.^(۴)

سرانجام در درگیریهای سختی که بین نیروهای بریتانیا و ارتش عراق از یک طرف و شیخ محمود و طرفدارانش از طرف دیگر آغاز شد در ۱۹ ژوئیه ۱۹۲۴ سلیمانیه به اشغال نیروهای مشترک بریتانیا و عراق در

۱- ادموندز، سیسل جی، پیشین، ص ۳۳۲

۲- مردوخ روحانی، پیشین، ص ۶۲۱

۳- رفیق، حلیمی، یادداشت، بی‌شی دووهم، ص ۵۴۳ و ص ۵۴۴

۴- قاسملو، پیشین، ص ۷۶ و ۷۷

آمد^(۱) و یک مزدور به نام احمد بگ پسر توفیق اهل سلیمانیه به عنوان استاندار سلیمانیه انتخاب شد.

از آن پس شهر سلیمانیه در کنترل نیروهای بریتانیا و رژیم عراق باقی ماند^(۲) و شیخ محمود همچنان خارج از شهر سلیمانیه به جنگ با نیروهای بریتانیا ادامه می داد.

از آن سوی مرز یعنی از ایران، آذوقه و مایحتاج توسط کردها به شیخ محمود رسانده می شد. آنها با قاطر وسایل را از مرزها می گذراندند و به شیخ محمود و طرفدارانش می رساندند. اما در ایران وضعیت سیاسی دگرگون شد و رضاشاه قدرت را بدست گرفت. و خود تحت حمایت انگلستان قرارداد داشت. انگلستان با هماهنگی ایران و ارتش عراق در آوریل ۱۹۳۱ هجوم همه جانبه ای را به سوی کردستان آغاز کرد پس از چند روز جنگ و گریز سرانجام مهمات و آذوقه آنها تمام شد آنها می خواستند از مرزهای ایران گذشته و به این کشور پناهنده شوند ولی ارتش ایران نیز از هر سو آنها را زیر آتش خود گرفت. شیخ محمود برای نجات همراهان خویش با کاپیتان هولت نماینده دولت انگلیس وارد مذاکره شد و پذیرفت که تحت الحفظ به عراق بازگردانده شود.^(۳)

ب - بریتانیا و شورش بارزان

بعد از جنگ جهانی اول زمانی که کشور ترکیه آشوریها را از

۱- سرهنگ ع. الجمیلی، نگاهی به تاریخ سیاسی عراق، ترجمه محمد حسین زوار کعبه (تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۰) ص ۱۹

۲- نجدة، فتحة صفوة، العراق فی الوثائق البریطانیة ۱۹۳۶ (البصرة، مطبعة اشیلیه، ۱۹۸۳) ص ۵۷

۳- مردوخ روحانی، پیشین، ص ۶۲۵

سرزمینشان اخراج می‌کرد، کولونیل لیچمن پیشنهاد کرد که کشور بریتانیا کردهای مسلمان نزدیک مرز ترکیه را از مسکن اصلی خود براند. وی دلیل این امر را ضدیت بارزانیها با کشور انگلیس و کشته شدن دو تن از افسران انگلیسی ذکر کرد.

در سال ۱۹۲۰ ویلسون پیشنهاد فوق را به وزارت دفاع بریتانیا ارائه و نوشته خود را با این جملات پایان داد ما طرح خوبی برای اسکان نستوریه‌ها پیدا کرده‌ایم، بطوریکه بریتانیا و کشورهای اروپایی نیز راضی باشند. بدین ترتیب مشکل بزرگ ما در کردستان حل خواهد شد و از خطری که در آینده در شمال فرات با آن روبرو خواهیم بود رها می‌شویم. این درس عبرتی برای دشمنان ما در آمیدی^(۱) خواهد بود. بدین ترتیب دیگر جرأت نخواهند کرد که بر ضد ما فعالیت کنند. ویلسون می‌گوید:

«حکومت از پیشنهادات و طرحهای ما حمایت کرد» علت را که ماندن این طرح این بود که ترکها در موصل فعالیتهای زیادی را شروع کرده بودند و این خود موجب شده بود که نتوانند نستوریه‌ها را به منطقه بارزانیها نقل مکان دهند.^(۲) در سال ۱۹۲۸ نستوری‌ها در نزدیکی منطقه بارزانیها مستقر شدند. این نشان دهنده آن بود که کردها را سرانجام از موطن خود بیرون کرده و نستوریه‌ها را جانشین آنان خواهند کرد. شیخ احمد بارزان که به این امر کاملاً واقف بود دست به اقداماتی زد که از اجرای این طرح جلوگیری کند. وی با روسای عشیره‌های دیگر تماس گرفت تا شاید بتواند از بیرون راندن بارزانیها و جایگزین کردن نستوریه‌ها

۱- نامیدی اسم شهری است در کردستان عراق که در قسمت بادینان قرار گرفته و در حال حاضر جزو استان دهوک می‌باشد.

۲- عبدالرزاق، الحسینی، تاریخ الوزارت العراقية، جزء ۶، طبع ۷، ص ۱۹۴ و ص ۱۹۵

جلوگیری کند.

وقتی که بریتانیا متوجه فعالیت‌های شیخ احمد شد نیروهای دولتی را تحریک کرد تا به منطقه بارزان حمله کنند. به این سبب در سال ۱۹۳۱ به بارزان حمله شد که موجب شکست نیروهای دولتی و بریتانیا گردید. کشور بریتانیا دست به یک سیاست تفرقه اندازی در بین کردها زد. (۱) (استیون همزلی لانگریگ یکی از نویسندگان انگلیسی در کتاب عراق در سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ در صفحه ۳۴۹ و ۳۵۰ به آن اشاره می‌کند.) به دروغ شایع کردند که شیخ احمد مسیحی شده و خوردن گوشت خوک را نیز حلال می‌داند و پیروانش را وادار می‌سازد تا گوشت خوک بخورند و مسیحی شوند.

طرح این مسائل از این جهت بود که میان شیخ رشید لولان و شیخ احمد بارزانی تفرقه و نفاق بیندازند. و متأسفانه موفق نیز گردیدند. (۲) شیخ رشید در کمال سادگی دروغ‌ها و شایعات را باور کرد، شیخ احمد را ملحد خواند و علیه وی اعلام جهاد نمود شیخ احمد به دولت عراق پیام داد که مانع شیخ رشید شود و از بروز جنگ داخلی جلوگیری کند. اما حکومت به تحریک مزدوران انگلیسی خود نیز وارد معرکه شد و در ۹ دسامبر ۱۹۳۱ محاصره بارزان کامل شد. در این میان شیخ احمد نیرویی را به فرماندهی برادر کوچک‌ترش ملامصطفی بارزانی آماده کرد. قوای ملامصطفی شیخ رشید را به سرعت شکست داده و ضربه سنگینی نیز را بر ارتش عراق وارد آوردند و آنها را مجبور به عقب نشینی کردند. (۳) به تلافی این شکست نیروی هوایی انگلیس روستاهای بارزان را شدیداً

۱- سه جادی، پیشین، ص ۱۰۹ و ۱۱۰

۲- می‌توانید نگاه کنید به: لانگریگ، پیشین، ص ۳۴۹ و ص ۳۵۰

۳- مردوخ روحانی، پیشین، ص ۵۳۵

بمباران کرد که منجر به ویران شدن ۱۳۶۵ خانه سکونی در ۷۹ آبادی در منطقه بارزان گردید.^(۱)

سرهنگ دوم «سرآرنولد ویلسون» هنگام ایراد سخنرانی سالیانه در انجمن آسیایی پادشاهی در لندن در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۳۲ ضمن اشاره به این حوادث گفت: «... نیروی هوایی انگلستان با لجاجت و خونسردی (و بدون اعتنا به اعلامیه‌های ژنو) در طی دهسال گذشته مخصوصاً شش ماه اخیر به بمباران کردها (در عراق) پرداخته اند. دهکده‌های ویران شده دامهای نابود شده و زنان و کودکان افلیج هم به گفته خبرگزاری روزانه «تایمز» از توسعه و پیشرفت طرح یکنواخت تمدن، گواهی می‌دهند!»^(۲)

حمله هواپیماهای بریتانیا همچنان ادامه داشت. در سالهای ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ زنان و کودکان زیادی کشته شدند، نیروهای بارزانی موفق شدند که ضربه سختی بر ارتش عراق وارد آورند. اما سرانجام نیروهای بارزانی شکست خوردند و به ترکیه پناهنده شدند.

واقعیت این است که حکومت عراق هرگز به تنهایی نمی‌توانست بر نیروهای بارزانی پیروز شود اما زمانی که نیروی هوایی بریتانیا به کمک او شتافت، توانست بر بارزانیها پیروز شود.^(۳)

جنگهای بارزانیها علیه رژیم سلطنتی دست نشاندۀ بریتانیا، علاوه بر دهه ۳۰ از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۷ نیز به شدت ادامه داشت و نیروهای زمینی و هوایی انگلستان دائماً درگیر جنگ تمام عیاری با نیروهای

۱- نیکتین، پیشین، ص ۴۲۵

۲- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفصلی، (تهران، امیرکبیر،

۱۳۶۱) ج ۳، ج ۳، ج ۷، ص ۱۴۹۵

۳- خصباک، پیشین، ص ۳۸

ملا مصطفی بارزانی بودند.^(۱) اسامی فرماندهانی که نیروهای ارتش عراق را در جنگ با بارزانیها فرماندهی می کردند به این شرح است: در سال ۱۹۳۲ ژنرال رونسبون و در سال ۱۹۴۵ ژنرال رونتن و دیگر افسران بریتانیایی در جنگ با بارزانیها شرکت داشتند و هواپیماهای نیروی هوایی بریتانیا R.A.F روستاها را بمباران و زنان و کودکان زیاد را به شهادت رساندند.^(۲)

بعد از انقلاب عراق توسط ژنرال عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ و سرنگونی رژیم سلطنتی دست نشانده بریتانیا نقش و نفوذ بریتانیا در عراق از بین رفت.

۲- روسیه (شوروی سابق)

علاقه روس ها به منطقه از این واقعیت نشأت می گیرد که خاورمیانه راه دستیابی آنها به اقیانوس هند است. کردستان بیش از بقیه مناطق از تلاش های روسیه برای دستیابی به دریای آزاد صدمه دیده است. خط مشی روس ها بر پایه سیاستی مداوم در دراز مدت استوار است. تا زمانی که روس ها سیاستی دراز مدت برای دستیابی به دریای آزاد را مدنظر داشته باشند، هرگز فرصت بهره برداری از آشوبهای بین المللی را از دست نخواهند داد.^(۳) هدف سستی سیاست خارجی روسیه جذب یا انضمام بخش هایی از سرزمین های همسایگان ضعیف بود. هدف های خاص سرزمینی آنها دسترسی به گذرگاههای دریایی و بندرهای آبهای

۱- انصاری، پیشین

۲- بارزانی، پیشین، ص ۳۸

۳- پائول، جابر و دیگران، منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی ویراستار علی هاشمی گیلانی (تهران، سفیر، ۱۳۷۰) ص ۵۵

گرم و از لحاظ تاریخی متوجه تنگه‌های بسفور و دار دانیل، خلیج فارس و دریای زرد بود.^(۱)

الف - روسیه تزاری و کردستان

قبل از آغاز قرن بیستم روسیه بر آن بود تا در مناطق کرد نشین به منافی دست یابد در سال ۱۸۹۶ فرمانده ارتش روسیه در منطقه قفقاز از یک افسر کرد به نام ا. کارتیف خواست تا کتابی در مورد وضعیت سیاسی و جغرافیایی کردستان بنویسد و در آن نقشه مناطق کردنشین را ترسیم کند.^(۲) روسیه از راه آهن برلین - بغداد که توسط آلمانیها احداث می شد واهمه داشت و آن را به عنوان یک تاکتیک بر ضد منافع خویش می دید. از این جهت مترصد آن بود که کردها را به سوی خود متمایل سازد.^(۳) قبل از جنگ جهانی اول روسیه افسری به نام ب. ا. تامیلوف را به امپراطوری عثمانی فرستاد تا مطالعه ای در مورد مناطق کردنشین به عمل آورد. و نظر کردها را نسبت به راه آهن برلین - بغداد جویا شود.^(۴)

روسیه برای کسب منافع بیشتر چندین کنسولگری در کردستان بخصوص در شهرهای بتلیس و وان ایجاد کرد.^(۵) وقتی که در همان اوایل نیروهای روسیه تزاری به دلیل خصومت با عثمانی وارد کردستان شد دست به قتل عام مردم زیادی در مناطق کردنشین زد.^(۶) همین امر موجب

۱- جوزف، فرانکل، روابط بین الملل در جهان متغیر، ترجمه عبدالرحمن عالم (تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰) ج ۲، ص ۶۴

۲- کمال مظهر احمد، کردستان فی سنوات الحرب العالمیه اولی، ص ۴۶

۳- همان منبع، ص ۵۱

۴- همان منبع، ص ۵۳

۵- همان منبع، ص ۵۴

۶- همان منبع، ص ۱۵۶

نفرت از روسیه در میان مردم کرد گردید. به طوری که به محض شروع جنگ جهانی اول رابطه روسیه با رؤسای کردها قطع شد. و تلاش فرمانده نیروهای روسیه در تحریک نیروهای کرد علیه ترکها بی ثمر ماند.

قبل از شروع جنگ، روسیه از کمک به کردها از ترس اینکه آنها از امپراطوری عثمانی مستقل شوند، خودداری کرد. نکته دیگر اینکه روسیه رابطه بهتری با ارمنی‌ها داشت، و یک نیروی نظامی از ارمنی‌ها تشکیل و به خدمت خود گرفت.^(۱) افسر روسی بوریس شاخوفسکی می‌گوید:

ما در سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۶ در کردستان با مشکلات زیادی مواجه بودیم، چرا که کردها بر علیه ما بودند.^(۲)

در بهار سال ۱۹۱۶، لشکر قفقاز به سوی ترابوزان و موصل حرکت کرد و در همان سال مناطق بزرگی را به اشغال خویش در آورد. نیروهای روسیه به فرماندهی باراتوف نیز به خانیقین حمله کردند. نیروهای دیگر روسی به نزدیکی دجله رسیدند. اما به علت اینکه نیروهای بریتانیا موافق همکاری با نیروهای روسیه نبودند، توافق شد که نیروهای روسیه از کردستان عقب نشینی کنند.^(۳) در سال ۱۹۱۶ بسیاری از مناطق کردستان به میدان جنگ تبدیل شده بود.^(۴) اما روس‌ها دست از فعالیت در کردستان برنداشتند. تا اینکه پیروزی انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ تاثیر زیادی بر طرحهای پلید قدرتهای بزرگ در سالهای اول جنگ گذاشت و روسیه نیز به علت انقلاب جدید دست از پیمانهای محرمانه و آشکار

۱- م.س. لازاریف کیشه‌ی کورد ۱۸۹۶-۱۹۱۷ (به غدا، مطبعه الجاحظ، ۱۹۸۹) بی شی ۲، ص ۶۱۰

۲- کمال مظهر احمد، کردستان فی سنوات الحرب العالمیه اولالی، ص ۱۵۸

۳- لازاریف، پیشین، ص ۶۱۴

۴- همان کتاب، ص ۶۱۶

خود برداشت.^(۱) شاهزاده شاخوفسکی کنسول روسیه تزاری در کردستان در خاطراتش می نویسد: «کارهای زیادی انجام داده بودم اما کودتای فوری آنها را بی ثمر گذاشت.»^(۲)

ب - روسیه بعد از انقلاب اکتبر و کردستان عراق

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بلشویکها را که به قدرت رساند، نظام جدیدی از دانش و استراتژی‌های تازه‌ای بوده که سیاست خارجی شوروی را تحت کنترل ایدئولوژی قرارداد که در آن فقط تغییر ظریف جامهٔ سیاستهای سنتی تزاری و واکنش آشکاری در برابر چالشهای که در محیط روسیه به وجود آمده بود، محسوب می‌گردد.^(۳) بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، کردستان ظلم و ستم روسیه تزاری رهایی یافت. اما وقوع انقلاب در روسیه موجب حمایت جدی روس‌ها از جنبش ملی کردها نشد.

برای مثال می‌توان به نامه شیخ محمود برزنجی اشاره کرد که در ۲۰ ژانویه ۱۹۲۳ خطاب به کنسولگری شوروی در تبریز نوشت. در آن نامه آمده است:

«در سال ۱۹۱۷ هنگامی که دنیا صدای آزادی حقیقی را شنید و دریافت که ملت‌ها از چنگ ظالمان و ستمگران آزاد شده‌اند همه شادمان شدند...» شیخ محمود اضافه می‌کند: «امروز ملت کرد دست کمک به سوی شما دراز می‌کند و دلسوزانه آرزو دارد که با شما و در کنار شما در کمال دوستی و برادری زندگی کند. حداقل آرزوی ملت کرد این است که

۱- کمال مظهر احمد، کردستان فی سنوات الحرب العالمية اولی، ص ۱۶۳

۲- قاسملو، پیشین، ص ۵۰

۳- فرانکل، پیشین، ص ۶۵

حقوق ملی خویش را بدست آورد.»^(۱)

وی در آخر نامه اش چنین می نویسد:

«شما از مشکلات ما مطلع هستید و خوب میدانید که کردستان جنوبی در چه تاریخی دست به شورش زد. و از موضع غیر دوستانه همسایگانمان به خوبی آگاهید. از آنجا که ارتباط رسمی میان ما و حکومت شوروی وجود ندارد نمی توان در مسائل بطور مفصل به بحث پرداخت، اما ما معتقدیم که روسیه پشتیبان ماست. به همین خاطر است که می توانیم بگوییم: صلت کرد هم اعتقاد دارد که ملت روس شرق را آزاد خواهند کرد. در حال حاضر آن چیزی که برای ما اهمیت دارد کمک کردن به مسئله کردهاست... مردم ما بی صبرانه در انتظار برقراری پیوند و ارتباط میان دو طرف است.»^(۲) اما متأسفانه شاهدیم علی رغم درخواست کمک ملت کرد و علی رغم شعارهایی که کمونیستها به عنوان ایدئولوژی خاص در دفاع از ملت های مظلوم و مقابله با امپریالیسم می دهند چیزی جز شعار و یا همان نوع سیاست تزاری آمیخته به ایدئولوژی خاص عایدشان نشده است. و این هیچ کمکی به ملت کرد در کسب حقوق پایمال شده خود نمی کند.

در کنگره ملت های شرقی در شهر باکو در سال ۱۹۲۰، ۸ نفر از نمایندگان کرد نیز شرکت داشتند.^(۳) اما در آن کنگره نیز هیچ کس از حقوق ملت کرد دفاع نکرد، هیچ ابرقدرتی از منافع کردها حمایت جدی به عمل نیاورد.

۱- فاسملو، پیشین، ص ۷۷

۲- همان کتاب

۳- کمال، مظهر احمد، دور الشعب الكردي في ثورة العشرين العراقية (بغداد، مطبعة

الحوادث، ۱۹۸۷) ص ۵۶

اتحاد جماهیر شوروی تاثیر زیادی بر شکل گیری جنبش های کرد براساس تفکرات مارکسیستی داشت. تبلیغات زیادی صورت می گرفت که ایدئولوژی مارکسیستی می تواند ملت های محروم را از ظلم ستمگران آزاد کند. مردم کرد نیز که کینه دیرینه ای از کشورهای غربی از جمله انگلستان و فرانسه به سبب تقسیم سرزمینشان و قتل عام ملت کرد داشتند متأثر از ایدئولوژی مارکسیستی احزاب و گروه های زیادی را سامان دادند به همین علت زمانی که در سال ۱۹۳۴ حزب کمونیست در کردستان عراق تشکیل گردید جوانان زیادی از قشر های تحصیل کرده به آن جذب شدند. احزاب دیگری نیز در کردستان عراق تشکیل گردیدند از آن جمله می توان از حزب کومله برای تی نام برد که در سال ۱۹۳۸ به رهبری شیخ لطیف پسر شیخ محمود برزنجی تاسیس شد و حزب دیگری نیز به نام حزب هیوا در سال ۱۹۳۹ تشکیل گردید که اعضای آن را افسران و روشنفکران تشکیل میدادند. رهبری این حزب به عهده رفیق حلمی بود. در سال ۱۹۴۲ در مهاباد نیز حزب کومله ژ.ک (کمیتة رستاخیز کردستان) تشکیل گردید.

در سال ۱۹۴۵ حزب شیوعی که در اول به سبب اینکه روزنامه شورش را منتشر می کرد به حزب شورش معروف بود. تشکیل گردید که از حزب کمونیست عراق جدا شده بود.

حزب رزگاری کرد نیز در سال ۱۹۴۵ از اتحاد روشنفکران و حزب شورش تشکیل گردید ^(۱) احزاب و گروه های یاد شده دارای تفکرات مارکسیستی بودند.

در سال ۱۹۴۱ از افراد سرشناس کرد دعوت شد تا از شوروی دیدن

۱- رجوع کنید به: علی، عبدالله میزویی پارتی دیموکراتی کوردستان - عراق تا به سستی کونگره ی سه به می (کوردستانی عراق، حزب دیموکراتی کوردستان عراق، ۱۹۶۸)

کنند. نمایندگان کردهای شهرهای ارومیه، میاندوآب، بوکان و مهاباد به تبریز و از آنجا با قطار به همراهی ژنرال آتاکچوف به باکو رفتند.^(۱) با توجه به اهمیت و موقعیت استراتژیکی کردستان در سال ۱۹۴۲ آلمان که چشم طمع به شوروی داشت بر آن بود که از مسیر پایین به کردستان داخل شود و خود را برای یورش ناگهانی به شوروی آماده نماید.

در سال ۱۹۴۵ نیز دولت پیروز شوروی آماده شد تا در مدت جنگ از اوضاع کاملاً بهره برداری نماید. در این گیر و دار در سفر دوم نمایندگان کرد به باکو شوروی پشتیبانی کامل خود را از کردها اعلام نمود به شرط آن که جنبش کردستان به آنان متمایل باشد و با جنبش ملی و ضد طبقاتی آذربایجان هم آهنگ گردد.^(۲) جمهوری کردستان در مهاباد تشکیل گردید. اما به علت خیانت نیروهای شوروی به جمهوری آذربایجان و کردستان متلاشی شده ملامصطفی بارزانی نیز که با نیروهای ایرانی، عراقی و ترک وارد جنگ شده بود مجبور گردید به شوروی پناهنده گردد. بعد از کودتای ۱۹۵۸ ژنرال عبدالکریم قاسم در عراق، حزب دمکرات کردستان عراق اظهار داشت که آزادی ملی را هدف اصلی خود می‌داند. احزاب کمونیست هم عبدالکریم قاسم را تأیید کردند. ملامصطفی بارزانی نیز به عراق بازگشت و مورد استقبال جمعیت کثیری از مردم قرار گرفت.

حزب دمکرات کردستان عراق و بعضی‌ها در یک دوره کوتاه مدت با یکدیگر به خوبی همکاری نمودند. اما برای بارزانی روشن شد که سیاست قاسم در قبال کردها در اصل همان سیاست نوری سعید است. به همین دلیل هیئتی از نمایندگان حزب دمکرات کردستان عراق به مسکو

۱- ایگلتون جونیز، پیشین، ص ۳۴

۳- همان منبع ص ۸۸

رفت و با خروشچف دیدار کرد. آنها می‌خواستند تا شوروی قاسم را تحت فشار قرار دهد و از حقوق کردها در مقابل رژیم بغداد حمایت کنند. حکومت عراق نیز می‌خواست که شوروی کردها را تحت فشار قرار دهد تا تحت نظر دولت بغداد قرار گیرند و از خواستهای خود دست بردارند بخش بزرگی از سرزمین کردستان در کنترل حزب دمکرات کردستان قرار داشت.^(۱) این تلاشها نتیجه نداد و شوروی و حزب کمونیست عراق هر دو جانب قاسم را گرفتند و جنگ داخلی که در سال ۱۹۶۱ در گرفت.

در فصل بعد فراز و نشیب‌های روابط عراق و شوروی و تاثیر آن بر روابط کردهای عراق با شوروی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. به دنبال دومین کودتای بعثی در سال ۱۹۶۸ فشار روسیه برای آشتی میان بعثی‌ها و ناسیونالیست‌های کرد شدت گرفت و رئیس جمهور وقت عراق یعنی احمد حسن البکر را بر آن داشت که طرحی برای صلح آماده سازد. بدین ترتیب در سال ۱۹۷۰ حزب دمکرات کردستان و بعثی‌ها در مورد شناسائی حق موجودیت ملت کرد به توافق رسیدند. و پنج تن از کردها مجدداً به کابینه بعثی‌ها راه یافتند.^(۲)

اما به علت پاره‌ای از مسائل روابط عراق با کردها مجدداً تیره شد. در نوامبر ۱۹۷۳ واحدهای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق که در کردستان و به خصوص در منطقه در بندخان مستقر بودند علیه پیشمرگه‌ها وارد جنگ شدند. از دسامبر ۱۹۷۳ تا فوریه ۱۹۷۴ پس از این که واحدهای پیشمرگه موفق شدند نیروهای کمیته مرکزی کمونیست عراق را در در بندخان شکست دهند، احزاب کمونیست سراسر جهان حزب دمکرات کردستان عراق را متهم به آزار کمونیست‌ها در کردستان کردند و

۱- احمد، فوزی، قاسم والا کراخناجر و جبال ۱۹۶۱، ... ص ۲۹۱

۲- انصاری، پیشین

اینک کشور عراق اسلحه فراوانی از شوروی برای کشتار کردها دریافت داشته است.^(۱)

در زمان جنگ ایران و عراق در دهه ۸۰ همزمان نیروهای کرد عراقی علیه ظلم و جنایات رژیم بعثی به جنگ می‌پرداختند. در آن زمان نیز صدام حسین با حمایت شوروی که تامین‌کننده اصلی اسلحه و مهمات رژیم بعثی عراق بود مرتکب جنایات فراوانی شد برای نمونه می‌توان به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در شهر حلبچه اشاره کرد که موجب کشته شدن پنج هزار نفر از زنان و کودکان بی‌گناه و مردم مظلوم کرد گردید. با وجود این شوروی هرگز صدام را محکوم نکرد و همچنان سلاح‌های رژیم بعثی را تامین می‌کرد.

فکری کریم عضو شورای رهبری حزب کمونیست عراق اظهار داشت: «ما گزارش جامعی از جنایات صدام حسین در کردستان در اختیار کلیه احزاب کمونیست قرار داده‌ایم. این گزارش نه بصورت اطلاعات دست دوم، بلکه شواهدی بود که ما مستقیماً جمع آوری کرده بودیم. اما شوروی‌ها همچنان به خاطر منافع خویش از رژیم بعثی دفاع می‌کردند.» در سال ۱۹۹۴، روسیه برای حمایت از کردها، کنگره‌ای را در مسکو برگزار کرد. که در آن مقامات ارشد روسی از جمله ولادیمیر شیمیروف تا معاون امور بین‌الملل وزارت امور خارجه و کامران حسن به نمایندگی از کردهای کردستان ترکیه حضور داشتند. در این کنگره کامران حسن پیام عبدالله اوجلان را برای حاضرین قرائت کرد. در این پیام انقلابیون کرد متعهد شدند که جنگ را علیه ترکیه ادامه دهند. علاوه بر کردهای ترکیه کردهای ارمنستان، روسیه، و قزاقستان نیز در این کنگره شرکت

داشتند.^(۱)

ما در اینجا به وضوح به نقش کشور روسیه در مسائل کردستان پی می‌بریم.

سیاست خارجی روسیه در قبال کردها به گونه ای بوده است که هر گاه با منافع آن سازگاری داشته از آنها حمایت کرده و هرگاه که با منافع آنها هماهنگی نداشته آنها را به حال خود رها کرده است شاهدیم که حتی به حزب P.K.K که یک حزب مارکسیست لینیست است در مواقعی که شرایط با منافع آنها سازگار نبوده کمکی نکرده است. به خصوص زمانی که سوریه در اثر تهدیدات ترکیه عبدالله اوچلان رهبر P.K.K را از کشور خود راند روسیه به جهت منافع مشترک خود با ترکیه حاضر به پذیرش او نشد تا سرانجام دستگیر شد. حتی در این موقع نیز روسیه کوچکترین عکس‌العملی از خود نشان نداد.

در کردستان عراق نیز روسیه سیاست‌های خود را در راستای رسیدن به اهداف سیاسی استراتژیک و اقتصادی خویش برنامه ریزی کرده است که در فصل بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

۳- آمریکا و کردستان عراق

بی تردید نفوذ و رخنه‌گری یک شیوه کهنه استعماری در روابط بین‌الملل است. اما با شروع مرحله جدیدی از شیوه‌های استعماری که به استعمار نو معروف است نفوذ ابعاد وسیع تری یافته است. در این مرحله قدرتهای بزرگ برای حفظ و گسترش مناطق تحت نفوذ خود شیوه‌های قدیمی را که شامل انضمام جغرافیایی بود تا اندازه‌ای کنار گذاشته و شیوه

جدیدتری یعنی تسلط و کنترل غیر مستقیم بر این کشورها را در پیش گرفته‌اند. در این مرحله نفوذ در شئون مختلف حیات اجتماعی کشورهای تحت سلطه از حالت یک شیوه ابزار جانبی خارج شده و حالت ابزار اصلی به خود گرفته است. این روش بطور خلاصه عبارت است از تأثیر آگاهانه و هدفدار قدرتهای بزرگ بر نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک کشور به منظور کنترل و حاکمیت بر آن کشور است.

در دنیای امروز مسائل اقتصادی، ارتباطی و تکنولوژیکی سخت به هم تنیده‌اند. و مسائل امنیتی اشکال و ابعاد دیگری یافته‌اند امنیت اقتصادی و اجتماعی هم برای کشورهای پیشرفته صنعتی و هم برای کشورهای توسعه نیافته بسیار حائز اهمیت است. برای مثال کشورهای صنعتی در برابر تهدید نظامی کشورهای خاورمیانه آسیب پذیر نیستند اما در برابر تحریم‌های نفتی بسیار آسیب پذیرند.^(۱) به همین دلیل قدرتهای بزرگ برآنند تا بر منطقه خاورمیانه تسلط یابند و به فعالیت‌هایی در سطح منطقه دست زده‌اند.

آمریکا بیش از همه نیز سعی دارد بر این منطقه تسلط یابد. دریادار چستر که در سال ۱۸۹۹ به قسطنطنیه فرستاده شد تا با وزیر مختار آمریکا در امر تحصیل غرامت و اموال هتیت مذهبی آمریکایی که در قتل عام ۱۸۹۶ ارامنه کشته شده بودند، همکاری کند پس از مدتی به فکر بهره‌برداری از منابع اقتصادی آن کشور افتاد و در سال ۱۹۰۸ گزارشی را به وزارت امور خارجه آمریکا فرستاد مبنی بر اینکه با دولت ترکیه برای کسب امتیاز و عقد قرارداد احداث یک بندر و سه خط راه آهن از خرموت به دریاچه وان، از طریق ارغنا با دیاربکر و بدلیس از یورموتالیک به

روی خط a از نقطه‌ای روی خط a به سلیمانیه و مرز ایران از راه موصل و کرکوک به توافق رسیده است. این امتیاز حقوق مدنی دو طرف خط آهن، منجمله حق استخراج نفت تا شعاع ۲۰ کیلومتری را به آمریکا واگذار می‌کرد.^(۱) اما این قرارداد به علت شروع جنگ جهانی اول به امضاء نرسید.

تا سال ۱۹۴۵ دیپلماسی آمریکا گسترش چندانی نداشت، از دستگاه اجرایی مناسب و متخصصان کافی بی‌بهره بود و به طور کلی و برای انجام دادن وظایف دشوار دوران پس از جنگ جهانی دوم ناکافی بود. از آن هنگام تاکنون آمریکایی‌ها بزرگترین کادر خدمات دیپلماتیک را در سراسر جهان و تقریباً در همه دولتها به وجود آورده‌اند، مسائل اصلی سیاست خارجی ایالات متحده را مسائل نظامی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک تشکیل می‌دهد.^(۲)

سیاستهای آمریکا در کردستان عراق را می‌توان طی دو دهه مورد بررسی قرارداد که عبارتند از:

الف - سیاستهای آمریکا در دهه ۷۰

ب - سیاستهای آمریکا بعد از جنگ دوم خلیج فارس

الف - سیاستهای آمریکا در دهه ۷۰ در کردستان عراق

آمریکا تا دهه ۷۰ در کردستان عراق نقش قابل ملاحظه‌ای نداشت. چون نقش حفظ منافع غرب در منطقه خلیج فارس بر عهده انگلستان بود. اما پس از خروج نیروهای انگلستان از منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ ایالات متحده آمریکا بر اساس دکترین نیکسون که در سال ۱۹۶۹ در

جزیره گوام اعلام شد.

کیسینجر با انتخاب شاه ایران به عنوان ژاندارم منطقه طرحهای خود را به انجام رسانید. برای آمریکا بعنوان حافظ منافع غرب در منطقه، حفظ وضع موجود یا ثبات سیاسی منطقه از اولویت نخست برخوردار بود.^(۱) در سال ۱۹۷۱ که انگلیسها خلیج فارس را ترک کردند، نیروهای شاه سه جزیره کوچک واقع در دهانه تنگه هرمز را که گذرگاه دوسوم کشتیهای نفتکش به مقصد غرب بود را به کنترل خود در آوردند. همچنین به سلطان عمان در سرکوبی شورشیان ظفار که در ابتدا طرفدار مائو بودند ولی بعد از سازش چین با آمریکا طرفدار شوروی شدند، کمک نمود. خدمات شاه به آمریکا در همین خلاصه نمی شد. نیکسون در خاطراتش می نویسد «او حاضر نشد در تحریم نفتی اعراب در سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ شرکت کند و همچنان به روابطش با اسرائیل ادامه داد و نفت مورد نیاز یهودیان و ناوگان ششم آمریکا در مدیترانه را تامین کرد.»^(۲)

با توجه به تیرگی روابط میان کردها و اعراب در عراق و جنگ دولت بغداد با کردها، در دهه ۷۰ آمریکا نیز وارد صحنه شد و تلاش کرد، با کمک محمدرضا شاه از شورش اکراد عراق به نفع سیاست منطقه ای خود و ایجاد تحولات مناسب در بغداد استفاده کند.^(۳)

نیکسون رئیس جمهور آمریکا در بازدید خود در سال ۱۹۷۲ از ایران موافقتنامه ای را به امضاء رسانید که در آن موافقت نمود در ازای پشتیبانی

۱- همایون، الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی (تهران، قومس، ۱۳۷۲) ج ۲، ص ۳۰۲

۲- آندره فونتن، یک بستر و دو رویا، ترجمه هوشنگ مهدوی (تهران، نو، ۱۳۶۲) ج ۲، ص ۲۵۷

۳- حسین، فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴) ج ۲، ص ۱، ج ۸، ص ۵۰۱

و حمایت ایران از منافع آمریکا در منطقه حضور مشورتی نظامی خود در ایران را افزایش دهد. و با هر نوع درخواست شاه برای خرید تسلیحات از آن کشور به جز تعدادی از تجهیزات و تسلیحات با تکنولوژی پیشرفته موافقت کرد. در این قرارداد کردهای عراق مورد معامله قرار گرفتند. در عوض شاه ایران موافقت کرد که در طرح کمک رسانی مخفی به کردهای عراقی همکاری کند. ناگفته نماند که محمدرضا شاه کمترین تمایلی به پیروزی کردها نداشت.

اما به سبب آنکه شوروی از عراق پشتیبانی می‌کرد و آمریکا می‌خواست بنیه نظامی آن کشور را تضعیف کند تن به این کار داد. ^(۱) بعدها نیکسون چکیده مذاکرات خود با شاه را در یک جمله بیان نمود «به شاه نگاه کردم و از او خواستم حمایت کند.» ^(۲)

در سال ۱۹۷۲ نیکسون جان کانالی را به ایران فرستاد تا مستقیماً به کردها کمک کند. ^(۳) و اشننگتن طی سالهای ۷۵-۱۹۷۲ مبلغ ۱۶ میلیون دلار پول نقد، سلاح و تجهیزات آمریکایی از نوع سیستم جنگ افزارهای روسی و چینی که در جنگهای ویتنام به غنیمت گرفته شده بودند. از طریق سیا با همکاری ایران به کردها واگذار کرد. ^(۴) البته این کمک از نظر کمی چندان قابل توجه نبود اما به عنوان تضمینی در قبال حزب دمکرات کردستان به حساب می‌آمد. بارزانی به شاه و انگیزه‌هایش مظنون بود و هیچ اعتمادی به آن نداشت اما مداخله ایالات متحده آمریکا بطور

۱- غلامرضا، نجانی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب) (تهران،

موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱) ۲ ج، ج ۱، ص ۳، ص ۳۵۶

۲- جابر، دیگران، پیشین، ص ۲۹

۳- نجانی، پیشین، ص ۳۵۶

۴- فردوست، پیشین، ص ۵۰۳

مستقیم و کمک آنها به کردها نوعی تضمین تلقی شد.

هنگامیکه مهره مورد نظر آمریکا، یعنی صدام در جای مناسب خود قرار گرفت، لازم بود که ایالات متحده به عنوان ناجی ارتش عراق از جنگ فرسایشی با اکراد وارد میدان شود. که در این جریان در واقع کردهای عراق قربانی ماکیاولیسم سیاست آمریکا گردیدند.^(۱)

با دور شدن عراق از شوروی و گرفتن امتیازاتی از عراق توسط محمدرضا شاه، در مارس ۱۹۷۵ با میانجیگری سادات و بومدین در کنفرانس کشورهای عضو اوپک در الجزایر ایران با صدام حسین رقیب طبیعی اش در خلیج فارس آشتی کرد. که نتیجه آشتی شاه و صدام حسین انعقاد یک قرارداد مرزی و حسن همجواری به نام قرارداد الجزایر بوده شاه در این قرارداد متعهد شد که کمکهای ایران به کردها را قطع کند.^(۲)

بنابراین برای کردها راهی جز پناهنده شدن به ایران باقی نماند. زیرا در صورت مقاومت از سوی ارتش ایران با برخوردهای تند مواجه می شدند.^(۳)

بر اساس گزارش کمیته ویژه کنگره ایالات متحده در ۹ ژانویه ۱۹۷۶ پرزیدنت نیکسون، کیسینجر و زیر امور خارجه و شاه ایران مایل به پیروزی کردها نبودند بلکه انتظار داشتند شورش کردها و کمک به آنها در سطحی که بنیه نظامی عراق تضعیف شود ادامه یابد.^(۴)

فرب یک ملت به بهای فزاینده آن در راه نیل به اهداف سیاسی، دور از انصاف و مروت است که انسان آن را یکی از پلیدترین تفکرات زمان

۱- کوچرا، پیشین، ص ۳۵۵

۲- فونتن، پیشین، ص ۴۵۸

۳- فردوست، پیشین، ص ۵۰۳

۴- نجانی، پیشین، ص ۳۵۷

میداند. امریکا جهت دسترسی به منافع و اهداف سیاسی پلید خویش ملت کرد را قربانی کرد. ویلیام سافیر روزنامه نگار آمریکایی در دو مقاله تحت عنوان خیانت به کردها در فوریه ۱۹۷۶ کیسینجر و جرائد فورد را محکوم کرد و نوشت:

«اگر رئیس جمهوری میخواهد در دفاع از خیانت به کردها، شاه را مسئول بداند مختار است، ولی اگر میخواهد منکر این عمل نادرست و خلاف اخلاق از سوی آمریکا شود، شایسته است مشاوره را که اصرار به انجام آن داشت (منظور کیسینجر) از کار برکنار کند.»^(۱)

هنری کیسینجر بعدها در خاطرات خود نوشت: «دوست و متحد ما ایران اکنون برای نیروهای عراقی در مرزهای شرقی خود و دور از سوریه دلواپسی و درگیری فراهم نموده است.»^(۲)

ادموند قریب، روزنامه نگار دیگر آمریکایی نوشت: «بارزانی به شاه اطمینان نداشت، او گمان می کرد ایالات متحده آمریکا از او پشتیبانی خواهد کرد، یا حداقل از افرادش حمایت می کند. مفهوم توافق شاه کیسینجر تعهدی بود از سوی آمریکا که کردها روی آن حساب می کردند. در مصاحبه ای که در سپتامبر ۱۹۷۶ با بارزانی داشتم، نظر خود را بدین نحو خلاصه کرد: «ما پشتگرمی به تضمین آمریکا داشتیم، ما هیچ گاه به شاه اعتماد نداشتیم.»^(۳)

۱- همان کتاب، ص ۳۶۱ و ۳۶۲

۲- علی، لاهوتی «ایالات متحده آمریکا و امنیت خلیج فارس» ترجمه هوشنگ لاهوتی، تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، آذر و دی ۱۳۷۴، ش ۹۹-۱۰۰

۳- نجاتی، پیشین، ص ۳۶۲

ب - سیاستهای آمریکا بعد از جنگ دوم خلیج فارس در کردستان عراق یکی از دستاوردهای پایان جنگ سرد، آزادی عملی بود که آمریکا در رهبری جنگ علیه عراق از آن برخوردار شد. روسیه شانس کمتری یافت، اما نقش یک تماشاگر خیرخواه را بازی کرد این بار روسیه رقیب آمریکا برای نفوذ در منطقه نبود.

بحران خلیج فارس موجب استمرار حضور نظامی آمریکا در منطقه شده است^(۱) و تاثیر زیادی بر تحولات کردستان عراق نیز داشته است. کردها نیز در مارس ۱۹۹۱ قیام کردند و تقریباً اکثر مناطق کردستان عراق را به کنترل خود در آوردند پس از آنکه ایالات متحده حمله به عراق را قطع کرد، حمله نیروهای رژیم بعثی به کردهای عراق آغاز شد و به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از زنان و کودکان و آواره شدن بیش از دو میلیون نفر به کشور ایران و ترکیه انجامید که انعکاس وسیعی نیز در سطح بین‌المللی داشت.

بدین ترتیب کشور عراق به سه منطقه تقسیم شد. ۱- مدار ۳۶ درجه (منطقه امن برای کردها)

۲- مدار ۳۲ درجه (منطقه امن برای شیعیان جنوب) ۳- بقیه اراضی نیز در کنترل دولت مرکزی قرار گرفت.

منطقه امن کردهای عراق از طریق پایگاه هوایی اینجریلیک^(۲) در جنوب کشور ترکیه حمایت می‌گردد با استفاده از این پایگاه موجود و حدود ۸۰ هواپیمای غربی در آن به هیچ هواپیمای عراقی اجازه داده نمی‌شود تا بر فراز شمال عراق در مدار ۳۶ درجه به پرواز درآید و از

۱- عزت الله، عزتی، ژئواستراتژی، ویراستار محسن مدیر شانه چی (تهران، سمت،

۱۳۷۳) ص ۱۲۱ و ۱۲۲

نیروی زمینی دولت عراق به مناطق ۳۶ درجه نیز که زیر نفوذ کردها است جلوگیری می‌شود.^(۱)

منطقه امنی که برای کردها در نظر گرفته شد موجب یک نوع استقلال برای کردستان عراق گردید. بدین ترتیب کردها نیز درخواستهای خود از حکومت مرکزی را افزایش دادند. مخصوصاً حزب دمکرات کردستان عراق که در کنگره دهم خواستار خود مختاری کردستان عراق شد ولی با توجه به موقعیت پیش آمده در کنگره ۱۱ که در سال ۱۹۹۳ در شهر اربیل در هولی زرد برگزار گردید احزاب زیادی در آن زمان منحل و به حزب دمکرات کردستان عراق ملحق گردیدند. درخواست خویش را به فدرالی برای کردستان عراق تغییر دادند.^(۲)

کشور آمریکا نیز برای افزایش نفوذ خود در منطقه و کنترل وضعیت سیاسی عراق می‌باید کنترل خود بر کردستان عراق را همچنان ادامه می‌داد، چون پل جمعیت عراق را کردها تشکیل می‌دهند. کردها سازمان یافته ترین گروههای مخالف صدام حسین می‌باشند. میتوانند که در به قدرت رسیدن هیت حاکم بعد از صدام حسین نقش موثری داشته باشند. به همین دلیل آمریکا همچنان در کردستان عراق فعال است.

بعد از دو سال آرامش در کردستان عراق و تشکیل پارلمان کردستان سرانجام در ماه مه ۱۹۹۴ جنگ میان نیروهای اتحاد میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق شروع شد که بیش از یک سال به طول انجامید و سرانجام با میانجیگری دو توافقنامه در وهیدا و دابلین در ماههای

۱- ایرجیل، دوغو «العلاقات امیرکیذبین الاکراد العرب الاسراييلين» لبنان، السفير ۱۹۹۵/۸/۱۱

۲- می‌توانید رجوع کنید به: پروگرام و پیره‌وی ناوخی، پارتی دیموکراتی کوردستانی - به کورتوو، له کونگره یازده مینی پارتی له ۱۶-۲۶ تاب ۱۹۹۳ دابریاری له سه رداوه

اوت و سپتامبر ۱۹۹۵ میان دو حزب و تحت نظارت ایالات متحده آمریکا به امضا رسید و آتش بس اعلام گردید.^(۱) روبرت دویچ مدیر بخش شمالی خلیج فارس وزارت امور خارجه آمریکا پس از آغاز دور دوم نبرد میان دو طرف رقیب در آوریل ۱۹۹۶ از کردستان دیدار کرد. ولی در تنظیم پیش نویس صلح ناکام ماند. در آن هنگام دویچ از دو حزب رقیب برای تامین هزینه‌های نظارت بر آتش بس، یک میلیون دلار مطالبه کرد.^(۲)

در صورتی که فقط در سال ۱۹۹۶ کمک‌های خارجی آمریکا بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار بوده است. حال می‌بینیم که برای صلح در کردستان مبلغ یک میلیون دلار از کردها مطالبه می‌کند.

البته هدف آمریکا از این خواسته بیشتر این بود که کردها را هر چه بیشتر به کنگره ملی عراق (INC) که رهبری آن بر عهده احمد چلبی، یکی از مهره‌های آمریکا است، وابسته سازد. آمریکا می‌خواست کمکهای خویش را از طریق INC انجام دهد تا به آن مشروعیت بخشد.

در تابستان ۱۹۹۶ نیروهای ایرانی برای سرکوبی حزب دمکرات کردستان ایران، با تجهیزات و زره‌پوشی نظامی مجهز به کردستان عراق وارد شدند.

حزب دمکرات کردستان عراق در مقابل ورود نیروهای ایرانی به مناطق تحت کنترل خود ایستاد. این امر موجب یک نوع تنش میان این حزب و ایران گردید. در عوض اتحادیه میهنی با نیروهای ایرانی همکاری کرد. جلال طالبانی که سیاستهای منطقه‌ای را به نفع خود می‌دید بر آن شد

۱- شهاب، زکی «ایران...الوساطة لامبرکیة تصطدم بالشروط الکرایة» انگلستان، الوسط

۱۹۹۶/۹/۲

۲- فوزی، برزنجی «حلف صدام و البارزانی یقلب معادلات طهران و الطالابانی!» انگلستان،

الحوادث، ۱۹۹۶/۹/۱۸

تا از تیرگی روابط ایران و حزب دمکرات کردستان عراق استفاده نماید و با استراتژی جدیدی که طراحی کرده بود، حزب دمکرات کردستان عراق را نابود سازد. استراتژی جدید او این بود که عشایر برادوست را که در منطقه مرزی میان ترکیه ایران و عراق ساکنند و پیش از این بی طرف بودند به همراه بعضی از عشایر خوشنau، سورچیها و برخی دیگر که با بارزانیها دشمنی دیرینه داشتند. با خود متحد نماید و علیه نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق به حمله بزرگی دست زند و آن حزب را از بین ببرد و به تنهایی قدرت را در کردستان عراق بدست گیرد. با شروع حمله اتحادیه میهنی و جنگ، در مقابل استراتژی جلال طالبانی مسعود بارزانی نیز دست به استراتژی جدیدی زد و از صدام حسین خواست تا به نیروهایش در برابر حملات اتحادیه میهنی که مورد حمایت ایران بود کمک نماید. که منجر به شکست اتحادیه میهنی و استراتژی جلال طالبانی در مقابل حزب دمکرات و استراتژی مسعود بارزانی گردید.

مسعود بارزانی با یک بینش واقع بینانه با صدام حسین وارد مذاکره شد. در عین حال نمی خواست که از کردها به عنوان پلی برای سرنگونی رژیم عراق استفاده شود. بدون اینکه هیچ امتیازی به نفع کردها کسب کرده باشد.

این استراتژی جدید مسعود بارزانی، آمریکا را سخت نگران کرده و این بار نه دویچ بلکه خود روبرت بلیترو معاون کریستوفر در امور خاورمیانه برای پایان دادن به جنگ داخلی دخالت کرده به طوری که مقامات آمریکایی می گویند: هدف اصلی ملاقات روبرت بلیترو و با مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان در آنکارا تاکید بر نگهداشتن کانالهای ارتباطی میان واشنگتن و بارزانی بوده بویژه پس از اینکه بارزانی برای راندن دشمنش از شمال عراق به عراق متوسل شد.

هدف ایالات متحده آمریکا در درازمدت متقاعد ساختن بارزانی به این نکته است که به نیروهای بین‌المللی ناظر بر منطقه امن و سازمانهای کمک رسانی بین‌المللی اجازه دهد که فعالیتهای خود را در منطقه از سر بگیرند. تا از تحکیم ائتلاف بارزانی با بغداد جلوگیری شود.^(۱)

سرانجام با وساطت آمریکا مسعود بارزانی و جلال طالبانی با حضور وزیر امور خارجه خانم آلبرایت به توافقی دو جانبه رسیدند که به پیمان واشنگتن منجر گردید. این مسئله در فصل چهارم مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

نتیجه گیری فصل دوم

بریتانیا در سال ۱۹۱۸ وارد مناطق کردستان جنوبی گردید. در ابتدا با توجه به اینکه در بین کردها نفوذی نداشت به حمایت از شیخ محمود پرداخت آنان از او انتظار داشتند که مهره ای وابسته و اختیارات او محدود به حدی باشد که توسط انگلستان مشخص می‌گردد. اما شیخ محمود خواهان کشور مستقل کردستان بود. همین امر موجب اختلاف میان انگلستان و شیخ محمود گردید. انگلستان با توجه به نفوذی که در میان روسای قبایل کرد داشت با شیخ محمود وارد جنگ و موجب آغاز شورش شیخ محمود برزنجی شد.

در دهه ۳۰ کردهای بارزانی نیز خواستار کسب حقوق کردها شدند که موجب درگیرهای شدیدی بین انگلستان و حکومت عراق با کردها گردید. این مسئله موجب کشته شدن زنان و کودکان زیادی گردید. به این طریق شورش بارزانیها نیز شروع گردید.

روسیه تزاری نیز چشم طمع به مناطق کردستان داشت. طبق قرارداد سایکس - پیکو قسمتی از کردستان به روسیه تعلق می‌گرفت اما با انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ شوروی دست از سیاست‌های تزاری خود که در جهت تصرف و اشغال قسمتی از کردستان بود، برداشت. با وجود این حاضر به

حمایت از کردها در قبال کشورهای دیگر نبود. شیخ محمود از شورویها نیز درخواست کمک کرده بود. اما آنها به درخواست کردها اعتنایی نکردند.

با توجه به مسایل جنگ سرد در دهه ۷۰ آمریکا در صدد بود که از کردها برای پیشبرد سیاستهای منطقه‌ای خود سود برد و هنگامی که به سیاستهای منطقه‌ای خویش دست یافت علیه کردها موضع گرفت و موجب سرنگونی شورش کردها در سال ۱۹۷۵ گردید.

بعد از جنگ خلیج فارس نیز آمریکا کماکان برای نیل به اهداف خود در مسایل کردستان عراق دخالت می‌نماید.

در فصل بعدی برای روشن نمودن انگیزه و علل رفتار قدرتهای بزرگ در کردستان عراق تئوریهای روابط بین‌الملل را مورد ارزیابی مختصر قرار خواهیم داد تا مشخص شود که این نظریه‌ها تا چه حد می‌توانند ما را در جهت درک علت و انگیزه مداخله قدرتهای بزرگ در کردستان عراق یاری دهند. در این راستا بیشتر به نظریه واقع‌گرایی و نظریه پردازان عمده آن که بر منافع ملی و رقابت استراتژیک و بین‌المللی تاکید دارند، تمرکز خواهیم کرد.

فصل سوّم

سیاست بین‌الملل و کشمکش قدرتهای
بزرگ بر سر قدرت و منافع ملی: بحث نظری

واقع گرایی یا رئالیسم در روابط بین الملل

گرایش به تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم زندگی انسان در جامعه مطالعه و تجسم روابط اجتماعی روابط میان فرد و جامعه و ساختن خود جامعه به طوری که وجود دارد و نه آن گونه که باید باشد،^(۱) در سیاست نیز به معنی واقع بینی است و به سیاستمدارانی که دور از تعصب و با توجه به مصالح و مقتضیات روز عمل می کنند، رئالیست یا واقع گرا می گویند.^(۲)

واقع گرایی نیز مانند آرمانگرایی در نظریه روابط بین الملل، ریشه در فلسفه سیاسی کهن غرب و نوشته های نویسندگان شرقی باستان نظیر مکیئوس و قانون گرایان چین، کاتیلیا در هند و توسید در یونان باستان دارد. ماکسیاولی نیز روابط میان کشورها در نظام ایتالیای قرن شانزدهم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.^(۳)

۱- علی، آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی (تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵) ج ۲، ص ۳۲۷

۲- محمود، طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی (تهران، علمی، ۱۳۷۲) ج ۲، ص ۴۸۸

۳- جیمز، دوئرتی و رابرت فالتزگراف، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی (تهران، قومس، ۱۳۷۲) ج ۲، ص ۱، ص ۱۵۷

شهرت کتاب شهریار از آن جهت است که بی هیچ پرده پوشی و با جسارتی بی مانند جانب واقع بینی را می گیرد و هیچ میانه ای با آرمانخواهی سیاسی ندارد. از این جهت ماکیاولی پیشرواندیشه سیاسی نوینی است که می خواهد بداند ساختهای سیاسی قدرت را چگونه به کار می برند و بایستن ها یا حکم های عملی و اندرزهای خویش را نیز از این چشم دوختن به تاریخ و نیز رفتار سیاسی مردان روزگار خود بر می گیرد. در واقع با نگرستن به ماهیت قدرت و چگونگی کارکرد آن در عمل شیوه های دستیابی و حفظ آن را اندرز می دهد و از این جهت وی یکی از پیشروان اندیشه عملی و واقع نگری مدرن است^(۱)

مکتب رئالیسم (واقع گرایی) سیاست بین المللی را از دیدگاه کشمکش بر سر قدرت مورد بررسی قرار می دهد و جنگ را وسیله ای برای تحقق اهداف و منافع ملی تلقی می کند.^(۲)

بسیاری از صاحب نظران سیاست بین الملل بر این اعتقادند که رفتار دولتها در محیط بین المللی براساس اتخاذ سیاست هایی شکل می گیرد که به بهترین وجه ممکن منافع ملی آنها را تامین کند. منافع ملی تنها در چارچوب موقعیت قدرت تعریف و تبیین می شود و تعارضات بین المللی به عنوان بازتاب برخورد و تصادم منافع ملی بازیگران گوناگون مورد بررسی قرار می گیرد. اتحادها و ائتلافهای بین المللی محصول تجمع و تلاقی موقت منافع ملی هستند. بدین ترتیب شکل اتحادها و مناقشات

۱- نیکولو، ماکیاولی، شهریار، ترجمه داریوش آشوری (تهران، مرکز، ۱۳۵۷) ج ۲، ص ۳۱ و

۲- عبدالملی، قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل (تهران، سمت، ۱۳۷۳) ج

بین‌المللی، تابعی از منافع ملی به شمار می‌روند.^(۱)

از نظر آنها قدرت زیر بنای مفاهیم سیاست را تشکیل می‌دهد. البته آنان اذعان دارند که روابط مبتنی بر قدرت گاه‌بنا به ضرورت در لفافه اصطلاحات اخلاقی و قانونی جای می‌گیرد. زیرا آنان تصور می‌کنند اخلاق و حقوق بین‌الملل توجیه‌گر و نه شکل‌دهنده وقایع بین‌المللی است.^(۲)

توزیع قدرت در جامعه بین‌المللی نابرابر است و هر یک از واحدهای سیاسی می‌کوشد سهم بیشتری از قدرت را به خود اختصاص دهد. بر این اساس خواستها و رفتار دولتهای مقتدر، وضعیت آنها در نظام بین‌الملل و ظهور آن در محیط بین‌الملل متفاوت است. منافع اولیه ملی ضامن بقای دولتهاست و دولتهای قویتر شانس بیشتری برای ادامه حیات دارند چه بسا که بقای آنها به بهره‌برداری بیشتر از دولتهای ضعیفتر بستگی دارد. در برخی موارد محو و نابودی یک دولت به طور عمده به دلیل موقعیت نسبتاً ضعیف آن از لحاظ قدرت در مقابل دولت یا گروهی از دولتهاست.^(۳)

حال نظریات چند تن از واقع‌گرایان را ارائه خواهیم داد که عبارتند از:

الف - هانس جی مورگنتا

ب - هنری کیسینجر

ج - کنت والتز

۱- همان کتاب، ص ۶۱، ۶۲

۲- حسین، سیف زاده، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل (تهران، سفیر، ۱۳۷۲) ج ۳،

ص ۲۱

۳- قوام، پیشین، ص ۶۳

الف - هانس جی مورگنتا

بنظر مورگنتا ملاک قضاوت دربارهٔ تئوری اصول انتزاعی از پیش تعیین شده نیست بلکه ملاک تجربه عملی است. هدف تئوری این است که از انبوهی از پدیده‌ها که بدون آن قابل درک نیستند. سر در آوریم ملاک درستی تئوری اینست که آیا با واقعیت مطابقت دارد یا خیر.^(۱)

از نظر مورگنتا قدرت سیاسی وسیله ای برای دستیابی به خواسته های ملت است. سیاست بین الملل همانند انواع دیگر سیاست ها در کشمکش برای قدرت خلاصه می شود نشانه های سیاست بین الملل هر چه باشند، قدرت در راس آنهاست. سیاستمداران و مردم نهایتاً خواستار آزادی، امنیت، سعادت و خود قدرت هستند.^(۲)

روابط ملت ها با سیاست بین الملل از کیفیتی پویا برخوردار است. این روابط متعاقب تحولاتی که در قدرت صورت می گیرد، دچار دگرگونی میشود. در نتیجه این تحولات ممکن است که یک کشور پیشتاز مبارزات قدرتمندانه گردد و یا به عکس ملتی را از توان شرکت فعالانه در آن محروم کند. همچنین ممکن است این روابط در نتیجه تحولات فرهنگی نیز تغییر یابد براساس این تغییر ممکن است کشوری به جای پرداختن به مبارزات قدرت به مسائل اقتصادی بپردازد.

مورگنتا سیاست بین الملل و در واقع کل سیاست را به صورت «مبارزه برای قدرت» تعریف می کند. بدین ترتیب قدرت هم به عنوان وسیله و هم به عنوان هدف تعریف شده است. مورگنتا اعتقاد داشت که

۱- هوشنگ، مقتدر، سیاست بین الملل و سیاست خارجی (تهران، مهرس، ۱۳۷۰)، ص ۴۲

۲- جیمز، باربر و مایکل اسمیت، ماهیت سیاستگزاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه حسین سیف زاده (تهران، قومس ۱۳۷۴) ج ۲، ص ۳۳۲

قدرت عبارت است از «کنترل انسان بر افکار و اعمال دیگر انسان‌ها»^(۱)

اصول ششگانه واقع‌گرایی سیاسی مورگنتا

مورگنتا برای نظریه واقع‌گرایی شش اصل مطرح ساخت که عبارتند

از:

۱- سیاست همانند جامعه مشمول قوانین عینی است که ریشه در سرشت آدمی دارد. واقع‌گرایی سیاسی نظریه عبارت است از جمع‌آوری داده‌ها و معنا بخشیدن به آنها از طریق برهان. یکی از مفروضه‌های این مکتب این است که ماهیت سیاست خارجی را صرفاً می‌توان از راه بررسی رفتارهای سیاسی انجام شده و پیامدهای قابل پیش‌بینی این رفتارها تعیین نمود. بدین ترتیب می‌توانیم کارهای دولتمردان را درک نمائیم. از پیامدهای قابل پیش‌بینی رفتارهای آنها می‌توانیم حدس بزنیم که اهداف آنها چه بوده است^(۲)

۲- علائمی که به واقع‌گرایان کمک می‌کند تا راهشان را در عرصه و سیاست بین‌الملل بیابند، مفهوم منفعت بمعنی قدرت است. این مفهوم میان استدلال که می‌خواهد سیاست بین‌الملل را درک کند و وقایع سیاسی که باید فهمیده شوند رابطه برقرار می‌کند.

همین مفهوم قدرت است که سیاست را به عنوان گسترده‌ای رفتاری و ادراکی از سایر حوزه‌های فعالیت انسانی مانند اقتصاد (که موضوع آن ثروت است) اخلاق، زیباشناسی یا مذهب و سایر حوزه‌های دانش و فعالیت، جدا می‌کند و به سیاست استقلال می‌دهد.

۱- همان کتاب، ص ۳۳۳

۲- هانس جی، مورگنتا، سیاست میان ملتها، ترجمه حمیر امشیرزاده (تهران، دفتر

مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴) ص ۱۵

سیاستمداران در فکر و عمل در تعقیب منافع یعنی قدرت خویش هستند.

با درک این موضوع می‌توانیم افکار سیاستمداران گذشته و آینده و حرکت‌هایی را که می‌خواهند انجام دهند، پیش‌بینی کنیم. چون هر کشوری در تعقیب منافع خود گام برمی‌دارد. نتیجه این امر برخورد مداوم و تهدید و جنگ است. این تهدید و تعارض منافع از طریق تعدیل دائمی منافع متعارض بوسیله اقدامات دیپلماتیک کاهش یابد.^(۱)

۳- واقع‌گرایی فرض می‌کند که مفهوم اصلی آن یعنی منافع در چارچوب قدرت مقوله‌ای عینی است که اعتباری عام دارد، اما معنای قطعی و لایتغیر هم به این مفهوم نمی‌بخشد. دیده منافع به واقع در ذات سیاست و تحت تاثیر شرایط زمانی و مکانی قرار نمی‌گیرد.

در مورد سیاست خارجی واقع‌گرایی در حقیقت بر این باور است که منافع معیاری همیشگی برای داوری در مورد رفتار سیاسی و هدایت آن است، اما ارتباط میان منافع ملی و دولت ملی محصول^(۲) تاریخ است. بنابراین ناگزیر در جریان تاریخ محو می‌شود.^(۳)

۴- واقع‌گرایی مدعی است که مبانی اخلاقی عام را نمی‌توان بطور انتزاعی به رفتار دولتها تعمیم داد.

اخلاقیات حاکم در روابط خارجی با اخلاقیات حاکم در زندگی فردی متفاوت است. دولتهای ملی در تعقیب منافع ملی خویش تحت حاکمیت نوعی اخلاق قرار دارند که با اخلاق فردی متفاوت است. در اقدامات و کردار دولتمردان نتایج سیاسی یک سیاست خاص

۱- مقتدر، پیشین، ص ۴۳

۲- مورگنتا، پیشین، ص ۶۱، ص ۱۷

۳- همان کتاب

معیار قضاوت است. اگر این دو اخلاق فردی و اخلاق دولت را یکی بگیریم، به معنی استقبال از مصیبت بزرگی است.^(۱)

۵- اگر متوجه باشیم که کشورهای دیگر در تعقیب منافع ملی خویش از جمله حفظ موجودیت و استقلالشان هستند، از دست یازیدن به سیاستهایی که با منافع حیاتی آنها مغایرت دارد، خودداری کرده و در سیاست خوداعتدال در پیش خواهیم گرفت که این امر بمعنی جلوگیری از جنگ است.^(۲)

۶- مورگنتا به استقلال حوزه سیاسی اصرار داشت. اقدامات سیاسی را باید با معیارهای سیاسی مورد قضاوت قرارداد. «اقتصاددان می‌پرسد: این خط مشی چه تاثیری بر رفاه جامعه یا بخشی از آن می‌گذارد؟» حقوق دان می‌پرسد: «آیا این خط مشی با قواعد حقوقی منطبق است؟» واقعگرا می‌پرسد: این خط مشی چه تاثیری بر قدرت کشورگذارد؟» از دید مورگنتا سیاست داخلی و بین‌المللی می‌تواند به یکی از این سه نوع اساسی صورت^(۳) گیرد:

«یک خط مشی سیاسی یا به دنبال حفظ قدرت است یا مترصد افزایش قدرت و یا در پی نمایش قدرت.»

تعقیب آن نوع منافع ملی که برای بقای ملی اهمیت حیاتی زیادی ندارند، موجب درگیرهای بین‌المللی می‌گردد. به ویژه در قرن بیستم کشورها اهداف جهانی را جایگزین اهداف محدودتری ساخته اند. که از دید مورگنتا جوهره منافع ملی را تشکیل می‌دهند.^(۴)

۲- همان کتاب، ص ۱۸ و ۱۹

۳- مقتدر، پیشین، ص ۴۴ و ۴۵

۳- دوئرتی و فالتزگراف، پیشین، ص ۱۶۶

۴- همان کتاب، ص ۱۶۶ و ۱۶۸

ب - هنری کیسینجر

کیسینجر به هنگام انتصاب سیاسی خود، ابتدا به ریاست شورای امنیت ملی و سپس در مسند وزارت امور خارجه، تلاش نموده است با تحلیل واقعگرایانه خود به پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایالات متحده بپردازد.

کیسینجر بر خلاف واقعگرایان دیگر توجه بیشتری به عناصر داخلی سیاست خارجی کرده است. او با بهره گیری از سه مفهوم ثبات، انقلاب و مشروعیت از حوزه سیاست مقایسه‌ای، معتقد است برای تجزیه و تحلیل سیاست بین‌المللی می‌توان آن را در قالب دو مدل ثبات و انقلاب باز سازی کرد.^(۱) به نظر کیسینجر حکومت‌هایی که ساختارهای سیاسی داخلی یا ثبات دارند برای اعاده یا حفظ انسجام داخلی، به سیاستهای خارجی انقلابی یا ماجراجویانه متوسل نمی‌شوند. و برعکس سیستم‌های انقلابی شامل بازیگرانی هستند که ساختارهای سیاسی داخلی آنها شدیداً با هم تفاوت دارد.^(۲)

کیسینجر ضمن مخالفت با تزریق ایدئولوژی و حمایت از دیپلماسی در مناسبات بین‌المللی، ثبات بین‌المللی را تابع سه عامل می‌داند که عبارتند از:

- ۱- اراده مذاکره مقتدرانه برای حل و فصل اختلافات با قدرتهای انقلابی،
- ۲- توانایی مهار میزان و شدت منازعه و جلوگیری از تبدیل آن به جنگی تمام عیار و بالاخره.

۱- حسین، سیف زاده، نظریه پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالبهای فکری (تهران، سمت، ۱۳۷۶) ص ۱۴۹

۲- دوترتی و فالتزاک، پیشین، ص ۱۸۶

۳- توانایی دولت‌های طرفدار ثبات به اعمال جنگ محدود برای حفظ وضع موجود.

بنابراین در نظر کیسینجر سه عامل:

۱- توان نظامی

۲- میل به بقای ملی

۳- اراده هدایت عقلایی منابع برای کسب منافع در قالب ثبات بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردار است.^(۱)

به نظر کیسینجر دیپلماسی، اگر در هنگام تدوین و هم در جریان اجرا تحت نظارت مستمر افکار عمومی در یک کشور تابع دموکراسی همچون ایالات متحده باشد، بسیار دشوار است. انعطاف‌پذیری که وجه مشخصه سبک دیپلماسی خود کیسینجر بود، در شرایط پنهانکاری راحت‌تر قابل تحصیل است تا در یک فرایند سیاست‌گذاری که در کانون توجه مستقیم مردم قرار دارد.^(۲) به عنوان نمونه می‌توان به دیپلماسی کیسینجر در هنگامی که بر مسند وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا قرار داشت و همچنین در کردستان عراق با کردها در سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ اشاره کرد.

در مقابله با محتوای اخلاقی نظریات آرمان‌گرایان چون کانت و ویلسون مبنی بر تاثیر ساختار دموکراتیک بر روابط مسالمت‌آمیز خارجی، کیسینجر به شدت به افکار عمومی و ساختار سیاسی کشورهای رقیب بی‌اعتماد است.

به این لحاظ او توصیه می‌کند که میزان تاثیر‌گذاری افکار عمومی و آزادی‌های اینان تا آنجا محدود شود که به منافع ملی صدمه‌ای وارد

۱- سیف زاده، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالبهای فکری، ص ۱۴۹ و ۱۵۰

۲- دوثرنی و فالترزاگ، پیشین، ص ۱۸۵

نسازد. کیسینجر اعتقاد چندانی به حفظ ارزشهای دمکراتیک ندارد. وی معتقد است نباید در حفظ این گونه ارزشها تا آنجا پیشرفت که با ضربه زدن به منافع دولتهای اقتدارگرا و توتالیتار سیاست بین‌الملل نیز تهدید شود.^(۱)

ج- کنت والتز

کنت والتز با تاکید به ضرورت نظریه پردازی برای جمع آوری اطلاعات و توضیح حوادث بین‌المللی، معتقد است که عصاره هر نظریه باید بر پیوند بین مفاهیم نظری و متغیرهای جوهری روابط در صحنه واقعی بین‌الملل استوار باشد.^(۲)

در نظریه والتز سیستم به عنوان یک کل دارای اجزای مرتبط به هم در نظر گرفته شده است. به نظر وی بهترین عنصر تعریف‌کننده سیستم ساختارهای آن است. این ساختارها هستند که در درون سیستم بر عمل واحدها اثر گذاشته، رفتار آنها را شکل می‌دهند. به این دلیل است که نظریه والتز را می‌توان به بهترین وجه نظریه ساختاری روابط بین‌الملل دانست.

وجود همین ساختارهاست که سیستم داخلی را از سیستم بین‌المللی متمایز می‌سازد.^(۳) به نظر والتز سیستم بین‌المللی نیز دارای یک ساختار تعریف شده مشخص و دقیق است که سه ویژگی مهم دارد که عبارتند از:

۱- سیف زاده، نظریه پردازی در روابط بین‌الملل میانی و قابلیت‌های فکری، ص ۱۵۰

۲- همان کتاب، ص ۲۰

۳- حمید، احمدی «ساختارگرایی در نظریه روابط بین‌الملل؛ از الرشتین تا والتز» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۳۷۶، ش ۳۷، ص ۱۲۲ و ۱۲۳

۱- اصل نظم دهنده سیستم بین‌الملل

۲- ویژگی واحدهای داخل سیستم بین‌الملل

۳- توزیع توانایی‌های واحدهای سیستم بین‌الملل

فرق عمده سیستم داخلی با سیستم بین‌المللی در این است که بر خلاف سیستم داخلی کشورها، که سلسله مراتبی و دارای اقتدار مرکزی است، سیستم بین‌الملل فاقد سلسله مراتب و تمرکز می‌باشد. در سیستم بین‌المللی بر خلاف سیستم داخلی یک دولت مرکزی که هم دستورات را صادر کند و هم در رأس سلسله مراتب قرار گیرد وجود ندارد.

بدین خاطر در سیستم داخلی نظم برقرار است ولی در سیستم بین‌المللی بی‌نظمی و هرج و مرج (آنارشی) حکم فرما است.

عنصر دوم تعریف‌کننده ساختار بین‌الملل، ویژگی واحدها یا دولتهاست و دولتها اگر چه از نظر قدرت با هم فرق دارند ولی دارای رفتاری مشابه‌اند. یعنی در شرایطی که دولتی جهانی برای اجرای مقررات وجود ندارد. و فضایی از بی‌امنی حاکم است، هر دولت ناچار است برای خود تامین امنیت کند. معماری امنیت برای همه دولتها بدون توجه به ویژگی‌های متفاوت ساختار داخلی آنها، مشترک است.^(۱) بهترین راه برای تامین امنیت تلاش برای افزایش قدرت و توان ملی است. به این خاطر همه دولتها در پی تامین امنیت خود از طریق به حداکثر رساندن قدرت و تامین منافع ملی هستند.

سومین عنصر تعریف‌کننده ساختار سیستم بین‌المللی «توزیع تواناییها» است. هر دولت دارای قدرت و توانایی است، اما توزیع توانایی‌ها نتیجه عملکرد و تاثیر ساختار سیستم بین‌المللی است. بنابراین

توزیع توانایی‌ها یک مفهوم در سطح تحلیل سیستمی است نه دولتی. با توجه به ویژگی دوم ساختار (واحدها) اگر چه دولتها از نظر کارکرد و رفتار با هم تفاوتی ندارند و رفتارشان یکسان است، اما از نظر توانایی با یکدیگر متفاوت هستند. بنابراین دولتها از نظر داشتن توان کمتر یا بیشتر با هم یکسان نیستند.

توزیع توانایی‌ها در نتیجه مکانیزم تعیین‌کننده ساختارهای سیستم صورت می‌گیرد.^(۱)

«در سیاست بین‌الملل، واحدهایی که دارای بیشترین توانند، به عنوان یک سیستم خودیار (آنارشی) صحنه عمل دیگران و نیز صحنه عمل خود را معین می‌کنند. در نظریه سیستمی ساختار یک مفهوم زاینده است، ساختار یک سیستم به وسیله کنش‌های متقابل اجزای اصلی آن زاینده می‌شود. نظریه‌هایی که برای سیستم‌های خودیار کاربرد دارند براساس اجزای اصلی سیستم نوشته می‌شوند... سرنوشت همه دولتهای یک سیستم بیشتر تحت تاثیر اقدامات و کنش‌های متقابل دولتهای بزرگ و عمده است تا دولتهای کوچک.. یک نظریه کلی سیاست بین‌الملل لزوماً بر پایه قدرتهای بزرگ استوار است.»^(۲)

۱- همان مقاله، ص ۱۲۴

۲- همان مقاله، ص ۱۲۷

نتیجه‌گیری فصل سوم

تئوریهای واقع‌گرایی از دیدگاه مورگنتا، هنری کیسینجر و کنت والتز مطرح گردید. با توجه به این تئوریها کشورها در صحنه بین‌الملل در راستای منافع ملی خویش حرکت می‌کنند. به طوری که از دیدگاه مورگنتا، سیاست بین‌الملل عبارت است از مبارزه برای کسب قدرت جهت تحقق اهداف و منافع ملی و عدم مسایل اخلاقی در سیاست بین‌الملل.

کیسینجر نیز به ارزش‌های اخلاقی اعتقاد ندارد و وی نیز اعتقاد دارد که سیاستهای کشورها در صحنه بین‌المللی در راستای تامین منافع ملی کشورشان است.

بر اساس دیدگاه کنت والتز سیستم بین‌الملل دارای هرج و مرج و عدم تمرکز است و در چنین سیستم آنارشیستی، ناامنی وجود دارد و برای امنیت بیشتر، کشورها باید قدرت و توان ملی خویش را افزایش دهند. در نتیجه کشورها سیاستهای خویش را در راستای تامین منافع ملی خویش اعمال می‌نمایند و دولتها تحت تاثیر اقدامات و کنشهای متقابل دولتهای بزرگ و قدرتمند هستند. سیاست بین‌الملل لزوماً بر پایه قدرتهای بزرگ استوار است.

این تئوریها به آن علت مطرح گردید تا رفتار قدرتهای بزرگ را در

کردستان عراق براساس آن تجزیه و تحلیل نمائیم و نشان دهیم که انگیزه قدرتهای بزرگ از درگیر شدن در مسائل کردستان عراق، حمایت از کردها نبوده است، بلکه هدف قدرتهای بزرگ از دخالت در کردستان عراق در هر مقطع زمانی حفظ منافع ملی خود در کردستان عراق بوده است.

در فصل بعدی اهداف و انگیزه‌های قدرتهای بزرگ از درگیر شدن در مسائل کردستان عراق را براساس دیدگاههای واقع‌گرایی مورگنتا، کیسینجر و والتز در روابط بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

فصل چهارم:

**انگیزه‌های قدرتهای بزرگ و منطقه‌ای
در بحرانهای
کردستان عراق در قرن بیستم**

۱- انگیزه‌های قدرتهای بزرگ در کردستان عراق در دوره سلطه انگلستان (۱۹۴۰-۱۹۰۰)

الف) کشمکش قدرتهای بزرگ در کردستان جهت کسب منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژیک قبل از شروع جنگ جهانی اول:

اولین بار بریتانیا در اوایل قرن هفدهم، به منظور تجارت در خلیج فارس حضور یافت. تاریخ کهن حضور بریتانیا در منطقه مصادف با یک دوره منازعه مداوم با دیگر کشورهای اروپایی، قدرتهای محلی و عثمانیها بود. تا سال ۱۷۴۷ منافع بریتانیا در خلیج فارس هنوز در انحصار کمپانی هند شرقی و عمال آن قرار داشت. بریتانیا برای گسترش تجارت خود به انجام یک رشته اقدامات مهم سیاسی و نظامی دست زد.^(۱)

بخصوص هنگامی که در سال ۱۸۰۶ کمپانی ایندیا افسیت را در بغداد تشکیل دادند که مسئول آن ریچ بود. انگلیسی‌ها سعی کردند که با نفوذ در مناطق مختلف کردستان به این مناطق دسترسی یابند. صدها تن از افراد عادی و دیپلماتها به مناطق کردنشین آمدند و رشوه‌های کلان

۱- عبدالامیر، امین، منافع بریتانیا در خلیج فارس، ترجمه علی رجایی یزدی (تهران، امیرکبیر ۱۳۷۰)، ص ۹

دادند تا نظر رؤسای امارتهای کرد را جلب نمایند.^(۱)

در سال ۱۸۱۸ کلودیس جیمس ریچ شخصاً سفری به مناطق کردستان داشت و از بغداد به کفری، کرکوک، سلیمانیه، قیوان، از میر، ترسود، پردی، قشان، ماوت، سردشت و مهاباد رفت و به مطالعه و تحقیق پرداخت و کتابی به عنوان سفرنامه ریچ به کردستان در سال ۱۸۲۰ نوشت.^(۲)

در قرن نوزدهم معلوم شد در ولایت موصل نقاط نفت خیزی وجود دارد که ممکن است از نظر تجاری ارزشمند باشند. مقامات دولت عثمانی از امکان بهره برداری از این مناطق آگاهی پیدا کردند. در سالهای ۱۸۸۸ و ۱۸۹۸ سلطان عبدالحمید با صدور فرامین خاصی امتیاز ولایت موصل را به اداره سلطنتی واگذار کرد.

دارسی نیز در آن هنگام برای بررسی مقدماتی نواحی نفتخیز ایالت موصل مذاکراتی را با وزارت مالیه انجام داد اما تلاشهای او به نتیجه نرسید.^(۳)

در قرن بیستم کشورهای صنعتی راه خود را با ابداع فنون جدیدی در تولید صنایع سنگین بازکردند.

کشور آلمان و ایالات متحده آمریکا نیز همچنان پیشرفت می کردند و کشور بریتانیا در معرض از دست دادن سلطه خویش در نظام بین الملل بود. به طوری که دیگر در صنایع مواد اولیه پشتاز نبود و می بایست مواد

۱- ن. ا. خهلقین، خه بات له ری ی کوردستان ندا، وهرگیر جه لال ته قی (سلیمانیه، راهبرین، ۱۹۷۱) ص ۳۶

۲- می توانید رجوع کنید به: کلودیس جیمس، ریچ، گه شتی ریچ یو کوردستان ۱۸۲۰، وهرگیره محه مه د خه مه باقی (ته وریر، ۱۹۹۲)

۳- شوادران، پیشین، ص ۱۷۷

خام را از خارج تامین نماید. در حقیقت بریتانیا قابلیت رقابت خود را در بازارهای کشورهای آزاد جهان از دست داده بود. با وجود این سیاست انگلستان هنوز توانایی مبارزه با پیامدهای دومین انقلاب صنعتی را داشت. انگلستان با صادرات به نقاط جدیدی در ماورای اقیانوسها و کشورهای توسعه نیافته جهان آن را جبران می‌کرد. بریتانیا به بازارهایی احتیاج داشت که با سود حاصل از آن کسری‌های تجاری خود در صحنه رقابت جهانی را جبران کند.^(۱)

بر اساس تئوری واقع گرایی مورگنتا سیاست بین‌الملل عبارت است از مبارزه برای کسب قدرت جهت تحقق اهداف، منافع ملی و عدم مسایل اخلاقی در سیاست بین‌الملل کیسینجر. نیز به ارزشهای اخلاقی اعتقادی ندارد. وی نیز معتقد است که سیاستهای کشورها در صحنه بین‌الملل در راستای تامین منافع ملی کشورشان است.

انگلستان توانست با یافتن منابع بیشتر نفت احتیاجات خویش را تامین کند. از آن پس سیاست این کشور بر آن قرار گرفت که امکان تولید و استخراج نفت در خلیج فارس علی‌الخصوص در ولایت موصل (کردستان عراق کنونی) را از هر کشور دیگری سلب نماید.^(۲)

براساس دیدگاه واقع گرایی کنت والتز، سیستم بین‌الملل دارای هرج و مرج و عدم تمرکز است و در چنین سیستم آنارشیکسی ناامنی وجود دارد و کشورها برای امنیت بیشتر، سعی دارند تا قدرت و توان ملی خویش را افزایش دهند و در نتیجه کشورها سیاستهای خویش را جهت تامین منافع ملی خویش اعمال می‌نمایند.

۱- ویلفرید، روریش، سیاست به مثابه علم، ترجمه ملک بحیی صلاحی (تهران، سمت،

۱۳۷۲)، ص ۷۰

۲- پترو، پیشین، ص ۱۹۷

تا سال ۱۹۱۲ چهار گروه مختلف به دنبال کسب امتیاز نفت در ولایت موصل بودند.

۱- آلمان - دویتش بانک

۲- انگلیس - دارسی

۳- هلند شرکت انگلو ساکسون

۴- آمریکا گروه چستر^(۱)

آلمان همچنان با انگلستان بر سر کسب امتیاز نفت ولایت موصل در رقابت بود. و نیز با پیشرفتهای اقتصادی که داشت چشم طمع به نفت ولایت موصل و قصد گرفتن امتیاز نفت این منطقه را داشت. متخصصین آلمانی ولایت موصل را «دریاچه ای از نفت که عملاً در قیره نفت و هیدروکربورهای گاز فرو رفته است» خواندند. آلمان برای دسترسی به نفت این مناطق، خط آهنی از سفر تا آنکارا احداث کرد.

به این نیت که راه آهن به عنوان یک وسیله ارتباطی و بخشی از ستون فقرات «برلین - بغداد - بمبئی» برای امپراطوری آلمان عمل کند. اما قدرت بریتانیا مانع این امر بود و همچنان میان آلمان و بریتانیا کشمکش وجود داشت. بریتانیا از نفوذ آلمان جلوگیری می کرد و قصد داشت تا به تنهایی منافع را در اختیار گیرد.

«لرد کرزن معاون وزیر بعدی هند، با خشونت و درشتی عنوان کرد که «شیر بریتانیا از شیخ و شیوخیت خود مراقبت خواهد کرد»^(۲)

در سال ۱۹۰۸ چستر در استانبول تلاش کرد تا دولت عثمانی را متقاعد سازد به آنها اجازه دهد تا در مناطق کردستان علی الخصوص در

۱- شواردان پیشین، ص ۱۷۸

۲- مایکل، تانزر، بحران انرژی، مبارزه برای کسب قدرت و ثروت، ترجمه محمود ریاضی

(تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲) ص ۷۱

ولایت موصل به دنبال اکتشاف و استخراج نفت باشند. سرانجام در ۱۹۱۰/۳/۹ موافقتنامه‌ای را با دولت عثمانی به امضاء رساند. اما این موافقتنامه به مورد اجرا درنیامد و علت آن هم این بود که دولت عثمانی در سال ۱۹۱۲ با کشورهای منطقه بالکان وارد جنگ شد. (صربستان، یونان، بلغارستان، ...) آمریکا همچنان سعی بر اجرای آن موافقتنامه داشت.^(۱) اروپایی‌ها سعی نمودند که آمریکایی‌ها را کنار بزنند. بهترین راه برای گرفتن امتیاز و از نظر آنها اعمال فشار مشترک بر دولت ترکیه بود.

بنابراین مذاکراتی آغاز و در سال ۱۹۱۱ موافقتنامه‌ای میان دولتهای انگلیس و آلمان به امضاء رسید^(۲) و کمپانی نفتی ترکیه را تشکیل دادند. این کمپانی موفق شد تا رضایت دولت عثمانی را جلب نماید.^(۳) در سال ۱۹۱۲، ارنست کسل یک بانکدار متولد آلمان و رئیس بانک مرکزی انگلستان با سرمایه ۸۰ هزار لیره به منظور تحصیل امتیاز نفت به نواحی نفتخیز ولایت موصل و بغداد به دولت عثمانی پیشنهاد داد. نماینده وی سر هنری بینگ تن سمیت رئیس بانک مرکزی عثمانی که یک مؤسسه انگلیسی بود، ۵۰ درصد از سهم شرکت نفت به وی تعلق داشت. ارنست کسل مورد اعتماد دولت عثمانی و احترام بانک مرکزی آلمان و شرکت آنگلوساکسون بود بطوریکه آلمان و شرکت انگلوساکسون تابع پیشنهادات ارنست کسل بودند. و هر کدام از آنها، یعنی آلمان و شرکت انگلوساکسون هلندی ۲۵ درصد از سهام شرکت نفت ترکیه را دریافت

۱- کمال مظهر احمد، کردستان فی سنوات الحرب العالمية اولی، ص ۲۲ و ۲۳

۲- شوادران، پیشین، ص ۱۷۸

۳- کمال مظهر احمد، کردستان فی سنوات الحرب العالمية اولی، ص ۲۳ و ۲۴

داشتند.^(۱)

در سال ۱۹۱۴ جنگ جهانی شروع شد و میان انگلستان و آلمان اختلاف ایجاد شد. در آن هنگام کشور فرانسه با همکاری بریتانیا می‌خواستند تا امتیازی را که گروه چستر آمریکا از امپراطوری عثمانی در ولایت موصل گرفته بود به نحوی ملغی سازند.

از آنجا که کردستان از اهمیت استراتژیکی خاصی برخوردار بود و کنترل بر مناطق مختلف آن می‌توانست موفقیت بزرگی در جنگ محسوب شود. این منطقه به یکی از میدانهای اصلی جنگ جهانی اول تبدیل شد.^(۲)

براساس اصل چهارم از اصول ششگانه واقع‌گرایی مورگنتا رفتار کشورها با رفتار افراد عادی فرق دارد، رفتار دولتهای ملی در راستای تامین منافع ملی خویش می‌باشند. در پایان ماه اگوست سال ۱۹۱۴ وقتی که متحدین موفق نشدند تا امپراطوری عثمانی را از اتحاد با آلمان بازدارند، روس‌ها وارد میدان جنگ شدند. در ۳۰ اگوست ۱۹۱۴ زازانوف وزیر امور خارجه روسیه نامه‌ای برای گور می‌کینی نماینده وزارت خارجه نوشت که در آن آمده بود: «باید همانطوری که با ارمنیها رفتار می‌شود با کردها نیز رفتار کرد و رابطه استواری با آنها برقرار کرد. چرا که رابطه ما با امپراطوری عثمانی متزلزل شده است. اسلحه و مهمات به آن طرف مرز فرستاده شود و در بین مردم آن منطقه تقسیم گردد.»^(۳)

قبل از شروع جنگ جهانی اول تعدادی از افسران آلمانی به مطالعه در بسیاری از امارتهای کردستان پرداختند بخصوص راههای نزدیک به

۱- شوادران، پیشین، ص ۱۷۸

۲- خه لفین، پیشین، ص ۳۶

۳- لازاریف، پیشین، ص ۵۶۶ و ۵۶۷

مرز روسیه را مورد بررسی قرار دادند. یکی از افسران آلمانی موفق در این زمینه، گور برود بود که وی بسیاری از مناطق کردستان را مورد مطالعه و شناسایی قرارداد تا در زمان جنگ بتوانند با استفاده از آنها به نیروهای روسی ضربه لازم را وارد آورند.

در کرمانشاه نیز جاسوسان آلمانی شروع به خرید اسلحه کردند تا در امارتهای کردستان علیه نیروهای روسیه بجنگند.

ب- قراردادهای پیمانهای قدرتهای بزرگ و کردستان بعد از شروع جنگ جهانی اول

کشورهای ابرقدرت همچنان چشم طمع به مناطق امپراطوری عثمانی داشتند. و قبل از پایان جنگ جهانی اول به طور محرمانه به تقسیم مناطق عثمانی در بین خویش پرداختند. بطوریکه در ماه مه ۱۹۱۶ بین فرانسه و انگلستان یک قرارداد محرمانه به نام سایکس پیکو به امضاء رسید که در آن مناطق امپراطوری عثمانی را میان خویش تقسیم کرده بودند. کشور روسیه نیز از این طرح با خبر بود. وزیر امور خارجه روسیه زازائف نامه‌ای محرمانه برای سفیر فرانسه در پتروگراد نوشت که در آن در خصوص کردستان نوشته است: ما کشور روسیه امارتهای ارزروم، طرابوزان، وان و بدلیس تا امارتهای ثامیدی را می خواهیم. پس از آن موافقت خواهیم کرد تا فرانسه امارتهای دیگر کردستان را برای خویش بردارند.

روسیه ابتدا مایل نبود که فرانسه هیچ یک از امارتهای کردستان را برای خود بردارد، اما با قبول شرایط روسیه، سرانجام در اول سپتامبر

۱۹۱۶ روسیه نیز قرارداد سایکس - پیکو را پذیرفت.^(۱) قدرتهای بزرگ کردستان را به این نحو بطور محرمانه در بین خود تقسیم کرده بودند. هیچ یک از قدرتهای بزرگ به فکر منافع ملتهای ضعیفتر نبودند، بلکه ابرقدرتها با نابودی ملت‌های ضعیفی همانند ملت کرد خواهان کسب منافع خویش بودند.

بدین ترتیب از همان ابتدا ملت کرد فدای منافع ابرقدرتها گردید. بریتانیا که از وجود منابع سرشار نفت در ولایت موصل آگاه بود در سال ۱۹۱۸ یعنی ۴ روز پس از امضای قرارداد موندروس، پیمان صلح با امپراطوری عثمانی شهر موصل را اشغال کرد. این مسئله موجب کشمکش میان بریتانیا و فرانسه گردید. به همین علت اللوید جورج از انگلستان و کلیمانسو نماینده فرانسه برای حل اختلاف با هم دیدار کردند. فرانسه متقاعد شد تا براساس موافقتنامه سایکس پیکو از حقوق خود نسبت به موصل در ازای سیلیسیا^(۲) چشم پوشد.^(۳)

کلیمانسو از وجود منابع غنی نفتی در این منطقه بی‌خبر بود و به همین علت پیشنهاد بریتانیا را پذیرفت. کلیمانسو نماینده فرانسه، بعدها آشکارا گفت: «درست است که من دست از ولایت موصل برداشتم، اما آن را وسیله‌ای قراردادام که سیلیسیا را به دست آورم. به همین خاطر من به انگلیسی‌ها گفتم: از سیلیسیا و موصل کدام به نظرتان خوب است انتخاب کنید، گفتند موصل را می‌خواهیم. گفتم خوب موصل برای شما و ما هم سیلیسیا را بر می‌داریم.»^(۴)

۱- کمال مظهر احمد، کردستان فی سنوات الحرب العالمية اولی، ص ۱۷۷

2- Cilicia

۳- کندال، وانلی و نازدار، پیشین، ص ۱۰۴

۴- فاسملو، پیشین، ص ۵۶

کشورهای امپریالیست. سرنوشت ملتها را به این ترتیب رقم می‌زدند. کلیمانسو در مقاله ای که در پارلمان قرائت کرد گفت: اگر می‌دانستم که ولایت موصل نفت دارد، هرگز آن پیمان را امضاء نمی‌کردم. بعد از آنکه فرانسه از وجود نفت در موصل آگاه شد موافقتنامه کلیمانسو - للوید جورج بی‌درنگ به زیر سؤال رفت.

جنبش ملی کرد در آن زمان با دشواریهای فراوانی روبرو بود. با این حال این جنبش توانست در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۹، نماینده ای را به کنفرانس صلح پاریس برای دفاع از حقوق کردها روانه سازد. سرانجام به خاطر مجازات امپراطوری عثمانی که همراه آلمان با کشورهای متفقین وارد جنگ شده بود، در ماده بیست و دو پیمان نامه جامعه ملل که به عنوان بخشی از معاهده صلح و رسای در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ به امضاء رسید مقرر شد ملت‌هایی که در سرزمین امپراطوری عثمانی زندگی می‌کردند، موقتاً به عنوان ملل مستقل شناخته شوند. «تا هنگامیکه بتوانند خود را بر سر پا نگه دارند از نظر اداری از سوی دولتی قیم راهنمایی و یاری می‌شوند.»^(۱) در آن زمان نیز جنبش ملی کرد تلاش زیادی برای کسب استقلال خویش کرد. بخصوص شیخ محمود برزنجی تلاش فراوانی در راه کسب استقلال ملت کرد مبذول داشت، اما کشور انگلستان مخالف استقلال ملت کرد بود و با شیخ محمود برزنجی وارد جنگ شد. بعد از چندین بار شکست نیروهای انگلیسی، سرانجام در ۲۵ ژوئیه سال ۱۹۱۹ شیخ محمود برزنجی شکست خورد و به هندوستان تبعید شد.

کشمکش میان فرانسه و انگلستان بر سر ولایت موصل همچنان ادامه داشت. مذاکراتی که میان فرانسه و انگلستان انجام می‌گرفت

سرانجام در بیست و چهارم آوریل ۱۹۲۰ به پیمان سان رمون انجامید. اما در بیست و سوم دسامبر همان سال مورد تجدید نظر قرار گرفت. در این پیمان آمده است: «دولت بریتانیا تعهد می‌کند بیست و پنج درصد از تولید خالص نفت خامی را که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از حوزه‌های نفتی استخراج خواهد کرد چنانچه بهره برداری دولتی باشد، به دولت فرانسه یا اشخاصی که دولت مزبور تعیین نماید واگذار کند. در صورتی که بهره برداری نفت از ولایت موصل و بغداد را شرکتی خصوصی انجام دهد، دولت بریتانیا تعهد می‌کند بیست و پنج درصد سهام شرکت مزبور را برای دولت فرانسه تحصیل کند.»^(۱)

همین ۲۵ درصد سهام شرکت نفت عراق به فرانسه مبنایی برای CFP بوجود آورد. شرکت نفت عراق عامل مهمی بود، تا دولت فرانسه بتواند، منافع خود را در خلیج فارس حفظ و کنترل کند. بعد از مدتی CFP موفق گردید از طریق شرکت نفت یک چهارم سهام امتیازات نفتی در قطر، ابوظبی و خلیج فارس را بدست آورد و حتی موفق گردید، ۶ درصد از منافع ایران را نیز بدست آورد. بعد از مدتی CFP به یک عامل مهم در خاورمیانه تبدیل شد.^(۲)

در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ پیمان سور در خصوص حقوق کردها و استقلال کردستان در موارد ۶۲، ۶۳، ۶۴ بحث نمود بر اساس ماده ۶۲ آن، کمیسیون مرکب از سه کشور بریتانیا، فرانسه و ایتالیا تشکیل خواهد شد و ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این پیمان مقدمات تاسیس حکومت مستقل کردی را در نواحی عمدتاً کردنشین واقع در شرق فرات تا جنوب مناطق مرزی آتی کشور ارمنستان و شمال مرز ترکیه، سوریه و عراق به

۱- کندال، وائلی و نازدار، پیشین، ص ۷۹

۲- شوادران، پیشین، ص ۱۹۵

نحوی که در ماده ۲۷، بخش دوم آمده (۳،۲) مقرر شده است (فراهم خواهد کرد. به شرط اینکه سرزمین‌های کردنشین مجاور مرز سوریه یا مناطق کردنشین سیلیسیای را شامل نگردد چون به موجب موافقتنامه سایکس - پیکو به فرانسه تعلق گرفته بودند.^(۱)

براساس تئوری واقع گرایی مورگنتا در سیاست بین‌الملل مبارزه برای کسب قدرت جهت تحقق اهداف و منافع ملی و عدم وجود مسایل اخلاقی است. کیسینجر نیز به ارزشهای اخلاقی اعتقاد ندارد وی نیز اعتقاد دارد که سیاستهای کشورهای در صحنه بین‌المللی در راستای تامین منافع ملی کشورشان است و با توجه به تئوری کنت والتز در مورد اینکه در نظام بین‌الملل تمرکز وجود ندارد و دارای هرج و مرج و آنارشیکستی می‌باشد و برای تامین امنیت خویش کشورها قدرت و توان ملی خویش را افزایش می‌دهند. و در نتیجه سیاستهای خویش را جهت تامین منافع ملی خویش اعمال می‌نمایند و دولتها تحت تاثیر اقدامات و کنشهای متقابل بزرگ و قدرتمند هستند و لزوماً سیاست بین‌الملل بر پایه قدرتهای بزرگ استوار است.

در پیمان سور، انگلستان به این علت از استقلال کردستان دفاع نمود تا بدین وسیله این مناطق رسماً از امپراطوری عثمانی جدا شوند.

بریتانیا مناطقی را که بعد از قرارداد موندروس (پیمان ترک مخاصمه با ترکیه) اشغال نموده بود همچنان در اشغال خویش نگه دارد. اگر در آن پیمان موادی برای استقلال کردستان تصویب نمی‌گردید، نیروهای بریتانیا مجبور به ترک آنجا بودند. چرا که جز و سرزمین ترکیه محسوب می‌گردید. بنابراین برای اینکه بریتانیا بتواند همچنان در آن منطقه حضور

داشته و آن مناطق را در کنترل خود داشته باشد ناچار بود که به طور نمایشی از استقلال کردستان طرفداری نماید و با تصویب موادی موافقت نماید. اما بعد از گذشت چند ماه از پیمان سور، به عوض اینکه کشور انگلستان برای تشکیل حکومت مستقل کردستان اقدامی انجام دهد، در سال ۱۹۲۱ بدون توجه به حقوق ملت کرد در کنفرانس قاهره، اعلام کرد که باید سرزمین کردستان به عراق ملحق گردد. علاوه بر آن انگلستان برای توجیه اعمال خود در عراق وجهت انتخاب ملک فیصل یک همه‌پرسی فرمایشی برگزار کرد.

کردها به عنوان اعتراض در آن شرکت نکردند و این همه پرسی فرمایشی را تحریم کردند. انگلستان که هیچ توجهی به حقوق کردها نداشت، شمار زیادی از مردم مظلوم کرد را تنها به جرم اینکه خواستار استقلال کردستان بودند به شهادت رساند. و همچنان در پی منافع خود بود.

ترکیه نیز همچنان در کردستان جنوبی (کردستان عراق کنونی) فعالیت می‌کرد. ازدمیر یکی از فرماندهان نظامی ترکیه در سال ۱۹۲۳ در کردستان شروع به فعالیت کرد. با توجه به نفرتی که کردها از نیروهای بریتانیایی به ویژه به خاطر تبعید شیخ محمود به هندوستان داشتند. ازودمیر براحته و با استفاده از این اختلاف توانست نفوذ فوق‌العاده‌ای در کردستان جنوبی پیدا نمایند.^(۱) افسران بریتانیایی مستقر در کردستان دچار وحشت شده بودند و بریتانیا برای اینکه رشد روزافزون ترکیه در مناطق کردستان را متوقف کند، به فکر بازگرداندن شیخ محمود برزنجهی افتاد تا از آن طریق کردها را بار دیگر پیرامون شیخ محمود جمع کند و از

آنها در مقابله با ترکها استفاده کند. سرپرسی کاکس می‌گوید: «ما با آزمایش مجدد شیخ محمود چیزی را از دست نمی‌دادیم.» شیخ محمود پیروزمندانه بازگشت و پس از چند روز در ۱۰ اکتبر ۱۹۲۲ طی فرمانی سلیمانیه را پایتخت کردستان خواند و دستور تشکیل کابینه کردستان را داد. انگلستان نیز آن را به رسمیت شناخت آنها می‌خواستند شیخ محمود نقشی منحصرأ محلی داشته باشد. وظیفه او این باشد که مانع استقرار ترکها در منطقه سلیمانیه گردد.^(۱) ولی شیخ محمود به فکر آزادی مناطق کردستان، ولایت موصل، اربیل، کرکوک و سلیمانیه بود و بر آن بود تا تمام خاک کردستان در زیر لوای حکومت کردستان قرار گیرند. بدین ترتیب بار دیگر میان نیروهای شیخ محمود و انگلستان اختلاف و تنش ایجاد شد. نیروهای بریتانیایی با بی‌شرمی تمام به سرکوب کردها پرداختند، از آن زمان تاکنون ملت کرد جوانان غیوری را از دست داده‌اند و همچنان برای کسب استقلال کردستان عراق به مقاومت و تلاش می‌پردازند.

ج پیمان لوزان و انگیزه‌های قدرتهای بزرگ در کردستان جنوبی

پس از امضای قرارداد سان رمون میان فرانسه و انگلستان کشور آمریکا که یکی از کشورهای متفقین بود خود را در استفاده از منابع اقتصادی سرزمینهای امپراطوری عثمانی علی‌الخصوص ولایت موصل که سرشار از منابع نفتی بود، محق می‌دانست، براساس مکتب رئالیسم کشمکش بین قدرتهای بزرگ در سیاست بین‌الملل براساس تحقق به‌اهداف و منافع ملی می‌باشند و بسیاری از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که رفتار دولتها در محیط بین‌المللی بر اساس اتخاذ سیاستهایی شکل می‌گیرد

که به بهترین وجه منافع ملی آنها را تأمین کند. و از آن بابت آمریکا که هیچ نقشی برای آن کشور در نظر گرفته نشده بود بسیار ناراضی بود. این پیمان به زودی موضوع جنگ مطبوعاتی شدیدی در ایالات متحده آمریکا گردید. مطبوعات آمریکایی معتقد بودند که در این تقسیم‌بندی به آمریکا بی‌توجهی شده است. با نزدیک شدن پیمان لوزان بریتانیا برای راضی نگه داشتن آمریکا، مجبور شد سهمی از نفت ولایت موصل را به آمریکا بدهد. ابتدا ۱۲ درصد پیشنهاد شد، اما آمریکا از این مقدار راضی نبود. سرانجام بریتانیا سهم آمریکا را تا ۲۰ درصد افزایش داد.^(۱)

نوسانات وضع مالی گروه چسترتا حد زیادی به قضیه موصل که یکی از مسائل مهم کنفرانس بود، بستگی داشت. انگلستان با آمریکا شرط کرده بود که اگر این کشور در کنفرانس لوزان، به هنگام طرح ملحق شدن موصل به عراق جانب انگلستان را بگیرد، ۲۴ درصد سهام شرکت نفت ترکیه را به گروه شرکتهای آمریکایی واگذار کند.^(۲)

انگلستان با توسل به حیل‌های مختلف موفق گردید ولایت موصل را که منطقه‌ای سرشار از نفت بود به عراق اضافه نماید. ترکیه در پی این بود که ولایت موصل را به خاک خود بیفزاید. کشور ترکیه می‌کوشید تا نظر مردم منطقه را جلب نماید. در سال ۱۹۲۳ در از میر مصطفی کمال اعلام کرد که ترکها و کردها در یک سرزمین بایکدیگر شریکند و قولهای زیادی به کردها داد^(۳) به علت نزدیکی کنفرانس لوزان که قصد الحاق ولایت موصل به سرزمین ترکیه را داشت، دولت بریتانیا که در آن هنگام درگیر جنگ با نیروهای شیخ محمود بود در وضعیت سختی قرار گرفت. این

۱- شوادران، پیشین، ص ۱۹۵

۲- همان کتاب، ص ۲۰۱

۳- المجله، همان مقاله

کشور برای جلب افکار عمومی کوشید تا به کمک نیروهای میانه رو میان مردم منطقه تفرقه ایجاد کند و آنها را بر علیه شیخ محمود بشوراند. این دولت در بیانیه‌ای که صادر کرد آورد: «دولتهای بریتانیا و عراق حق کردهای ساکن عراق را در برقراری یک دولت کرد به رسمیت می‌شناسند و امیدوارند عناصر مختلف کرد هر چه زودتر درباره شکل و قالب دولت و گستره محدوده خود به توافق برسند و نمایندگان مسئول خود را برای گفتگو درباره مناسبات اقتصادی و سیاسی خود با دولتهای بریتانیا و عراق به بغداد اعزام دارند.»^(۱) هدف اصلی بریتانیا از صدور این بیانیه جلب افکار نیروهای میانه‌رو کرد بود.

قبل از شروع کنفرانس لوزان وزیر امور خارجه آمریکا، نمایندگان آمریکا در کنفرانس لوزان یعنی ریچارد، شبرن، چیلد و جوزف‌گر را فراخواند و سیاست آمریکا را برای آنها تشریح کرد و صریحاً اظهار داشت: «روش اتخاذی وزارت امور خارجه این است که با در نظر گرفتن سهم آمریکا در پیروزی همه جانبه بر قوای محور نباید هیچ تبعیضی علیه ما در مناطق اشغالی اعمال شود.»^(۲)

پیمان لوزان در ۲۴ ژوئیه سال ۱۹۲۳ شروع شد که در آن سرزمین کردستان بطور نهائی بین سوریه، عراق و ترکیه تقسیم گردید. در پیمان لوزان بدون حضور کردها در مورد آنها به گفتگو پرداختند.

بریتانیا در مقام مدافع بی‌غرض منافع و آزادی مردم کرد می‌گفت: «باید مانند سایر ملت‌های منطقه از حقوق ملی بهره‌مند و حکومت ملی خود را داشته باشند.» بریتانیا برای دستیابی به نفت و ولایت موصل دست به هر تاکتیکی می‌زد به خصوص خود را حامی کردها معرفی می‌کرد تا از

۱- سیل جی، پیشین، ص ۳۴۰ و ۳۴۱

۲- شوادران، پیشین، ص ۲۰۴

آن طریق به اهداف خویش نائل گردد. در حالی که در ۱۹ ژوئیه همان ماه با جنبش ملی کرد جنگید و شهر سلیمانیه را به تصرف در آورده بود و قصد از بین بردن جنبش ملی کرد را داشت. در این، کنفرانس انگیزه بریتانیا در دفاع از استقلال ملت کرد، بر ملا شده است انگیزه بریتانیا اشغال دائمی ولایت موصل بود، تا به راحتی بتواند نفت آن را به تاراج برد از سوی دیگر هیأت نمایندگی آنکارا مدعی بود که دولت مبعوث در مجلس کبیر ملی دولت مشترک ترکها و کردهاست. و نمایندگان حقیقی کردها در مجلس در کنار ترکها می نشینند. و «ترکها و کردها در دولت ترکیه شرکای برابرند.»^(۱) ترکیه می خواست تا از این طریق به ولایت نفتی موصل دسترسی پیدا کند. بعداً اهداف پلید مصطفی کمال در باب کردستان فاش گردید. کمالیست ها حتی به زنان، کودکان و سالمندان کرد نیز رحم نمی کردند و آنان را به طرز فجیعی قتل عام می کردند. آنها حتی حاضر به قبول این واقعیت که در ترکیه اقلیتی به جز ترکها وجود دارند، نیز نبودند و کردها را ترکهای کوهی قلمداد می کردند. اما در کنفرانس لوزان، منافع آنها ایجاب می کرد که از برابری حقوق کردها و ترکها در سرزمین ترکیه دم زنند. کشمکش ترکیه و انگلستان بر سرقضیه موصل به جنجال بزرگی تبدیل شد. در ۴ فوریه عصمت پاشا پیشنهاد کرد که مسئله موصل را از کنفرانس حذف کنند و در عرض یکسال انگلستان و ترکیه به یک راه حل موفقیت آمیز دست یابند و در صورتی که هیچ توافقی حاصل نگردید موضوع را به جامعه ملل ارجاع دهند.

در آن زمان که دولت انگلیس می کوشید تا موصل را به کشور عراق منضم سازد، در ۲۴ مارس ۱۹۲۵ دولت عراق قراردادی را با شرکت نفت

عراق امضا و امتیاز نفت عراق را به مدت ۷۵ سال به انگلستان واگذار کرد. اعتبار این پیمان منوط به آن بود که: «اگر دولت انگلستان از تأمین حقوق عراق در ولایت موصل خودداری کند، این پیمان و قراردادهای الحاقی آن کان لم یکن خواهند شد.»^(۱)

در سال ۱۹۲۵ زمانی که کردهای ترکیه برای کسب استقلال مبارزه می‌کردند، انگلستان برای آن که کشور ترکیه را در تنگنا قرار دهد، از کردها حمایت کرد و در همان زمان در کردستان جنوبی به مقابله نظامی و خونین علیه کردهای جنوب کردستان مشغول بود.^(۲)

کمیسیون جامعه ملل از ژانویه تا مارس ۱۹۲۵ از ولایت موصل بازدید کرد و در ۱۶ ژوئیه، کمیسیون گزارشی از این دیدار ارائه کرد که اگر ملاحظات قومی را پایه و اساس قرار دهیم بهترین راه حل تأسیس یک کشور مستقل کرد است اکثریت سهام شرکت نفت عراق در اختیار کشور انگلستان قرار داشت. چرا که کردها هفت هشتم ولایت موصل را تشکیل می‌دهند. اما دخالت‌های بریتانیا و تسلط بریتانیا بر نظام بین‌الملل در آن زمان موجب شد که ولایت مزبور با پیش شرطی به کشور عراق واگذار شود و شورا توصیه کمیسیون را پذیرفت. برای عملی ساختن توصیه مزبور پیمانی میان انگلستان و عراق منعقد شد و از دولت انگلستان به عنوان دولت قیم دعوت شد تا گزارشی از اقدامات اداری که به منظور تضمین حقوق اداره امور محلی به وسیله افراد کرد، (مذکور در گزارش کمیسیون تحقیق به نحوی که در رأی نهائی آن کمیسیون توصیه شده

۱- بنجامین شواردان، پیشین، ص ۱۷۸

۲- اسماعیل بیشکچی، کردستان مستعمره چند دولت، ترجمه، ع. بابیان (سوئد، چاپخانه

باران، ۱۹۹۶) ص ۵۷

است) به عمل خواهد آمد را به شورا تقدیم کند.^(۱)

جامعه ملل بدون توجه به خواسته‌های ملت کرد جهت تشکیل یک حکومت مستقل کرد، در سال ۱۹۲۶ ولایت موصل را به عراق واگذار کرد.

بریتانیا نیز که مقرر شده بود تا یک حکومت محلی را برای کردها تشکیل دهد، نه تنها هیچ اقدامی برای تشکیل حکومت محلی نکرد، بلکه بالعکس با کردهایی که خواستار حقوق خویش بودند بشدت به مبارزه پرداخت و آنها را نابود کرد، بدون اینکه حتی به زنان و کودکان و سالمندان کرد رحم کند. براساس تئوری واقع‌گرایی کنت والتز با توجه به آنارشیستی بودن سیاست بین‌الملل رفتار کشورها بر آنست تا منافع ملی خویش را تأمین نمایند. بعد از آنکه ولایت موصل به عراق واگذار شد عراق یک پیمان نفتی را با بریتانیا به امضاء رساند، در این امتیاز بهای هر تن نفت (برای مدت ۷۵ سال) چهار شلینگ بود.

برای تمام این امکانات و امتیازات، ملک فیصل یک هدیه کوچک به بهای ۴۰ هزار لیره استرلینگ به خاطر امضای موافقتنامه بدست آورد.^(۲) کشورهای آمریکا و فرانسه نیز بعد از اینکه ولایت موصل به انگلستان واگذار گردید، از این خوان نعمت بی‌نصیب نماندند. چون آنان نیز در شرکت نفتی عراق با بریتانیا شریک و دارای سهام بودند. اگر ولایت موصل به جای عراق به ترکیه واگذار می‌شد، آن وقت آمریکا و فرانسه از امتیازات شرکت نفت عراق محروم می‌شدند. به همین دلیل آنان نیز با انگلستان در ملحق شدن موصل به عراق همدستان شدند.

ولایت موصل برای بریتانیا علاوه بر منافع اقتصادی دارای منافع

۱- بنجامین شواردران، پیشین، ص ۲۱۰ و ۲۱۱

۲- تانزر، پیشین، ص ۵۴

استراتژیک نیز بود. جواهر لعل نهرو در کتاب نگاهی به تاریخ جهان در مورد ولایت موصل می‌نویسد: «ولایت موصل اهمیت بسیار داشت زیرا از یکسو دارای منابع نفتی بود و از سوی دیگر موقعیت نظامی مهمی داشت. دسترسی به کوهستانهای موصل تا اندازه‌ای به معنی تسلط بر ترکیه، سوریه، عراق، ایران و حتی قفقاز بود، به این جهت موضوع موصل برای ترکیه اهمیت بسیاری داشت. اما در دست داشتن موصل برای بریتانیا نیز به همین اندازه مهم بود زیرا می‌توانست از آنجا راههای زمینی و هوایی هند و خط حمله یا دفاع در مقابل روسیه شوروی را حمایت کند.»^(۱)

(د) پیمان سعد آباد

در عراق، ترکیه، لبنان و افغانستان تقسیم‌بندیهای قومی به درگیریهای گسترده‌ای انجامیده است. تقسیم‌بندیهای جغرافیایی که موجب آن قراردادهای سیاسی است و عمدتاً دول قدرتمند در آن نقش دارند و با خط‌کشیهای استعماری مشخص می‌شوند، علاوه بر ایجاد تنش‌های قومی، این محدوده‌ها را بصورت کانونهای بحران بالقوه‌ای که هر لحظه می‌تواند بالفعل گردد مبدل کرده است.

در دهه ۳۰ نیز کشمکشهای قومی در کشورها وجود داشت چون برای حکومت مستقل و کسب حقوق خویش تلاش می‌نمودند. که به درگیریهای زیادی انجامید علی‌الخصوص در کشورهایی که دارای جمعیت‌های کرد بودند که عبارت بودند از: ترکیه، عراق، ایران و در کشورهای دیگری نیز نظیر افغانستان درگیریهای قومی وجود داشت.

در ترکیه در سال ۱۹۲۵ کردها قیامی را به رهبری شیخ سعید پیران بر

علیه نیروهای ترکیه شروع کردند، ترکیه با کشتار تعداد زیادی از کردها موفق به سرکوب شورش شد.

در سال ۱۹۳۰ کردهای ترکیه به رهبری احسان نوری با کشور ترکیه وارد جنگ شده و خواستار کسب حقوق خویش شدند. شورش آنها در اعتراض به قوانین جدیدی بود که ترکیه بر علیه کردها به تصویب رسانده و آنها را ترک کوهی خوانده بود این مسئله به درگیریهای شدیدی میان کردها و ارتش ترکیه انجامید، که به شورش آزارات معروف است، چون دفتر اصلی شورشیان در کوههای آزارات قرار داشت.

دولت ترکیه برای آنکه بتواند شورشیها را به محاصره کامل خود در آورده و نابود سازد موافقتنامه‌ای را با رضا شاه به امضا رساند که به موجب آن سرزمینهای مجاور کوه آزارات به ترکیه واگذار شد و در مقابل قطعه زمین بزرگی در کردستان به ایران داده شد و ایران نیز به ترکیه قول داد تا به کردها کمک نکند. در ۵ نوامبر ۱۹۳۲ نیز قرارداد مودت، امنیت، بی طرفی عدم مداخله در امور یکدیگر و همکاری اقتصادی بین دو کشور به امضا رسید.^(۱)

در سال ۱۹۳۷ شورش کردها در ترکیه علیه رژیم دیکتاتوری ترکیه در منطقه‌ای به نام درسیم شروع شد و این بار نیز زنان، کودکان و سالمندان زیادی از کردها قتل عام شدند. ترکیه در تبلیغات خویش اعلام داشت که این جنگ «تمدن» با «توحش» است. غرب نیز این سناریوی ترکیه را که «تمدن» با «توحش» در نبرد است، را با مسدود ساختن غارها و آتش زدن جنگلهایی که پیرمردان، زنان و کودکان به آن پناه می‌بردند، به

۱- غلامرضا، علی بابایی، فرهنگ علوم سیاسی (تهران، ویس، ۱۳۶۹) ج ۳، ج ۲، ج ۲، ص

اجرا گذاشت.^(۱) کردهای عراقی نیز قبل از تشکیل دولت عراق همانطور که قبلاً در فصلهای گذشته گفته شد در دهه ۱۹۱۹ با نیروهای بریتانیایی به رهبری شیخ محمود برزنجی می‌جنگیدند و به مبارزه خود برای کسب حقوق و استقلال کردستان همچنان تا سال ۱۹۳۲ ادامه دادند. با روی کار آمدن رضاخان در ایران که یک مهره انگلیسی بود، ارتش ایران در مرزها مستقر شد و بدین ترتیب مانع کمک‌رسانی کردهای ایرانی به کردهای آن سوی مرز شد. از طرفی ارتش ایران از ورود نیروهای شیخ محمود به خاک ایران جلوگیری می‌کرد. عراقی‌ها نیز با استفاده از این موضوع شیخ محمود را به زیر آتش گرفتند و او را شکست دادند. دولت عراق علاوه بر این اداره معارف کردستان را که برای سرپرستی امور مربوط به آموزش و پرورش کردستان تأسیس شده بود، منحل کرد.

با افزایش عملیات استخراج نفت از سال ۱۹۲۷، نخستین خشتهای سیاست عربی کردن مناطق نفت خیز در کرکوک و خانقین بنانهاده شد.^(۲) در سال ۱۹۱۹ بارزانی‌ها به رهبری مذهبی شیخ احمد و رهبری نظامی ملامصطفی بارزانی بر علیه ظلم و ستم رژیم عراق و بریتانیا قیام کردند. در دهه ۳۰ میلادی زمانی که ترکها آشوریه‌ها را از ترکیه می‌رانند، بریتانیا بر آن بود تا آنها را در منطقه بارزان اسکان دهند، بریتانیا از این طریق قصد ضربه زدن به بارزانیها را داشت تا با اختلاط خون و نژاد دست از ارزشهای اجتماعی خویش بردارند و از طرفی می‌خواستند تا از این طریق به کردها القا کنند که شیخ احمد مسیحی شده که البته در این زمینه

۱- حمیدرضا، جلالی‌پور، کردستان علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲) ص ۷

۲- سامی، شورش «الحاضر و المستقبل العراق و کردستان العراق» انگلستان، الحیات،

موفق شدند. و بین کردها بخصوص بین شیخ رشید و شیخ احمد بارزانی تفرقه ایجاد شد. بدین ترتیب درگیریهای شدیدی میان نیروهای بریتانیا و حکومت مرکزی علیه کردها آغاز شد که تا سال ۱۹۳۵ همچنان ادامه داشت.^(۱) به طور کلی عراق به علت مبارزه ملت کرد برای احقاق حقوق و استقلال خویش دچار بحرانهای فراوان بود.^(۲)

کردها همچنان در ترکیه و عراق خواستار تشکیل حکومت کردستان بودند. آنها به راحتی از مرز مصنوعی مشترک بین خود آمد و شد می کردند و بدین طریق به یکدیگر یاری می رساندند و عراق و ترکیه را با بحران سختی روبرو می ساختند. بنابراین کشورهای فوق نیازمند سیاستهایی بودند که به کمک آن مرزهای خویش را بطور جدی کنترل نمایند و هیچ کشوری از کردهای کشور دیگر علیه دیگری استفاده ننمایند و اجازه هیچ نوع تشکیلات و سازماندهی را به آنها ندهند. رضا شاه در آن هنگام انگیزه و سیاستهای خاص خود را در ایجاد پیمان منطقه ای دنبال می نمود.

افغانستان نیز برای تأمین امنیت خویش انگیزه شرکت در پیمان منطقه ای را داشت. (با توجه به موضوع تحقیق بیشتر در مورد آن توضیح نخواهم داد).

به دلایل فوق در ماه ژوئن ۱۹۳۷ دکتر توفیق رشدی آراس وزیر خارجه ترکیه، دکتر ناجی الاصلی وزیر خارجه عراق و سردار فیض محمدخان وزیر خارجه افغانستان در تهران حضور یافتند. پس از مذاکراتی که با زمامداران ایران به عمل آمد، در تاریخ ۱۳۱۶/۴/۱۷ هجری شمسی پیمان عدم تعرضی میان چهار کشور فوق به امضاء رسید.

۱- نخفلی، پسیان، از مهاباد خونین تا کرانه های ارس (تهران، ۱۳۲۸) ص ۳۰ و ۳۱

۲- رجوع کنید به: مسعود، بارزانی و یزوتنه وهی رزگاریخواری کورد ۱۹۳۱-۱۹۵۸، وهرگیر سه عید ناکام (دهوک، خه بات، ۱۹۹۸)

مفاد این پیمان که به پیمان سعدآباد معروف است در مورد وحدت نظر چهار کشور در سیاست عمومی و حمایت متقابل در صورت بروز خطر نسبت به یکی از کشورهای عضو بود. دول امضاءکننده متعهد شدند که از مداخله در امور داخلی یکدیگر پرهیز نمایند^(۱)، مرزهای هم را محترم شمارند و از تجاوز به خاک یکدیگر خودداری کنند و تشکیل جمعیتها و دسته‌بندی‌هایی که هدفشان اختلال صلح در یکی از کشورهای هم پیمان باشد، جلوگیری نمایند.^(۲)

این پیمان دارای ده ماده بود که در اینجا به چند ماده آن اشاره می‌کنیم.

ماده اول: دولتها متعهد شدند که هیچ یک از طرفین در مسائل داخلی دیگری دخالت نکند.^(۳)

ماده دوم: طرفین متعهد گردیدند که مرزهای یکدیگر را محترم شمارند.

ماده سوم: متعهد گردیدند تا در کلیه اختلافاتی که به منافع مشترک آنها مربوط می‌شود با یکدیگر مشورت نمایند.

ماده هفتم: طرفین متعهد شدند تا در مرزهای خود از تشکیل یا عملیات دستجات مسلح جلوگیری نمایند و از ایجاد هرگونه هیئت و یا تشکیلاتی که برای تخریب مؤسسات کشور دیگر و یا برای اختلال در نظم و امنیت هر قسمتی از خاک متعاهد دیگر و یا برای واژگون ساختن حکومت طرف دیگر مورد استفاده قرار گیرد، خودداری کنند.

۱- علی بابایی. پیشین. ص ۱۶۱

۲- همان کتاب، ص ۱۶۲

۳- عبدالرزاق، الحسنی، تاریخ الوزارت العراقية (بغداد، مطبعة دارالشؤون الثقافية، ۱۹۸۸)

جزء ۴، طبع ۷. ص ۳۳۰ و ۳۳۲

بحرانهای کردستان عراق و ترکیه یکی از عوامل و انگیزه‌های این دو کشور، در تشکیل پیمان سعد آباد بود.

۲- قدرتهای بزرگ و مسأله کردستان عراق در دوران جنگ سرد (۱۹۸۹-۱۹۴۰) الف - جمهوری مهاباد:

عامل نسبتاً ثابت دیگری که تأثیر مهمی بر سیاست خارجی کشورها دارد، منابع طبیعی است. از جنگ جهانی اول به بعد نفت به عنوان یک منبع انرژی طبیعی اهمیتی بیش از پیش پیدا کرده است. ابرقدرتها همواره تلاش کرده‌اند تا به ذخایر نفت کشورهای تولیدکننده دسترسی یابند و آن را به کنترل انحصاری خود درآورند. چرا که نفت یک کالای استراتژیک شناخته شده است.^(۱)

برای تسلط و کنترل غیر مستقیم بر کشورها، قدرتهای بزرگ در شئون مختلف حیات اجتماعی کشورها نفوذ می‌کنند. سلطه بطور خلاصه عبارت از تأثیر آگاهانه و هدفدار قدرتهای بزرگ بر نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک کشور به منظور اعمال و کنترل حاکمیت بر آن کشور است.

در سال ۱۹۴۱ از افراد سرشناس کرد دعوت شد تا از شوروی دیدن کنند. نمایندگان اکراد از شهرهای ارومیه، میاندوآب، بوکان و مهاباد به تبریز و از آنجا با قطار به همراه ژنرال آتاکچوف به باکو رفتند. در سال ۱۹۴۳ سازمان غیرمذهبی ناسیونالیستی به نام «کومه‌له‌ی ژیا نه وه‌ی کوردستان» تشکیل گردید و تحت نفوذ روسیه قرار گرفت.

شوریها طالب امتیاز نفت شمال ایران بودند. در سال ۱۹۴۵

۱- اصغر، جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹) ص ۱۳۳

هنگامی که راه دادن امتیاز بسته شد، دولت شوروی موفق در جنگ جهانی خود را آماده نمود تا از اوضاع بهره‌برداری کند. در آن زمان مناطق شمال ایران تحت تسلط نیروهای شوروی بود. روسها قراردادی را با انگلیسها به امضاء رسانده بودند که براساس آن هر دو کشور باید خاک ایران را تخلیه نمایند.

کشور شوروی خاک ایران را تخلیه نکرد. کردها که از فقر و ظلم و ستم رژیم شاهنشاهی به تنگ آمده بودند به نیروهای دولتی حمله کردند و پاسگاههای ژاندارمری را اشغال نمودند. در همان سال یعنی در سال ۱۹۴۵، کزمله ژبانی کردستان منحل و حزب دمکرات کردستان ایران تشکیل شد و در دسامبر ۱۹۴۵ نیز جمهوری مهاباد تشکیل گردید.

حزب دمکرات کردستان ایران ابراهیم احمد را که یک کرد عراقی بود، به عنوان نماینده خویش انتخاب نمود تا در کردستان عراق فعالیت نمایند. دفتر آنها در شهر سلیمانیه قرار داشت.

پس از درگیریهای زیادی که میان نیروهای بارزانی با رژیم وابسته به انگلیس بغداد روی داد، سرانجام به علت فشار زیاد نیروهای بغداد به پشتیبانی انگلستان، نیروهای بارزانی وارد مهاباد و مناطق اطراف آن گردیدند و با قاضی محمد همکاری نمودند.

در مهاباد ملامصطفی بارزانی برای سازماندهی بیشتر کردهای عراق فرمان تشکیل حزب دمکرات کردستان عراق را صادر کرد و نماینده خود را به عراق فرستاد. نماینده وی بطور محرمانه اجتماعی از روشنفکران، اشخاص سیاسی، احزاب و سازمانهای کردی تشکیل داد و سرانجام بطور مخفیانه در بغداد اولین کنگره حزب دمکرات کردستان عراق را در ۱۶ آگوست ۱۹۴۶ تشکیل داد و ملامصطفی بارزانی به عنوان رهبر حزب انتخاب شد.

آذریها نیز در سال ۱۹۴۵ جمهوری آذربایجان را تشکیل دادند. شوروی نیز از این دو جمهوری حمایت می‌کرد و هدف وی از حمایت از این جمهوریه‌ها، تهدید کشور ایران برای گرفتن امتیازات نفتی بود که می‌خواست به چاههای ایران دسترسی پیدا کند.

با توجه به احساس خطر ایران از ناحیه آذربایجان و کردستان، نخست وزیر ایران قوام به شوروی سفر نمود و با استالین ملاقات کرد و به نتایج موفقیت آمیزی نیز دست یافت.^(۱) بر اساس اصول ششگانه واقع‌گرایی مورگنتا مبنی بر اینکه رفتار کشورها با اشخاص عادی فرق دارد و در جهت تأمین منافع ملی خویش است و با توجه به تئوریهای والتز مبنی بر اینکه قدرتهای بزرگ سعی بر آن دارند تا منافع ملی خود را در سطح بین‌المللی تأمین نمایند تا موجب بالا رفتن توان نظامی آنها گردد و بر اساس تئوری واقع‌گرایی کیسینجر مبنی بر اینکه در سیاست بین‌الملل کشورها تلاش می‌نمایند تا منافع ملی خویش را تأمین کنند، کشور شوروی توسط سفیر خود در تهران یعنی سادچیکف قراردادی را با قوام در پانزدهم فروردین ۱۳۲۵ امضاء نمود که مواد آن عبارت بودند از:

۱- قسمتهای باقی مانده ارتش سرخ (از ۲۴ مارس ۱۹۴۶) ظرف یک ماه و نیم تمام خاک ایران را ترک می‌کنند.

۲- قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ ۲۴ مارس ظرف مدت هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم ارائه خواهد شد.

۳- راجع به آذربایجان که یک امر داخلی است برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجود و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی

۱- آرتور، کنت، یالتایا تقسیم جهان، ترجمه محمود طلوعی (تهران، هفته، ۱۳۶۵)، ص

آذربایجان ترتیباتی بین دولت و اهالی آذربایجان داده خواهد شد. دولتین ایران و شوروی شرکت مختلط ایران و شوروی را برای تجسس و بهره‌برداری از اراضی نفت‌خیز شمال ایران تشکیل می‌دهند. در ۲۵ سال اول عملیات، ۴۹ درصد سهام به طرف ایرانی و ۵۱ درصد سهام به طرف روس تعلق خواهد گرفت و در ۲۵ سال دوم ۵۰ درصد سهام به طرف ایرانی و ۵۰ درصد سهام به طرف روس تعلق خواهد گرفت. قراردادی بین شوروی و ایران تنظیم گردید و قرار شد که برای تصویب به مجلس پانزدهم ارائه شود.

بعد از توافق مسئولین شوروی با نخست وزیر ایران در مورد این قرارداد نیروهای شوروی از ایران خارج شدند و دست از پشتیبانی و حمایت از جمهوری آذربایجان و جمهوری کردستان برداشت که به شکست این جمهوریه‌ها منجر شد.

بر اساس ثنوری واقع‌گرایی و التز که قدرتهای بزرگ بر سرکسب منافع اقتصادی با یکدیگر به کشمکش می‌پردازند، زمانی که مجلس پانزدهم کار خود را آغاز کرد ژرژ آلن سفیر آمریکا در تهران کوشش کرد با نمایندگان مجلس و متصدیان امور تفهیم کند که ایران در رد یا قبول قرارداد نفت میان قوام و سادچیکف کاملاً آزاد است و اگر آن را رد کند از حمایت دولت آمریکا برخوردار خواهد شد.

در تاریخ یازدهم سپتامبر، ژرژ آلن با بیانی صریح گفت: «ایرانیان صاحبخانه و در امور کشور خود مختارند. آنها در رد یا قبول قرارداد قوام سادچیکف کاملاً آزادند و اگر تصمیم به رد آن بگیرند دولت آمریکا در مقابل هرگونه تهدید شورویها به ایران کمک و مساعدت خواهد کرد.»^(۱)

ب- پیمان بغداد

اتحاد یک کشور با دیگر کشورها ارتباط نزدیکی با نیازهای داخلی آن کشور دارد. برخی از کشورها به دلایل گوناگون و برای پیشبرد اهداف خود به سیاست اتحاد نظامی و تهاجمی متوسل می شوند.

اما بعد از سال ۱۹۴۵ ملاحظات داخلی بیشتر از طریق فشارهای ناشی از ضروریات امنیت درون مرزی بر روابط با دیگران اثر گذاشته است. واحدهای سیاسی از قابلیت‌های نظامی خود برای کمک به حفظ حکومت‌های دوست و یا حمایت از یک رژیم خاص در مقابل شورشیایی که از داخل یا خارج حمایت می شوند استفاده کرده‌اند.^(۱)

با نقش رهبری کاریز ماتیک ملا مصطفی بارزانی جنبش ملت کرد، جنبه بین‌المللی بخود گرفت و در ماه اوت سال ۱۹۴۴ گفتگوهای نهایی درخصوص اتحاد کردستان بزرگ در کوه «دالان پر» که در آنجا مرزهای ایران، عراق و ترکیه به هم می پیوندند، انجام گرفت. در آنجا نمایندگان اکراد هر سه کشور برای امضاء پیمان دوستی و پشتیبانی از یکدیگر حضور یافتند. قرارداد مذکور به «پیمانی سی سنور» (پیمان سه مرز) معروف است.^(۲) با شورش بارزانیها عراق در بحران شدیدی قرار گرفت و رژیم سلطنتی عراق دچار وحشت شد و به همین دلیل در آن هنگام «عهدنامه دوستی و حسن همجواری میان پادشاه عراق و رئیس جمهور ترکیه در ۲۹ مارس ۱۹۴۶ در آنکارا به امضاء رسید.»^(۳) هنگامی که بارزانیها به رهبری ملا مصطفی بارزانی در سال ۱۹۴۷ با کشور عراق

۱- جان، بلیسی و دیگران، استراتژی معاصر نظریات و خط مشی‌های، ترجمه هوشمند فخرائی (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴) ج ۳، ص ۲۴۱ و ص ۲۴۲

۲- ایگلتن جونیز، پیشین، ص ۷۲

۳- علی بابائی، پیشین، ص ۱۴۸

می‌جنگیدند، سه کشور عراق، ترکیه و ایران در مرزهای خود با بارزانی‌ها وارد جنگ شدند. تا ملامصطفی را در محاصره کامل خود قرار دهند و آنها را از میان بردارند. ولی ملامصطفی بارزانی با نیروهایش از سد دفاعی هر سه کشور گذشت و وارد خاک شوروی گردید.

در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ بین کشورهای ترکیه و عراق موافقتنامه دو جانبه‌ای تحت عنوان پیمان همکاری متقابل به امضاء رسید، که به پیمان بغداد معروف شد. پیمان بغداد یک مقدمه، ۸ ماده و دو نامه تفسیری داشت این پیمان به منظور تکمیل عهدنامه دوستی و حسن همجواری میان ترکیه و عراق که در ۲۹ مارس ۱۹۴۶ در آنکارا به امضاء رسیده بود، منعقد شد.^(۱) و بعضی از مواد آن عبارت بودند از:

ماده اول:

با در نظر گرفتن ماده ۵۱ سازمان ملل متحد کشورهای امضاءکننده برای حفظ امنیت و دفاع از تمامیت ارضی خود با یکدیگر همکاری می‌نمایند. اقداماتی که دو کشور مزبور برای انجام این همکاری بعمل خواهند آورد ممکن است موجب عقد پیمانهای مخصوص بین آنها گردد. ماده سوم:

کشورهای امضاءکننده تعهد می‌کنند که از دخالت در امور داخلی یکدیگر از هر نوعی که باشد خودداری نمایند و هرگونه اختلاف فیما بین را به صورت مسالمت آمیزی طبق منشور ملل متحد حل و فصل نمایند.^(۲)

طبق ماده پنج بغداد، ورود به این پیمان برای کشورهای ذینفع در

۱- همان کتاب، ص ۱۴۸ و ۱۵۰

۲- جلال الدین، مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران (تهران، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ...)، ج ۲، ج ۱، ص ۵۷۳

منطقه آزاد گذارده شد. از همین راه انگلستان در ۳۰ مارس ۱۹۵۵، پاکستان در ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ و ایران در ۱۱ اکتبر همان سال وارد پیمان بغداد شدند. کشور آمریکا رسماً به عضویت پیمان درنیامد اما در برنامه‌های آن شرکت داشت.^(۱)

یکی از عواملی که موجب تشکیل این پیمان شد نارضایتی کردها از طرحهای استعماری انگلیس و تقسیم سرزمینشان بود که همچنان برای کسب حقوق و استقلال خویش علیه رژیم دست نشانده سلطنتی انگلیس در عراق و رژیم دیکتاتوری ترکیه دست به مبارزه می‌زدند که این خود موجب بروز مشکلات داخلی فراوانی در ترکیه و عراق گردید. وحشتی که آنان از شورش کردها داشتند موجب شد که آنها موافقتنامه‌هایی را به امضاء برسانند، همانند پیمان سعدآباد در سال ۱۹۳۷ که کشورهای دیگری نیز در آن شرکت داشتند و موافقتنامه‌ای هم که در سال ۱۹۴۶ میان ترکیه و عراق به امضاء رسید. آنان برای تکمیل موافقتنامه‌های گذشته خود در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ موافقتنامه دیگری را به امضاء رساندند که به پیمان بغداد معروف گردید و کشورهای دیگری با انگیزه‌های خاصی به این پیمان پیوستند.

انگیزه‌ای که موجب شد تا انگلستان به این پیمان ملحق گردد منافع حیاتی این کشور از نظر اقتصادی در خلیج فارس بود. حدود $\frac{1}{3}$ صنایع انگلستان با انرژی نفت نیاز داشتند. این کشور حداقل ۷۵ میلیون تن نفت برای صنایع خود لازم داشت. انگلستان ۶۴٪ از احتیاجات نفتی خود را از نفت منطقه خلیج فارس تأمین می‌کرد.^(۲)

۱- علی بابائی، پیشین، ص ۱۴۸

۲- همایون، الهی، خلیج فارس و مسایل آن (تهران، شرکت آموزش فرهنگی و انتشاراتی اندیشه، ۱۳۶۸)، ص ۹۱ و ۹۲

جرج مارشال وزیر خارجه وقت آمریکا در سال ۱۹۴۸ اظهار داشت. «نفت خاورمیانه عامل مهمی در موفقیت برنامه بازسازی اقتصادی اروپا و تداوم رفاه اقتصادی آن می باشد.»

پرزیدنت آیزنهاور در خاطرات خود به این مطلب مهر تأیید نهاده و نوشته است: «نفت جهان عرب برای اروپا پیوسته اهمیت بیشتری یافته است. اقتصاد اروپا در صورت قطع نفت متلاشی خواهد شد و در نتیجه این امر آمریکا نیز در وضع بسیار دشواری قرار خواهد گرفت.»^(۱)

جواستورک کارشناس موسسه تحقیقات خاورمیانه در واشنگتن اعلام کرده که بین سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۰ سود سرشاری حدود بیست و دو میلیارد و دویست میلیون دلار نصیب کشورهای نفت خیز خاورمیانه شده است که میان دولتها و صاحبان سهم تقسیم شده است. طبق محاسبه به عمل آمده ۹ میلیارد و چهارصد میلیون دلار سهم دولتهای خاورمیانه و مابقی به جیب شرکتهای نفتی سرازیر شده است.^(۲)

انگلستان علاوه بر انگیزه‌های اقتصادی، انگیزه‌های سیاسی و استراتژیک نیز داشته است. از این پیمان برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در منطقه، حفظ منافع و نقش تاریخی آن کشور و همچنین تداوم کنترل این کشور بر منطقه استفاده شد.

علت دخالت آمریکا در برنامه‌های پیمان بغداد به اینصورت بود که چون بریتانیا دیگر نمی توانست به وظیفه خود در جلوگیری از نفوذ

۱- عاطف، کوبوروسی، و سلیم منصور «اقتصاد سیاست نفت در خاورمیانه» ترجمه امیر محمدحاجی یوسفی، تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۵، ش ۱۰۷، ۱۰۸

۲- جودیت، میلرولوری میل روا، از تکریت تا کویت، ترجمه حسن تقی زاده و حمید هرمزپور (تهران، کویر، ۱۳۷۰) ج ۲، ص ۲۲۷

کمونیسم ادامه دهد، ایالات متحده در مارس ۱۹۴۷ با اعلام دکترین ترومن پا به میدان گذاشت و نقش رهبری جنگ سرد را بر عهده گرفت. این کشور با اجرای طرح مارشال و تشکیل ناتو وضعیت را در اروپا تثبیت کرد.^(۱)

دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری ترومن با بکارگیری روشهای سیاسی اتحاد شوروی را از دستاوردهای بین‌المللی محروم ساخت. در این برهه زمانی دولتمردان آمریکایی استراتژی «کنترل و مهار» را مطرح کردند. مفهوم این استراتژی محدود کردن اتحاد شوروی به مناطق تحت نفوذ خود و افزایش فشار به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ مسکو به سایر کشورها بود.^(۲)

به موجب این استراتژی دنیای غرب مصمم شد تا با تمام توان در مقابل گسترش سلطه کمونیسم که دارای ابعاد اقتصادی، نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی بود، بایستد. این مسئله در دهه ۱۹۵۰ جنبه تهاجمی پیدا کرد. برای نمونه در چارچوب دکترین دالس وزیر امور خارجه وقت آمریکا به دکترین «بازپس رانی شوروی» به مرزهای خود خلاصه می‌شد. در سال ۱۹۵۴ به دلیل برتری آمریکا از نظر دستیابی به سلاحهای هسته‌ای «واکنش همه جانبه» به عنوان استراتژی ناتو اعلام گردید.^(۳) با توجه به حضور تاریخی انگلستان در منطقه خاورمیانه این دولت از وجهه خاصی برخوردار بود و آمریکا نیز که در آن زمان کمکهای زیادی به اروپا

۱- فرانکل، پیشین، ص ۵۷

۲- سلیم، الحسنی، مبانی و تفکر رؤسای جمهوری آمریکا، ترجمه صالح ماجدی و فرزاد معدوحی (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴)، ص ۳۴

۳- افشین، عزیزیان، وحدت اروپا در تئوری و عمل (تهران، چاپخش، ۱۳۷۲)، ص ۱۲۲ و

کرده بود و رهبری مبارزه با مهار کمونیسم را بر عهده داشت و با این انگیزه در برنامه‌های اتحاد بغداد دخالت می‌کرد. با توجه به دست نشانده‌بودن رژیمهای حاکم در کشورهای عراق، ترکیه، ایران و پاکستان نقش آمریکا در این پیمان به معمار اصلی پیمان بغداد تبدیل شد. بنابراین تضعیف این کشورها برای شوروی به صورت یک هدف کوتاه مدت درآمد، تا آنجا که به عراق مربوط می‌شد، شوروی کمکهای خود را به سازمانهای چپ‌گرای کرد و حزب کمونیست عراق افزایش داد که این خود به اختلافات میان شوروی و آمریکا افزود. کشورهای غربی نیز از این پیمان بعنوان یک استراتژی در جهت تأمین منافع غرب در مقابل کمونیسم استفاده کردند. اما با سرنگونی رژیم عراق در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ ضربه‌ای سخت به پیمان بغداد وارد شد. دولت جدید عراق از شرکت در جلسات بعدی پیمان اجتناب کرد و در مارس ۱۹۵۹ رسماً از سازمان کناره‌کشید. در نتیجه بقیه اعضای پیمان ستاد را به آنکارا منتقل کرده و آن را پیمان مرکزی (ستو) نامیدند.^(۱)

ج - سیاستهای شوروی در دوران جنگ سرد و کردستان عراق:

نخستین استراتژی بزرگ غرب، کوششی کوتاه مدت برای همکاری بود. این مرحله پس از پایان جنگ جهانی دوم یعنی زمانی بود که ایالات متحده می‌کوشید تا با اتحاد شوروی به یک همکاری کلی برسد. سازمان ملل متحد در سانفرانسیسکو پایه‌گذاری شد.

برنامه باروک این امکان را برای روسها فراهم ساخت تا در نتایج پژوهشها و پیشرفتهای هسته‌ای آمریکا سهیم شوند. برنامه مارشال به

اروپاییها و کشورهای دیگر، از جمله اتحاد شوروی و دشمنان پیشین آمریکا پیشنهاد کمک اقتصادی کرد. در این مرحله آمریکا نیروهای نظامی خود را به سرعت از حالت آمادگی خارج ساخت. اما استالین چنین نکرد و طرح باروک را نپذیرفت و با مشارکت در برنامه مارشال مخالفت ورزید. و در عوض، تسلیحات اتمی و کمی بعد از آن سلاحهای هیدروژنی و سرانجام راکتها و ماهوارههای شوروی را پایه‌گذاری کرد. وی اقمار شوروی در اروپای شرقی را از مشارکت در طرح مارشال منع کرد و کوشید در یونان و ترکیه مداخله کند. رویدادهای دیگری موجب شد که غرب در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ به رهبری ترومن، اتحادیه آتلانتیک را پایه‌گذاری کنند. مرحله دومی آغاز شد که می‌توان آنرا جنگ سرد^(۱) و مسابقه تسلیحاتی بلوک غرب و شرق نامید. در شروع هر یک از دو بلوک سعی داشتند تا در مناطق کشورهای جهان سوم نفوذ نمایند، علی‌الخصوص در منطقه خلیج فارس از ابتدای قرن بیستم به بعد اکتشافات و استخراج نفت بعنوان یک متغیر جدید و مهم وارد معاملات سیاسی منطقه شد. منطقه خلیج فارس با توجه به دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز و اهمیت خاص آن در حمل و نقل کالاهای تجاری مورد مبادله، احتیاج شدید و رو به افزایش کشورهای غربی و متحدان آن به استفاده از نفت، موقعیت استراتژیک و نزدیکی یا همجواری کشورهای ساحلی به خاک اتحاد جماهیر شوروی و بالاخره رقابت آمریکا و شوروی در آن محدوده موقعیتی ویژه یافت.^(۲) اتحاد جماهیر شوروی از نظر جغرافیایی

۱- هلموت، اشمیت، استراتژی بزرگ، ترجمه هرمز همایون‌پور (تهران، علمی و فرهنگی،

۱۳۷۳) ج ۲، ص ۲۸ تا ۳۰

۲- بیژن، اسدی، علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس (تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱) ص ح و ط

به کردستان نزدیک است و این امتیازی است که قابلیت نفوذ شوروی در این منطقه را افزایش می‌دهد. کردها نیز در شوروی زندگی می‌کردند و از طریق آنها می‌توانست در مناطق کردستان نفوذ نماید. در کل سیاست خارجی شوروی در قبال کردها در طی سالها رابطه‌ای معکوس با موقعیت آن کشور در جلب نظر حکومت مرکزی بغداد داشت. شوروی همواره در صدد استفاده از کردها و حمایت از مسئله خود مختاری آنها در جهت تأمین منافع خویش بوده و در این راستا انگیزه‌های ایدئولوژیک هرگز مطرح نبوده است. بلکه از مسائل ایدئولوژیک در جهت منافع خویش و برای فریب افکار عمومی کردها بهره برده است.

قبل از انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ عراق، رژیم سلطنتی که دست نشانده انگلستان بود به خصوص زمانی که پیمان بغداد را امضاء می‌کرد حافظ منافع غرب بود. در آن زمان شوروی سیاستی علیه حکومت بغداد داشت و از کردها حمایت می‌کرد به طوری که چندین حزب کردی در این مقطع بوجود آمدند که ایدئولوژی آنها کمونیستی بود. آرمانها و مواعید کمونیستی، بسیاری از جوانان تحصیلکرده کرد را به خود جلب کرد. چنان که این درس خواندگان کرد پایان عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی قوم خویش را در محقق شدن آرمانها و مواعید مذکور می‌دیدند.

بعد از کودتای عبدالکریم قاسم و خارج شدن عراق از پیمان بغداد و بهبود روابط آن با شوروی، سیاست شوروی در قبال کردها دارای نوسانات زیادی بوده است. بعد از اینکه روابط بین کردها و قاسم تیره شد، نماینده کردها رهسپار شوروی شد تا این کشور را متقاعد سازد که در مقابل قاسم از آنها حمایت کند و از قاسم بخواهد تا حقوق کردها را محترم بشمارد. اما متأسفانه نه تنها شوروی از کردها حمایت نکرد بلکه با قاسم همکاری و از او پشتیبانی کرد. آنها اسلحه فراوانی در اختیار قاسم

گذاشتند که به کمک آنها تعداد زیادی از مردم کرد را از بین برد و به خواستها و حقوق کردها کوچکترین توجهی نشد.

در هشتم فوریه ۱۹۶۳ افسران بعث، رژیم قاسم را سرنگون کردند و دوره‌ای از حکومت وحشت را گشودند که موجب کشتار تعداد زیادی از نیروهای مردمی در عراق شد. این بار قربانیان رژیم بغداد را تنها کردها تشکیل نمی‌دادند بلکه کمونیستها نیز بودند و حدود ۷۰۰۰ نفر از قربانیان را کمونیستها تشکیل می‌دادند.^(۱)

در بدو امر که مسکو با شکار کمونیستها در عراق مواجه شد، با رژیم بغداد درگیر شد. رادیو مسکو در ۱۴ فوریه، ۱۹۶۳ اخبار منتشر شده از سوی خبرگزاریهای غربی را پخش و نگرانی افکار عمومی اتحاد شوروی را از اعمال هراس انگیزی که علیه نیروهای دموکراتیک صورت می‌گرفت بیان کرد.

پس از مدتی تیرگی روابط با بغداد، مسکو به سود کردها موضع گرفت و مطلب را از اینجا آغاز کرد که جنبش کرد «در اصل جنبشی دموکراتیک است». این کشور رژیم بغداد را متهم کرد که «بی دلیل می‌کوشد» «رهبران شجاع» این جنبش را به عنوان عاملان امپریالیسم معرفی کند.^(۲)

پس از تشدید مخاصمات، در دهم ژوئن ۱۹۶۳ دولت اتحاد شوروی دیگر مجاز و استعاره را کنار گذاشت و دولت بغداد را صریحاً متهم کرد که صرفاً به این منظور با کردها به مذاکره نشسته که خود را از لحاظ نظامی تقویت نماید و دولت مزبور را متهم به رفتاری به سبک هیتلر کرد. کشورهای غربی نیز با شنیدن خبر سقوط رژیم قاسم، که از لحاظ

۱- کندال، نازدارووانلی، پیشین، ص ۱۹۱

۲- کوچرا، پیشین، ص ۲۹۹ و ۳۰۰

آنها رژیمی کمونیستی بود، تسکین یافتند. حازم جواد در ۱۶ فوریه ۱۹۶۳ یک هفته پس از مرگ قاسم، در سخنان خود گفت:

«دولت جدید قراردادهای منعقد شده با شرکتهای نفتی را محترم خواهد شمرد.»^(۱) هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی مبارزه تبلیغاتی خود علیه عراق را شدت بخشید، بین ماههای ژوئیه تا نوامبر ۱۹۶۳ آمریکا محتاطانه در صدد یافتن متحدانی در جنگ داخلی عراق بود و حاضر شد که جای شورویها را برای حکومت عراق بگیرد.

دولت بریتانیا به دولت بعث هواپیماهای جنگی می‌فروخت. این عمل بخشی از توافق بین دولتهای عضو سازمان پیمان مرکزی (ستو) در جلوگیری از فعالیتهای ملی‌گرایانه مردم کرد بود، تا بعثیها مناطق کردنشین را با آن بمباران و نظر رژیم بعث را به سوی خویش جلب نمایند.

پس از کودتای بعثیها در فوریه ۱۹۶۳ مناسبات بغداد و دولتهای عضو پیمان ستو به میزان قابل توجهی بهبود یافت.^(۲)

دیپلماتهای بریتانیایی در سال ۱۹۶۳ گفتگو درباره توافقی که در پیمان ستو حاصل شده بود را آغاز کردند. به موجب این توافق ترکیه و ایران متعهد شدند تا برای متفرق کردن کردها اقداماتی جدی به عمل آورند.^(۳) در پاییز ۱۹۶۳ افسران ترک بار دیگر در موصل بودند. این بار در مقام ناظران جنگ بغداد با کردها افسران ارتش ایران نیز در شمال عراق حضور داشتند. در هشتم اکتبر ۱۹۶۳ روزنامه مصری الاهرام نوشت که دولت عراق به هواپیماهای ایران و ترکیه اجازه داده است در داخل فضای هوایی عراق و بر فراز موضع کردها پروازهای اکتشافی و شناسایی انجام

۱- همان کتاب، ص ۲۹۸

۲- کینان، پیشین، ص ۱۶۲

۳- کوچرا، پیشین، ص ۲۹۸

(۱) دهند.

حکومت بعث سوریه نیز از حکومت بغداد در کشتار کردها پشتیبانی و ۵۰۰۰ سرباز سوری را برای مشارکت در جنگ کردستان اعزام کرد. جمهوری یمن نیز آمادگی خود را برای کمک در جنگ علیه کردها اعلام داشت. (۲)

شوروی در یک اعلامیه رسمی که از سوی خبرگزاری تاس انتشار یافت اعلام کرد که «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نمی تواند نسبت به آنچه امروز در عراق می گذرد بی اعتنا باشد، زیرا سیاست فعلی دولت عراق، صلح را در خاورمیانه به خطر می اندازد.» (۳)

کشتار کمونیستها و در هم کوبیدن سازمان های کمونیستی، اتحاد شوروی را از حکومت بعث دور کرد. در پایان ژوئن، جمهوری مغولستان از اوتانت دبیر کل سازمان ملل خواست تا «سیاست نسل کشی ای را که دولت عراق علیه ملت گُرد در پیش گرفته است.» در دستور کار اجلاس آتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار دهد.

در نهم ژوئیه ۱۹۶۳ آندره گرومیگو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، اعتراض رسمی دولت متبوع خود را به سفیر عراق در مسکو تسلیم کرد. (۴) در همان روز گرو میکو یادداشت های دیگری به سفیران ایران، ترکیه و سوریه داده در این یادداشت ها پس از اشاره به کشتار خونینی که کردها قربانیان آنند، دولت اتحاد جماهیر شوروی اظهار می کند که در برخی کشورها، به ویژه ایران، ترکیه و سوریه در امور داخلی

۱- کینان، پیشین، ص ۱۶۲ و ۱۶۳

۲- همان کتاب، ص ۱۵۹

۳- کندال، نازداروانلی، پیشین، ص ۱۹۱

۴- کینان، پیشین، ص ۱۵۹ و ص ۱۶۰

کردستان مداخله می‌کنند و در این زمینه حتی به اقدامات نظامی متوسل شده‌اند و معتقد است که این سیاست کشورهای سنتو عواقبی خطرناک به دنبال خواهد داشت.

باز در همان روز نیکلاس فدرنکو نماینده دائمی اتحاد شوروی در سازمان ملل طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت توجه وی را به «ستم و سرکوبی که از سوی دولت عراق در شمال آن کشور اعمال می‌شود» و نیز «مداخله کشورهای بیگانه» جلب می‌کند، در پایان نتیجه می‌گیرد که شاید لازم باشد برای اتخاذ اقدامات لازم به منظور پایان دادن به این مرحله، شورا اجلاسی تشکیل دهد. وی حتی کشورهای غربی را به مداخله احتمالی و یک جانبه اتحاد شوروی تهدید می‌کند: «ادامه مداخله خارجی در این وقایع می‌تواند سایر کشورها را ناگزیر از اقداماتی به منظور پایان دادن به این مداخلات و دفاع از امنیت خود سازد!»^(۱)

دو روز پس از آن هیأت نمایندگی اتحاد شوروی در شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (unesco) پیشنهاد کرد که سیاست نسل‌کشی عراق در دستور کار شورا گنجانده شود. کشورهای غربی برای آنکه نظر کشور عراق را به سوی خویش جلب و با شوروی مقابله نمایند این پیشنهاد را وتو کردند.^(۲)

در ۲۶ ژوئیه، مغولستان اعلام کرد که بر گنجاندن پیشنهاد خود در دستور کار اجلاس سپتامبر مجمع عمومی اصرار نخواهند ورزید.^(۳) کشور شوروی از آن جهت از طرح مسئله کردها در سازمان ملل صرف‌نظر کرد که از واکنش کشورهای عربی که حق کردها را در کسب استقلال به

۱- کوچرا، پیشین، ص ۳۰۱

۲- کینان، پیشین، ص ۱۶۰

۳- همان کتاب، ص ۱۶۲

رسمیت نمی شناختند، واهمه داشت. چرا که این مسئله موجب سردی روابط آنها با شوروی و قطع رابطه عراق با آنها می شد و بدین ترتیب عراق به طرف غرب متمایل می شد آن هم در شرایطی که کشورهای غربی سخت به دنبال متحدان جدیدی بودند و می خواستند منطقه خاورمیانه را به کنترل خویش درآورند. و نظر کشور عراق و کشورهای عربی را با دفاع از حقوق آنها به سوی خویش جلب نمایند. سیاست خروشچف بر حفظ روابط تجاری و دیپلماتیک با کشورهای کاپیتالیستی و حداکثر استفاده سیاسی و اقتصادی از این روابط بود. در غیر این صورت کشور ترکیه به عنوان یک کشور هم پیمان آتلانتیک شمالی. با آنان به شدت مخالفت می کرد و ایران نیز که ایالات متحده آمریکا پشتیبان آن بود و احتمالاً شاه ایران که مورد تأیید اکثر کشورهای جهان سوم بود نیز به مخالفت با شوروی در سازمان ملل برمی خواست. کشمکشهای میان شرق و غرب در زمان جنگ سرد مانع حمایت جدی شوروی از حقوق کردها شد. حمایت شوروی از کردها تنها در قالب شعار صورت می گرفت آن هم تنها به این خاطر که یک نوع تهدید برای قدرت حاکمه رژیم بغداد باشد و آنرا در راستای منافع خویش نگه دارد. از نظر اقتصادی، سیاسی و استراتژی از آن استفاده نماید. سرانجام در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۳ عبدالسلام عارف، رئیس جمهور، که خود بالفعل عضو حزب بعث نبود، نخست وزیر بعثی خود، ژنرال حسن البکر و همه گروه حاکم بعث را از کار برکنار کرد.^(۱) گروه جدیدی که به جای آنان مستقر شد کوشید تا به ترمیم مناسبات با اتحاد شوروی و کمونیستها بپردازند. سرانجام در سال ۱۹۶۴ خروشچف به مناسبت افتتاح سد بزرگ اسوان به مصر سفر کرد و به ناصر لقب

قهرمان اتحاد شوروی داد و یک وام ۲۵۰ میلیون روبلی را در اختیار مصر گذاشت.^(۱) در همان هنگام عراق نیز با اتحاد شوروی آشتی کرد و خروشچف وعده کمکهای وسیعی از جمله کمکهای بی‌قید و شرط نظامی را به عراق داد و روابط عراق و شوروی حتی به اندازه روابط آن در زمان قاسم بهبود یافت. هدف نهائی سیاست شوروی در قبال عراق این بود که یک دولت طرفدار شوروی در عراق مستقر شود. به محض اینکه دولت عراق در راستای اهداف شوروی قرار نمی‌گرفت دولت شوروی از هر چیزی که ثبات کشور عراق را به خطر می‌انداخت، در جهت کسب اهداف خویش سود می‌جست، تا روابط آن کشور با غرب را تضعیف کرده و موقعیت نیروهای طرفدار شوروی را تقویت نماید.

کمکهای اصلی شوروی به کردها منوط به مقابله آنها با رژیمهای غرب‌گرای عراقی بوده است. پس کمکهای شوروی به اکراد صرفاً جنبه زمانی داشته است. هر زمان که دولت عراق در راستای اهداف شوروی قرار می‌گرفت، کشور شوروی نه تنها از کردها حمایت نمی‌کرد بلکه اسلحه نیز در اختیار دولت عراق می‌گذاشت، تا کردها را به وسیله آن قتل عام کند.

شوروی از این سیاستهای خود دو هدف عمده را دنبال می‌کرد که عبارتند از:

۱- سیاست شوروی برای جلوگیری از محاصره سیاسی خود توسط دشمن احتمالی طرح ریزی شده بود.

۲- اگر شوروی می‌توانست نفت عراق را کنترل کند، می‌توانست به قدر لازم، بر کشورهای غربی و ناتو فشار سیاسی و روانی وارد آورد و از

این طریق به اهداف اقتصادی، سیاسی و استراتژیک خود در سایر نقاط جهان نایل آید و همچنین شوروی می‌توانست از این اهرم برای ایجاد شکاف در اتحاد دول غرب و در مورد جهان سوم، در جدا کردن آنها از آمریکا استفاده نماید.

درباره تمایل شوروی به صدور نفت به کشورهایمانند هندوستان، گینه و برزیل نیز به انگیزه‌های سیاسی این کشور، اهمیت و اعتبار زیادی داده شده است. به عقیده مسئولان و اداره کنندگان شوروی، کشورهای نیرومند انگلیس و آمریکا اقتصاد این ممالک را به زنجیر بردگی و انقیاد خود کشیده‌اند. به این سبب شوروی مسئول است که آنها را یاری دهد تا این زنجیرها را پاره کنند و با جهان سوسیالیستی پیوند یابند. بهترین ابزار رسیدن به این هدف آن است که شوروی نفت را با قیمتی کمتر از قیمت شرکتهای بزرگ غربی به این کشورها بفروشد.^(۱) انگیزه شوروی از بهره‌برداری و کنترل کشور عراق که دارای منابع نفتی سرشار است نیز به همین خاطر است.

د- سیاستهای آمریکا و دکترین کیسینجر در دوران جنگ سرد و کردستان عراق

استراتژی کلان آمریکا برای مدت ۱۱۵ سال از ۱۷۸۳ (معاهده صلح پاریس) تا اواخر قرن نوزدهم، استراتژی انزواگرایی^(۲) بود. دومین استراتژی کلان بر اثر دکترین مونرو، که در ۲ دسامبر ۱۸۲۳ توسط مونرو رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام شد، شکل گرفت و مبتنی به مشارکت مستقیم این کشور در سیاست جهانی بود. بر طبق گفته مونرو، هر کوششی

از جانب قدرتهای اروپایی برای گسترش نفوذشان به هر قسمتی از نیمکره غربی، تهدیدی برای صلح و امنیت آمریکا تلقی می‌شد.^(۱) با پیدایش و توسعه دو نظام متفاوت اشتراکی و سرمایه‌داری، غالب اختلافات و بحرانهای منطقه‌ای و جهانی از برخورد علائق و رقابت این دو قطب نشأت می‌گرفت. از آن تاریخ به بعد کشور آمریکا مبارزه با نفوذ کمونیسم و کشور شوروی مبارزه با امپریالیسم جهانی را در سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دادند.^(۲)

در فوریه ۱۹۴۷ دولت انگلستان که قدرت و سلطه خویش در نظام بین‌الملل را از دست می‌داد به ترومن اطلاع داد که دیگر قادر به حمایت از یونان و ترکیه در برابر فشار یگانهای چریکی حمایت شده از سوی شوروی نیست. پس ترومن رئیس جمهور آمریکا ناگزیر به کمک به این دو کشور بود تا از گسترش نفوذ کمونیسم در منطقه و از پیوستن ترکیه و یونان به بلوک شرق جلوگیری کند.^(۳)

خاورمیانه یک منطقه استراتژیک و سرشار از منابع طبیعی، بخصوص نفت بود، که در زمان جنگ سرد از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بود. در سال ۱۹۴۸ جیمز فورستال وزیر دفاع آمریکا یادداشتی به این مضمون برای ترومن ارسال داشت: «بدون نفت خاورمیانه برنامه بازسازی اروپا شانس موفقیت بسیار ضعیفی خواهد داشت.»^(۴)

آمریکا با توجه به پیشرفتهای اقتصادی و نظامی که داشت موفق

۱- سعیده، لطیفان، استراتژی و روشهای برنامه‌ریزی استراتژیک، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶)، ص ۱۷۶

۲- اسدی، پیشین، ص ۱۷۷

۳- لطیفان، پیشین، ص ۱۷۷

۴- ریچارد، نیکون، جنگ حقیقی، ترجمه جعفر ثقفه الاسلامی (تهران، نوین، ۱۳۶۲) ص

گردید که رهبری بلوک غرب را بر عهده گیرد و از تسلط انگلستان بر بازار نفت خاورمیانه نیز بکاهد و خود تسلط بر منطقه را بدست گیرد. شرکت‌های انگلیسی در طی جنگ $\frac{۴}{۵}$ نفت خاورمیانه را دارا بودند. اما در سال ۱۹۵۳، سهم انگلستان از نفت خاورمیانه به ۳۱ درصد سقوط کرد و سهم ایالات متحده به ۶۰ درصد رسید.^(۱)

باتوجه به پیشرفت تسلیحات هسته‌ای نیروهای شوروی، در زمان زمامداری کندی استراتژی کلان مهار کمونیسم به استراتژی انعطاف‌پذیر^(۲) مبدل شد تا با سطوح مختلف تهاجم مقابله کنند.^{(۳) (۴)}

رقابت هر دو ابر قدرت در زمان جنگ سرد در تمام مناطق جهان وجود داشت. و هر یک از آنها سعی داشتند تا از رشد و نفوذ قدرت کشور دیگر جلوگیری و با یکدیگر رقابت کنند. ایالات متحده تسلط بر مواد خام جهان را به عنوان مهمترین اصل رقابتی خود بویژه با اتحاد جماهیر شوروی بر سر کشورهای جهان سوم می‌دانست. یکی از مشاوران سابق جانسون، رئیس جمهور آمریکا چنین می‌گوید که، «وضعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و مردم توسعه نیافته، به صورتی است که اگر در اختیار اتحادیه کمونیستی قرار گیرند، ایالات متحده آمریکا به رتبه دوم جهان نزول خواهد کرد».^(۵)

در زمان جنگ سرد، کشورهای جهان سوم، منطقه خاورمیانه برای هر دو قطب از اهمیت زیادی برخوردار بود، و هر دو طرف سعی داشتند

۱- لیون، پیشین، ص ۶۴

۲- تی‌هدر، لیون، همان کتاب، ص ۶۴

۴- سعیده، پیشین، ص ۱۷۷

۵- ویلفرید، پیشین، ص ۸۱

تا هرچه بیشتر در این منطقه نفوذ نمایند. چون بازار اقتصادی خوبی محسوب می‌شد و تأثیر فوق‌العاده‌ای بر اقتصاد آن کشورها داشت. به همین علت برخی از صاحبان صنایع غرب همواره به امید فروش اسلحه بیشتر و برخی از بانکداران همواره نگران میزان سپرده‌های مشتریان عرب خویش بودند. کارشناسان وزارتخانه‌های دفاع و خارجه غرب و شرق به خاورمیانه به منزله منطقه‌ای می‌نگریستند که کوچکترین تحول در آن موجب برهم خوردن تعادل قوا در جهان خواهد شد.^(۱) به همین علت ریچارد نیکسون در یکی از سخنرانیهای خود گفته بود که مسائل ویتنام نگران‌کننده‌ترین مسائل ماست اما خطرناکترین آنها نیست. این لقب وحشتناک را باید به اوضاع خاورمیانه داد که در درون آن این خطر بالقوه به میزان زیادی نهفته است که با تلاقی سیاستهای ما و شوروی در آنجا تصادمی غیرقابل کنترل ایجاد شود.^(۲)

در زمانی که هارولد ویلسون نخست وزیر کشور انگلستان، بدنبال بحران اقتصادی و کاهش ارزش لیره استرلینگ در سال ۱۹۶۷، برنامه خروج نیروهای نظامی بریتانیا از شرق کانال سوئز از جمله خلیج فارس را تسریع کرده بود که در سال ۱۹۷۱ تمام نیروهای انگلیسی خلیج فارس را ترک کردند.^(۳) در سال ۱۹۶۷ هنگامی که روابط عراق با آمریکا به علت جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل قطع گردید، موقعیت مناسبی برای شوروی به وجود آورد تا در عراق نفوذ کند. عراق نیز موقعیت استراتژیکی

۱- اسمیت، پشین، ص ۱۴۳

۲- جان. کالینر، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کوروش بایندر (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳) ج ۲، ص ۲۷۷

۳- آنتونی. سمسون، بازار اسلحه، ترجمه فضل‌الله نیک آیین (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲) ج ۲،

خاصی برای شوروی داشت، چون بدون عراق نمی توانست به منطقه خلیج فارس دسترسی پیدا کند. به همین دلیل روس ها سعی کردند که ارتش عراق را در مقابل ارتش ایران که روز به روز به کشور آمریکا و هم پیمانان آن نزدیکتر می شد تقویت کنند. در دهه ۷۰ شوروی هواپیمای میگ ۲۱ به عراق فروخت تا این کشور به عنوان اولین قدرت منطقه در خلیج فارس مطرح شود.^(۱) بطوریکه تا سال ۱۹۷۲، ۹۵ درصد تجهیزات نظامی عراق از شوروی تامین می شد.

آمریکا نیز بعد از خروج نیروهای انگلستان از منطقه خلیج فارس، سیاست جدیدی اختیار کرد که با همکاری گسترده ایران و عربستان سعودی و تقویت نظامی و سیاسی ناشی از خلاء قدرت در خلیج فارس و شرق سوئز به مورد اجرا گذاشته شد.^(۲) در سال ۱۹۷۰ ایالات متحده ۷۱۰ میلیون تن نفت یعنی ۳۰ درصد مصرف جهانی یا ۱۵ میلیون بشکه در روز نفت مصرف کرد که آن را از منطقه خاورمیانه تأمین می کرد.^(۳) طبق برآورد از ۱۳۸ میلیارد تن ذخیره جهانی نفت ۹۰ میلیارد تن آن، یعنی حدود $\frac{2}{3}$ ذخیره جهانی نفت در حوزه های نفتی خاورمیانه قرار دارد.^(۴)

ریچارد نیکسون در کتاب جنگ حقیقی در خاطرات خود می نویسد که وضعیت نیروهای استراتژیکی تمام دنیای غرب منوط به دسترسی به نفت خاورمیانه بطور مطمئن و بدون دغدغه می باشد این امر نیز در ارتباط مستقیم با این واقعیت است که چگونه آمریکا سیل تهاجمی شوروی در

۱- گوینتهر، دبشتهر، کورد: گه لی له خشته برای فیه در لی کراو، وه رگیر حه مه که ریم عارف (اریل، وزارتتی روشنبیری، ۱۹۹۹) ص ۲۳۴

۲- جعفری ولدانی، پیشین، ص ۱۴۰

۳- ماسلی، پیشین، ص ۱۲۰

۴- احمد، نقیبزاده، «جامعه اروپا و مسائل خاورمیانی» تهران، فصلنامه خاورمیانه. پاییز

۱۳۷۳، سال ۱، ص ۲۶۶

جهت تسلط و حاکمیت بر این منطقه را مهار سازد. چراکه نفت برای جهان غرب وسیله‌ای لوکس و تجملی نیست بلکه ضروری و از هر جهت حیاتی است. لذا کشور ایالات متحده آمریکا و متحدین او در اروپای غربی و همچنین ژاپن بایستی در تهیه و تأمین نیازهای اقتصادی و نظامی دولتهای این منطقه از جهان که در معرض تهدید و تهاجم داخلی و خارجی می‌باشند لحظه‌ای تأمل و درنگ ننمایند و دنیای آزاد برابر حفظ و حمایت منافع خود در این منطقه تا حد حضور نظامی بسیار نیرومند و دخالت مسلحانه آمادگی کامل داشته باشند.^(۱)

در سال ۱۹۶۹ ریچارد نیکسون رئیس جمهور آمریکا، در جزیره گوام آنچه را که به دکترین نیکسون معروف است اعلام نمود و طی آن پیشنهاد کرد که باید با اعتماد بیشتر، به قدرتهای منطقه برای حفاظت از منافع جهانی آمریکا کمک کرد.^(۲)

استراتژی جهانی حکومت نیکسون بازتاب تجربه آمریکا در ویتنام بود. هنری کیسینجر استراتژیهای متعددی را برای مقابله با اتحاد شوروی طرح کرد تا از مسائلی همچون باتلاق ویتنام اجتناب شود یکی از همین استراتژیها دکترین نیکسون بود. ایالات متحده با دست نشاندهگان خود در جهان سوم و تشویق آنان به نبرد با نیروهای کشورهای وابسته به شوروی، می‌کوشید از درگیری در یک جنگ مستقیم با اتحاد شوروی اجتناب کند.^(۳)

ریچارد نیکسون در کتاب جنگ حقیقی در خاطرات خود چنین می‌نویسد: «هرگاه ما بطور نسبی از نظر سلاحهای هسته‌ای با شورویها

۱- همان مقاله، ص ۱۵۵

۲- پائول و دیگران، پیشین، ص ۲۹

۳- گازیوروسکی، پیشین، ص ۱۷۵

متعادل و برابر باشیم ولی آنها ۵۰۰۰ کوبائی و یا دست کم ۵۰۰ نفر شورشی و تروریست در اختیار داشته باشند و ما فاقد چنین عواملی برای مقابله با آنها باشیم، وزنه تعادل و برابری عملاً بطرف آنها متمایل شده و سنگینی خواهد کرد. قدرت‌های دفاعی محلی برای مقابله با این قبیل تهدیدات بهترین عوامل بشمار می‌روند،.... مسلماً آنها که از آزادی خودشان دفاع می‌کنند نیز به نوبه خود باید از این نوع کمک‌ها بهره‌مند شوند»^(۱).

و همچنین می‌نویسد: «منافع ایالات متحده امریکا و متحدین و دوستانش اقتضاء می‌کند که به کلیه کشورهایی که مورد تهدید قرار گرفته‌اند کمک‌های لازم برای دفاع از خود داده شود»^(۲).

دخالت و رقابت شدید دو ابر قدرت جهانی یعنی شوروی و آمریکا در زمان جنگ سرد به منظور دسترسی به منابع طبیعی نفتی و پیدا کردن بازارهای اقتصادی و طرفداران سیاسی و استراتژیک بود که بیشتر با استفاده از روابط دوستانه یا خصمانه کشورهای خاورمیانه نسبت به یکدیگر انجام می‌پذیرفت.^(۳)

در منطقه خلیج فارس نیز باتوجه به رقابت شدید دو ابر قدرت کانون بحران در میان بغداد و تهران شروع شد. موقعیت برای آمریکا مناسب گردید تا بتواند عملاً تئوریهای منطقه‌ای خود را به آزمایش بگذارد.

در آوریل ۱۹۶۹، ایران قرار داد دوجانبه ایران عراق در مورد شط العرب را که در سال ۱۹۳۷ میان دو کشور منعقد شده بود رسماً ملغی

۱- نیکسون، پیشین، ص ۳۲۳

۲- همان کتاب، ص ۳۲۵

۳- اکبر، ترکانی، نظری اجمالی به ژئوپلیتیک جهانی در قرن اخیر (تهران، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۷) ج ۲، ص ۳۹

اعلام گرد و پی آمد آن قطع رابطه سیاسی ایران و عراق در سال ۱۹۷۱ بود.^(۱) شاه ایران از حمایت آمریکا برخوردار بود بنابراین عراق برای مقابله با ایران به شوروی متمایل شد تا از تهدید ایران که از پشتیبانی آمریکا و غرب برخوردار بود در امان باشد همین امر موجب شد تا در سال ۱۹۷۲ پیمان دفاعی پانزده ساله دوجانبه‌ای میان عراق و شوروی امضاء شود که خود به خود در دوره‌های پنج‌ساله بعدی نیز قابل تجدید بود. شوروی در سال ۱۹۷۳ یعنی یکسال بعد از قرار داد، ۷۴۲ میلیون دلار اسلحه به عراق فرستاد و در سال ۱۹۷۴ محموله‌های سنگین نظامی از جمله پیشرفته‌ترین هواپیماهای میگ ۲۳ و موشکهای گوناگون به عراق تحویل داد و در ام‌القصر در رأس خلیج فارس پایگاه دریایی مرزی احداث کرد.^(۲)

سیاست شوروی‌ها در آن زمان این بود که میان بعثی‌ها و کردها صلح برقرار کند. چون بعثی‌ها را از هم پیمانان نزدیک خود می‌دانستند آنان به خوبی می‌دانستند که در صورت بروز جنگ میان بعثی‌ها و کردها رژیم بعث تضعیف می‌شود و می‌دانستند اکثر کودتاهایی که در عراق به وقوع پیوسته در اثر ضعف ارتش عراق در جنگ با کردها بوده است.^(۳) در این میان کردهای عراق که سالها برای احقاق حقوق از دست رفته خود با دولت عراق می‌جنگیدند، فشار زیادی را متحمل شدند اما پیمان آتش بسی که آنان در سال ۱۹۷۰ با دولت عراق امضاء کرده بودند، موجب تقویت رژیم بعث شده بود. عراق میزان اسلحه‌های پیشرفته نظامی را که

۱- لاهوتی، پیشین، ص ۸۰

۲- محمدرضا، حافظ نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز (تهران، سمت،

۱۳۷۱) ص ۱۴۴ و ۱۴۵

۳- دیشنه، پیشین، ص ۲۴۴

از شوروی تحویل گرفته بود، با چانه زنی در سر مذاکره با کردها افزایش می داد همین امر موجب آن شد که به خواست های کردها توجه چندانی نکنند بطوریکه در همان دهه ۷۰ چندین بار تصمیم به ترور ملامصطفی بارزانی گرفتند هدف آنها از ترور ملامصطفی بارزانی این بود که امتیاز کمتر یعنی خود مختاری دلخواهی به کردها بدهند و به راحتی مناطق نفتخیز کردستان را به مناطق عربی تبدیل نمایند. در دهه ۷۰ اختلاف عمده ملامصطفی بارزانی با رژیم بعث، عربی کردن مناطق نفتخیز کردستان توسط رژیم بعث بود.

بر اساس شعارهای کمونیستها مبنی بر اینکه اصول سیاسی قومی لنینیستی ایجاب می کند تا ما به خاطر استقلال تمامی ملت ها مبارزه کنیم، شوروی ها در میان کردها شروع به فعالیت نمودند و بر آن شدند تا نظر کردها را جلب نمایند. اما هرگز حاضر به حمایت از کردها نبودند و دست از پشتیبانی از بعثی ها که عامل اصلی نفوذ آنها در منطقه خلیج فارس بودند، برنداشتند.

به طوری که حزب کمونیست عراق در دهه ۷۰ چندین بار بر علیه نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق وارد جنگ شد، چه می خواستند از منافع شوروی در عراق حمایت و حزب دمکرات کردستان عراق را تضعیف کنند تا قدرت چانه زنی کمتری را با بعثی ها داشته باشند کردها در واقع قربانی منافع شوروی ها در منطقه می شدند، که این خود زمینه مناسبی را برای گرایش کردها به سوی غرب فراهم می نمود.

بعد از امضای پیمان دوستی شوروی و عراق، تحرکات وسیع آمریکا در منطقه آغاز گردید و روابط ایران و ایالات متحده همچنان گسترش می یافت. توسعه این روابط در تاریخ دیپلماسی این دو کشور سابقه نداشت. طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ همکاری دو کشور در زمینه های

سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی به اوج خود رسید.^(۱)

براساس مکتب رئالیستی، درگیری‌ها بازتاب برخورد و تصادم منافع ملی بازیگران گوناگون است. اتحادها و ائتلافهای بین‌المللی نیز محصول تجمع و تلاقی موقت منافع ملی هستند. بدین ترتیب شکل اتحادها و مناقشات تابعی از منافع ملی به شمار می‌روند. براساس تئوری واقع‌گرایی کیسینجر، حکومت‌هایی که ساختارهای سیاسی داخلی یا ثبات دارند برای اعاده یا حفظ انسجام داخلی، به سیاست‌های خارجی انقلابی یا ماجراجویانه متوسل نمی‌شوند و برعکس سیستم‌های انقلابی شامل بازیگرانی هستند که ساختارهای سیاسی داخلی آنها شدیداً با هم تفاوت دارد. به نظر کیسینجر طرحهای دیپلماسی در هنگام تدوین و هم در جریان اجرا تحت نظارت مستمر افکار عمومی داخلی و جهانی بسیار دشوار است. انعطاف‌پذیری که وجه مشخصه دیپلماسی خود کیسینجر بود، در شرایط پنهان‌کاری راحت‌تر قابل تحصیل است تا در یک فرایند سیاستگذاری که در کانون توجه مستقیم مردم قرار دارد. کیسینجر به ارزشهای اخلاقی اعتقاد ندارد و اعتقاد دارد که سیاستهای کشورها در صحنه بین‌المللی در راستای تامین منافع ملی کشورشان است.

ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر پس از انعقاد پیمان دوستی عراق و اتحاد شوروی در ۱۹۷۲/۵/۳۰ وارد ایران شدند و دیداری ۲۴ ساعته از ایران داشتند در این دیدار مسئله کردها نیز مورد بررسی قرار گرفت. در یک نشست خصوصی هنری کیسینجر مشاور امنیتی ملی آمریکا نگرانی خود را از نقش روز افزون کشور عراق ابراز کرد و تصمیم گرفته شد تا به کردها کمک کنند و معادل ۲۰ میلیارد دلار جنگ افزارهای پیشرفته به

ارتش ایران واگذار و نقش ژاندارمی منطقه به شاه ایران محول شود. این سیاست آرزوهای شاه را برای کسب قدرت بیشتر در منطقه فراهم کرد. چون زمانی که رژیم بعثی در سال ۱۹۶۸ در عراق مستقر شد به دلیل حمایت این کشور از شورشیان ظفار و بلوچ‌ها که خواهان تجزیه ایران بودند، خطری برای ایران از یک طرف و امیرنشینهای قطر و کویت از طرف دیگر و در نهایت یک خطر جدی برای منافع آمریکا در منطقه محسوب می‌گردید نیکسون و کیسینجر به فکر آن بودند که چگونه قدرت شوروی را در منطقه خلیج فارس کاهش دهند.^(۱) آمریکا و شاه ایران به این علت به کردها کمک می‌کردند، که کردها در طول مبارزات خود با ارتش عراق ضربه سنگینی را بر این ارتش وارد آورده و منجر به سرنگونی رژیم‌های متعددی در عراق شده بودند آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانستند که پیمان آتش‌بس میان کردها و دولت بغداد طولانی نخواهد بود چون بعثی‌ها اهمیتی به حقوق کردها نمی‌دادند و دائماً مترصد بهانه‌ای برای پایمال کردن حقوق کردها بودند و چندین بار برای ترور ملا مصطفی دست به اعمال پلیدی زدند، که منجر به اختلاف آنها با کردها گردید. نیکسون و کیسینجر به فکر کمک به کردها برای نیل به اهداف استراتژیک خویش در منطقه افتادند آنها به کردها کمک کردند تا به جای آنها با بعثی‌ها که هم پیمان شوروی بودند، بجنگند چون آنها تجربه ویتنام را داشتند به این ترتیب آنها از کردها به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود استفاده کردند از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ آمریکا مبلغ ۱۶ میلیون دلار پول نقد و مقداری از اسلحه‌های روسی و چینی را که از جنگ ویتنام به غنیمت گرفته بود، در اختیار کردها گذارد و قول‌های زیادی نیز به

کرده‌ها داد، اما این کمکها می‌بایستی از طریق دیپلماسی خاصی که کسینجر طراحی کرده بود انجام شود.^(۱)

نیکسون در خاطرات خود می‌نویسد، که هنر دیپلماسی بالطبع برای اینکه شانس موفقیت داشته باشد بایستی از ظاهر شدن در مقابل دوربین‌های عکاسی و میکروفن‌ها اجتناب ورزد. محرمانه نگاه داشتن مذاکرات موجب پیشرفت و حصول تفاهم گردیده و انتشار و فاش ساختن آن سبب شکست و عدم موفقیت آن می‌گردد.^(۲)

آمریکا فروش هر نوع اسلحه پیشرفته به جز سلاحهای هسته‌ای را به ایران مجاز دانست شاه ایران باتوجه به اینکه مهره ایالات متحده بود، بودجه نظامی خود را برای ایفای نقش ژاندارمی منطقه به طور چشمگیری افزایش داد بطوریکه در سال ۱۹۶۴، دویست و چهل و یک میلیون دلار و در سال ۱۹۷۴، چهار میلیارد دلار و در سال ۱۹۷۷ ده میلیارد دلار افزایش بودجه داشت.^(۳)

علت آنکه امریکا سلاحهای پیشرفته را به ایران می‌فروخت، همان دکترین نیکسون بود که می‌خواست از قدرتهای محلی در مقابل نفوذ کشور شوروی در منطقه خلیج فارس استفاده کند.

در مارس ۱۹۷۴ شورای فرماندهی انقلاب عراق قانون تشکیل منطقه خود مختار کردنشین با مرکزیت اربیل را صادر کرد و تغییراتی را در قانون اساسی دادو زمینهای سرشار از نفت را از محدوده منطقه خود مختار خارج ساخت. در نتیجه حزب دمکرات کردستان به مخالفت با این

۱- همان کتاب، ص ۲۳۶

۲- نیکسون، پیشین، ص ۴۱۳

۳- ژان، شرابیر و ژاک سروان، تکاپوی جهانی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر (تهران، نو،

۱۳۶۱) و ص ۱۰۱

قانون برخاسته و جنگ بین کردها و عراقی ها در گرفت. کردها به رهبری ملامصطفی بارزانی چنان ضربه ای را بر ارتش عراق وارد آوردند، که موجب وحشت رژیم بعث گردید که مبادا قدرت خویش را در عراق با کودتایی مانند رژیم های دیگر از دست بدهند. بنابراین برای حفظ قدرت خویش به سوی ضرب متمایل شد.

آمریکا نیز پیروزی کردهای عراق را نمی خواست و هدف آن تنها کم کردن نقش و نفوذ شوروی در منطقه بود و وقتی که ارتش عراق در یک حالت ضعف قرار گرفت، استراتژی خویش را در مورد عراق به طور کلی تغییر داد و این دفعه به عنوان حامی ارتش شکست خورده عراق وارد صحنه شد و علیه نیروهای کرد دست به کار شد و توسط مهره خویش یعنی شاه ایران پیمان صلحی را با صدام حسین امضاء نمود.

در این پیمان قید شد که اگر کردها دست از مبارزه علیه صدام حسین برند ایران نیز بر علیه کردها وارد جنگ خواهد شد که موجب شکست شورش کردها در سال ۱۹۷۵ گردید و صدام در راستای اهداف سیاسی آمریکا قرار گرفت و از اصول سیاست خارجی خود فاصله گرفت.

مبارزه برای آزادی فلسطین، هر چند از آغاز جنبه شعار داشت، ولی رسماً کنار گذاشته شد. حمایت از دولت های محافظه کار و طرفدار غرب در منطقه نیز جایگزین شعار حمایت از جنبشهای آزادی بخش در جهان عرب شد شعار گسترش انقلاب در جهان عرب نیز جای خود را به دفاع از انقلاب در عراق داد و عدم تعهد جایگزین مبارزه با امپریالیسم شد. به جای توسعه روابط با مردم عرب بر توسعه روابط با دولت ها تأکید شد. در سال ۱۹۷۷ عراق تعداد زیادی از کمونیستها را کشت. تغییرات مذکور را می توان در قطعنامه نهمین کنگره حزب بعث و منشور ملی صدام و تجسم

عینی این امر در سیاست خارجی عراق به صورت تیرگی روابط با شوروی و محکوم کردن اقدامات آن کشور در یمن جنوبی، اتیوپی، کامبوج، ویتنام و افغانستان دید.^(۱)

آمریکا راضی نبود که ارتش عراق به کلی نابود شود، چرا که ارتش عراق را برای مقابله با ارتش سوریه که یک کشور قدرتمند عربی بود، لازم داشت. این استراتژی به این علت بود که از قدرت و تسلط و نقش سوریه یعنی دشمن اصلی اسرائیل، در میان کشورهای عربی بکاهد و بدین ترتیب از تهدید این کشور بر علیه اسرائیل کاسته شود.

ه) تأثیر بحران‌های کردستان عراق بر منطقه خلیج فارس

عدم ثبات داخلی بر سیاست خارجی عراق تأثیر گذاشته است، زیرا سیاست خارجی هر کشور بازتاب سیاست داخلی آن است. یکی از عوامل مهم در تعیین سیاست خارجی عراق مسئله کردها است:

مسئله کردها تعیین‌کننده روابط عراق با بسیاری از کشورها از جمله شوروی، آمریکا، اسرائیل، ایران، سوریه و ترکیه بوده است. مسئله کردها همچنین یکی از عوامل اصلی اختلاف میان عراق و کشورهای همسایه از جمله ایران بوده است.^(۲)

اختلافات ایران و عراق به گذشته بر می‌گردد، بخصوص در دهه ۳۰ اختلافات شدید بود که با میانجیگری انگلیس در سال ۱۹۳۷ قراردادی میان ایران و عراق امضاء گردید. اما با شروع تخلیه نیروهای انگلستان از منطقه خلیج فارس، در اواسط ژانویه ۱۹۶۹، شاه ایران مجدداً به طرح حقوق تاریخی ایران بر جزیره بحرین پرداخت و در همان حال رهبران

۱- جعفری ولدانی، پیشین، ص ۱۳۹

۲- همان کتاب، ص ۱۳۵

بعث بغداد نیز سرشت عربی دو حاشیه خلیج فارس را عنوان کردند و مدعی شدند که هر دو سوی خلیج فارس عربی است.^(۱)

در آوریل ۱۹۶۹ ایران قرار داد سال ۱۹۳۷ در مورد شط العرب را که میان ایران و عراق منعقد گردیده بود رسماً ملغی اعلام کرد.^(۲)

در ۱۵ آوریل ۱۹۶۹ عراق اعلام کرد که به کشتی‌هایی که با پرچم ایران وارد شط العرب شوند یا قصد خروج از این رودخانه را داشته باشند، اجازه تردد نخواهد داد. واکنش ایران در برابر این تصمیم عراق آماده باش نظامی در مرزها و اسکورت کشتی‌ها بود. اختلافات میان دو کشور در سال ۱۹۷۲ به اوج خود رسید.^(۳) دو ابرقدرت نیز در این کشمکش‌ها مداخله نمودند. شوروی از عراق حمایت کرد و یک پیمان دفاعی با عراق امضا نمود. آمریکا نیز از شاه به عنوان ژاندارم منطقه و برای جلوگیری از نفوذ شوروی در منطقه حمایت کرد. کردها نیز برای کسب حقوق خویش علیه رژیم بغداد به مبارزه می‌پرداختند. کشورهای آمریکا و ایران از این نقطه ضعف عراق استفاده و به کردها کمک کردند تا رژیم عراق را وادار به پذیرش خواسته‌های خویش نمایند. عراق برای رهایی از شورش کردها به سوی غرب متمایل شد و به این فکر افتاد که از طریق مذاکره مشکلات خود را با شاه ایران حل نمایند. ایران نیز به فکر پیروزی کردها نبود و همانطور که در دکترین کیسینجر ذکر گردیده بود، می‌خواست از نفوذ شوروی در کشور عراق بکاهد و عراق را وادار نماید، تا به سوی غرب گرایش یابد. شاه به خوبی برای آمریکا ایفای نقش نموده بود. به این علت نمایندگان دو کشور به مدت ۱۷ روز از ۱۲ تا ۲۸ اوت

۱- کوجرا، پیشین، ص ۳۳۷

۲- لاهوتی، پیشین، ص ۸۰

۳- طلوعی، پیشین، ص ۲۵۸

۱۹۷۴ در استانبول با یکدیگر ملاقات نمودند. بدنبال آن عباسعلی خلعتبری و شاذل طاقه وزیران خارجه ایران و عراق در ۱۱ اکتبر ۱۹۷۴ به هنگام شرکت در جلسات سازمان ملل در نیویورک با یکدیگر ملاقات کردند. پس از آن وزرای خارجه دو کشور از ۱۶ تا ۲۰ ژانویه در استانبول با یکدیگر ملاقات و مذاکره نمودند.^(۱)

از ۴ تا ۶ مارس ۱۹۷۵ جلسه سالانه اوپک در الجزایر تشکیل گردید. در آنجا با میانجیگری بومدین رهبرالجزایر ملاقاتی میان شاه و صدام حسین صورت گرفت. در آن زمان دولت عراق هیچ موفقیتی در سرکوبی کردها نداشت و فشار زیادی را تحمل می‌کرد. این عوامل موجب شد تا صدام با شاه ایران صلح کند، که به نام قرارداد الجزایر نامگذاری شد. در این قرارداد کردها بین طرفین مورد معامله قرار گرفتند به موجب این قرار داد ایران و عراق هر دو اصل خط تالوگ یا خط میانی شط العرب را به عنوان مرز آبی دو کشور پذیرفتند و درباره مرزهای زمینی در کشور هم به توافق رسیدند. ایران امتیاز خوبی از صدام گرفت و در عوض شاه ایران متعهد شد که دست از حمایت از کردها بردارد و مرزهای خویش را کنترل دقیق نماید^(۲) و در سرکوبی کردها با عراق همکاری کند. هر دو کشور با سرکوبی کردها موافقت نمودند.

برنامه‌های آنها به این صورت بود که کشور ایران آنها را به صورت پناهنده در سرزمین خود جای دهد تا برای ابد عراق از شورش بارزانی در امان بماند. دانشجویان پیرو خط امام براساس مدارکی که از سفارتخانه امریکا در تهران بدست آوردند، فاش کردند که: «به موجب کنفرانس

۱- بازسا دوست، پیشین، ص ۳۹۹

۲- واحد نشر و اسناد، گزیده اسناد مرزی ایران و عراق، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌الملل، ۱۳۷۱) ج ۳، ص ۱۸۹ و ص ۱۹۰

الجزایر توافق شده است که عراق به ایران ۳۰۰ میلیون دلار بپردازد. این توافق در توجیه هزینه اسکان آوارگان کرد در ایران حاصل شده است.^(۱) در صورتی کردها پناهنده نشوند ارتش ایران به همراه ارتش عراق به سرکوبی کردها خواهد پرداخت.^(۲)

با توجه به موافقتنامه میان شاه ایران و صدام حسین در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵، سه پروتکل و یک الحاقیه در بغداد میان وزیر امور خارجه ایران عباسعلی خلعتری و وزیر امور خارجه عراق سعدون حمادی و با حضور وزیر امور خارجه الجزایر عبدالعزیز بوتفلیقه به امضاء رسید. پروتکلها عبارت بودند از:

- ۱- پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه بین ایران و عراق.
 - ۲- پروتکل راجع به علامت گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق.
 - ۳- پروتکل مربوط به امنیت در مرز بین ایران و عراق.
- و یک الحاقیه.^(۳)

براساس این موافقتنامه مسائل اصلی مورد اختلاف که تعیین خط تالوگ به عنوان خط مرزی در شط العرب بود به نفع ایران حل شد. عراق نیز امتیاز بزرگی کسب نمود و به موجب آن ایران دست از حمایت کردهای بازرانی، که ضربات سنگینی را بر ارتش عراق وارد کرده بودند، برداشت و متعهد شد که با عراق در سرکوبی کردها همکاری نماید صدام حسین با گرفتن این امتیاز از بزرگترین مسئلهای که سالها دچار آن بود و متحمل تلفات و خسارات زیادی شده بود رهائی یافت. ولی شاه ایران از

۱- دانشجویان پرو خط امام، پیشین، ص ۱۰۳

۲- فردوست، پیشین، ص ۵۰۳

۳- علی بابائی، پیشین، ص ۲۱۰ تا ص ۲۲۷

لحاظ اخلاقی متحمل شکست سنگینی شد. شاه ایران نشان داد که مطلقاً به آرمان کردها نمی‌اندیشید بلکه فقط به مصالح خود توجه دارد وی از کردها برای مقاصد سیاسی مانند ابزاری در جهت نیل به اهداف خویش استفاده نموده که مهمترین اهداف شاه عبارت بودند از:

- ۱- دستیابی و حاکمیت ایران بر شط العرب.
- ۲- شاه ایران یک مهره وابسته به آمریکا بود و همانند ابزاری برای برهم زدن استقرار و ثبات کشوری که متحد شوروی به شمار می‌رفت عمل می‌نمود. (همانطوری که در دکترین نیکسون مطرح گردیده بود).
- ۳- دستیابی به قدرت اول منطقه خلیج فارس که دشمن عمده آن، کشور عراق بود، که با کمک کردن به کردها ارتش عراق تضعیف می‌گردید.

شاه ایران بعد از دستیابی به اهداف خویش، دست از حمایت از کردها کشید و قرار داد الجزایر را با عراق امضاء کرد. اما همانطور که پروفیسور کی. جی‌هالستی، در کتاب مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل خود باتوجه به تحقیقاتی که در مورد بحران‌ها انجام داده، مطرح می‌کند، موافقتنامه‌هایی که به علت بروز بحران منعقد شده‌اند ندرتاً منجر به برقراری صلح می‌شوند. در واقع، موارد زیاد نقض آتش‌بس و حوادثی که در خطوط ترک مخاصمه رخ می‌دهد، حاکی از آن است که بسیاری از موافقتنامه‌ها بر مبنایی سست استوارند. چون ترتیباتی برای حل و فصل واقعی اختلافات نبوده‌اند بلکه توافقی برای متارکه محسوب می‌شوند. که سرانجام حوادث منعکس کننده ادامه تنشها به از سرگیری مخاصمات تمام عیار منجر می‌شود^(۱) به طوریکه بعد از سقوط شاه نیز کشمکش‌های

۱- کی، جی، هالستی. مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل. ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم (تهران: دفتر مبعوث سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳) ص ۷۴۲

میان ایران و عراق از سرگرفته شد و از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۰ در مرزهای ایران و عراق ۵۶۰ حادثه مرزی رخ داد.^(۱)

عراق خواستار حقوق از دست رفته خود بر شط العرب بود و سرانجام به این بهانه به ایران حمله کرد. می‌توان گفت که یکی از علل اصلی حمله عراق به ایران همان قرارداد الجزایر بود، که در آن کردها مورد معامله قرار گرفته بودند. برای روشن‌تر شدن این موضوع به سخنان صدام حسین قبل از جنگ و بعد از جنگ خواهیم پرداخت که چگونه جنگ با ایران را توجیه می‌کرد. در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰، شب هنگام، نمایندگان مجمع ملی عراق برای تشکیل جلسه فوق‌العاده دعوت شدند. پس از تشکیل جلسه صدام لغو قرار داد ۶ مارس ۱۹۷۵ را بطور یکجانبه اعلام و در سخنان خود تصریح کرد که در مدت یکسال جنگ با کردهای شمال از مارس ۱۹۷۴ تا مارس ۱۹۷۵، ارتش عراق بیش از ۱۶۰۰۰ کشته و زخمی داده و تلفات ملت عراق اعم از کشته یا زخمی به طور کلی بیش از ۶۰ هزار نفر بوده و انعقاد قرار داد ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزایر نقش حیاتی در حفظ امنیت عراق داشته است. صدام حسین در بیان علت لغو قرار داد الجزایر و حمله به ایران اظهار داشت: «چون زمامداران ایران از همان آغاز بدست گرفتن قدرت با مداخله آشکار و تعمدی در امور داخلی عراق و پشتیبانی از شورشیانی که مورد حمایت آمریکا هستند، دقیقاً همان کاری را کردند که شاه کرد و از استرداد اراضی عراق خودداری کردند (گرچه ما آنها را با توسل به زور آزاد کردیم) قرار داد مذکور به دلایل فوق توسط ایران نقض شد. بنابراین در مقابل شما اعلام می‌دارم که قرارداد ششم مارس ۱۹۷۵ از طرف ما نیز ملغی شده است.»^(۲)

۱- دريسدال و بلیک، پیشین، ص ۱۱۵

۲- پارسادوست، پیشین، ص ۲۴۳ و ۲۴۴

صدام حسین در مورد علت امضای قرار داد الجزایر نیز می‌گوید:
 «این قرار داد در زمان خود واقعه بسیار مهمی تلقی می‌شد، زیرا پس
 از اعلام آن دار و دسته شورشیان (منظور کردها) از هم پاشیده و آنان
 تسلیم شدند.»

صدام حسین در نطق مفصلی که در جلسه سران کشورهای اسلامی
 (طائف از ۲۵ تا ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱) ایراد کرد در مورد علت امضای قرار
 داد الجزایر با وضوح بیشتری صحبت کرد. تلفات عراق در آخرین جنگ
 با کردها در سال ۱۹۷۴ بیش از ۶۰ هزار کشته و زخمی و خسارات فراوان
 بود و شاه نیز با تمام قدرت خود از کردها پشتیبانی می‌کرد، وی اظهار
 داشت: «اینها بودند شرایطی که به ما دیکته کردند و در واقع ما را مجبور
 کردند در جستجوی راه حل سیاسی باشیم»^(۱) و در همان نطق در جای
 دیگر مجدداً می‌گوید: «باوجودی که قرار داد الجزایر در شرایطی که برای
 شما توضیح دادم بر ما تحمیل شد»^(۲) آن پیمانی که برای سرکوب
 شورش کردهای عراق، میان صدام حسین و شاه ایران امضاء گردید، پس
 از مدتی به یکی از علل اصلی جنگ بین عراق و ایران تبدیل گردید. رئیس
 سازمان ملل، کورت والدهایم پس از دیداری که با صدام حسین در عراق
 داشت در کتاب کاخ شیشه‌ای سیاست چنین نوشت: «صدام حسین
 ناراضیتی خود را از قرار داد ۱۹۷۵ اظهار داشت و معتقد بود که این قرار
 داد تحت فشار منعقد شده است. در ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۸۰ صدام
 تهاجمی گسترده را به مرزهای ایران آغاز کرد»^(۳)

۱- همان کتاب، ص ۴۲۷

۲- همان کتاب، ص ۴۲۸

۳- کورت، والدهایم، کاخ شیشه‌ای سیاست، ترجمه میرعبدالرحمن صدیقیه (تهران،
 اطلاعات، ۱۳۶۶) ج ۲، ص

بحرانهای کردستان عراق به نوع دیگری نیز بر جنگ ایران و عراق تأثیر داشتند. همانطور که در تئوری‌های نو واقعگرایی والتز نیز ذکر گردیده است، سیاست داخلی بر سیاست خارجی تأثیر دارد و عدم ثبات داخلی موجب سیاست‌های انقلابی در سیاست خارجی می‌گردد.

اکثریت جمعیت کشور عراق را دو نژاد متفاوت عرب‌ها و کردها تشکیل می‌دهند. که سهم اندکی در سنت همکاری و احساس کمتری از منافع مشترک ملی دارند چراکه تشکیل حکومت عراق به شکل فعلی بازتاب منافع کشورهای خارجی بوده است، نه واقعیت‌های داخلی. این مسئله را می‌توان به صورت تغییر کابینه‌ها و کودتاهای متعدد نظامی در عراق مشاهده کرد. در مدت ۳۸ سال تسلط بریتانیا بر عراق (۱۹۵۸-۱۹۲۰) ۵۸ کابینه به سرکار آمدند، که معدل هر کابینه ۷ ماه و ۱۸ روز است و از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۷۹ نیز حدود ۲۰ کودتای نظامی با درجه‌های متفاوتی از خشونت در عراق به وقوع پیوسته‌اند.^(۱) یکی از عوامل اصلی این خشونت و تضاد، مبارزه کردها حتی قبل از تشکیل کشور عراق با نیروهای بریتانیا بوده است. بعد از تشکیل عراق نیز هرگاه ملت کرد برای احقاق حقوق از دست رفته خود قیام کرده، از طرف دولت سرکوب شده است که موجب گردیده تا روحیه نظامی‌گری در ارتش عراق بالا برود و همین روحیه نظامی‌گری ارتش عراق یکی از علل جنگ ایران و عراق بود و حتی می‌توان آن را یکی از علل حمله عراق به کویت نیز دانست.

بعد از سرنگونی رژیم شاه و پیروزی انقلاب اسلامی ایران منافع آمریکا در منطقه به کلی دگرگون شد و آمریکا یکی از عوامل حافظ منافع

خویش در منطقه خلیج فارس را از دست داد. باتوجه به مسائل زیادی که ناشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران است روابط آمریکا و ایران شدیداً تیره شد. این بار آمریکا روش کاملاً متفاوتی در قبال کشمکش‌ها و جنگ میان ایران و عراق اتخاذ کرده به حمایت از کشور عراق پرداخت و تبلیغات زیادی برای منزوی کردن ایران در سطح بین‌المللی به راه‌انداخت و برای بالا بردن وجههٔ صدام دست به فعالیت‌های گسترده‌ای زد.

اسم صدام حسین را از لیست تروریست‌ها بیرون آورد، در تبلیغات خود چنین وانمود می‌کرد که صدام حسین برای دفاع از حقوق خویش می‌جنگد و جنایتهای صدام را به عنوان تاکتیکهای جنگی توجیه می‌کرد. علت پشتیبانی آمریکا از صدام حسین این بود که می‌خواست از این طریق ایران را تضعیف و از نفوذ انقلاب اسلامی ایران جلوگیری نماید. آمریکا با تبلیغات خود به دنیا القاء می‌کرد که اگر صدام در مقابل انقلاب اسلامی ایران نمی‌ایستاد، ایران به کشورهای شیخ نشین ضعیف خلیج فارس حمله می‌کرد، این خود موجب آن گردید تا کشورهای شیخ نشین خلیج فارس از هر جهت به صدام حسین کمک نمایند. به طوریکه کشورهای شیخ نشین خلیج فارس و عربی در طول جنگ ایران و عراق ۱۸۱ میلیارد دلار به عراق کمک کردند. بعد از صدور قطعنامه آتش بس ۵۹۸ سازمان ملل کشور عراق یکی از مقروض‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌گردید. صدام حسین از کشورهای عربی می‌خواست که به عراق از نظر اقتصادی کمک کنند، مانند طرح مارشال که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به کشورهای اروپایی هم پیمان خود کمک کرد. صدام می‌خواست که کشورهای عربی از وام‌هایی که به این کشور داده بودند صرف‌نظر کنند، چون از نظر وی عراق برای دفاع از منافع کشورهای عربی، با ایران وارد جنگ شده است. به گفتهٔ وی اگر عراق با ایران نمی‌جنگید، ایران به

کشورهای ضعیف خلیج فارس حمله می‌کرد اما کشورهای عربی با خواست‌های صدام مخالفت کردند، و هیچ کمکی به عراق نکردند. صدام حسین برای رهایی از مشکلات اقتصادی و برای پیشرفت سریع عراق، به کویت حمله کرد تا از طریق نفت کویت بتواند خساراتی را که عراق در طول ۸ سال جنگ با ایران متحمل شده بود، جبران کند.

در کل می‌توان نتیجه گرفت که بحران‌های کردستان عراق که عامل اصلی آن قدرتهای انگلیس، فرانسه، روسیه و آمریکا بوده‌اند تأثیر فراوانی بر بحرانهای منطقه خلیج فارس از جمله جنگ ایران و عراق و حتی به نوعی بر حمله عراق به کویت داشته است.

۳- سیاست بین‌الملل و اوج‌گیری بحران کردستان در دوران پس از جنگ سرد

الف - نظام بین‌الملل و کردستان عراق

در فاصله سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ جهان دستخوش تحولات سیستمی و بنیادی عظیمی شده، مرحله بازدارندگی یک جانبه است که با جنگ سرد و حاکمیت نظام دو قطبی آشتی‌ناپذیر به مرحله بازدارندگی دوجانبه با حاکمیت نظام دو قطبی آشتی‌پذیر و سرانجام به فروپاشی و سقوط نظام دو قطبی آشتی‌پذیر به فروپاشی شوروی و در آخر سر نظام دو قطبی بی‌اعتبار می‌شود.^(۱)

فروکش کردن رقابت شوروی و ایالات متحده بر سر کسب نفوذ در منطقه با ناتوانی مسکو در پشتیبانی از عراق وقتی بر ملا شد که ایالات متحده آمریکا ائتلافی تحت رهبری خود با دولتهای اروپایی و عرب

تشکیل داد و متعاقب آن، برای بیرون راندن عراق از کویت، جنگ موسوم به طوفان صحرا را به راه انداخت.^(۱)

دگرگونی سیاست شوروی وقتی برهمگان آشکار شد که کرملین پذیرفت با ایالات متحده همکاری کند. در این مقطع شوروی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را جایگزین سیاست رقابت و تنش در جنگ سرد کرد.

در نظام بین الملل با پایان یافتن جنگ سرد تحولات بنیادینی صورت گرفته است. ابرقدرت شوروی سابق به عنوان یکی از بازیگران اصلی سیستم دو قطبی گذشته ابهت خود را از دست داده است، اقتصاد امری جهانی شده است و ناآرامیها و چالشهای داخلی و منطقه‌ای ابعاد گسترده‌ای یافته‌اند. با دگرگون شدن محیط بین‌المللی، مفهوم واژگان قدرت و امنیت نیز تغییر یافته است.^(۲)

در دنیای امروز که رشته‌های اقتصادی، ارتباطی و تکنولوژیکی آن سخت به هم تنیده‌اند، مسائل امنیتی اشکال و ابعاد دیگری یافته است، امنیت اقتصادی و اجتماعی هم برای کشورهای پیشرفته صنعتی و هم برای کشورهای توسعه نیافته از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. برای مثال کشورهای صنعتی غرب در برابر تهدید نظامی کشورهای خاورمیانه آسیب‌پذیر نیستند. اما در برابر تحریم نفت سخت آسیب‌پذیرند.^(۳)

در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد موازنه قدرت برقرار نیست. نظم

۱- برگزیده دیدگاههای گروه ربا مونت، نفت و سیاست در خاورمیانه، ترجمه فریدون برکشلی (تهران، قومس، ۱۳۷۸)، ص ۱۰

۲- شهرام شاهرودی، تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل و تاثیرات آن بر خلیج فارس (تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶)

۳- روشندل، پیشین، ص ۱۷۲

نظامی بر خلاف نظم اقتصادی سه قطبی نیست آمریکا تنها قدرت صاحب اختیار با قابلیت توسل به زور در صحنه جهانی باقی مانده است. این مشخصه‌های نظام بین‌الملل در واکنشهای متفاوت قدرتهای صنعتی در قبال فروپاشی شوروی، در عملیات نظامی آمریکا در دوران اولیه پس از جنگ سرد، تهاجم به پاناما و پاسخ به تجاوز عراق به خاک کویت، به اثبات رسیده است. در مورد تجاوز عراق به کویت و دخالت آمریکا در آن، تشنج میان اقتصاد سه قطبی و تک قطبی بودن قدرت نظامی بویژه آشکار است.^(۱)

امکان حل بحران از طریق دیپلماسی وجود داشت ولی آمریکا تنها از طریق توسل به شیوه‌های نظامی می‌توانست به اهداف خود در منطقه نایل شود.

در خصوص منافع آمریکا در خاورمیانه، اقدامات گسترده‌ای برای حفظ سلطه آمریکا صورت گرفته است به ترتیبی که هیچ نیروی مستقل بومی و غیر بومی نتواند بر سر تولید و توزیع منابع نفتی منطقه صاحب نفوذ شود. این منابع می‌باید در انحصار آمریکا و متحدان دست نشانده منطقه‌ای و شرکتهای نفتی‌اش باشد.^(۲)

آمریکا متوجه شده بود چیزی که موجب تضعیف شوروی شد مشکلات اقتصادی آن کشور بود، که موجب شد این کشور توانایی مقابله را با آمریکا از دست بدهد به این امر نیز پی برده بود که اگر می‌خواهد به سرنوشت شوروی دچار نشود باید به مقابله با رقیبان اقتصادی خود یعنی ژاپن و اروپای متحد که قدرت اقتصادی آلمان کانون آن را تشکیل می‌دهد

۱- نوام، چامسکی، دمکراسی بازدارنده، ترجمه غلامرضا تاجیک (تهران، کیهان، ۱۳۷۲)

برخیزد.^(۱) از آغاز ۱۹۶۰، سهم ایالات متحده آمریکا در تولید جهانی بیش از ۴۰ درصد بوده است؛ این نسبت اکنون به ۲۵ درصد نزدیک می‌شود. اقتصاد جامعه اروپا در مجموع از اقتصاد ایالات متحده اندکی بزرگتر است.

تولید ناخالص ملی ژاپن در سال ۲۰۰۰ سه چهارم آمریکا خواهد شد، همه سه قطب اکنون از لحاظ بازبودن در برابر رویدادهای خارجی، یعنی نسبت به داد و ستد کالاها و خدمات تولید ناخالص ملی، در یک ردیفند.^(۲) آمریکا میتواند بر روی خاورمیانه و کنترل نفت خاورمیانه به منزله اهرم فشار حساب کند چرا که آلمان و ژاپن به آن وابسته‌اند.^(۳) هر قدرتی که نفت خاورمیانه را در دست بگیرد سرنوشت رفاهی اروپای غربی و ژاپن را در اختیار خواهد داشت. البته این یک جنگ مستقیم بر ضد آنها نیست بلکه جنگی است که هدفش تسلط به یکی از سرچشمه‌های پیشرفت و رفاه آنان است.^(۴)

اهمیت خلیج فارس از ثروتهای زیرزمینی ارزشمند آن، نفت و گاز و نقش تعیین‌کننده این منابع در اقتصاد جهان ناشی می‌شود، در نتیجه مسائل مربوط به امنیت و تعادل قوا در این منطقه نیز برای کل جهان حائز اهمیت است. دوسوم ذخائر نفتی شناخته شده جهان در پنج کشور این منطقه قرار دارد عربستان سعودی ۲۶/۱٪، عراق ۱۰٪، امارات متحده عربی ۹/۸٪، کویت ۹/۷٪، ایران ۸/۹٪.

۱- یوردیس، فون لوهازن، «جنگ خلیج فارس، جنگی بر ضد اروپا» ترجمه شهروز نامه‌راه تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۷۵، ۱۰۸ و ۱۰۷، ص ۴۶

۲- هنری، براندن، در جستجوی نظم جدید برای جهان، ترجمه احمد تدین (تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲) ص ۱۱۹

۳- فون لوهازن، پیشین، ص ۴۶

۴- همان مقاله، ص ۴۷

اشغال کویت بوسیله ارتش عراق به آمریکا فرصت داد تا نیروهای نظامی خود را سریعاً به منطقه گسیل دارد و به جایگاه برتری در این منطقه دست یابد. چنین پایگاهی به آنها امکان خواهد داد که در صورت لزوم از سلاح نفت در برابر رقیبان اقتصادی خویش یعنی اعضای اتحاد اروپا و ژاپن استفاده کنند.^(۱)

دولت آمریکا توانست بحران را از محدوده یک مسأله عربی و مربوط به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس خارج کند و به آن جنبه بین‌المللی دهد. شتابزدگی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در جلب حمایت آمریکا بود، که پس از مدتی حین منازعه به رویارویی میان عراق و آمریکا مبدل شد. در این راستا بوش موفق شد دیدگاههای خاص ایالات متحده در مورد تحریم اقتصادی و حمله نظامی به عراق را به شورای امنیت سازمان ملل تحمیل کند.^(۲)

آمریکا همراه با بیش از ۳۰ کشور دیگر علیه رژیم بغداد وارد جنگ شد در هنگام جنگ فرمانده نیروهای آمریکایی درگیر با نیروهای عراقی اعلام کرد سربازانش، قادرند ارتش عراق را نابود سازند اما در عین حال هشدار داد که انهدام کامل ارتش عراق ممکن است «به نفع موازنه دراز مدت در این منطقه» نباشد.^(۳) با توجه به همین سیاست، آمریکا به محض آنکه به اهداف خویش نائل شد دست از ادامه عملیات نظامی برداشت، تا رژیم صدام حسین سرنگون نگردد.

مردم عراق در سراسر کشور دست به قیام زدند، شیعیان در جنوب و

۱- مرتضی، انصاری دزفولی، «امنیت خلیج فارس و بحران سازی در منطقه» تهران،

فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، خرداد و تیر، ۱۳۷۵، ش ۱۰۵ و ۱۰۶، ۳۰

۲- سلیم الحسینی، پیشین، ص ۱۰۲

۳- چامسکی، پیشین، ص ۲۳۲

کردها در کردستان عراق، اما کردهای عراق که از سازمان یافته‌ترین گروههای مخالف رژیم صدام بودند بعد از سال ۱۹۹۰ موقعیت مناسبی بدست آوردند و توانستند که کردستان را از کنترل نیروهای رژیم بغداد آزاد نمایند. احزاب کرد با سازماندهی که داشتند وارد کردستان عراق شدند و نیروهای مردمی، قبیله‌ها و عشیره‌ها را سازماندهی و علیه رژیم بعث شروع به جنگیدن نمودند و موفق شدند تا تمام مناطق کردستان عراق را از زیر نفوذ رژیم بعث آزاد نمایند. شیعیان جنوب نیز موفق شدند تا مناطق زیادی را از کنترل رژیم بعث خارج کنند. صدام حسین در وضعیت سرنگونی قرار داشت و قادر به مقاومت نبود و هر لحظه احتمال سرنگونی رژیم صدام حسین می‌رفت. آمریکا و عربستان سعودی نگران بودند که در صورت بقدرت رسیدن مخالفین، احتمالاً یک رژیم شیعه بنیادگرا و طرفدار ایران بر بغداد حاکم خواهد شد. از این جهت به دلایل زیاد آنان خواهان حفظ بافت سیاسی و نظامی موجود عراق بودند:

۱- واهمه داشتند که در اثر اقدامات مجلس اعلاء به رهبری محمد باقر حکیم، شورش جنوب عراق (شیعیان) به قیامی اسلامی و طرفدار ایران تبدیل گردد.

۲- تصور می‌کردند که اتحاد بوجود آمده میان شیعیان و کردها علیه سنی‌ها باشد، چون در آن هنگام دفتر اصلی تمام احزاب کرد در ایران بود و رابطه خوبی با ایران داشتند.

۳- از آنجا که بیش از ۵۵ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دادند، آنان از اینکه سنیان موقعیت ممتاز و نفوذ سیاسی و نظامی خود را از دست دهند، هراسان بودند اما از بدو تشکیل عراق تاکنون هیچ وقت شیعیان در عراق قدرت را بدست نگرفته‌اند زیرا قدرتهای بزرگ بخصوص بریتانیا به خاطر حفظ منافع خویش از عربهای سنی دفاع کرده

و از به قدرت رسیدن شیعیان جلوگیری نموده است از طرفی شیخ نشینهای خلیج فارس نیز همیشه از سنیها دفاع کرده‌اند، به این علت خواستند تا از فشارهای زیاد علیه رژیم بعث بکاهند تا سناریوی آمریکا به خطر نیفتد و بر خلاف انتظار و ملاحظات اخلاقی به صدام چراغ سبز نشان دادند. صدام نیز با تمام قوا از جمله با هلیکوپترها، تانکها و کلیه سلاحهای متعارف خود به قتل عام مردم بیگناه کرد و شیعیان جنوب پرداخت و زنان و کودکان زیادی را به قتل رساند. در آن زمان که آمریکا از مردم کویت دفاع می‌کرد، ما شاهد کشتار تعداد زیادی از مردم بی دفاع کرد و شیعیان جنوب عراق بودیم که موجب آواره شدن بیش از دو میلیون کرد به ایران و ترکیه گردید، که وضعیت آنان فوق العاده اسفبار بود. اکثر رسانه‌های جهان صحنه آواره شدن زنان و کودکان کرد را نشان می‌دادند و افکار عمومی جهان در دفاع از حقوق آنها، خواستار سرنگونی رژیم صدام بود. میتوان گفت که جنایات صدام در کردستان عراق به مراتب بیشتر از جنایت آن کشور در کویت بود. اگر آمریکا فکری برای آوارگان کرد نمی‌کرد در نظام بین الملل ماهیت سیاست اخیر آمریکا به طور کلی زیر سؤال می‌رفت. که چرا آمریکا از حقوق کویتهای دفاع کرد ولی از حقوق کردها که بیش از دو میلیون نفر آنها آواره شده‌اند، دفاع نمی‌کند. آمریکا در موقعیتی قرار داشت که یا باید رژیم صدام حسین را سرنگون و یا راه حلی برای دفاع از حقوق آوارگان کرد پیدا می‌کرد. آمریکا هرگز حاضر به قبول ریسک سرنگونی صدام نبود.

زیرا پس از آن معلوم نبود که چه کسی قدرت را در عراق بدست خواهد گرفت. آمریکا برای حفظ منافع خویش در منطقه خلیج فارس و حتی خاورمیانه بر آن است تا رژیم حاکم بر بغداد را کنترل و یک مهره وابسته به آن را جانشین صدام حسین نماید. آمریکا برای جلوگیری از

سرنگونی صدام و برای اینکه خود را حامی منافع ملت عراق اعم از کردها و شیعیان جنوب نشان دهد. همچنین برای مشروعیت بخشیدن به حضور خویش در منطقه خلیج فارس، منطقه امن را برای کردها در مدار ۳۶ درجه و برای شیعیان در مدار ۳۲ درجه تشکیل داد آمریکا برای دستیابی به اهداف خویش می‌بایست از کمکهای کشور ترکیه نیز بهره جوید. زیرا برای آنکه از حملات زمینی و هوایی عراق علیه کردها و شیعیان در منطقه ممنوعه جلوگیری کند، لازم بود که از یک پایگاه هوایی در خاک ترکیه که از نزدیکترین همسایگان عراق است استفاده کند.

تهاجم اوت ۱۹۹۰ عراق به کویت، ترکیه را با انتخاب سختی مواجه ساخت در میان همسایگان عراق، ترکیه بیشترین روابط سیاسی و اقتصادی را در طول سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ با این کشور داشته است. علاوه بر خطوط لوله نفتی عراق به بنادر ترکیه این دو کشور در مورد کردها نیز در یک چارچوب امنیتی فعالیت می‌کردند. این چارچوب امنیتی به ارتش ترکیه اجازه میداد تا در تعقیب کردهای جدایی طلب حزب کارگران گردد، وارد شمال عراق شود.^(۱)

استراتژی اوزال در نزدیکی به دولت بوش بدین منظور طرح شده بود که بتواند تعهدات ترکیه در قبال روابط آنکارا واشنگتن را مورد تأکید قرار دهد و اهمیت ترکیه را در علایق استراتژیک آمریکا نسبت به خاورمیانه مشخص سازد ترکیه به آمریکا اجازه داد تا از پایگاه اینجریلیک این کشور برای حمله به عراق استفاده شود،^(۲) و نیز هر شش ماه یکبار حضور آمریکا در پایگاه اینجریلیک توسط پارلمان ترکیه تمدید گردد. این

۱- جواد، انصاری. ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳). ص ۳۳۸

۲- همان کتاب ص ۳۳۹

قرارداد تا زمانی که منافع آمریکا ایجاب و تا زمانی که آمریکا بخواهد، توسط ترکیه تمدید خواهد شد.

با ایجاد منطقه امن دو میلیون آواره کرد عراقی از ایران و ترکیه به کردستان عراق بازگشتند اما بسیاری از مناطق نفت خیز کردستان عراق بخصوص کرکوک در مدار ۳۶ درجه قرار ندارند و همچنان در زیر نفوذ رژیم بعث عراق می باشند آمریکا مداد ۳۶ درجه را به دلخواه خویش منطقه ممنوع اعلام نمود در حالیکه میتوانست تمام منطقه کردستان، حتی مناطق نفت خیز آن را جزو مناطق ممنوعه اعلام نماید. در آن صورت کردها با در اختیار داشتن مناطق نفت خیز کرکوک از قدرت بیشتری برخوردار می شدند و احتمال جدایی کردها از عراق و یا برخوردار شدن کردستان از حقوق فدرالی بیشتر می شد. ولی آمریکا هرگز حاضر به پذیرش چنین سیاستی نبود چون بر آن است که همواره از این برگ برنده علیه کردها استفاده کند. اهمیت کردها برای آمریکا از آن جهت است که آنها سازمان یافته ترین گروه مخالف رژیم صدام حسین می باشند کردها با سازماندهی قوی خود از قدرت قابل توجهی برای سرنگونی رژیم بغداد برخوردارند و تأثیر فوق العاده ای بر سرنوشت فردی که در آینده بر عراق حکومت می کند، خواهند داشت.

حتی بعد از سرنگونی رژیم بعث اگر کردها مخالف رژیم جدید باشند میتوانند آن را در تنگنا قرار داده و حتی موجبات سرنگونی آن را فراهم آورند. چون رژیم آتی عراق به احتمال زیاد مانند رژیم فعلی از سازماندهی قوی برخوردار نخواهد بود. آمریکا برای تحکیم موقعیت خویش در خاورمیانه و برای آنکه کنترل منابع نفتی را بعنوان یک برگ برنده در مقابل کشورهای اروپائی و ژاپن در دست داشته باشد و همچنان بر سلطه خویش به نظام بین الملل ادامه دهد، همواره به فکر جانشینی

برای صدام حسین است. چرا که صدام حسین در حکم یک مهره سوخته است و در شرایط جدید نظام بین الملل و از آنجا که آمریکا تبلیغات زیادی را در مورد آزادی و حقوق بشر و حاکم شدن ارزشهای لیبرالی به راه انداخته است، برای آنکه سیاستهای آمریکا مغایر با شعارهای تبلیغاتی آن نباشد و همچنان قادر به جلب افکار عمومی باشد دیگر قادر به استفاده از این مهره خود نیست به همین دلیل از فعالیتهای کنگره ملی عراق در مناطق کردستان حمایت میکند. آمریکا فردی بنام احمد چلبی را به عنوان جانشین احتمالی صدام انتخاب کرد و می خواست برای آن مشروعیتی کسب کند تا در موقع لزوم از او به عنوان جانشین صدام حسین استفاده نماید اما این مهره بعد از مدتی فعالیت و تلاش موفق نگردید که مشروعیت لازم را کسب نماید. با توجه به ناراضی شدن حزب دمکرات کردستان عراق از او اکنون او نیز یک مهره باطله است. آمریکا همواره در صدد است تا مهره مناسبی را برای جانشینی صدام در عراق انتخاب کند و می خواهد از کردستان عراق به عنوان پایگاهی برای مشروعیت بخشیدن به مهره خود برای جانشینی صدام حسین استفاده نماید، تا توسط آن مهره منافع آمریکا در منطقه تأمین شود.

ب - سیاستهای احزاب کُرد در کردستان عراق

بعد از حمله صدام به کویت و جنگ آمریکا و ناتو علیه عراق و افشای جنایات صدام حسین توسط رسانه‌های گروهی غرب و سرانجام ایجاد منطقه امن برای کُردها در کردستان عراق، فرصت مناسبی برای کردهای عراق بوجود آمد تا بار دیگر برای کسب حقوق خویش وارد عمل شوند.

کُردها که دست به مبارزه طولانی با رژیم بغداد جهت کسب حقوق

خویش زده بودند، در شرایط جدید قبل از هر حرکتی با صدام وارد مذاکره شدند. کردها می خواستند در چارچوب کشور عراق اما به شیوه ای که خود می خواهند زندگی کنند یعنی بدور از خواری، سرسپردگی و از دست دادن خصوصیات قومی خویش. آنها خواستار حقوق ملت کُرد در یک چارچوب فدرالی برای کردستان عراق بودند. صدام حسین که مناطق اصلی و نفت خیز کردستان عراق را در کنترل خویش داشت و همه ای از جدایی منطقه تحت کنترل کردها نداشت. وی کردستان را در محاصره اقتصادی قرار داد و به رهبران نشان گفت که در صورت اعلان یک دولت کُرد مستقل در کردستان عراق نخستین کشوری است که آنان را به رسمیت می شناسد. صدام در پی آن بود تا کردها را در یک حالت ناکامی قرار دهد، چون می دانست که کشورهای منطقه هرگز اجازه نخواهند داد که کردستان عراق مستقل گردد.

نه تنها کشورهای منطقه بلکه کشورهای عربی نیز اگر قرار باشد که میان تجزیه عراق و انتخاب صدام حسین یکی را برگزینند، صدام را انتخاب خواهند کرد.

آمریکا نیز با تجزیه عراق مخالف است. چون با تجزیه عراق دیگر هیچ کشوری در منطقه خلیج فارس نمی تواند با ایران مقابله نماید و ایران قدرت برتر در منطقه خواهد شد و این خطر بزرگی برای منافع آمریکا در منطقه محسوب می شود به همین علت آمریکا نیز حاضر به تجزیه عراق نخواهد بود. به همین علت جنبش کُرد درخواستهای خود را که با هدف تحقق موجودیت و استیفای حقوق ملی ملت کُرد بود، در چارچوب یک عراق دموکرات، دارای قانون اساسی، یکپارچه و فدرال مطرح کرد. اما صدام حسین با چنین حقوقی برای کردها موافق نیست و مشکل اصلی آنها بر سر مسئله مناطق نفت خیز کردستان همچنان باقی است. کردها

هرگز راضی به از دست دادن کرکوک نخواهند شد. حتی اگر منجر به مبارزه طولانی کردها شود.

مذاکرات کردها با صدام حسین جهت کسب حقوق خویش نتیجه نداد به همین علت رهبران کُرد با همه اقتدار و اعتبار خود در راه کمک به جناح مخالف عراق برای نیرومندتر شدن، به منظور درگیری با رژیم عراق اقدام به برگزاری گردهمایی‌های کمیته مشترک در بیروت در سال ۱۹۹۱، کنفراس وین که بنیانگذاری کنگره ملی عراق در نوامبر ۱۹۹۱ را در پی داشت و گردهمایی‌های این کنگره (INC) در مصیف صلاح‌الدین کردستان عراق نقش اساسی را ایفا کرد.

با توجه به اینکه مناطق کردستان در کنترل احزاب کُرد بود و تمام سازمانهای اداری دولت مرکزی از آن خارج شده بودند و دولت عراق نیز آن را در محاصره اقتصادی قرار داده بود، کردها برای اداره کردن وضعیت زندگی روزمره خویش نیاز به یک دستگاه اداری و قانونی داشتند تا بتوانند بر اساس آن کردستان عراق اداره نمایند. بر اساس همین نیاز بود که مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان عراق، طرح تشکیل پارلمان کردستان و تشکیلات خودگردان را برای اداره کردن کردستان عراق ارائه داد و با موافقت تمام احزاب در ۱۹ مه ۱۹۹۲ دست به انتخابات در کردستان عراق زدند. با وجود آنکه کردها هیچ تجربه‌ای در تشکیل پارلمان نداشتند، ولی توانستند با موفقیت پارلمان کردستان را تشکیل دهند. که در این انتخابات ۵۱ درصد آراء را حزب دمکرات کردستان عراق و ۴۹ درصد آراء را نیز حزب اتحادیه میهنی کسب نمودند.

اما برای جلوگیری از بروز اختلاف میان دو حزب اتحادیه میهنی و حزب دمکرات و ایجاد همبستگی بین آنان مسعود بارزانی موافقت نمود

تا کرسیهای پارلمان بطور مساوی و به صورت ۵۰ به ۵۰ در اختیار طرفین قرار گیرد. این دو حزب بطور مشترک دولت کردستان را تشکیل دادند ایشان برای احترام به حقوق برادران آشوری خود ۵ کرسی را نیز برای آشوریان در نظر گرفتند.

تشکیل پارلمان کردستان توسط کردها موجب وحشت کشورهای منطقه گردید. هراس کشورهای منطقه از این بود که مبادا عراق تجزیه گردد و کشور کردستان مستقل تشکیل گردد و موجب بروز ناآرامی هایی در مناطق کردنشین کشورهاشان شود. این خود موجب نوعی همبستگی امنیتی میان ترکیه، ایران و سوریه گردید هر سه کشور دست به تشکیل اجلاس مشترکی برای مسائل امنیتی زدند در روزنامه سلام ۲۵ آبان ۱۳۷۱ به نقل از علی اکبر ولایتی آمده:

«اولین اجلاس مشترک وزرای خارجه ایران، ترکیه و سوریه به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران در خردادماه سال گذشته همزمان با برگزاری اجلاس وزرای خارجه در استانبول برگزار شد و قرار بود این نشستها با فاصله زمانی کمتری برگزار شود.»

دکتر ولایتی هدف از برگزاری اجلاس را هماهنگ سازی مواضع سه کشور در جهت جلوگیری از تأثیرات مخرب اغتشاشات داخلی و بخصوص اوضاع نابسامان شمال عراق در امنیت ملی این سه کشور خواند.

وی در تشریح موضع سه کشور ایران، ترکیه و سوریه در قبال تحولات شمال عراق گفت: «سه کشور به صورت یکپارچه، قاطع و روشن مخالف تجزیه عراق و تشکیل هرگونه دولت مستقل در بخشی از عراق هستند.» وزرای امور خارجه سه کشور تحولات شمال عراق را بسیار مهم

و نگران‌کننده توصیف کردند.^(۱)

همچنان سلیمان دمیرل نخست‌وزیر وقت ترکیه در هنگام اقامت خود در تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی گفت:

«دولت ترکیه در خصوص شمال عراق حساسیت زیادی نسبت به ایجاد حکومت‌گرد دارد و ما در این سفر شاهد حساسیت مقامات ایران نیز بوده‌ایم.»^(۲)

کردهای عراق با مشکلات زیادی مواجه بودند. احزاب‌گرد عراق سعی کردند تا به نوعی به کشورهای منطقه تفهیم نمایند، که آنها در صدد تجزیه عراق و تشکیل کردستان مستقل نیستند. بلکه تنها در پی کسب حقوق خویش در چارچوب فدرالی و در عراقی متحد می‌باشند و هیچ خطری از جانب ایشان متوجه کشورهای منطقه نیست. رهبران‌گرد نگرانیهای امنیتی ایران و ترکیه را پذیرفتند و تعهد خود را نسبت به امنیت مرزی ترکیه و ایران ابراز داشتند. کردها در صدد گسترش روابط خویش با کشورهای منطقه برآمدند، چرا که در ایجاد روابط دوستی میان احزاب‌گرد و کشورهای منطقه مسائل جغرافیایی بسیار مؤثرند در گذشته مسعود بارزانی در مقایسه با جلال طالبانی از رابطه بهتری با ایران برخوردار بود و ۸ سال در کنار ایران با نیروهای رژیم بعث جنگید اکثر ناظران سیاسی معتقد بودند که ایرانیها با بارزانی رابطه بهتری نسبت به طالبانی خواهند داشت. زیرا تهران به خوبی درک می‌کرد که موضع‌گیریهای بارزانی از

۱- مصاحبه علی اکبر ولایتی با خبرنگاران برگرفته شده از: روزنامه سلام، ۲۵ آبان ۱۳۷۱

۲- مصاحبه سلیمان دمیرل با خبرنگاران داخلی و خارجی برگرفته شده از: روزنامه کیهان، ۱۶ آبان ۱۳۷۱.

موضع‌گیریهای رقیبش استوارتر است. زیرا در سال ۱۹۸۳ زمانی که طالبانی‌ها با ایران بر علیه نیروهای رژیم بعث می‌جنگیدند، به یکباره موضع خویش را تغییر دادند و با رژیم بعث متحد گردیدند و علیه نیروهای ایرانی دست به مبارزه زدند. علاوه بر این هم پیمانی ایران با مسعود بارزانی به معنای گسترش نفوذ ایران در شمال عراق تا مرزهای ترکیه خواهد بود و این امر در رقابت دو کشور ایران و ترکیه در زمینه منطقه‌ای به نفع ایران بود ولی مسائل جغرافیایی خود را به واقعیهایی موجود تحمیل کرد زیرا مناطق تحت تسلط طالبانی در مجاورت مرز ایران بود و طالبانی با هیچ کشور دیگری به جز ایران رابطه مرزی نداشت.

ایران نیز برای آنکه بهتر بتواند از مرزهای خویش دفاع نماید، بر خلاف جریانهای سیاسی گذشته رابطه خود با طالبانی را بهبود بخشید. طالبانی نیز برای رسیدن به اهداف دیرینه خویش یعنی شکست مسعود بارزانی به ایران نزدیک شد.

ترکیه نیز به خاطر خلاء قدرتی که با بیرون راندن نیروهای رژیم بعث از کردستان عراق بوجود آمده بود، سخت نگران بود که مبادا این خلأ قدرت موجب نفوذ و گسترش نیروهای P.K.K در مرزهای ترکیه گردد.

از نظر جغرافیایی مناطق هم مرز با ترکیه به طور کامل در کنترل نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق قرار داشت^(۱). ترکیه نیز برای حفظ و تداوم امنیت مرزی خویش، رابطه بهتری با حزب دمکرات کردستان عراق برقرار کرد. حزب دمکرات نیز برای آنکه نگرانیهای ترکیه را از خلأ قدرت رفع نماید، شروع به کنترل مرزهای خویش و ایجاد رابطه دوستی با کشور ترکیه نمود. حزب دمکرات کردستان عراق از این

۱- البته علاوه بر مناطق هم مرز با ترکیه قسمتی از مناطق هم مرز با سوریه و ایران نیز در کنترل حزب دمکرات کردستان عراق قرار دارد.

سیاست خود چند هدف عمده داشت که عبارت بودند از:

۱- رفع نگرانیهای ترکیه تا علیه کردهای عراق دست به فعالیتهای سیاسی و نظامی نزنند.

۲- کسب حقوق فدرالی برای کردهای عراق، چون ترکیه یکی از کشورهای وابسته به آمریکا در منطقه است و میتواند نقش منفی یا مثبت بر سیاست آمریکا علیه کردهای عراق داشته باشد.

۳- برای تأمین کالاهای اساسی و روزمره مردم کردستان عراق که از طریق مرز ترکیه وارد می‌نمودند. چون کردستان عراق با دو محاصره اقتصادی روبرو بود یعنی هم محاصره اقتصادی سازمان ملل علیه عراق بطور عام و هم محاصره اقتصادی رژیم بغداد علیه کردستان عراق که موجب شده بود تا کردهای عراق برای تأمین کالاهای اساسی زندگی روزمره خویش نیاز مبرمی به رابطه تجاری با کشور ترکیه داشته باشند.

حال که چند سال از کنترل مناطق کردستان عراق توسط احزاب گُرد می‌گذرد، میتوان گفت که ناآرامیها در مرزهای ایران (از طریق کردستان عراق) بسیار ناچیز بوده‌اند، در صورتی که اگر این مناطق مرزی در کنترل رژیم بعث بود به احتمال زیاد ناآرامیها در مرز ایران بسیار بیشتر از حال بود.

به طوریکه میتوان گفت سیاست کردها در اطمینان دادن به کشورهای منطقه در مورد حفظ مرزهای آنها تا حدود زیادی موفقیت‌آمیز بوده است و از نگرانیهایی که آنها در گذشته در مورد کردستان عراق داشته‌اند کاسته است.

در مورد سیاستهای دیگر احزاب گُرد در کردستان عراق می‌توان به تجزیه و تحلیل سیاست و استراتژی مسعود بارزانی در مورد تداوم مذاکره حزب دمکرات با صدام اشاره نمود.

سیاست و استراتژی مسعود بارزانی در مورد تداوم مذاکره با صدام حسین برای کسب حقوق فدرالی کردستان عراق یک سیاست موفقیت آمیز برای کردهای عراق بوده است تا از کردها مانند پللی برای جابه جایی قدرت استفاده نشود، و مانند یک وزنه قدرت برای سیاست کردهای عراق در مقابل آمریکا محسوب گردد. و نشان دهد، که اگر آمریکا به حقوق کردها توجهی نکند و مانند سال ۱۹۷۵ بخواهد از کردها به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خویش استفاده نماید، در آن صورت کردها حاضر خواهند شد با صرف نظر کردن از کینه های خود نسبت به صدام حسین، با او توافق کنند و در آن شرایط منطقه امنی که آمریکائیاها برای مشروعیت بخشیدن به حضور خویش در منطقه درست کرده اند اعتبار خود را از دست می دهد. چون در آن صورت خطر حمله صدام حسین به کردها از بین می رود و دیگر ضرورتی ندارد که آمریکا از منطقه یا مناطقی تحت عنوان منطقه امن محافظت نماید. و حضور گسترده آمریکا در منطقه به زیر سؤال می رود آمریکا برای حفظ موقعیت خود و برای اینکه همچنان خود را به عنوان یک کشور انسان دوست نشان دهد سعی نموده است، بطور جدی تری با کردها وارد مذاکره شود. این استراتژی مسعود بارزانی موجب شد تا آمریکا قول امتیازات بیشتری را به کردهای عراق بدهد و به این ترتیب از گرایش کردها به سوی صدام حسین جلوگیری نماید و همچنین بتواند حضور فزاینده خویش در منطقه را به بهانه دفاع از کردها در مقابل حمله رژیم صدام حسین مشروع جلوه دهد.

ج- سیاستهای آمریکا بعد از جنگ سرد در کردستان عراق

با توجه به شرایط کنونی نظام بین الملل در حال حاضر تنها بازیگر

قدرتمند در صحنه بین‌المللی، کشور آمریکا است و هیچ رقیبی برای سیاستهای آمریکا وجود ندارد، در کردستان عراق نیز کشور آمریکا دست به سیاستهای متعددی زده است، که میتوان به دو سیاست عمده آن در کردستان عراق پرداخت و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که عبارتند از:

۱- منطقه امن در مدار ۳۶ درجه برای کردهای عراق

۲- رقابت آمریکا با ایران در کردستان عراق

۱- منطقه امن در مدار ۳۶ درجه برای کردهای عراق

سیاست آمریکا بعد از شکست نیروهای عراق از کشورهای ناتو، سرنگونی رژیم صدام نبوده است بلکه سیاست آمریکا آن است که صدام همچنان بر مسند قدرت باقی بماند. اما به شرطی که همچنان در موضع ضعف باشد. یکی از سیاستهای آمریکا برای نیل به این هدف یعنی ضعیف نگه داشتن صدام این بود که منطقه امن را در مدار ۳۶ درجه برای محافظت از کردهای عراق تشکیل داد، تا هواپیماهای آمریکایی بطور مداوم بر فراز عراق به پرواز درآیند و از این طریق بر تغییر و تحولات سیاسی آینده در عراق تسلط داشته باشند. اگر هدف واقعی آمریکا از ایجاد این منطقه امن حفاظت از کردها بود، می‌بایست از کردهای دیگری که در مناطق نفت خیز کردستان عراق زندگی می‌کنند نیز محافظت کند و تمام مناطق کردستان عراق را منطقه امن اعلام کند اما آمریکا بیشتر در پی دستیابی به اهداف خویش است تا حفاظت از کردها، از آنجا که کردها سازمان یافته‌ترین و قویترین گروههای مخالف رژیم صدام می‌باشند، آمریکا منطقه امنی برای کردهای عراق تشکیل داد، که تحت تسلط کردها بوده و بهترین اهرم فشار بر علیه رژیم صدام حسین باشد. تا رژیم صدام

در یک حالت ضعف و قابل کنترل برای آمریکا بماند. هدف آمریکا از این سیاست، یعنی باقی ماندن صدام در مسند قدرت اما با حالتی قابل کنترل بیشتر در جهت حفظ منافع اقتصادی این کشور در کشورهای شیخ نشین خلیج فارس است.

بعد از جنگ دوم خلیج فارس، شیخ نشینها دچار وحشت و نگرانی شدیدی شدند و دریافتند که کشور آنها بسیار آسیب پذیر است. با توجه به اینکه صدام حسین هنوز در مسند قدرت باقی مانده و همچنان شرایط ناامنی در منطقه احساس می شود، اگر آمریکا نیروهایش را از منطقه خارج کند احتمال دارد که نیروهای رژیم صدام که اکنون مهار شده اند دوباره و با توجه به کینه ای که صدام از کشورهای شیخ نشین دارد، سازماندهی کرده و به این کشورها حمله ور شوند. آمریکا خطر صدام حسین را چنان در نظر کشورهای شیخ نشین بزرگ جلوه می دهد که آنها سریعاً خود را از لحاظ بنیه نظامی تقویت می کنند. چرا که به اعتقاد آنها صدام خطر جدی برای آنها محسوب می شود.

در ۱۴ ژوئن ۱۹۹۴ بلترو، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده پس از دیدار از منطقه خلیج فارس در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا چنین بیان می کند: که سفیران آمریکا در خاورمیانه موظفند در جهت ترغیب سرمایه گذاری و تجارت تاجران آمریکایی در منطقه تلاش کنند و آن را در برنامه های خود در اولویت قرار دهند. از جمله موفقیت های سال جاری این است که عربستان سعودی موافقت کرده ۶ میلیارد دلار از شرکت داگلس و بوئینگ و ۱۴ میلیارد دلار از شرکت ای. تی. ان. تی خرید کند. این معاملات نشان می دهد که چگونه همکاری با شرکتهای تجاری آمریکایی موجب افزایش زمینه کاری برای آمریکایی ها میشود.

بعلاوه سفارت‌های امریکا در کشورهای خلیج فارس به طور مرتب در جهت کمک به سرمایه‌گذاران آمریکایی تلاش می‌کنند و تاکنون بیش از ۵۰۰ قرار داد در کویت (به ارزش ۵ میلیارد دلار) منعقد کرده‌اند.^(۱)

همچنین طبق آمار رسمی موجود در سال ۱۹۹۴، عربستان بیش از ۳۰ درصد از بودجه خود را به بخش دفاعی اختصاص داده است هزینه‌های نظامی امارات متحده عربی در سال ۱۹۹۴، معادل ۲/۰۷ میلیارد دلار بود که نیمی از بودجه ۵/۳ میلیارد دلاری این امیر نشین را تشکیل می‌داد. کویت به سبب تأمین هزینه‌های نظامی نیروهای خارجی و خرید سلاح در سال ۹۷ با پنج میلیارد دلار کسری بودجه روبرو شده است. دو کشور کوچک قطر و بحرین طی چهار سال گذشته ۲۰ درصد از بودجه خود را صرف هزینه‌های دفاعی با کشورهای منطقه کرده‌اند از جمله میتوان به یک پیمان دفاعی بین کویت و آمریکا اشاره کرد که به موجب آن امنیت کویت به مدت ده سال از سوی آمریکا تضمین شده است.^(۲) آمریکا چندین مانور نظامی مشترک را با کشورهای شیخ‌نشین انجام داده است. این امر موجب حضور مستقیم آمریکا در منطقه گردیده و خاورمیانه را به انباری از اسلحه و مهمات جنگی تبدیل نموده است از طرفی آمریکا می‌تواند هرزمان که بخواهد در این منطقه ایجاد بحران و برای صدور نفت ایجاد مشکل کند و از این طریق ضربه سنگینی را بر اقتصاد اروپا و ژاپن وارد نماید.

۱- بررسی تحولات خاورمیانه در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا رجوع کنید به فصلنامه خاورمیانه، تهران، پاییز، ۱۳۷۳ سال ۱ ش ۲.

۲- شاهوردی، پیشین، ص ۷۵

۲- رقابت آمریکا با ایران در کردستان عراق

نگرانی‌های آمریکا درخصوص تلاشهای ایران برای ایجاد روابط نزدیکتر با احزاب گرد در کردستان عراق روزبه روز افزایش می‌یافت به طوری که موجب شد تا ایالات متحده و ایران بی‌سروصدا در کردستان عراق با یکدیگر مقابله کنند. سیاست آمریکا نسبت به شمال عراق از کاخ سفید و توسط شورای امنیت ملی آمریکا هدایت می‌شود.

آمریکا از این وحشت داشت که ایران با کردها متحد شود و موجب نزدیکی کردها و شیعیان جنوب گردد و با توجه به خصومتی که شیعیان با بغداد دارند با همکاری کردها موجب سرنگونی رژیم بعث عراق گردند. در صورت به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، منطقی است که تغییرات عمده‌ای در مناسبات ایران و عراق بوجود آید هر دو کشور سعی خواهند کرد که از انقلاب اسلامی، یا دست کم از حقوق شیعیان در دنیای عرب و یا مشخصاً در خلیج فارس دفاع نمایند با توجه به اینکه آمریکا در منطقه خلیج فارس دارای منافع فوق‌العاده‌ای است از این منطقه به احتمال زیاد برای فشار بر رقیبان آینده خویش استفاده خواهد نمود. بطور کلی روی کارآمدن یک حکومت شیعه که تحت نفوذ ایران باشد، منافع آمریکا را در منطقه خلیج فارس به طور جدی مورد تهدید قرار می‌دهد.

در مقابل ایرانیها نیز نگران این هستند که رژیمی طرفدار آمریکا جایگزین صدام حسین گردد و در آینده مشکلات زیادی را برای آنان بوجود آورد وضعیت ایران و عراق در حال حاضر به صورت معلق است چون در سال ۱۹۷۵ صدام حسین قرارداد الجزایر را با شاه ایران امضاء کرد و در سال ۱۹۸۰ بعد از سرنگونی رژیم شاه در ایران قرارداد الجزایر را باطل اعلام کرد و آن را جلوی دوربینهای تلویزیونی پاره کرد و در حال حاضر نیز هیچ موافقتنامه دیگری را با ایران (بجز قطعنامه ۵۹۸ سازمان

ملل) به امضاء نرسانده است. حال اگر رژیم جدید عراق مهره وابسته به آمریکا باشد و آمریکا برای فشار به ایران بخواهد از این وسیله استفاده نماید، دامنه بحران در بین دو کشور روزبه‌روز افزایش می‌یابد. ممکن است همان بحرانی که در اوایل دهه ۷۰ بین ایران و عراق وجود داشت و یا حتی شدیدتر از آن تکرار شود و حتی احتمال از سرگیری جنگ و خونریزی مجدد بین طرفین در آینده نیز وجود خواهد داشت.

اهمیت وضعیت سیاسی عراق در آینده برای آمریکا و ایران، موجب شده که هر دو کشور در کردستان عراق به فعالیت بپردازند تا بانفوذ در میان احزاب گردد در وضعیت سیاسی جدید عراق نفوذ داشته باشند.

بعد از چند سال آرامش در کردستان عراق، در مه ۱۹۹۴ درگیری‌هایی میان حزب دمکرات و اتحادیه میهنی آغاز شد پس از مدتی درگیری میان دو حزب، ایران بر آن شد تا بین طرفین صلح برقرار کند. و به همین علت آقای محمدی نماینده جمهوری اسلامی ایران که عضو شورای امنیت ملی و مسئول پرونده عراق بود، به کردستان عراق رفت، تا از نزدیک با رهبران هر دو حزب دیدار نماید و نمایندگان هر دو حزب را نیز برای انجام مذاکره و گفتگو برای صلح به ایران دعوت کند. نمایندگان دو حزب نیز به تهران آمدند و به مذاکره پرداختند ولی متأسفانه این مذاکرات موفقیت‌آمیز نبود و درگیری همچنان ادامه داشت. با توجه به فعالیتهای ایران در کردستان عراق برای برقراری صلح، کشور آمریکا نیز برای کاهش نفوذ ایران در منطقه، نماینده خود روبرت دو یچ مدیر بخش شمالی خلیج فارس وزارت امور خارجه آمریکا را مسئول گفتگو با کردها و تضعیف نقش ایران در منطقه نمود با امضاء دو توافقنامه آتش‌بس در وهیدا و دوبلین در ماههای اوت و سپتامبر ۱۹۹۵ میان دو حزب و تحت نظارت ایالات متحده انجامید. اما از آنجا که اقدامات آمریکا برای

موجب صلح بین دو حزب نشد و همچنان درگیریها در کردستان عراق ادامه داشت.

در سال ۱۹۹۶ درگیریها وسعت گرفت و موجب مذاکره و گرایش کردها به صدام حسین گردید کشور آمریکا دچار وحشت شد که مبادا کردها با صدام حسین به توافق برسند و حضور آمریکا در منطقه، برای دفاع از منطقه امن، و برای جلوگیری از حمله صدام به کردها مشروعیت خود را از دست بدهد. و کردها نیز به حمایت از صدام حسین پردازند. و بدین ترتیب سیاستهای آمریکا در منطقه را دگرگون نمایند اینها همه موجب شد تا آمریکا بصورت جدی‌تری به مسئله کردها پردازد. این بار خود روبرت بللیترو معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور خاورمیانه برای پایان دادن به جنگ بین دو حزب وارد عمل و سرانجام موفق شدند که رهبران دو حزب رقیب در کردستان عراق را به آمریکا دعوت نماید. مسعود بارزانی و جلال طالبانی به دعوت آمریکا به ترتیب در ۱۱ و ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۸ وارد واشنگتن شدند و ضمن ملاقات با وزیر خارجه آمریکا و سایر مقامات این کشور، در شانزدهم سپتامبر در محل وزارت امور خارجه آمریکا با حضور خانم مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه آمریکا توافقنامه صلح را به امضاء رسانیدند بر اساس این توافقنامه (که در ۱۷ سپتامبر امضاء شد). دو گروه کرد عراقی اختلافات خود را کنار گذاشتند و موافقت کردند بطور مشترک اداره مناطق کردنشین شمال عراق را بعهده گیرند.^(۱)

۱- رجوع کنید به:

«مصاحبه با مسعود بارزانی پیرامون موافقتنامه کردهای عراق در واشنگتن و توافق کردهای عراق در واشنگتن» و «متن سخنان مادلین آلبرایت، مسعود بارزانی و جلال طالبانی ترجمه دکتر حمید احمدی در فصلنامه خاورمیانه، تابستان و پاییز ۱۳۷۷ ش ۲ و ۳، ص ۱۸۷ تا ص ۲۰۴

آمریکا با امضای پیمان واشنگتن بین دو حزب اتحادیه میهنی و حزب دمکرات سه هدف عمده را در کردستان عراق دنبال می‌کرد که عبارتند از:

- ۱- جلوگیری از مصالحه کردها با رژیم بعث
- ۲- جلوگیری از نفوذ ایران در کردستان عراق
- ۳- نفوذ در بین کردها به طوری که کردهای عراق خود را مدیون آمریکا بدانند.

آمریکا به دلایل فوق به میانجیگری میان دو حزب کردستان عراق پرداخت. کردها نباید در سیاستهای خود مطیع بی‌چون و چرای آمریکا باشند بلکه باید بدانند که پیمان واشنگتن در واقع یک پیمان صلح است و آمریکا تنها برای نیل به اهداف خویش دست به چنین اقدامی زده است و نمی‌توان آنرا به حساب دلسوزی ایالات متحده آمریکا گذاشت. کردها باید با هوشیاری بیشتری سیاستهای خویش را دنبال نمایند.

بر اساس تئوریهای واقع‌گرایی مورد گنتا، والتز و کسینجر مسایل اخلاقی در سیاست بین‌الملل وجود ندارد بلکه کشورها و قدرتهای بزرگ در راستای تأمین منافع ملی خویش به فعالیت می‌پردازند زمانی که آمریکا به اهداف خویش در منطقه نائل شود احتمال آن وجود دارد، که دیگر از حقوق کردها حمایت نکند و اقدامات خود را در نظام بین‌الملل مشروع جلوه دهد. احتمال این نیز هست که آمریکا با ایجاد بحران میان دو حزب دمکرات و اتحادیه میهنی، موجب تفرقه و جنگ داخلی در میان طرفین شود و بعدها به این بهانه که کردها پیمان واشنگتن را نقض کرده‌اند و دیگر ایالات متحده آمریکا قادر به حمایت از کردها نیست آنها را به حال خود رها کند و مانند سال ۱۹۷۵ مجدداً موجب شکست قیام کردها در عراق گردد.

نتیجه گیری فصل چهارم

بر اساس دیدگاه کنت والتز در سیاست بین‌الملل هرج و مرج و آنارشستی وجود دارد و کشورها برای تأمین امنیت ملی خویش تلاش می‌کنند تا توان نظامی، اقتصادی، سیاسی و استراتژیکی خود را افزایش دهند که این خود موجب کشمکش و رقابت بین آنها می‌گردد، سیاست بین‌الملل بر پایه قدرتهای بزرگ استوار است. در نظام بین‌الملل انگلستان نسبت به سایر کشورها از برتری نظامی برخوردار بود. بعد از جنگ جهانی اول در هنگامیکه ملیتهای زیر سلطه امپراطوری عثمانی استقلال یافتند بریتانیا برای تأمین منافع ملی خویش از استقلال کشور کردستان جلوگیری نمود و به سرکوبی جنبش ملی کردها پرداخت. هیچ قدرت متمرکز و معیار اخلاقی در نظام بین‌الملل وجود نداشت، به همین علت هیچ یک از قدرتهای بزرگ از استقلال کردستان حمایت نکردند، بلکه همه قدرتهای بزرگ سعی داشتند تا به نوعی منافع ملی خویش را تأمین نمایند در آن زمان فرانسه نیز با در اختیار گرفتن قسمتی از کردستان و گرفتن ۲۵ درصد سهم از شرکت نفتی عراق با کشور انگلستان همکاری نمود. آمریکا نیز با گرفتن سهمی از شرکت نفت عراق با سیاستهای انگلستان در منطقه کردستان همراه گردید. به این طریق حقوق کردها توسط قدرتهای بزرگ پایمال گردید و زمینه بحران در کردستان

علی‌الخصوص در کردستان عراق به اینصورت بر پایه قدرتهای بزرگ شکل گرفت.

بر اساس اصول ششگانه واقع‌گرایی مورگنتا، اخلاق حاکم بر رفتار کشورها با اخلاق فردی متفاوت است و سیاست کشورها جهت کسب منافع ملی است. در دهه ۱۹۴۵ شوروی از کردها حمایت کرد تا جمهوری مهاباد را تشکیل دهند ولی چون هدف اصلی شوروی تأمین منافع ملی خویش بود، در قبال امتیاز نفتی که قوام نخست‌وزیر ایران به شوروی داد، شوروی دست از حمایت کردها برداشت و موجب فروپاشی جمهوری مهاباد گردید. در دهه ۶۰ هنگامیکه رژیم حاکم بر بغداد دست به کشتار کمونیستها زد، شوروی با شعارهای تبلیغاتی خود از کردها حمایت کرد. اما زمانی که عراق در راستای اهداف سیاسی شوروی قرار گرفت، دست از حمایت کردها برداشت.

بر اساس تئوریهای واقع‌گرایی کیسینجر، در دهه ۷۰ دکترین نیکسون در دوران جنگ سرد شکل گرفت. آمریکا بر اساس سیاستهای منطقه‌ای خود در دهه ۷۰ از کردها حمایت کرد ولی زمانی که صدام از شوروی فاصله گرفت و به سوی غرب گرایش پیدا کرد کیسینجر دست از حمایت از کردهای عراق برداشت. کیسینجر اعتقادی به مسائل اخلاقی در سیاست بین‌الملل نداشت و تفکر آن بر این اساس بود که باید در راستای تأمین منافع ملی در صحنه بین‌المللی به سیاست پرداخت. کیسینجر مذاکرات با کردها را به صورت محرمانه انجام می‌داد. هدف وی این بود تا هنگامیکه منافع ملی آنها ایجاب نمود به راحتی بتوانند موارد توافق شده را تکذیب نمایند تا خشم افکار عمومی داخلی و جهانی علیه آنها برانگیخته نشود. این سیاست کیسینجر موجب فروپاشی شورش کردها در سال ۱۹۷۵ گردید.

وضعیت کردها بعد از جنگ سرد بر اساس مشاهدات عینی نگارنده و بر اساس مکتب واقع‌گرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آمریکا با هدف تأمین منافع ملی خویش در مسائل کردستان عراق دخالت می‌نماید. اهدافی که آمریکا در کردستان عراق دنبال می‌کند، این است که بر رژیم آینده عراق کنترل داشته باشد تا مبادا یک رژیم شیعه و وابسته به جمهوری اسلامی ایران در عراق به قدرت رسد و منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس را تهدید نماید، انگیزه اصلی آمریکا از میانجیگری در بین دو حزب رقیب در کردستان عراق عبارت است از:

- ۱- جلوگیری از گرایش کردها به سوی صدام حسین.
 - ۲- گسترش و نفوذ آمریکا در کردستان عراق.
 - ۳- جلوگیری از نفوذ ایران در کردستان عراق.
- در قسمت بعدی به آینده‌نگری و نتیجه‌گیری کلی تحقیق خواهیم پرداخت.

نتیجه گیری و نگاهی به آینده

نتیجه‌گیری و نگاهی به آینده

با توجه به مطالعات تاریخی که در مورد تحولات سیاسی کردستان عراق از اوایل قرن بیستم تا اواخر قرن بیستم صورت گرفت. قبل از شروع قرن بیستم مبارزات کردها علیه امپراطوری عثمانی وجود داشت. اما بعد از قرن بیستم با توجه به نیازهای کشورهای صنعتی به انرژی مواد خام و بازار مصرف دسترسی پیدا نماید، در امپراطوری عثمانی شروع به فعالیت نمودند، و نقطه ضعف امپراطوری عثمانی که ملیتهای تحت سلطه‌اش از دست ظلم و ستم آن به ستوه آمده بودند. موقعیت بسیار مناسبی برای نفوذ قدرتهای بزرگ بوجود آمد و موفق گردیدند در بین ملیتهای مختلف نفوذ نمایند، از جمله انگلستان که در سال ۱۹۱۸ وارد شهر موصل شده بود.

بر اساس تئوری واقع‌گرائی مورگنتا سیاست بین‌الملل مبارزه برای کسب قدرت جهت تحقق اهداف و منافع ملی و عدم مسایل اخلاقی در سیاست بین‌المللی است و بر اساس اصل چهارم از اصول ششگانه واقع‌گرایی مورگنتا رفتار دولتها با رفتار افراد عادی فرق دارد رفتار دولتها در راستای تأمین منافع ملی می‌باشد.

بر اساس تئوری واقع‌گرایی کنت والتز در روابط بین‌الملل، سیاست

بین الملل دارای هرج و مرج، عدم تمرکز و آنارشستی می باشد و در سیاست بین الملل نا امنیتی وجود دارد به این علت هر کشوری سعی و تلاش بر ارتقای توان نظامی و تأمین منافع ملی دارند، بطوریکه دولتهای قویتر شانس بیشتری برای ادامه حیات دارند، چه بسا که بقای آنها به بهره برداری بیشتر از دولتهای ضعیفتر بستگی دارد. در برخی موارد محو و نابودی یک دولت یا ملت به طور عمد به دلیل موقعیت نسبتاً ضعیف آن از لحاظ قدرت در مقابل دولت یا گروهی از دولتهاست.

انگلیسی ها در ابتدای ورود با توجه به اینکه در بین کردها نفوذی نداشتند، دست به حمایت شیخ محمود برزنجی که شخصیتی محبوب در بین کردها داشت، زدند. اما بعد از مدتی که در منطقه نفوذ پیدا نمودند، علیه شیخ محمود برزنجی که می خواست کشور کردستان مستقل را تشکیل دهد، دست به توطئه زدند و حقوق کردها را پایمال کردند و شروع به سرکوبی جنبش ملی گرد نمودند. انگلستان حقوق ملی کردها را فدای منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژی خویش کرد و از همان اوایل مرزهای مصنوعی را برای تقسیم کردستان بین خود و فرانسه ترسیم نمود، برای اینکه فشار زیادی رابه کمال آتاتورک وارد نیاورند تا او به سوی شوروی گرایش پیدا نکند، قسمتی از کردستان را نیز در اختیار ترکیه قرار دادند و دامنه اصلی بحران کردستان را قدرتهای بزرگ در آن زمان در منطقه کاشتند که همواره در کردستان عراق ما شاهد بحرانها و درگیری خونینی بین کردها و عربها بوده ایم تا سال ۱۹۵۸ قبل از انقلاب عراق توسط عبدالکریم قاسم عراق وابسته به انگلستان بود و همچنان برای حفظ موقعیت رژیمهای دست نشانده خویش در عراق و تأمین منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژی خویش دست به کشت و کشتار کردهای زیادی زدند، در حالیکه از اسرائیلهای که جمعیتی کمتر از دو میلیون نفر را

داشتند، حمایت کردند و برای آنها کشور اسرائیل را تشکیل دادند، چون منافع آنها را در منطقه به خوبی تأمین می‌کردند.

در طول جنگ سرد نیز از خواسته‌ها و آرزوهای کردها به عنوان اهرم فشاری علیه حکومت عراق استفاده نموده‌اند. بطوریکه موقعیکه رژیم بغداد در راستای اهداف شوروی قرار نمی‌گرفت، شوروی به حمایت کردن از کردها می‌پرداخت و آمریکا بر ضد کردها موضع می‌گرفت. بخصوص در سال ۱۹۶۳ که دولت عراق دست به کشتار کمونیستها زد، مغولستان شوروی در خواست مطرح کردن قضیه کردها را در سازمان ملل مطرح کرد، آمریکا با آن مخالفت کرد. اما در سال ۱۹۷۲ هنگامیکه عراق با کشور شوروی پیمان دوستی امضاء نمود، هنری کیسینجر وزیر امور خارجه وقت آمریکا و مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا با توجه به دیدگاههای واقع‌گرایانه‌اش که به اخلاق در سیاست بین‌الملل اعتقادی ندارد و به نظر او در سیاست بین‌الملل کشورها فقط باید به فکر کسب منافع ملی خویش باشند و از طریق دیپلماسی محرمانه شروع به فعالیت نمایند چون نتایج مطلوبتری را در برداشت. دست به حمایت کردن از کردها زد و شوروی نیز به علت تأمین منافع ملی خویش از کشور عراق حمایت می‌کرد، اسلحه و مهمات زیادی را در اختیار کشور عراق قرار می‌داد.

آمریکا هنگامیکه به اهداف سیاسی خویش نایل گردید، دست از حمایت کردها برداشت. شاه ایران که یک مهره آمریکا در منطقه بود، قرارداد الجزایر را با صدام حسین امضاء کرد و کردها را مورد معامله قرار دادند، اگر کردها دست از مبارزه علیه رژیم بغداد بر نمی‌داشتند شاه ایران (مهره آمریکا در منطقه) به مبارزه علیه کردها می‌پرداخت که سرانجام این عوامل موجب شکست شورش کردها در سال ۱۹۷۵ گردید.

بحرانهای کردستان عراق به دو علت بر بحرانهای منطقه خلیج فارس تأثیر داشته‌اند که عبارتند از:

یکی از عوامل قرارداد الجزایر است بطوریکه این قرارداد با توجه به بحران و درگیری در کردستان عراق بین شاه ایران و صدام حسین امضاء گردید که توسط این دو کشور منطقه‌ای، کردها مورد معامله قرار گرفتند. بعد از سرنگونی رژیم شاه صدام حسین که این قرارداد را به طور تحمیلی علیه خویش فرض می‌نمود، آنرا لغو نمود که یکی از علت‌های اصلی جنگ ایران و عراق محسوب می‌گردد.

عامل دومی که بحرانهای کردستان عراق بر بحرانهای منطقه خلیج فارس تأثیر گذار بوده‌اند، این است که کردها به صورت خستگی ناپذیری دست به مبارزات زیادی علیه رژیم‌های بغداد زده‌اند، درست است که موفق به گرفتن حقوق خویش در کردستان عراق نگردیده‌اند، اما هرگز رژیم‌های بغداد به راحتی بر عراق حکومت نکرده‌اند. بطوریکه یکی از دردهای اصلی برای رژیم‌های حاکمه بغداد بوده‌اند و حتی موجب فروپاشی دولتها و کودتاهای زیادی در عراق بوده که موجب روحیه خشونت و روحیه نظامی‌گری بالایی در عراق شده است. بطوریکه بر اساس تئوری کنت والتز عدم ثبات داخلی موجب سیاستهای انقلابی کشورها می‌گردد. همین روحیه خشونت و نظامی‌گری تأثیر زیادی بر منطقه داشته و حتی یکی از عامل‌های جنگ عراق و ایران و حمله عراق به کویت نیز محسوب می‌شود.

بعد از حمله عراق به کویت و شکست صدام از نیروهای چند ملیتی، کردها نیز علیه ظلم و ستم رژیم بعث قیام کردند و نوعی فدرالی را از آن هنگام تاکنون (۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰) بدست آورده‌اند.

آمریکا نیز جهت استفاده منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژی خود در حال حاضر از کردها در مقابل رژیم بعث حمایت می‌کند.

بطور کلی می‌توان گفت هدف قدرتهای بزرگ از دخالت در بحرانهای کردستان عراق، پیشبرد منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژی بوده است.

دلایل اصلی که کردها را مجبور به آن می‌کرد تا در زیر نفوذ قدرتهای بزرگ خارجی قرار گیرند، عبارتند از:

۱- ظلم و ستم و فشار بیش از حد امپراطوری عثمانی در دوران عثمانیان نسبت به حقوق کردها.

۲- طرحهای ابرقدرتها جهت تقسیم کردستان و الحاق سرزمین آنها به کشورهایی که تحت قیمومیت آنها قرار داشتند.

۳- مشروعیت نداشتن و وابسته بودن رژیمهای حاکم بر عراق، به یکی از کشورهای ابرقدرت.

۴- حمایت ناسیونالیستهای عرب از عراق علیه کردها.

۵- متحد شدن کشورهای منطقه علیه کردها.

۶- سرکوبی فیزیکی کردها، قتل عام زنان و کودکان کردها توسط ارتش عراق.

۷- سرکوبی فرهنگی کردها توسط رژیم بغداد، به این علت که تضاد فرهنگی بین کردها و عربها وجود دارد و عربها می‌خواهند تا فرهنگ خویش را بازور اسلحه بر کردها تحمیل نمایند.

۸- عربی کردن مناطق کردستان توسط رژیمهای حاکمه بر عراق و اخراج کردن کردها به زور از خانه و کاشانه اجدادی خویش در مناطق نفت خیز علی‌الخصوص شهر کرکوک و جانشین کردن عربها در آن منطقه.

۹- حمایت شیخ نشینهای عربی و کشورهای اسلامی زیر نفوذ آنها علیه کردها، بطوریکه در هنگام بمباران شهر حلبچه توسط رژیم بعث، که پنج هزار نفر به شهادت رسیدند و موجب ویرانی تمام شهر گردید، هیچ

یک از آنها رژیم عراق را محکوم نکردند و در صحنه بین‌المللی، دیپلماسی زیادی را برای مشروعیت بخشیدن به صدام حسین به خرج دادند.

با توجه به موارد فوق کردها نیز به عنوان آخرین راه حل به سوی ابرقدرتهایی که قول حمایت از کردها را می‌داد، گرایش پیدا می‌نمودند. همانند شخصی که در حال غرق شدن در دریا باشد، سعی می‌کند هر چیزی که در جلوی دستان آن قرار گیرد، برای جلوگیری از غرق شدن خویش از آن استفاده نماید می‌توان گفت که کردهای عراق نیز در آن حالت قرار گرفته‌اند و همچنان در حال تلاش هستند.

بطور کلی بحران کردستان عراق در آینده همچنان ادامه خواهد داشت تا اینکه کردها به حقوق خویش دسترسی پیدا نمایند. در حال حاضر احتمال زیادی می‌رود که کردها به حقوق فدرالی در چارچوب عراق دسترسی پیدا نمایند.

کردها به مدت زیادی از ۱۹۹۱ تاکنون آزادی را لمس نموده‌اند و اکنون حاضر هستند بهای زیادی را برای آزادی پرداخت نمایند و به احتمال زیاد در صورت عدم شناخت حقوق فدرالی برای کردها در آینده درگیریهای فوق‌العاده شدیدتری بین کردها و رژیم حاکم بر بغداد صورت خواهد گرفت که احتمالاً این درگیریها تأثیر زیادی بر شکل‌گیری بحرانات در منطقه خلیج فارس خواهد داشت.

در حال حاضر نیز بعد از گذشت جنگ سرد روشهای قدرتهای بزرگ جهت کسب منافع ملی همچنان ادامه دارد. برای نمونه می‌توان به سیاست عربی کردن مناطق نفت خیز کردستان عراق اشاره نمود که کشور آمریکا و کشورهای غربی هیچ عکس‌العملی را در مقابل این سیاست رژیم صدام از خود در دفاع از کردها نشان نداده است. آمریکا

مناطق نفت خیز کردستان عراق را نیز جزو منطقه ممنوعه قرار دهد ولی دست به چنین سیاستی به نفع کردها نزده است. بر اساس اصول ششگانه تئوری واقع‌گرایی مورگنتا در مورد اینکه رفتار کشورها جهت تأمین منافع ملی آنها می‌باشد، در اینجا نیز ما شاهد رفتار آمریکا جهت تأمین منافع ملی آن بوده‌ایم. توافق کردها و عربها بر سر مناطق نفت خیز کردستان یکی از مهمترین چالشها بر روابط کردها با حکومت مرکزی خواهد بود. در صورت اختلاف مجدد کردها با حکومت مرکزی در آینده موجب افزایش روحیه خشونت و نظامی‌گری ارتش عراق خواهد شد که سبب عدم ثبات سیاسی منطقه خلیج فارس و شکل‌گیری بحرانهای شدیدی در منطقه خلیج فارس خواهیم بود. بهترین راه حل برای جلوگیری از روحیه نظامی‌گری و خشونت عراق و عدم ثبات در منطقه، تأمین حقوق فدرالی برای کردهای عراق خواهد بود.

فهرست منابع به زبان فارسی

- ۱- امین زکی، محمد، تحقیقی تاریخی درباره کرد و کردستان، ترجمه حبیب الله تابانی، ویراستار لطفعلی حسینزاده، تهران، آیدین، ۱۳۷۷.
- ۲- امین، عبدالامیر، منافع بریتانیا در خلیج فارس، ترجمه علی رجبی یزدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- ۳- الهی، همایون، امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، قومس، ۱۳۷۲، ج ۲.
- ۴- الهی، همایون، خلیج فارس و مسایل آن، تهران، شرکت آموزش فرهنگی و انتشاراتی اندیشه، ۱۳۶۸.
- ۵- ایگلتون جونیز، ویلیام، جمهوری ۱۹۴۶ کردستان، ترجمه سیدمحمد صمدی، تهران.
- ۶- الحسنی، سلیم، مبانی و تفکر رؤسای جمهوری آمریکا، ترجمه صالح ماجدی و فرزاد ممدوحی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ۷- اسدی، بیژن، علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱.
- ۸- اشمیت، هلموت، استراتژی بزرگ، ترجمه هرمز همایونپور،

تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، چ ۲.

۹- ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل، مسائل نظامی استراتژی

معاصر، ویراستار محسن مدیرشانه‌چی، تهران، سمت، ۱۳۷۴.

۱۰- الجمیلی، سرهنگ ع، نگاهی به تاریخ سیاسی عراق، ترجمه

محمد حسین زوارکعبه، حوزه هنری، ۱۳۷۰.

۱۱- اولسن، رابرت، قیام شیخ سعید پیران، ترجمه ابراهیم یونسی،

تهران، نگاه، ۱۳۷۷.

۱۲- آبلااس، ادگار، جنبش کردها، ترجمه اسماعیل فتاحی قاضی،

تهران، نگاه، ۱۳۷۷.

۱۳- انصاری، جواد، ترکیه در جستجوی نقش تازه در منطقه،

تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.

۱۴- آقا بخش، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و

مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵، چ ۲.

۱۵- ارفع، حسن، کردها و یک بررسی تاریخی و سیاسی،

۱۶- ابن رستم بابانی، عبدالقادر، سیرالاکرد، تهران، محمد رئوف،

توکلی، ۱۳۶۶.

۱۷- باربر، جمیز و مایکل اسمیت، ماهیت سیاستگزاری خارجی،

در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه حسین سیف زاده، تهران،

قوس، ۱۳۷۴، چ ۲.

۱۸- بهتویی، حیدر، کُرد و پراکندگی او در گسترده ایران زمین،

تهران، مؤلف، ۱۳۷۷.

۱۹- بلیسیس، جان و دیگران، استراتژی معاصر نظریات و خط

مشی‌ها، ترجمه هوشمند فخرائی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی، ۱۳۷۴، چ ۳.

- ۲۰- بیشکچی، اسماعیل، کردستان مستعمره چند دولت، ترجمه ع. بابان، سوئد، چاپخانه باران، ۱۹۹۶.
- ۲۱- برگزیده دیدگاههای گروه دیامونت، نفت و سیاست در خاور میانه، ترجمه فریدون برکشلی، تهران، قومس، ۱۳۷۸.
- ۲۲- براندن، هنری، در جستجو نظامی جدید برای جهان، ترجمه احمد تدین، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۲۳- پسیان، نجفقلی، از مهاباد خونین تا کرانه‌های ارس، تهران، ۱۳۲۸.
- ۲۴- پارسا دوست، منوچهر، ریشه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰، ج ۵.
- ۲۵- تانزر، مایکل، بحران انرژی، مبارزه جهانی برای کسب قدرت و ثروت، ترجمه محمود ریاضی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۲۶- ترکانی، اکبر، نظری اجمالی به ژئوپلیتیک بتهانی در قرن اخیر، تهران سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۷، ج ۲.
- ۲۷- توحیدی، کلیم الله، حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران، مشهد، ۱۳۶۶، ج ۱.
- ۲۸- جابر، پائول و دیگران، منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی، ویراستار علی‌هاشمی گیلانی، تهران، سفیر، ۱۳۷۰.
- ۲۹- جلائی پور، حمیدرضا، کردستان علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲.
- ۳۰- چامسکی، نوام، دمکراسی بازدارنده، ترجمه غلامرضا تاجیک، تهران، کیهان، ۱۳۷۲.
- ۳۱- حمید، عنایت، اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه

- بهاء الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲، ج ۳.
- ۳۲- حافظ نیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگ هرمز، تهران، سمت، ۱۳۷۱.
- ۳۳- دوورژه، موريس، اصول علم سياست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۹.
- ۳۴- دوفونت، فرانسوا، نژادگرایی (راسیسم)، ترجمه حسین شهیدزاده، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۳۵- دريسدل، آلاسداير و جرج بلیک، جغرافیای سیای خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، ج ۳.
- ۳۶- دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی کردستان (۱)، تهران، ش ۳۱.
- ۳۷- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزاگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس، ۱۳۷۲، ج ۱.
- ۳۸- روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- ۳۹- روریش، ویلفرد، سیاست به مثابه علم، ترجمه ملک یحیی صلاحی، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
- ۴۰- زریخت، مرتضی، از کردستان عراق تا آنسوی رود ارس، راهپیمائی تاریخی ملا مصطفی بارزانی ۱۳۲۶، تهران، شیرازه، ۱۳۷۷.
- ۴۱- ژر، پی یرژ، ژئوپولیتیک اقلیتها، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، واقفی، ۱۳۷۴.
- ۴۲- ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران،

سروش، ۱۳۷۵، ج ۲.

۴۳- سیسل جی، ادموندز، کردها، ترکها، عربها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، روزبهان، ۱۳۶۷.

۴۴- سیف زاده، حسین، نظریه‌های مختلف درباره راههای گوناگون
نوسازی و دگرگونی سیاسی، (تهران، قومس، ۱۳۷۳) ج ۲.

۴۵- سیف زاده، حسین، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل،
تهران، سفیر، ۱۳۷۲، ج ۳.

۴۶- سیف‌زاده، حسین، نظریه پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و
قالبهای فکری، تهران، سمت، ۱۳۷۶.

۴۷- سمسون، آتونی، بازار اسلحه، ترجمه فضل‌الله نیک آیین،
تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ج ۲.

۴۸- شاهوردی، شهرام، تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل و
تاثیر آن بر منطقه خلیج فارس، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش
جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

۴۹- شوادران، بنجامین، خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، ترجمه
عبدالحسین شریفیان، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.

۵۰- شرایبر، ژان ژاک سروان، تکاپوی جهانی، ترجمه عبدالحسین
نیک‌گهر، تهران، نو، ۱۳۶۱.

۵۱- شعبانی، رضا، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران، قومس،
۱۳۷۱، ج ۲.

۵۲- صواف، محمد محمود، نقشه‌های استعمار در راه مبارزه با
اسلام، ترجمه جواد هشتروودی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی
۱۳۴۶.

۵۳- صافی، احمد، خانواده متعادل، تهران، انجمن اولیاء و مربیان

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴ چ ۲.

۵۴- طباطبائی، محمد، روابط بین‌المللی و نظم نوین جهانی، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.

۵۵- طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، علمی، ۱۳۷۲،

چ ۲.

۵۶- عزتی، عزت‌الله، ژئو استراتژی، ویراستار محسن مدیر شانه‌چی، تهران سمت، ۱۳۷۳.

۵۷- علی بابائی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، ویس، ۱۳۶۹، ج ۳، ج ۲، چ ۲.

۵۸- عزیزیان، افشین، وحدت اروپا در تئوری و عمل، تهران، چاپخش، ۱۳۷۲.

۵۹- فولر، گراهام، قیله عالم ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۷، چ ۲.

۶۰- فرانکل، جوزف، روابط بین‌الملل در جهان متغیر، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷، چ ۲.

۶۱- فوئن، آندره، یک بسترو دو رویا، ترجمه هوشنگ مهدوی، تهران، نو، ۱۳۶۲، چ ۲.

۶۲- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴، ج ۱، ج ۲، چ ۸.

۶۳- قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت، ۱۳۷۳، چ ۳.

۶۴- کندال، عصمت شریف وائل و مصطفی نازدار، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، روز بهان، ۱۳۷۲، چ ۲.

۶۵- کاظمی، علی اصغر، زنجیره تنازعی در سیاست و روابط

- بین الملل، تهران، قومس، ۱۳۷۰.
- ۶۶- کینان، درک، کردها و کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نگاه، ۱۳۷۲.
- ۶۷- کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، کویر، ۱۳۷۱.
- ۶۸- کوچرا، کریس، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نگاه، ۱۳۷۷، ج ۲.
- ۶۹- کالینز، جان، استراتژی بزرگ اصول و رویه‌های، ترجمه کوروش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، ج ۲.
- ۷۰- کنت، آرتور، یالتا یا تقسیم جهان، ترجمه محمود طلوعی، تهران، هفته، ۱۳۶۵.
- ۷۱- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۴، ج ۲.
- ۷۲- گازیور روسکی، مارک ج، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، مرکز ۱۳۷۱.
- ۷۳- لیون، تی هدر، باتلاق آمریکا در خاورمیانه، ترجمه رضا حائز، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۳.
- ۷۴- کانگریک، استیون همزلی، عراق ۱۹۵۰-۱۹۰۰- تاریخ سیاسی اجتماعی و اقتصادی، ترجمه علی درویش، ویراستار اسدالله توکلی طبس مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
- ۷۵- لطفیان، سعیده، استراتژی و روشهای برنامه ریزی استراتژیک، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶.
- ۷۶- روحانی، بابامردوخ (شیوا)، بابا، تاریخ مشاهیر کرد، ویراستار ماجد مردوخ روحانی، تهران، سروش، ۱۳۷۱، بخش ۲، ج ۳.

- ۷۷- مدنی، جلال الدین، مبانی و کلیات علوم سیاسی، تهران، علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ج ۱، ج ۲.
- ۷۸- میرحیدر، دره، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت، ۱۳۷۱.
- ۷۹- ماکیاولی، نیکولو، شهریار، ترجمه داریوش آشوری، تهران، مرکز، ۱۳۷۵، ج ۲.
- ۸۰- مقتدر، هوشنگ، سیاست بین الملل و سیاست خارجی، تهران، مفهرس، ۱۳۷۰.
- ۸۱- مورگنتا، هانس جی، سیاست میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.
- ۸۲- مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ج ۱.
- ۸۳- میلر، جودیت و لوری میل روا، از تکریت تا کویت، ترجمه حسن نقی زاده و حمید هرمزپور، تهران، کویر، ۱۳۷۰، ج ۲.
- ۸۴- نوری، احسان، تاریخ ریشه نژادی کرد، مهاباد، سیدیان، ۱۳۶۱.
- ۸۵- نیکیتن، واسیلی، کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، تهران، نیلوفر، ۱۳۶۶.
- ۸۶- نهرو، جواهر لعل، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱، ج ۳، ج ۷.
- ۸۷- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، ج ۱، ج ۳.
- ۸۸- نیکسون، ریچارد، جنگ حقیقی، جعفر نفقه الاسلامی، تهران، نوین، ۱۳۶۲.

- ۸۹- والدهایم، کوزت، کاخ شیشه‌ای سیاست، ترجمه میرعبدالرحمن صدریه، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶، چ ۲.
- ۹۰- واحد نشر و اسناد، گزیده اسناد مرزی ایران و عراق، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۱، چ ۳.
- ۹۱- هالستی، کی جی، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.
- ۹۲- ولدانی، جعفری، روابط عراق و کویت، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.

فهرست مقالات به زبان فارسی

- ۱- احمدی، حمید «ساختارگرایی در نظریه روابط بین‌الملل، از والرشتین تا والتز» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۳۷۶، ش ۳۷.
- ۲- انصاری دزفولی، مرتضی «امنیت خلیج فارس و بحران سازی در منطقه» تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۷۵، ش ۱۰۶-۱۰۷.
- ۳- فون لوهازن، یوردیس «جنگ خلیج فارس: جنگی بر ضد اروپا» ترجمه شهروز نامدار، تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۷۵، ش ۱۰۸-۱۰۷.
- ۴- کوبوروسی، عاطف و سلیم منصور «اقتصاد سیاسی نفت در خاورمیانه» ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۵، ش ۱۰۸-۱۰۷.
- ۵- لاهوتی، علی «ایالات متحده آمریکا و امنیت خلیج فارس» ترجمه هوشنگ لاهوتی، تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، آذرودی ۱۳۷۴، ش ۹۹ ۱۰۰.
- ۶- نقیب زاده، احمد «جامعه اروپا و مسائل خاور میانه» تهران،

فصلنامه خاورمیانه، پاییز، ۱۳۷۳، سال ۱، ش ۲.

روزنامه‌ها به زبان فارسی

۱- روزنامه کیهان، ۶/ آبان / ۱۳۷۱

۲- روزنامه سلام، ۲۵/ آبان / ۱۳۷۱

فهرست منابع به زبان کردی

- ۱- بارزانی، مسعود، بارزانی نه مرو بزوتنه وه ی رزگار یخوازی کورد، ۱۹۳۱ ۱۹۵۸، وه رگیر سعید ناکام، دهوک، خه بات، ۱۹۹۸. ج ۱
- ۲- بارزانی، مسعود، بارزانی نه مرو بزوتنه وه ی رزگار یخوازی کورد، ۱۹۵۸ ۱۹۶۱، وه رگیر سعید ناکام، دهوک، خه بات، ۱۹۹۸. ج ۲.
- ۳- پروگرام و په یه وه ی ناو خوی، پارتی دیموکراتی کوردستانی یه کگرتو، کونگره یازده هه مینی پارتی له ۱۶ ۲۶ ئاب ۱۹۹۳ دابر یاری له سه ردرواه.
- ۴- حلمی، رفیق، یادداشت. کوردستانی عیراق و شورشه کانی شیخ محمود، به غدا، مطبعه مه عاریف، ۱۹۵۶، به ش ۱.
- ۵- حلمی، رفیق، یادداشت. کوردستانی عیراق و شورشه کانی شیخ محمود، به غدا، مطبعه مه عاریف، ۱۹۵۷، به شی ۲.
- ۶- خه لفین، ن. أ، خه بات له ری ی کورد ستاندا، وه رگیر جه لال ته قی، سلیمانیه، راهه رین، ۱۹۷۱.
- ۷- دیشنه ر، گوینته، کورد گه لی له خشته براوی غه درلی کراو، وه رگیرحمه، که ریم عارف، ارپیل، وزارتتی روشنبیری، ۱۹۹۹.
- ۸- ریچ، کلودیس جیمس، گه شت، بو کوردستان ۱۸۲۰، وه رگیر مه

فهرست مقالات به زبان کردی

- ۱- حمدی، ولید «کورد و کوردستان له لگه نامه کانی به ریتانیا»
هرگیر محه ممدنوری توفیق، په یقین، ژماره ۱، سلیمانیه، ته موزی ۱۹۹۷.



فهرست منابع به زبان عربی

- ١- الحسنى، عبدالرزاق، تاريخ الوزارت العراقية، بغداد، دارالشؤون الثقافية العامة، ١٩٨٨، جزء ١، طبع ٧.
- ٢- الحسنى، عبدالرزاق، تاريخ العراقية السياسى الحديث، لبنان، مطبعة العرفان، ١٩٤٨.
- ٣- الحسنى، عبدالرزاق، تاريخ الوزارت العراقية، بغداد، مطبعة دارالشؤون الثقافية، ١٩٨٨، جزء ٤، طبع ٧.
- ٤- الحسنى، عبدالرزاق، تاريخ الوزارت العراقية، بغداد، مطبعة دارالشؤون الثقافية العامة، ١٩٩٨، جزء ٦، طبع ٧.
- ٥- الوردى، على، لمحات اجتماعية من تاريخ العراق والجديد، بغداد، مطبعة المعارف، ١٩٧٦، جزء ٦.
- ٦- الحاج، عزيز، القضية في العشرينان، بغداد، مطبعة الانتصار، ١٩٨٥، طبع ٢.
- ٧- خصباك، شاكر، الكرد والمسألة الكردية، بغداد، مطبعة اربعة، ١٩٥٩.
- ٨- عبدالرضا، ماجد، المسألة الكردية في العراق ١٩٤٨، بغداد، مطبعة دارالحباط، ١٩٧٠.

- ٩- عبد الجبار حيدر، المسألة الكردية في الوثائق العراقية، رسالة الماجستير العلوم السياسية، جامعة بغداد، ١٩٨٢.
- ١٠- فتحي صفوة، نجدة، العراق في الوثائق البريطانية ١٩٣٦. البصرة، مطبعة اشبيلية، ١٩٨٣.
- ١١- فوزي، احمد، قاسم والاكراد ختاجه و جبال، ... ١٩٦١.
- ١٢- كوكس، السبرسي و سرهنري دويس، صفحة من تاريخ العراق من سنة ١٩١٤ الى ١٩٢٦ تكوين الحكم الوطني في العراق، تعريب بيشر فرجو، موصل، مطبعة الاتحاد الجديدة بالموصل، ١٩٥١.
- ١٣- مظهر احمد، كمال، كردستان في سنوات الحرب العالمية الاولى، ترجمة محمد الملا عبدالكريم، بغداد، مطبعة المجمع العلمي الكردي، ١٩٨٤، طبع ٢.
- ١٤- مظهر احمد، كمال، دور الشعب الكردي في ثورة العشرين العراقية، بغداد، مطبعة، الحوادث، ١٩٧٨.

مقالات به زبان عربی

- ۱- «ازمه بین روسيا و تركيا بسبب الاكراد و اوجلان» الحیات، انگلستان ۱۹۹۴/۲/۲۳.
- ۲- «الاکراد: من هم والی این» المجله، انگلستان، ۱۹۹۶/۹/۲۸.
- ۳- «سیاسة اميركية جديده حيا ل العراق» الوسط، انگلستان ۱۹۹۶/۹/۲۳.
- ۴- برزنجی، فوزی «حلف صدام و البارزانی یقلب معادلات طهران و الطالبانی» الحوادث، انگلستان، ۱۹۹۶/۹/۱۸.
- ۵- دوغو، ایرجیل «العلاقات اميركية بين الاكراد العرب اميركية الاكراد العرب الاسراييلين» السفير، لبنان، ۱۹۹۵/۸/۱۱.
- ۶- زکی، شهاب «ایران.... الوساطة الاميركية تصبغ بالشرط الكروية» الوسط، انگلستان، ۱۹۹۶/۹/۲.
- ۷- شورش، سامی «الحاضر و المستقبل العراق و كردستان العراق» الحیات، انگلستان، ۱۹۹۴/۱۱/۷.



اعلام

۱- جاہا

۲- کسان

- ب -

افغانستان ۱۳۷، ۱۴۰	بادیان ۵۹، ۷۵
اکباتان ۲۰	بارزان ۳۵، ۶۰، ۷۶، ۷۷، ۱۳۹
الجزایر ۹۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹	بازیان (دریند) ۷۲
۲۰۲، ۲۱۵، ۲۱۶	یاکو ۸۲، ۸۴، ۱۴۲
الموت ۲۷	بالکان ۱۲۳
امپراطوری عثمانی ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۶	بتلیس ۴۳، ۷۹
انزان ۱۸	بحرین ۱۷۳، ۲۰۱
انگلستان ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۳۰	بدلیس ۵۱، ۸۸، ۱۲۵
۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۴	برلن ۴۲
۵۵، ۵۶، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۸۳	برلین ۷۹، ۱۲۲
۸۷، ۸۹، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۱۹، ۱۲۱	بریتانیا ۱۱، ۲۳، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۷
۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸	۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵
۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۴۹	۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲
۱۵۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۳	۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۹۹، ۱۱۹
۲۱۴، ۲۰۷	۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹
اورفه ۲۱	۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷
ایتالیا ۳۰، ۵۳، ۱۰۳، ۱۲۸	۱۳۹، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۸۰
ایران ۱۸، ۲۰، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۴۰	بیستون ۲۱
۵۶، ۶۵، ۷۴، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳	بسفور (تنگه) ۷۹
۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۸	بصره ۴۹، ۷۴
۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰	بغداد ۴۵، ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۶۲
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹	۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۹۰، ۹۸، ۱۱۹، ۱۲۰
۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵	۱۲۲، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱
۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۶	۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۷۰
ایلام ۳۸	۱۷۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۷، ۲۰۸، ۲۱۵
اینجریک ۱۸۹	۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸
	بلژیک ۳۰، ۵۳

۹۱، ۹۴، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶	بلغارستان ۱۲۳
۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۲	بلوچستان ۲۷
	بمبئی ۱۲۲
- ج -	بوکان ۸۴
جزیره ۲۱، ۲۴	بیت المقدس ۲۱
	بین النهرین ۵۳
- چ -	بین النهرین سفلی ۳۱
چالدران ۵۰	
چکسلواکی ۵۳	- پ -
چمچمال ۷۱	پاکستان ۱۴۸، ۱۵۱
چین ۱۰۳	پاریس ۵۲
	پردی ۱۲۰
- ح -	
حجاز ۴۹، ۵۳	- ت -
حریر ۳۱	تاسلوج ۷۲
حکاری ۷۰	تبریز ۸۱، ۸۴، ۱۴۲
حلبچه ۱۲، ۷۱، ۸۶، ۲۱۷	تراپوزان ۵۱، ۸۰
	ترکمنستان ۲۹
- خ -	ترکیه ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۴۴، ۴۶
خاقین ۳۸	۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۶۵، ۷۴، ۷۵
خاورمیانه ۹، ۱۷، ۴۵، ۴۸، ۷۸، ۸۸	۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۴، ۹۷، ۱۲۳، ۱۲۸
خراسان ۲۷	۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸
خرپوت ۸۸	۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۸۹، ۱۹۴
خلیج فارس ۹، ۷۹، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳	۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷
۹۴، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۷۳	تهران ۸، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵
۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸	۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۱
۱۸۹، ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۵، ۲۱۹	۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۱
	۶۲، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۹۰

سلیمانیه ۲۳، ۳۲، ۳۳، ۴۹، ۶۱، ۶۹،	- د -
۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۹، ۱۲۰، ۱۳۱،	دارداتل (تنگه) ۷۹
۱۳۳، ۱۴۳	دالان پر (کوه) ۱۴۶
سوئد ۳۰	دانمارک ۳۰
سور ۱۲۸، ۱۳۰	دریندخان ۸۵
سوریه ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۴۹،	دهوک ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۷۵
۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۵، ۶۶، ۸۷، ۹۳، ۱۲۸،	دوبلین ۹۵
۱۳۳، ۱۵۶، ۱۷۳، ۱۹۴	دیاریکیر ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۲، ۸۸
سویس ۳۰	
سیروان ۳۱، ۷۱	- ر -
سیستان ۲۷	رانیه ۷۱
سیلیسیا ۱۲۶، ۱۲۹	رودیبار ۲۷
	روسیه ۱۰، ۱۳، ۳۰، ۴۲، ۵۱، ۶۶،
- ش -	۷۸، ۸۰، ۸۶، ۸۷، ۱۲۵، ۱۲۶
شاره زور ۳۱	روسیه تزاری ۷۹، ۸۱، ۹۹
شوروی ۱۲، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۵۱، ۵۶،	رومانی ۵۳
۶۱، ۶۲، ۶۶، ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴،	
۸۵، ۸۶، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۹، ۱۴۳، ۱۴۴،	- ز -
۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵،	زاب بزرگ ۷۱
۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴،	زاگرس ۱۸، ۳۱
۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۴،	
۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۸، ۲۱۵	- ژ -
شیروان ۳۵	ژاپن ۵۳، ۱۸۵
	ژنو ۷۷
- ص -	
صربستان ۱۲۳	- س -
صور (بندر) ۵۱	سردشت ۱۲۰
	سقز ۲۰

ط -

قطر ۲۰۱	طرابوزان ۱۲۵
قققاز ۱۳۷، ۸۰، ۷۹، ۳۰	

ظ -

کامبوج ۱۷۳	ظفار ۱۷۰، ۹۰
کانادا ۳۰	

ع -

قیوان ۱۲۰	عراق مکرر
کردستان مکرر	عثمانی (ترکیه) ۴۶، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۹
کجور ۲۷	۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۹، ۸۰
کرکوک ۸۹، ۷۳، ۷۰، ۴۹، ۳۲، ۱۲	۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۵
۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۹۳، ۲۱۷	عربستان ۲۰۰، ۱۸۷، ۱۶۴
کرمانشاه ۱۲۵، ۳۸، ۲۷	عمان ۹۰
کفری ۱۲۰	عیلام ۱۸
کلاردشت ۲۷	
کویت ۲۱۶، ۲۰۱، ۱۸۳، ۱۸۲	

ف -

گی -

گرجستان ۳۰، ۲۹	فرات ۷۵
گیلان ۲۸، ۲۷	فرانسه ۵۵، ۵۲، ۵۱، ۳۰، ۱۳، ۱۰
گوام (جزیره) ۹۰	۶۶، ۸۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹
	۱۸۲، ۲۰۷، ۲۱۴
	فلسطین ۱۷۲، ۵۱

ل -

ق -

لبنان ۹۵، ۴۹، ۴۴	قاهره ۵۵
لرستان ۸۱	قرقیزستان ۲۹
لندن ۷۷، ۵۵	قزاقستان ۸۶، ۲۹
لوازان ۱۳۳، ۱۳۲، ۵۵	قزوين ۲۸، ۲۷
لهستان ۵۳، ۴۰	قشان ۱۲۰

- م -

مازندران ۲۸، ۲۷

ماوت ۱۲۰

مدیترانه ۹۰

مسکو ۱۸۲، ۱۵۶، ۱۵۴، ۸۶، ۸۴

مشهد ۲۷، ۴۶، ۲۷

مصر ۲۱

مغولستان ۱۵۷، ۱۵۶

موصل ۷۵، ۷۱، ۵۵، ۴۹، ۴۳، ۱۲

۸۰، ۸۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶

۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵

۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۵

مهاباد ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۲۰، ۸۴، ۱۸

میاندوآب ۱۴۲

میرسور ۳۵

- ن -

نیوزلند ۳۰

نیویورک ۱۷۵

نینوا ۳۲

- و -

واسط ۳۲

واشنگتن ۲۰۵، ۹۸، ۹۷، ۹۱

وان ۱۲۵، ۸۸، ۷۹، ۷۰، ۵۱

وهیدا ۹۵

ویتنام ۱۶۵، ۱۶۳، ۹۱

- ۵ -

هامیلتن ۳۱

هرمز (تنگه) ۹۰

هلند ۱۲۲، ۳۰

همدان ۳۸

هند ۱۲۲، ۱۰۳

هند (اقیانوس) ۷۸

هندوستان ۱۲۷، ۷۲

هولی زرد ۹۵

- ی -

یمن جنوبی ۱۷۳

یورمو تالیک ۸۸

یوگوسلاوی ۵۳

یونان ۱۲۳، ۵۳، ۳۰

یونان باستان ۱۰۳

کسان

آ	ج
آتا کچوف، ژنرال ۸۴، ۱۴۲	جلال طالبانی ۵۸، ۹۷، ۹۸، ۱۹۶، ۲۰۴
ا	جان کانالی ۹۱
ابراهیم احمد ۱۴۲	جواهر لعل نهرو ۷۷
ابوالفتح خان ۲۴	جیمز فورستال ۱۶۱
احسان نوری ۱۸، ۱۹	خ
احمد چلبی ۱۹۱	خروشچف ۱۵۸
احمد حسن البکر ۸۵، ۱۵۸	د
ادموندز ۷۰	دالس ۱۵۰
استالین ۱۴۴، ۱۴۵	دمرگان ۱۹
استرابون ۱۹	رضا شاه ۱۴
اسلامیان ۸	ر
اسماعیل بیشکچی ۱۳۵	رفیق حکمی ۷۱
ب	رونسبون ۷۸
بومدین ۱۷	ریچارد نیکسون ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۹
تئودور نولدکه ۱۹	۱۷۱
تاج الدین ۳۵، ۳۶	
تروفن ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۱	

ش	ص
ژرژ آلن ۱۴۵	صدام ۹۲، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۷۲، ۱۷۵
ژنرال مود ۴۷	۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۸۸
	۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰
س	۲۰۲، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۸
سادچیکوف ۱۴۴، ۱۴۵	صلاح‌الدین ایوبی ۲۱، ۲۲
سرپرسی کوکس ۴۹	
سردار فیض محمدخان ۱۴۰	ع
سلطان سلیم عثمانی ۱۲، ۲۳، ۵۰	عباسعلی خلعتبری ۱۷۵
سلطان عبدالحمید ۱۲۰	عبدالرحمن قاسملو ۷۲، ۷۳، ۸۱، ۸۲
سلطان محمود ۲۳، ۴۲	عبدالکریم قاسم ۱۱، ۵۰، ۶۲، ۷۸
سلیمان دمیرل ۱۹۵	۸۴، ۸۵، ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۱۴
ش	عبدالسلام عارف ۱۵۸
شاخوفسکی ۸۱	عبدالله اوجالان ۸۶، ۸۷
شاه اسماعیل صفوی ۲۲	علی اکبر ولایتی ۱۹۴
شاه ایران (محمدرضا شاه) ۱۷۵	علی عبدالله ۸۳
۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۰	ف
شاه عباس ۲۷	فردوست ۹۱، ۹۲
شیخ رشید ۱۴۰	ق
شیخ احمد بارزانی ۳۹، ۴۶، ۵۹، ۶۰	قاسملو ۱۲۶
۷۶، ۱۳۹، ۱۴۰	قاضی محمد ۶۱
شیخ سعید پیران ۴۲، ۴۶	ک
شیخ عبدالسلام بارزانی ۳۹، ۴۳، ۴۴	کریمخان زند ۲۴
شیخ عبیدالله نه‌ری ۳۹، ۴۱، ۴۲	کلیمانسو ۱۲۶
شیخ محمود برزنجی ۳۹، ۴۴، ۴۵	کیسینجر ۹۰، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲
۵۴، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۹۹، ۱۰۰	
۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۲۱۴	

۱۱۵، ۱۲۱، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ملامصطفی بارزانی ۳۶، ۴۶، ۵۶،
۱۷۴، ۲۰۸

۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴،
۶۶، ۷۶، ۷۸، ۸۴، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۶،
۱۴۷، ۱۴۸

گ

گرمیکو ۱۵۶ ملک فیصل ۴۹
مینورسکی ۲۴، ۲۲

ل

لازاریف ۸۰ لیچمن ۷۵
نیچیروان بارزانی ۸

ن

نوئل ۷۰

نهر ۱۳۷

نیکسون ۹۱، ۹۰

م

مارک ج گازیوروسکی ۱۵۱

ماکیاوی ۱۰۴

محمد رشید پاشا ۲۳

محمد رضا شاه ۹۲

محمد قاضی ۱۹

و

ویلسون ۷۷

ه

هلموت اشمیت ۱۵۲

مسعود بارزانی ۲۶، ۹۷، ۹۸، ۱۴۰،

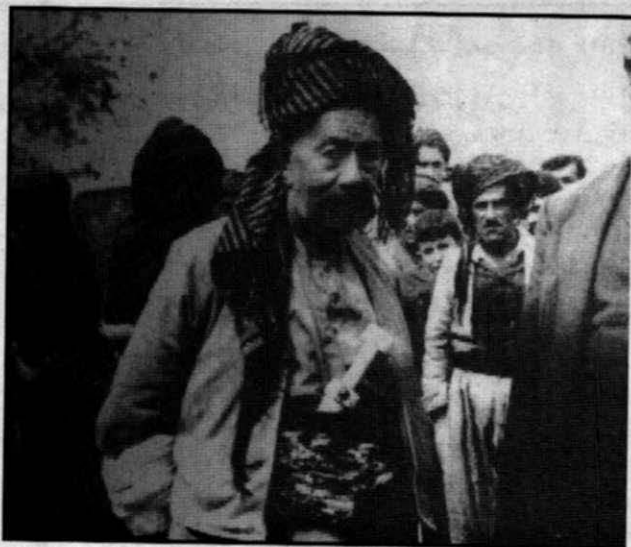
۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۴

مشیرالدوله ۱۹

ی

مصطفی کمال ۱۳۴، ۲۱۴

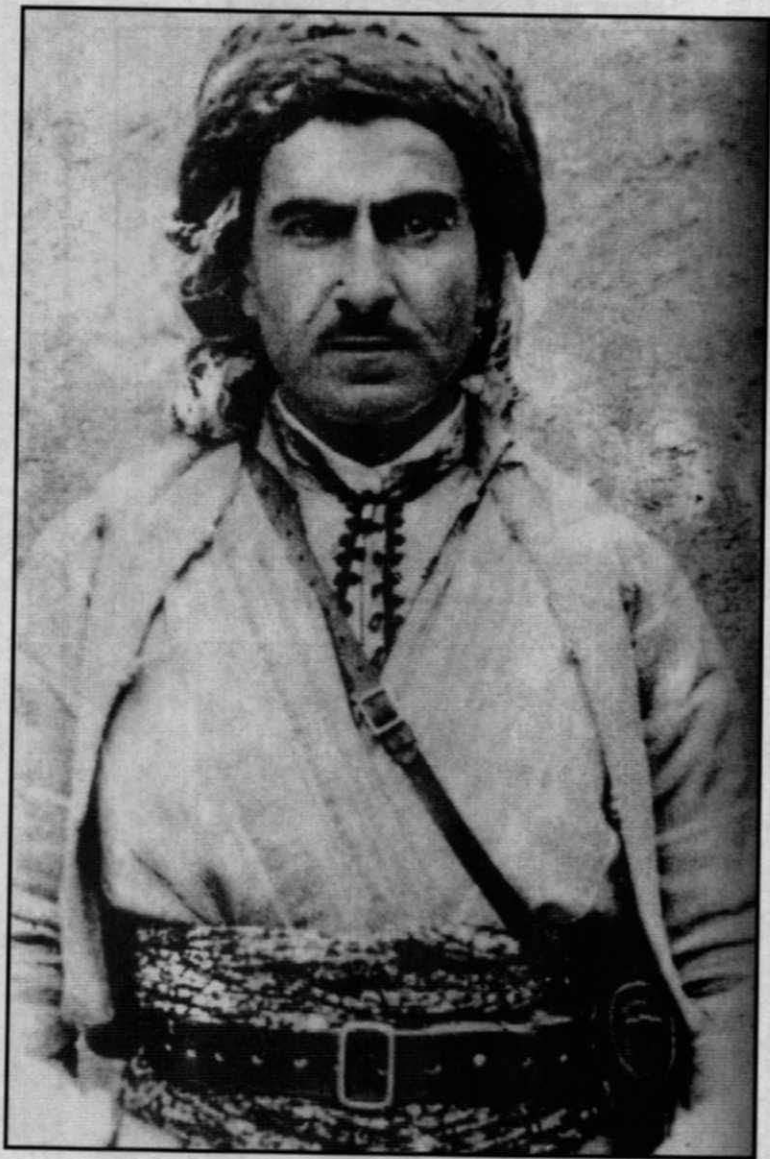
یزدانشیر ۲۴



شیخ محمود برزنجی با توفیق و هبی محقق نامدار کرد



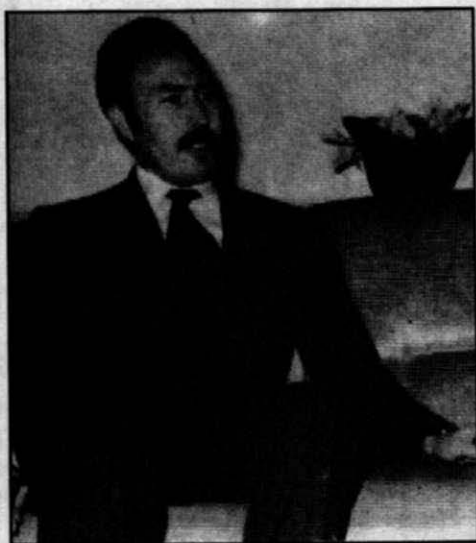
نوری سعید سالها نخست وزیر عراق بود و
در کودتای ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم کشته شد.



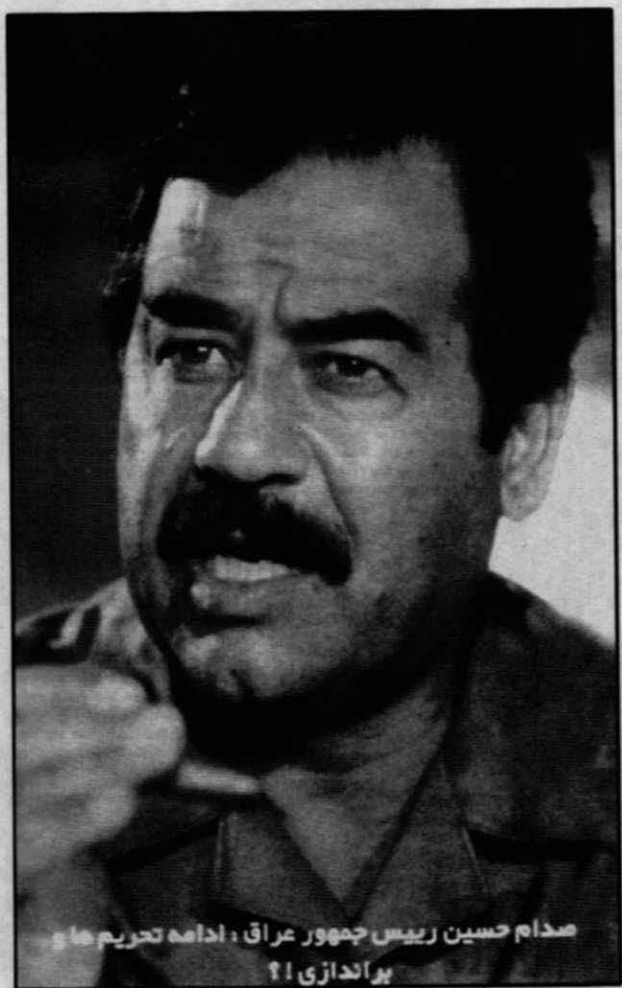
ملا مصطفی بارزانی



عبدالكريم قاسم رئيس جمهور مقتول عراق



بومدين رئيس جمهور الجزائر در سال ۱۹۷۵ ميلادی شاه و صدام را با هم آشتی داد



صدام حسین رئیس جمهور عراق : ادامه تحریم ها و
براندازی ؟!



شاه با چشمان اشک آلود در مقابل یک انقلاب مردمی آماده سوار شدن
به هواپیما و رفتن به مصر است. ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۶ دی ماه ۱۳۵۷)

